



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

کرامات و عنایات

فاطمه علیها السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

بَهْضَتِ فَاطِمَةَ



تألیف: میر سیّدت مونس بیگم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كرامات و عنايات فاطمه زهرا (سلام الله عليها) با مقدمه‌اي درباره نهضت فاطميه

نويسنده:

سيد حجت موحد ابطحي

ناشر چاپي:

صغير

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	کرامات و عنایات فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با مقدمه ای درباره نهضت فاطمیه
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۴	این مجموعه
۱۶	پیشگفتار
۱۸	انگیزه تحقیق و تألیف درباره نهضت فاطمیه
۲۰	شروع نهضت فاطمیه
۲۲	عوامل تداوم و گسترش نهضت فاطمیه
۲۴	کرامات بی شمار، پشتوانه نهضت فاطمیه
۲۴	عرض ادب های بی نام و نشان در شهرها و کشور های دیگر
۲۵	استقبال عمومی در همه جا و در میان همه طبقات
۲۷	نقش دل های سوخته و اشک های جاری در گسترش فاطمیه
۲۸	نقش خطباء و سخنوران در نهضت فاطمیه
۲۹	نقش شعراء و مداحان در جریان نهضت فاطمیه
۳۱	فعالیت های مردمی، عامل گسترش نهضت فاطمیه
۳۲	نقش صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در برنامه های فاطمیه
۳۲	نقش شخصیت های رسمی در نهضت فاطمیه
۳۳	بهره برداری از امکانات روز در برنامه های فاطمیه
۳۳	نقش حرکت دستجات عزاداری، در همه شهر ها و روستا ها
۳۵	نقش مراجع معظم تقلید در حفظ و گسترش نهضت فاطمیه
۳۶	۱- آیه الله العظمی، آقای گلپایگانی
۳۶	۲- آیه الله العظمی شیرازی
۳۷	۳- آیه الله العظمی، صافی گلپایگانی
۳۸	۴- آیه الله العظمی، وحید خراسانی
۳۸	اقدام برای تعطیلی سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام
۳۹	مبارزه سرسختانه با افکار انحرافی
۳۹	دسته عزاداری با پای برهنه
۴۰	۵- آیه الله العظمی آقای تبریزی
۴۰	حرکتی تاریخی و تکان دهنده و موج آفرین
۴۱	۶- آیه الله العظمی فاضل لنکرانی
۴۱	۷- آیه الله العظمی مکارم شیرازی
۴۲	۸- آیه الله العظمی روحانی
۴۳	سایر مراجع معظم تقلید
۴۴	تحقیق و تألیف در خدمت فاطمه زهرا علیها السلام
۴۵	نهضت تألیف و ترجمه کتاب در باره شخصیت و شهادت فاطمه زهرا علیها السلام
۴۶	کتابنامه های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام
۴۷	مفضل ترین کتابنامه فاطمیه
۴۷	تألیف کتاب درباره فاطمه زهرا علیها السلام به زبان های گوناگون
۴۸	سیصد و هفتاد و نه کتاب جدید

۴۸	چهارده سال برابر با چهارده قرن
۴۹	تنوع و تفاوت در ویژگی های تألیفات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام
۵۰	تعداد جاب و تیراز بالا: نشانه موقتیت علمی نهضت فاطمیّه
۵۱	جایگاه مطبوعات در نهضت فاطمیّه
۵۳	فریاد مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام درهم شکننده قدرت و تسلط مخالفان
۵۵	فاطمه زهرا علیها السلام و فاطمیّه امّ البرکات
۵۶	اعزام مبلغ در دهه فاطمیّه
۵۷	برکات نهضت فاطمیّه در زمینه احیاء امر اهل البیت علیهم السلام
۵۷	۱ - تجویز بزرگ در جلب توجه عمومی به مسئله غدیر
۵۷	۲ - توجه دادن به مسئله شهادت حضرت زینب علیها السلام
۵۷	۳ - پیشگیری از شکست حریم امامت
۵۸	۴ - حفظ حریم محترم و عاشورا
۵۹	۵ - جلب توجه علاقمندان ، به میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام
۵۹	۶ - بزرگداشت شهادت حضرت رقیه علیها السلام
۵۹	۷ - بزرگداشت میلاد و شهادت حضرت معصومه علیها السلام
۵۹	۸ - بزرگداشت وفات حضرت سکینه بنت الحسین علیها السلام
۶۰	برکاتی گسترده و فیض هائی الهی
۶۱	تأسیس مراکز دینی و علمی و اجتماعی به نام های فاطمه زهرا علیها السلام
۶۲	مراکز دینی و علمی و فرهنگی و اجتماعی بنام های مقدس فاطمه زهرا علیها السلام با زبان امار و ارقام
۶۴	آلمان غربی
۶۵	آمریکا و کانادا
۶۶	استرالیا
۶۶	افغانستان
۶۸	امارات متّحده عربی
۶۹	انگلستان
۷۰	بحرین
۷۰	مراکز دینی و علمی بحرین به نام حضرت زهراء علیها السلام
۷۱	پاکستان
۷۲	روسیّه
۷۳	سوریه
۷۴	تجلی علاقه به فاطمه زهراء علیها السلام در کشور سوریه
۷۹	عراق
۸۲	عربستان سعودی
۸۴	غنا (غانا)
۸۴	فلسطین
۸۵	کویت
۸۷	مراسم فاطمیّه در کویت
۸۷	گینه
۸۸	لبنان
۹۱	مصر
۹۲	مقام رأس الحسین علیه السلام و زینبّه علیها السلام

۹۴	هندوستان
۹۵	مراکز علمی و دینی به نام فاطمه زهرا علیها السلام
۹۶	یونان
۹۶	مراکز دینی و اجتماعی به نام حضرت زهرا علیها السلام در دیگر کشورها
۹۷	اعتذار و استمداد
۹۸	نقش کاروانهای تبلیغی و کاروانهای عزاداری در نهضت فاطمیه
۱۰۰	اولین سفر تبلیغی در سال ۱۴۱۵
۱۰۰	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۱۶
۱۰۰	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۱۷
۱۰۱	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۱۸
۱۰۱	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۱۹
۱۰۲	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۰
۱۰۲	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۱
۱۰۳	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۲
۱۰۳	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۳
۱۰۴	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۴
۱۰۶	کاروانهای عزاداری برای فاطمه زهرا علیها السلام
۱۰۶	کاروان عزاداری در سال ۱۴۲۰ قمری
۱۰۸	کاروان عزاداری در سالهای دیگر
۱۱۰	آثار و برکات کاروانهای تبلیغی و عزاداری
۱۱۳	نهضت فاطمیه از دید صاحبزنان و شعرأهل البيت عليهم السلام
۱۱۶	کرامات و عنایات گسترده فاطمه زهراء علیها السلام
۱۱۸	کرامتها و عنایتهای فاطمه زهرا علیها السلام
۱۲۰	۱- عطیته ای الهی پس از ۲۷ سال
۱۲۱	۲- من فرزندان و دوستان زیادی دارم که مشکل شما را حل می کنند
۱۲۳	۳- با توسل به حضرت زهرا علیها السلام شفای شما را از امام رضا علیه السلام گرفت
۱۲۵	۴- مفتاح الجنان را به روح مقدس حضرت زهرا علیها السلام هدیه کردم
۱۲۶	۵- روضه محسن مرا بخوانید
۱۲۸	۶- شفای فوری بانویی با توسل به ختم صلوات فاطمه زهرا علیها السلام
۱۳۱	۷- به خاطر حضرت زهرا علیها السلام امام رضا علیه السلام مهمانی می کنند
۱۳۲	۸- برنامه اطعام داریم، شما هم بمانید
۱۳۵	۹- دستور حضرت زهرا علیها السلام به علامه امینی
۱۳۷	۱۰- من که مزدم را گرفتم
۱۳۸	۱۱- خدایا! این جوان به ما متوسل شده
۱۳۹	۱۲- اتفاقاً اینجا را مادرم حضرت زهرا علیها السلام سفارش کرده اند
۱۴۰	۱۳- عنایت امیر المؤمنین و حضرت زهراء علیها السلام
۱۴۵	۱۴- امام زمان علیه السلام با نام مادرشان فاطمه علیها السلام عنایت می کنند
۱۴۶	۱۵- دستور و عنایت حضرت زهراء علیها السلام به آیه الله العظمی گلپایگانی
۱۴۸	۱۶- یا فاطمه زهرا! آیا شما هم جواب رد می دهید
۱۴۹	۱۷- هرکس از حضرت زهرا علیها السلام دفاع کند ما او را بلند می کنیم
۱۵۲	۱۸- بگو مصیبت مادرم فاطمه را بخواند

- ۱۹ - چرا به حضرت زهرا علیه السلام توسل پیدا نمی کنی؟ ۱۵۴
- ۲۰ - فاطمه زهرا علیها السلام به منزل ذریه خود تشریف می آورند ۱۵۶
- ۲۱ - من راضی نمی شوم این شهر ویران شود ۱۵۷
- ۲۲ - با عنایت حضرت زهراء ، ذهن و هوش او متحول می شود ۱۵۸
- ۲۳ - حضرت زهراء گلی را به من دادند، بوئیدم و ۱۵۹
- ۲۴ - با عنایت حضرت زهرا علیها السلام از مرگ نجات یافت ۱۶۱
- ۲۵ - عنایت حضرت رقیه ، در حل مشکل بیت الزهراء علیها السلام ۱۶۲
- ۲۶ - اینجا در باز شده بود ۱۶۶
- ۲۷ - دخترم فاطمه پناهگاه مردم است ۱۶۷
- ۲۸ - کسی که خانه اش را به مادر ما حضرت زهراء علیها السلام می دهد ۱۷۰
- ۲۹ - مشکل سفر زیارتی حضرت زینب سلام الله علیها در جلسه فاطمیه بر طرف شد ۱۷۲
- ۳۰ - چرا نمی آتی ؟ حتماً بیا ۱۷۳
- ۳۱ - نوری سبز رنگ در هنگام نماز استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام ۱۷۴
- ۳۲ - این الفاطمیتون ؟ ۱۷۴
- ۳۳ - خوشگذرانی در آتام فاطمیه به آتش سوزی و عزا میزدل گردید ۱۷۵
- ۳۴ - ... و اینگونه باران رحمت می بارید ۱۷۶
- ۳۵ - من هم عزادار فاطمه زهراء علیها السلام شده بودم. ۱۷۷
- ۳۶ - دختر آلمانی و پدر او: ای فاطمه بپلو شکسته ا ۱۸۰
- ۳۷ - جلسه حدیث کساء و شفای جوان مسیحی در واشنگتن ۱۸۱
- ۳۸ - جاذبه معنوی و نور حضرت زهراء علیها السلام او را به سوی اسلام کشید ۱۸۳
- ۳۹ - و این است، عاقبت کسی که روزه حضرت زهرا علیها السلام را نخواند و ۱۸۴
- ۴۰ - بگو یا زهرا و بیا بالا ۱۸۶
- ۴۱ - هرگاه به یاد آن دیدار و آن خیمه می افتم قلبم می خواهد از هم بپاشد ۱۸۷
- ۴۲ - اینجا را به عنوان برات ، به کسانی بدهید که در این مجلس ۱۹۰
- ۴۳ - چهره کبود شده ای نمایان گردید، و نظری به من نمود ۱۹۱
- ۴۴ - هدایا را به همه حصار بدهید ۱۹۳
- ۴۵ - ایشان بخشیده شده، از او پذیرایی کنید ۱۹۵
- ۴۶ - شفای طفل سرپاز فاطمه زهرا علیها السلام ۱۹۷
- ۴۷ - عطر افشانی در جلسه فاطمیه علیها السلام ۱۹۷
- ۴۸ - پادشاهانی بزرگ، برای فداکاریهایی با اخلاص ۱۹۸
- ۴۹ - دقیقاً آنچه نیاز داشتم رسید ۲۰۶
- ۵۰ - نگران نباشید، ما او را شفا می دهیم ۲۰۷
- ۵۱ - عزاداران فاطمه زهرا علیها السلام جلوی مواء مناب آتشفشان را می گرفتند ۲۰۸
- ۵۲ - چرا دوستان دست خالی از خانه شما بیرون رفتند ۲۱۰
- ۵۳ - آمده ام تشکر کنم از ۲۱۲
- ۵۴ - کسی که گرد و غبار مجلس حسینم به چشم او می رود نباید نگران باشد ۲۱۵
- ۵۵ - حضرت زهرا علیها السلام ؛ باید روزه حضرت رقیه علیها السلام و حضرت آبا الفضل برپا کنی ۲۱۷
- ۵۶ - و این هم شفای بعد از ناامیدی ۲۱۸
- ۵۷ - برادر ! بچه شفا پیدا کرد ۲۱۹
- ۵۸ - ما تو را شفا دادیم، به پدرت بگو یا ما قهر نکنند ۲۱۹
- ۵۹ - سرت را بلند کن و بگو: یا فاطمه الزهراء ۲۲۰

- ۶۰ - شما کجا رفتید؟ این مریض خوب شدنی نبود.....
- ۶۱ - حضرت زهرا علیها السلام؛ شما را چه شده ؟ بلند شو برو.....
- ۶۲ - شجره نامهٔ ما، در حدیث کساء است.....
- ۶۳ - پاشو دنبال دستهٔ عزاداری برو.....
- ۶۴ - به شکرانهٔ این که حضرت زهرا علیها السلام شفایش دادند می خواهیم به مشهد مقدس برویم.....
- ۶۵ - گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست.....
- ۶۶ - فردا در جلسهٔ روضهٔ ... شرکت کنید زیرا.....
- ۶۷ - و این هم نمونه ای از تأثیرات شگفت.....
- ۶۸ - نمکش از آقای ... است.....
- ۶۹ - چکی به من دادند که باور نمی کردم فهمیدم که آنها بزرگ هستند.....
- ۷۰ - در اثر بی احترامی، عروسی به عزا مبتدل می شود.....
- ۷۱ - فقط این بیت به ما داده شده است.....
- ۷۲ - یک بیت را من می گویم، بقیه اش را تو بگو.....
- ۷۳ - روضهٔ شما باید به اندازهٔ عمر مادرم زهراء علیها السلام ۱۸ روز باشد.....
- ۷۴ - قاصد حسینی آمد.....
- ۷۵ - سقف شکافته شد، عنایت رسید.....
- ۷۶ - آقا امام حسین ! می خواهم روضه بخوانم.....
- ۷۷ - در روز شهادت حضرت زهراء کیوتر پرواز کرد.....
- ۷۸ - پشیمانی انتقاد کننده به شکل برنامهٔ فاطمه.....
- ۷۹ - من در کسورتان یک فرزند دارم برو آنجا.....
- ۸۰ - میزبان شما فاطمه زهرا علیها السلام هستند.....
- ۸۱ - مجازات کار شکنی و مخالفت در مورد حق حضرت زهرا علیها السلام.....
- ۸۲ - مرحیاً یک.....
- ۸۳ - همانطور که خودت می گویی صحیح است و ترک نکن.....
- ۸۴ - همان ساعتی که توسل به حضرت زهراء غلیان پیدا می کنند.....
- ۸۵ - کلمه خانم را دوست نمی داریم، نام دیگری ببرید.....
- ۸۶ - شما که جای مجلس حسینم را نمی خورید.....
- ۸۷ - خداوند خیرت بدهد، از جدّ غریب ما دفاع کردی نترس.....
- ۸۸ - به خدا عنایت حضرت زهرا علیها السلام نصیبت شده است.....
- ۸۹ - شفای تو را از خدا گرفتیم.....
- ۹۰ - نام کتاب را بگذارید افسانهٔ خلافت.....
- ۹۱ - هنوز مادرم زهرا علیها السلام راضی نشده اند.....
- ۹۲ - اگر سابقهٔ نوکری حسینم را نداشتی نمی گذاشتم زنده از این خانه خارج شوی.....
- ۹۳ - روضهٔ قسم را بخوانید.....
- ۹۴ - ۱۵۰۰ نفر به آئین تشیع هدایت شدند.....
- ۹۵ - با توسل به حضرت زهرا علیها السلام از زندان رهائی یافت.....
- ۹۶ - عمر مجدّد به برکت برگزاری مجلس برای حضرت زهرا علیها السلام.....
- ۹۷ - فردا آزاد خواهید شد.....
- ۹۸ - بچه دار شدن چند بانوی محترمه با عنایت حضرت فاطمه.....
- ۹۹ - شفای بیمار به برکت نذر ختم قرآن برای حضرت فاطمه علیها السلام.....
- ۱۰۰ - حلّ مشکل یک مرکز درمانی با توسل به حضرت زهراء.....

۲۸۵	۹۷ - نماز استغاثه به حضرت فاطمه علیها السلام
۲۸۶	۹۸ - مقامی ارجمند در اثر دفاع از حضرت فاطمه علیها السلام
۲۸۸	۹۹ - شفای مریض در اثر توشل به حضرت فاطمه علیها السلام
۲۸۹	۱۰۰ - آرزوی والای خدمت در مجالس فاطمیّه
۲۸۹	۱۰۱ - عنایت فاطمه زهرا علیها السلام به یکی از خدمتگزاران خود
۲۹۰	۱۰۲ - پیدا شدن گمشده در اثر توشل به حضرت زهرا علیها السلام
۲۹۱	۱۰۳ - آشار فاطمی در مسجد امام حسین
۲۹۲	۱۰۴ - نگران نباش ... اینجاست
۲۹۳	۱۰۵ - به نحوی توشل به حضرت زهرا علیها السلام پیدا کن که
۲۹۶	۱۰۶ - با دست روی بدنم کشیدند و بشارت شفا به من دادند یکی از دلباختگان نسبت به حضرت زهرا علیها السلام که خود ذریّه آن حضرت است و در راه اهل بیت علیهم السلام و حضرت یقیناً اللّه توفیقاتی دارد، نقل نموده:
۲۹۸	۱۰۷ - خاطره ای از مرحوم کافی درباره حضرت زهرا علیها السلام
۲۹۹	۱۰۸ - ارواح مقدسه همه امامان در عزاداری های اصفهان حضور داشتند
۳۰۰	۱۰۹ - همه امامان و اولیاء الهی میزبان مجلس
۳۰۳	۱۱۰ - آیه اللّه العظمی خوانساری خشنود شدند در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام (فاطمیه دوم) چهار سال است که موفق شده ایم به حرکت دادن کاروان عزاداری از اصفهان به شهر مقدس قم و نیز تهران و ساری و برخی دیگر شهرها و در این کاروان که از اقشار مختلف حضور دارند و
۳۰۳	۱۱۱ - برای من هر کاری که می توانید انجام دهید
۳۰۵	۱۱۲ - دیداری تاریخی و نشستی پر برکت
۳۰۷	۱۱۳ - پای بوسترها اسمی نباشد
۳۰۸	۱۱۴ - آیا بیاد می آوری روزی که مرا صدا زدی چطور کمکت کردم
۳۱۴	(فهرست مطالب)
۳۲۷	تشکر در پیشگاه الهی
۳۲۸	تصاویر بوستر در جریان نهضت فاطمیّه
۳۵۲	درباره مرکز

کرامات و عنایات فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با مقدمه ای درباره نهضت فاطمیه

مشخصات کتاب

سرشناسه: موحدابطحی، حجت، 1333-

عنوان و نام پدیدآور: کرامات و عنایات فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با مقدمه ای درباره نهضت فاطمیه/ تألیف حجت موحدابطحی.

مشخصات نشر: اصفهان: صغیر، 1383.

مشخصات ظاهری: 332 ص.

شابک: 9645862353

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: چاپ دوم؛ تابستان 1384.

موضوع: فاطمه زهرا ((سلام الله علیها))، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- فضایل.

موضوع: فاطمه زهرا ((سلام الله علیها))، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- خطبه ها.

رده بندی کنگره: BP27/2/م 4813 ک 4

رده بندی دیویی: 297/973

شماره کتابشناسی ملی: م 83-36282

نام کتاب..... کرامات و عنایات فاطمه زهرا علیها السلام و نهضت فاطمیه

نویسند..... میر سید حجّه موحدابطحی

فرزند مرحوم آیت الله، حاج سید مرتضی موحدابطحی قدس سره

تاریخ انتشار..... آیام فاطمیه 1425 قمری - تابستان 1383

حروفچینی و صفحه آرائی..... میرنگار - اصفهان

ناشر..... انتشارات صغیر - اصفهان

لیتوگرافی.....ثانیه- اصفهان

چاپ.....قریشیان- اصفهان

صحافی..... پیمان- اصفهان

تیراژ..... 3000 جلد

بهاء.....صلوات بر فاطمه زهرا علیها السلام و سلام بر امام حسین علیه السلام

و دعا برای فرج حضرت بقیة الله الأعظم (عج)

شابک: 3-35-5862-0964

اصفهان - حوزه علمیّه - مدرسه صدر بازار و مدرسه ذوالفقار

اصفهان - خیابان احمد آباد - کوچه ملک الأطباء - بیت الزهراء علیها السلام

میر سیّد حجّة موحد ابطحی

این کتاب توسط خیر اندیش دیجیتالی سرکار خانم محمد جانی اهل شیراز ویراستاری و اصلاح گردیده است.

ص: 1

اشاره

كرامات و عنایات

فاطمه زهرا عليها السلام

با مقدمه ای دربارهٔ

نهضت فاطمیه

تألیف

میر سید حجّت موحد ابطحی

ص: 2

به محضر مقدّس رسول خدا صلی الله علیه و سلم که به یاد مصائب فاطمه زهراء علیها السلام

اشک غم باریدند

به محضر مقدّس امیر المؤمنین علیه السلام که در شهادت فاطمه زهراء علیها السلام آرزوی مرگ نمودند

به محضر مقدّس همه امامان معصوم علیهم السلام که در مصیبت مادرشان ناله ها سر دادند

به محضر مقدّس حضرت بقیة الله علیه السلام که در مصیبت زهراى مرضیه دل شکسته اند

و به همه امامزادگان، زعماء و پرچمداران دین، و همه دلسوختگان

و غمزدگان آن مظلومه، و به هر کس که با فکر و اندیشه، قلم و بیان، مقام و رتبه، هنر و ابتکار، همّت و خدمتِ خود، به آستان مقدّس

حضرت زهراء علیها السلام عرض ادب می نماید

اهداء می گردد.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِنَا وَطَبِيبِنَا

الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَبَشِيرًا لِّلْمُذْنِبِينَ

مُحَمَّدَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَ عَلِيَّ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ، لَا سِيَّمًا

الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ وَالْوَلِيِّ الْمُنتَقَمِ

الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ (عج)

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَي أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

آمِينَ آمِينَ آمِينَ

ص:4

هنوز چند ماهی بیشتر از انتشار دو جلد کتاب نهضت فاطمیّه علیها السلام نمی گذرد که به نحو شفاهی و یا کتبی، از دیدگاه های مطالعه کنندگان و چگونگی تأثیر مطالب کتاب در مناطق گوناگون و اقشار مختلف علمی و اجتماعی، آگاهی های سودمندی به دست آمد و با تأییدات و تشویقات بزرگوارانه و مخلصانه از یکطرف، و پیشنهادات و راهنمایی های علاقمندان، برای تکامل برنامه های مورد نظر در اصل نهضت فاطمیّه و اهداف مورد توجه در انتشار کتاب یاد شده، از طرف دیگر، و ارسال مطالب تازه برای تکمیل و افزایش بخش های کتاب، از طرف سوم علاقمندی و حمایت خود را اظهار داشتند.

برخی پیشنهاد نموده اند که با افزودن بر مطالب مناسب، جلد سوم و چهارمی تهیّه و منتشر گردد، و بعضی دیگر اظهار علاقه نموده اند که بخش معجزات و کرامات فاطمه زهرا علیها السلام (که در کتاب نهضت فاطمیّه منتشر گردیده) مستقلاً به چاپ رسیده، و در تیراژی وسیع تر در اختیار علاقمندان قرار داده شود، و جمعی دیگر خواسته اند که فشرده ای از محتوای کتاب، به صورت خلاصه، در سطحی بسیار گسترده منتشر شود، و دوستان دیگری پیشنهاد کرده اند که گلچینی از مطالب کتاب، به زبان های عربی، انگلیسی، اردو، آذری و... برای آگاهی دوستان اهل البیت علیهم السلام در کشورهای گوناگون، به چاپ رسیده و

این اظهارنظرها و پیشنهادات، که نشانه ای روشن از ایمان و اعتقاد دوستداران خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و علاقمندی آنها به نشر فرهنگ مکتب ولایت، و اشتیاق آنها به نشر گسترش نهضت فاطمیّه در ایران و سایر کشورها می باشد، بار مسئولیت ما را سنگین تر می نماید و امیدواریم که در حدّ توان، قدمهائی (ولو کوچک) در این راه مقدّس برداریم.

چند ماهی بود که در اندیشه بودم که آیا توفیقی الهی و امدادی ولائی نصیب این کمترین می شود که از میان پیشنهادات علاقمندان، دست کم یکی از آنها را جامه عمل بپوشم، و عرض ادبی به ساحت مقدّس حضرت زهراى مرضیّه علیها السلام بنمایم، که بشارتی الهی نصیبم گردید، و تصمیم گرفتم که بخش «کرامات و معجزات فاطمه زهرا علیها السلام» از کتاب نهضت فاطمیّه را به ضمیمه فشرده ای از دیگر مطالب کتاب یاد شده، با اشاره به دانستنی های تازه ای که به دست آمده، به صورت مجموعه ای مستقل آماده نموده، و منتشر سازم، و امید است بشارات و عنایات آن بانوی نورافشان، و آن کوثر حقیقی، چراغ راه، و نیرو بخش حرکت، و جبران کننده ناتوانیهایمان باشد.

انگیزه تحقیق و تألیف درباره نهضت فاطمیه

با گذشت چهارده سال از شروع فعالیت های گسترده، برای بزرگداشت شهادت مظلومه تاریخ اهل البیت علیهم السلام یعنی فاطمه زهرا علیها السلام چه بسیار عرض ادب ها و کوشش ها، که در دفاع از آن مظلومه شهیده، به وسیله علاقمندان و دلباختگان آن حضرت انجام گرفته است. رهبران دینی و معنوی، اندیشمندان و متفکران، اهل قلم و بیان، شاعران و هنرمندان، صاحبان مال و منال، عهده داران پست و مقام، دسته جات و گروهها، و در یک کلام، همه و همه (با تمام ابزار و امکاناتی که در اختیار داشته اند، اعم از مادی و معنوی) دست به کار شده، و نام و یاد حضرت زهرا علیها السلام را گرامی داشته، و ناله ها و پیام های آن مظلومه را همراه با سوز و گداز، و اشک و ناله خویش، به جهانیان رسانده اند، و از هیچ فداکاری دریغ ننموده اند.

بسیاری از دلسوزان ارزش های معنوی و الهی، اصرار دارند که گوشه هائی از این همه ادب و اخلاص، و همت و خدمت ثبت شود، و برای آیندگان منعکس گردد. آنها می گویند گرچه صحنه های بزرگ عشق و ایثار، سوز و شور، و برنامه های مخلصانه و فداکارانه را نمی توان آن چنان که هست تشریح نمود، ولی می توان با اشاره هائی (گرچه ناقص) از این همه ایمان و اعتقاد، و جهاد و عمل، برای آیندگان به یادگار گذاشت.

برخی از آگاهان و آینده نگران، مصرانه می فرمودند: گذشتگان نوشتند، و ما

از آثار و گزارشات آنها، از گذشته خبردار شده ایم، و ما باید بنویسیم تا آیندگان از ایمان و اعتقاد، و باورها و عملکرد های دینی و الهی مردم این زمان آگاه شوند، و لذا از یک سال قبل، در صدد بر آمدن که با جمع نمودن اطلاعاتی درباره برنامه های متنوع و گسترده علاقمندان به فاطمه زهرا علیها السلام (در شهرها و روستاها و کشور های گوناگون) گوشه هائی از آثار بزرگ نهضت فاطمیّه را دسته بندی نموده و عرضه نمایم، و البته می دانم که اشاره به هر مسجد یا حسینیه یا دارالشفاء یا خیریه ای که به نام فاطمه زهرا علیها السلام نامیده شده، اشاره به یک سلسله عرض ادب ها و اخلاص ها، همت ها و فداکاری ها است، و هیچ کس نمی تواند با آمار و ارقام، و با الفاظ و عبارات، آن همه ارزش مادی و معنوی را تشریح نماید. حرکت هر دسته ای، و یا برگزاری هر مجلسی، و یا تأسیس هر بنیان دینی و خیری، در بر گیرنده چه بسیار از کوششها و کوششها، همتها و خدمتها است، و تألیف هر کتاب یا مقاله ای، و سرودن هر مدیحه یا مرثیه ای، نشأت گرفته از چه ذوقها و قریحه ها، ابتکارها و خلاقیت ها، تدبیرها و طراحی ها است، و این همه، قابل بیان و تشریح کامل نمی باشد، ولی:

آب دریا را اگر نتوان کشید پس به قدر تشنگی باید چشید

و البته با دعای خیر و استغاثه به ذیل عنایت حضرت زهرا ی مرضیه علیها السلام برای همه کسانی که خالصانه همکاری نمودند، و در زمینه ارائه گزارشها و آمارها، و نقل کرامتها و بشارتها، و منعکس نمودن ارادتها و علاقه ها، حدّا کثر تلاش خود را مبذول داشتند، موفقیت و سعادت دنیا و آخرت آرزو می نمایم، و امیدوارم که از برکات کوثر اهل البیت علیهم السلام در دنیا، و شفاعت آن حضرت در آخرت، بهره مند شوند. و با توجه به علاقمندی به بی نام و نشان بودن بسیاری

از عرض ادب کنندگان به آستان مقدّس حضرت زهراً علیها السلام سعی نموده ایم، جز در مواردی که ذکر نام و عنوان ضرورت دارد، و در تأمین هدف مقدّس کتاب، تأثیر قابل توجه دینی و اجتماعی می گذارد، در سایر موارد، تنها با اشاره به ارزش های روحی و معنوی ارادتمندان، و صاحبان همّت و خدمت، از داستان و یا عمل و یا آثار آنها یاد نمائیم.

شروع نهضت فاطمیّه

در سال 1411 هجری قمری، که همزمان با یکهزار و چهارصدمین سال شهادت صدیقۀ کبری، فاطمه زهرا علیها السلام بود، با توجه به مصائب و مظلومیت های فاطمه زهرا علیها السلام در صدد بر آمدیم که به منظور بزرگداشت چهاردهمین قرن شهادت آنحضرت، برنامه هائی مخصوص در شهر اصفهان برگزار نمائیم از قبیل: پخش و نصب پوستر های فراوان، در مغازه ها و ادارات و مساجد و مراکز اجتماعی، و نیز نصب پرچم ها و پلاکارد هائی در رابطه با چهاردهمین قرن شهادت آنحضرت و نیز تشویق هیئات عزاداری و مذهبی، برای به حرکت در آمدن، و همانند ایام عاشورای حسینی، به عزاداری و سینه زنی و زنجیر زنی در بازار ها و خیابانها و مجالس سوگواری پرداختن، و همچنین تشویق مردم نیکوکار و خیراندیش به تأسیس خیریه ها و مساجد و حسینیه ها و درمانگاهها و... بنام نامی حضرت زهراً علیها السلام و....

این حرکت معنوی و ولائی که مورد عنایت صاحبان ولایت (ع) بود، با استقبال پر شور عموم طبقات، بالاخص علماء و شعراء و خطبا و مدّاحان و خیراندیشان جامعه، و نیز هیئات عزاداری مواجه گردید، و بیش از حدّ انتظار و در سطحی گسترده، برنامه های یاد شده به اجرا در آمد.

انگیزه های معنوی و موفقیت های اجتماعی، ما را بر آن داشت که به محضر مبارک مرجع عالیقدر جهان تشیع، آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره شرفیاب شویم، و از ایشان درخواست نمائیم که با اقدامات و عنایات خاص خودشان در این زمینه اقدام نمایند، و آن بزرگ مرجع مدافع حریم ولایت اهل البیت علیهم السلام که در اخلاص و ارادت نسبت به حضرت زهراى مرضیه علیها السلام شخصیتی برجسته و ممتاز داشتند، گامهائی مؤثر بر داشتند بدینقرار:

1 - اطلاعیه ای بسیار مهم و دارای محتوای کم نظیر صادر فرمودند، و عموم طبقات، بالاخص علماء اعلام و مسئولین امور، و خطباء و شعراء و مدّاحان و هیئات مذهبی، و خیراندیشان جامعه را به بزرگداشت چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهرا علیها السلام به نحو قاطع تشویق نمودند، که در گسترش و عظمت شروع نهضت فاطمیّه تأثیر عجیبی داشت. (1)

2- از مسئولین امور، و سران کشور ایران خواستند که یک روز، بنام شهادت حضرت زهرا علیها السلام و بزرگداشت چهاردهمین قرن شهادت آنحضرت، تعطیل رسمی در تمام وزارتخانه ها و ادارات و مراکز اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور انجام گیرد، که چنین اقدام بزرگی برای اولین بار در روز شهادت فاطمه زهرا علیها السلام در ایّام فاطمیّه انجام گرفت.

3 - و هم چنین از مسئولین امور خواستند که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، و نیز روزنامه ها و مطبوعات کشور، در سطحی گسترده به بیان عظمت و شخصیت و شهادت و مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام پردازند، و در تمام

ص: 10

1- متن اطلاعیّه یاد شده، و پیامدهای آن، در کتاب نهضت فاطمیّه جلد اول صفحه 47-52 به چاپ رسیده است

نماز جمعه ها یک خطبه کامل درباره شخصیت و شهادت و مظلومیت آن حضرت ایراد نمایند.

اقدامات آن بزرگ مرجع دلسوخته اهل البیت علیهم السلام که مقارن بود با حوادث جنگ خلیج فارس، و مقابله نیروهای آمریکایی و عراقی، و خطر شعله ور شدن آتش جنگ به کشور ایران، و هشدارهای صاحبان نفس برای لزوم توسل گسترده به حضرت زهراى مرضیه علیها السلام برای در امان ماندن ملت و کشور ایران از خطر جنگ ویرانگر (1) زمینه را برای گسترش نهضت فاطمیّه و توجه عمومی ملت و دولت را به مسئله بزرگداشت مظلومیت و شهادت فاطمه زهرا علیها السلام آماده نمود، و آثار و برکات عینی توسلات یاد شده، که به مصونیت کشور عزیزمان انجامید، پایه گذار تداوم نهضت فاطمیّه در سال های بعد گردید

عوامل تداوم و گسترش نهضت فاطمیّه

پایه گذاری نهضت فاطمیّه بر مبنای اخلاص و تقوی، و حضور مخلصانه همه اقشار و طبقات اجتماعی، بدون انتظار پاداش و مزایای مادی، و آثار و برکات گوناگون ظاهری و معنوی، و اثر گذاریهای عمیق تبلیغی، و عشق و شور و سوز فراوانی که در عموم مراسم عزاداری فاطمیّه احساس می شد، همگان را به سوی همکاری و کوشش در توسعه برنامه های گوناگون فاطمیّه حرکت می داد.

در جریان این حرکت سازنده و فراگیر، استاد حوزه علمیّه و دانشگاه، دکتر و مهندس، خطیب و شاعر، امام جماعت و بازاری، دانشجو و طلبه، کاسب و کارگر و...، هر کس عرض ادبی را بر عهده می گرفت، و مخلصانه و بدون

ص: 11

1- برای آگاهی کامل از جریانات یاد شده، به کتاب «نهضت فاطمیّه» و نیز «یادواره یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا علیها السلام» مراجعه شود

رعایت شئون اجتماعی و موقعیت ظاهری خود، هر اقدامی را که در پیشرفت اهداف مقدس فاطمیّه کار ساز می دید، انجام می داد.

نه تقسیم کار به شکل رایج، و به عنوان و مسئولیت رسمی، و نه حقوق و مزایا، و نه سایر امور دست و پا گیر، در عمل و خدمت به آستان مقدس فاطمه زهرا علیها السلام مطرح نمی گردید.

پرچمهایی بی اسم و نشان، و پوسترهایی بی علامت و آدرس، و فعالیت های گسترده ای بی توقع و ادّعا، این حرکت بزرگ دینی و معنوی را سرعت و قدرت و موفقیت می بخشید.

ریشه عمیق محبت فاطمه زهرا علیها السلام در دلها، و سوز و شور عزاداری بر مصائب آن مظلومه، و طوفان شدید عواطف و احساسات پاک و لائمی، همه را به حرکت آورده بود، که محصول این نهضت پر شور، تأسیس هزاران مدرسه و مسجد، و بیمارستان و درمانگاه، و خیریه و کتابخانه و...، بنام نامی فاطمه زهرا علیها السلام، در همه استان های کشور ایران و سایر کشور های جهان می باشد.

آری، اخلاص در عمل، تواضع و فروتنی در خدمت، عدم انتظار از دیگران، کوچک نشمردن هیچ کار مؤثر و مفید، استمداد از ارواح اولیای الهی، بالاخص حضرت زهرا مرصیه علیها السلام و منتقم خون مقدّ سشان، حضرت بقیه الله الأعظم (ع) و دیگر حالات روحی و معنوی دلسوختگان غم شهادت فاطمه زهرا علیها السلام در ایجاد موج اجتماعی، و خیزش عمومی برای نهضت فاطمیّه، نقش اساسی و غیر قابل توصیفی را ایفا می نمود.

به راستی، همین حالات دلسوختگان مصائب و مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام بود، که عالم و عامی، قدرتمند و ضعیف، پیر و جوان و زن و مرد را به حرکت

می آورد، و یکی پس از دیگری، شهرها و روستاها، استانها و منطقه‌ها کشورها و قاره‌ها را در بر گرفته، و در حال رشد و توسعه می باشد.

کرامات بی شمار، پشتوانه نهضت فاطمیه

در طول چهارده سال نهضت فاطمیه، شمار کراماتی که شامل حال پناهندگان به آستان مقدس فاطمه زهرا علیها السلام گردیده است، قابل شمارش و احصا نمی باشد و در میان همه طبقات جامعه، که در میان آنها شخصیت های علمی و اجتماعی و غیر آنها دیده می شوند، بهره مندی از عنایت حضرت زهرا علیها السلام فراوان می باشد، و همین مطلب، در انجام فعالیت های بزرگ، برای بزرگداشت فاطمه زهرا علیها السلام و تاسیس پایگاه بزرگ علمی و دینی و بهداشتی بنام مقدس آن حضرت، نقش اساسی داشته است.

در ریشه یابی علت نامگذاری بسیاری از مساجد و مدارس و بیمارستانها و درمانگاهها و کتابخانه ها و... بنام های مقدس حضرت زهرا علیها السلام عنایتی یا کرامتی جلب توجه می نماید، و علاوه بر عشق و علاقه نسبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بهره مندی از احسان و اکرام و عنایت آن مظلومه معصومه علیها السلام نایل نقش بسیاری داشته است.

در تالیف بسیاری از کتاب های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام و سرودن اشعار شیوا و ماندگار درباره آن حضرت، و تأسیس هیئت ها و برگزاری مجلس های بزرگ و پر هزینه و بسیار مفصل، و در خدمتگذاری های بی شائبه و خستگی ناپذیر، نقش این کرامت ها و عنایت ها چشمگیر و عالمگیر می باشد.

عرض ادب های بی نام و نشان در شهرها و کشور های دیگر

آری، بسیاری از علاقمندان و شیفتگان حضرت زهرا علیها السلام و تلاشگران در

جریان نهضت فاطمیّه علیها السلام آن چنان خود را مدیون الطاف مادّی و معنوی ظاهری و باطنی حضرت زهرا علیها السلام می دانستند، که نه تنها در محلّ و شهر خود، در اداره و کارخانه منسوب به خود، عرض ادب می نمایند. بلکه خیابانها و میدان های دور از محیط خود را بدون نام و نشان، زیر پوشش تبلیغات فاطمیّه می برند، و با اشک های جاری در شب های تاریک، به نصب پرچمها و پوستر های بی نام و آدرس، و تنها بیانگر عظمت و مظلومیت حضرت فاطمه علیها السلام می پردازند.

کاروان های تبلیغی بی نام و عنوان، و دستجات عزاداری بی اسم و ادعا نقش بسیار عجیبی در برانگیختن احساسات لطیف و عواطف پاک طبقات گوناگون جامعه داشته و دارد، و در همگانی ساختن نهضت فاطمیّه، آثاری بزرگ بر جای گذاشته است.

استقبال عمومی در همه جا و در میان همه طبقات

در میان صدها گزارش واصله از کسانی که در سراسر ایران و حتی کشور های سوریه، لبنان، عراق، پاکستان، هندوستان، عربستان سعودی، کویت، دبی، و دهها کشور دیگر اسلامی و غیر اسلامی، پوستر و پرچم برده و نصب کرده اند، و یا به علاقمندان تحویل داده اند، جریانات بسیار جالب، و شنیدنی و به یاد ماندنی و حیرت انگیز ملاحظه می شود، که از یک طرف، عمق دل بستگی انسانها را (اگر چه شیعه و حتی مسلمان نباشند) به خاندان رسالت، بالأخص حضرت زهرا علیها السلام ثابت می کند، و از طرف دیگر، نشان می دهد که ظاهر افراد را نباید میزان قضاوت درباره روح و روان، و گرایش ها و کشش های روحی و اعتقاداتشان قرارداد، مثلاً در هنگام توزیع پوسترها، گاهی

جوانهائی که ظاهر مذهبی ندارند، آن چنان با ادب و تواضع، تقاضای گرفتن پوستر حضرت زهراً علیها السلام را می نمایند، که آشک شوق را از دیده های انسان جاری می سازد.

و هم چنین، گاهی برخورد زن های ظاهراً دلبسته به زرق و برق های زندگی، و أحياناً بد حجاب، نسبت به حضرت زهراً علیها السلام و پوستر های مربوط به آن حضرت، انسان را متعجب و منقلب می کند، و در مواردی آشک جاری آنها (با دیدن نام مقدس حضرت زهراً علیها السلام و طرح های پوستر ها، که منعکس کننده مظلومیت آن شهید بزرگ است) همه را تحت تأثیر عظمت و نفوذ معنوی حضرت زهراً علیها السلام در دلها قرار می دهد.

گاهی مغازه دارانی که ویتترین مغازه شان بسیار شیک است، به نصب کنندگان پوسترها می گویند: هر جا که چشمگیرتر است نصب کنید، در وسط شیشه بزرگ 3x3 نصب کنید، بیا روی قلب من بچسبان، دو عدد دیگر برای دو محل دیگر بده، چسب بیشتر بزن که جدا نشود، برای منزل هم بدهید، هر کجا که دید بهتری دارد بچسبانید.

باقیمانده پوستر های سال های گذشته (پنج - شش - هفت سال قبل تاکنون) در مغازه های خیابان های مناطق اعیان نشین، و حتی مسیحی نشین، نشانه همین عمق محبت است.

شخصاً، استقبال عجیب مغازه دارهای دمشق را از پوسترهای حضرت زهراً علیها السلام و نیز التماس های عراقی های زیر چکمه حزب بعث را نسبت به دریافت پوستر های آن حضرت، فراموش نمی کنم.

احترام شایان توجه مسیحی های محله جلفای اصفهان، و مغازه های شیک

خیابان های بالای شهر تهران - مشهد - تبریز - اصفهان - شیراز و... نشانه های جالبی برای فطرت پاک انسانها، و علاقه مندی آنها به نور الهی، یعنی حضرت زهراى مرضیه علیها السلام است.

تقاضای مصرّانه، برای دریافت پوستر های حضرت زهرا علیها السلام از کشور های اروپائی، آفریقائی، آسیائی، استرالیا و آمریکا، همه از تابش نور حضرت زهرا علیها السلام بر دل های همه طبقات و در همه فرهنگها حکایت می کند .

نقش دل های سوخته و اشک های جاری در گسترش فاطمیه

از مجموع صحنه های گوناگون که در طول چهارده سال، در شهر های مختلف و مجالس و مراکز گوناگون مشاهده گردید، و نیز از هزاران گزارش کتبی و شفاهی که از مبلغین و برگزار کنندگان مراسم عزاداری فاطمه زهرا علیها السلام و خطباء و مدّاحان عالی مقام، به دست ما رسیده، بر می آید که هرگاه در اثر معرفت نسبت به مقام و عظمت حضرت زهرا علیها السلام و توجه به مصائب شدیدهای که به آن حضرت وارد گردیده، دل های شیعیان می سوزد، و اشک آنها جاری می شود، آمادگی عجیبی برای هر گونه حمایت و دفاعی از حقّ آن حضرت و اقدام و کوشش برای ترویج از مکتب حیات بخش آن شهیده بزرگ پیدا می کنند.

آری، احساسات لطیف دوستان و شیعیان فاطمه زهرا علیها السلام و دل سوخته و اشک جاری آنها، زمینه را برای هرگونه اقدام علمی و تحقیقی، قلمی و بیانی، فردی و اجتماعی فراهم می سازد، و آنها آماده می شوند که برای دفاع از حریم مقدّس، و حقّ مسلم و غصب شده آن شهید مظلومه، از مال و جان، آبرو و مقام، قلم و بیان، تدبیر و درایت خود استفاده نمایند، و خود را در جمع یاران و

سربازان آن حضرت وارد نمایند، که نمونه این امر را در اطلاعیه ها و فتاوی مراجع تقلید، و با پای برهنه در عزاداری آن حضرت شرکت نمودن آنها، و نیز تأسیس هزاران بیمارستان، درمانگاه، مسجد، مدرسه، مؤسسه خیریه، مراکز علمی و فرهنگی، هیئت های دینی و عزاداری و... به نام نامی آن حضرت، و صرف میلیاردها تومان در راه ترویج و دفاع از حق و مکتب آن حضرت و نیز تشکیل هزاران هزار مجلس و محفل، و حرکت دادن دستجات بی شمار عزاداری، و برگزاری جشن های میلاد مقدس آن حضرت ملاحظه نمود.

نقش خطباء و سخنوران در نهضت فاطمیه

در جریان نهضت فاطمیه، تبیین و تشریح، تحریک و تشجیع، برنامه ای ضروری و غیر قابل اغماض بود، بیان عظمت و شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام شرح سختی و بزرگی مصیبتها، و توضیح انگیزه ها و هدف ها در مبارزات حضرت زهرا علیها السلام نیز روشن کردن علل توجه به حوادث تلخ آن دوران و ریشه یابی و تشریح آثار توطئه ها و خیانت های سردمداران ظلم سقیفه، برای به جریان افتادن نهضت فاطمیه، و تکامل و اوج گیری آن، امری لازم و حیاتی به شمار می آمد، و در این صحنه اساسی بود که خطباء و سخنوران، نقش بسزایی بر عهده گرفتند، و با مطالعاتی گسترده و ارزیابی هائی شایسته، و به کار گیری ذوق و ابتکار، و همت و پشتکار، پیام رسان مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام گشتند، و در هر شهر و دیار، و در هر مجلس و محفل، پا بر روی منبر گذاشتند، و در زمینه های فوق، دُر فشانی کردند، و مغزها و قلبها را، از معرفت و محبت فاطمه زهرا علیها السلام پر نمودند.

چه بسا با یک سخنرانی، جمعیتی را به حرکت در آوردند، و جمعی را به

تصمیم‌گیری برای اقدامی به نام فاطمه زهرا علیها السلام وادار نمودند. نقش این سخنرانیها، در تأسیس مساجد، خیریه‌ها، فاطمیّه‌ها، دار الشفاها، مدرسه‌ها، کتابخانه‌ها و دهها عنوان دیگر، نه تنها غیر قابل انکار، بلکه حیاتی می‌باشد.

این کمترین نویسنده، در طول چهارده سال نهضت فاطمیّه، شخصاً شاهد بودم که با یک سخنرانی مخلصانه و از سوز دل، چه موجی ایجاد می‌گردید، و چه مبالغ سنگینی برای بزرگداشت فاطمیّه، و یا تأسیس مراکز گوناگون دینی و اجتماعی، به نام صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام تعهد و پرداخت می‌گردید.

در طول سال‌های گذشته، شهرهای بزرگ (چند صد هزار نفری تا میلیونی) با چند سخنرانی مؤثر و نافذ و از روی اخلاص، به حرکت در می‌آمد، و با تشکیل دستجات عزاداری و برگزاری مجالس دینی، و سوگواری و سایر اقدامات مؤثر، به نهضت فاطمیّه می‌پیوست، تا این که هم اکنون سراسر کشور و بسیاری از شهرهای کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی، تحت تأثیر این حرکت قرار گرفته، و در دو سه سال اخیر، در بسیاری از آنها مجالس و محافل متعددی تشکیل می‌شود، و مراسم فاطمیّه به شکل گسترده‌ای برگزار می‌گردد.

گزارشها از کشورهای اروپائی، آسیائی، آفریقائی، آمریکا و کانادا، استرالیا نشان می‌دهد که به تدریج، بزرگداشت فاطمیّه در همه جا و همه کشورهای مطرح گردیده، و روبه گسترش است، و در این میان، نقش خطباء و گویندگان مذهبی بسیار اساسی و چشمگیر می‌باشد.

نقش شعراء و مدّاحان در جریان نهضت فاطمیّه

از اولین سال حرکت وسیع و شروع نهضت فاطمیّه، شعراء دلسوخته و دلدادۀ اهل البیت علیهم السلام با سرودن اشعاری درباره چهاردهمین قرن شهادت فاطمه

زهرأ علیها السلام (که بخش عمده آنها، در یادواره ای به همین عنوان چاپ و منتشر گردید) حضور، و فعالیت، و علاقمندی و اخلاص خود را به نمایش گزاردند، و پیایی با سرودن اشعاری تازه، در مدح و منقبت، و یا مرثیه و مصیبت، گام های تازه ای در این راه نورانی برداشتند، و با مطالعاتی بیشتر و عمیق تر، و بهره گیری از واژه هائی نو، و با به کارگیری ذوق و ابتکار و خلاقیت تحسین بر انگیزی، تحوّل در فصل شعر و ادبیات فاطمیّه ایجاد کردند، و با خیزشی چشمگیر، هم در زمینه بیان فضائل، و هم در زمینه برانگیختن احساسات لطیف انسانها در حمایت و دفاع از مظلومیت و شهادت آن حضرت، به موفقیت بی سابقه ای دست یافتند.

مجموعه های بسیار ارزشمندی که به بیش از هشتاد عنوان کتاب می رسد، و مخصوص به اشعار مربوط به حضرت زهرأ علیها السلام است، و در آنها انواع و اقسام سروده های مولودیّه، مدیحه، مرثیه، نوحه سینه زنی و یا زنجیر زنی جمع آوری شده، و بعضاً چندین بار به چاپ رسیده، علاوه بر سروده هائی که در دیوان های عمومی یا مجله ها و روزنامه ها و نشریه های مساجد و حسینیه ها و مدارس و دانشگاهها به چاپ رسیده، یا در تک برگه هائی، در محدوده یک انجمن ادبی یا مجلس جشن و عزای فاطمی منتشر گردیده، نشانه روشنی از یک جهش عمومی و نهضت همگانی است، که سربازان و سرداران مخلص آن، شعرای دل بسته به اهل البیت علیهم السلام می باشند، و آنها با این حرکت پاک و مخلصانه خود، توانسته اند در حرکت دادن جمعیت ها، و منسجم کردن نیروها و ایجاد موج عاطفی و معنوی، نقش مؤثر و بسزائی را بر عهده گیرند.

و البته کاملاً واضح است، که نقش مدّاحان و مرثیه سرایان، در این صحنه،

فَعَالِيَّتِ هَايِ مَرْدَمِي، عَامِلِ گَسْتَرَشِ نَهْضَتِ فَاطِمِيَه

حياتي و اساسي است، زيرا اگر مَدَّاحانِ مخلص، پرکار، با سليقه و دلسوز نباشند، سروده هاي شعراء، در انجمن هاي ادبي و سينه هاي پر سوز شاعران و يا حداکثر در سطحي محدود از مطبوعات و کتاب هاي کم مصرف بايگاني شده، و چه بسا با گذشت زمان، به فراموشي سپرده مي شود.

در نهضت فاطميه، چه بسا مَدَّاحي دلسوخته، دهها هزار نفر را در مجلسي محلي، يا رسانه اي عمومي، به سوي مکتبِ اهلِ البیتِ عليهم السلام سوق داده، و آتش عشق و محبت را در دلها برافروخته است، جمعي را گرد هم آورده، و جمعيتي را دلباخته کرده است.

نقش مَدَّاحان، در حرکت دستجات عزاداري، اساسي، و در گرم نگاه داشتنِ کانون اجتماعات مذهبي، شايسته تقدير و سپاسگزاري است.

فَعَالِيَّتِ هَايِ مَرْدَمِي، عَامِلِ گَسْتَرَشِ نَهْضَتِ فَاطِمِيَه

در تمامي شهرها و روستاهای ايران و در خارج از کشور، هيئت هاي مذهبي، مؤسسه هاي خيريه، مردان و زنان علاقمند، هر کدام مطابق ذوق و سليقه و ابتکار خویش دست به کار شده اند، و با توجه به امکانات مادي و نفوذ اجتماعي و توان علمي خود، فعاليت هاي علمي و فرهنگي، خدماتي، تبليغاتي و... انجام داده و مي دهند، و موجب نشر و گسترش نهضت فاطميه گرديده اند، که بررسی همه فعاليت هاي آنها، به هيچ وجه ممکن نيست، زيرا همانند مراسم بزرگ عاشوراي حسيني در همه جهان، از چنان وسعتي همه جانبه برخوردار است، که احصاء و شمارش ارقام و اعداد انواع کارها، و هزينه هاي مصرف شده و... ممکن نمي باشد، ولي با توجه به شمار مسجدها، حسينيه ها، فاطميه ها، بیمارستانها، درمانگاهها، هيئت ها، خيريه ها، و ديگر مراکز علمي و

فرهنگی که به نام حضرت زهرا علیها السلام تأسیس شده، و در سطحی وسیع به خدمت رسانی مشغول هستند، می توان به عظمت و وسعت نهضت فاطمیّه توجه نمود⁽¹⁾

نقش صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در برنامه های فاطمیّه

سازمان صدا و سیما، با توجه به امکانات گسترده ای که دارد، در توجه دادن عموم مردم (در داخل کشور، و در سطح جهانی) نسبت به عظمت فاطمه زهرا علیها السلام نقش عمده و اساسی بر عهده دارد، زیرا رساندن پیامها و جهت گیری های مراجع معظم تقلید، و سردمداران رسمی کشور (در سطحی وسیع و جهانی) و نیز نشان دادن نهضت عمومی مردم علاقمند و دلباخته، در مورد فاطمه زهرا علیها السلام تنها به وسیله چنین تشکیلات گسترده و عظیمی میسر می باشد، و امید است دست اندرکاران این مجموعه بزرگ، هر چه بیشتر بتوانند در نشر و ترویج آرمانها و اهداف مقدّس آن حضرت، و پدر و فرزندان معصومشان علیهم السلام گام بردارند.

نقش شخصیت های رسمی در نهضت فاطمیّه

شخصیت های رسمی کشور (در دولت و مجلس و قوه قضائیه) همانند عموم مردم علاقمند، در این نهضت مقدّس هماهنگ و همراه عمل کرده، و در اظهار ارادت نسبت به ساحت مقدّس حضرت زهرا علیها السلام کوتاهی نکرده اند و همین امر از جهاتی نقش مؤثر داشته است، زیرا اولاً- با حضور شخصیت های رسمی، افراد وابسته به گروه های انحرافی مخالف مکتب اهل البیت علیهم السلام از آزدن علاقمندان، و کارشکنی در بزرگداشت حضرت زهرا علیها السلام تا حدود زیادی دست

ص: 21

1- تفصیل مطلب را در کتاب «نهضت فاطمیّه» جلد اول و دوم، مطالعه فرمائید

بر می دارند، و ثانیاً علاقمندانی که در اثر تبلیغات ممتد دشمنان و معاندان، ترسی مزمن در وجودشان رسوب کرده است، به راحتی می توانند علاقه و محبت درونی خود را (که سالها و دوره ها مخفی مانده است) اظهار نمایند، و نشان دهند که فطرتی پاک، بی آرایش، و دوستدار خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دارند که :

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

و به فرمایش امام سجّاد علیه السلام:

أَعْطَيْنَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَ... وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

بهره برداری از امکانات روز در برنامه های فاطمیّه

در برنامه های تبلیغاتی فاطمیّه، از انواع ابزار های روز مانند فیلم ویدئویی، نوار کاست، سی دی (CD) های صوتی - تصویری و نرم افزارها استفاده می شود، و با تهیه و توزیع گسترده آنها، در نشر فرهنگ فاطمیّه (در داخل کشور، و نیز در سطح جهانی) اقدام می گردد، و در این زمینه بسیاری از سازمانها و مؤسسه های علمی و تبلیغی، در سطوح مختلف، و با امکانات متفاوت، مشغول فعالیت می باشند، و هر فرد یا گروهی با بر عهده گرفتن سهمی از کار های مفید و یا ضروری، ادب و ارادت خود را نسبت به حضرت زهرا ی مرضیّه علیها السلام اظهار می دارد.

نقش حرکت دستجات عزاداری، در همه شهر ها و روستا ها

از اولین سال شروع نهضت فاطمیّه، یکی از مهمترین برنامه هائی که مورد تأکید قرار گرفت، حرکت دستجات عزاداری در خیابان ها و بازارها، و ورود

آنها با حالت سینه زنی، به مجالس عزاداری فاطمیّه بود، که تأثیر شگرف و تکان دهنده ای در توجّه عمومی به ایّام فاطمیّه، از خود بجای می گذاشت.

شورِ عزای دسته جمعی، بیش از هر عامل مؤثر دیگر، تکان دهنده، سؤال برانگیز، و ایجاد کننده خیزش اجتماعی در حمایت از مظلوم می باشد.

دقیقاً و قطعاً، نقش مؤثر این دستجات، در به کار افتادن قلم ها، بیان ها، هنرها، ابتکارها و خلاقیت ها، بیش از هر عامل دیگر مؤثر می باشد.

تجربه گسترده (در طول سال های گذشته، در ایّام فاطمیّه، در همه شهرها و روستاها) نشان داده است که فراگیر شدن مراسم عزاداری، و موج خیز شدن و راه یافتن آن به همه طبقات و افسار گوناگون جامعه، نیاز به این وسیله مؤثر دارد، مخصوصاً در هنگامی که جمعیت سوگوار و دسته عزاداری، از شور و سوز معنوی، و خلوص و تواضع چشمگیری برخوردار باشند، که هر بیننده ای را (اعم از عالم و عامی، غنی و فقیر، مذهبی یا غیر آن) تحت تأثیر قرار می دهد، و هر کدام از آنها را به احساس مسئولیت، در برابر شخصیت و مظلومیت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام و دفاع از حق آن حضرت وا می دارد.

نقش مراجع معظم تقلید در حفظ و گسترش نهضت فاطمیّه

پس از آنکه حرکت نورانی و معنوی نهضت فاطمیّه در سطحی وسیع و به شکلی مورد توجه، در کشور ایران و سایر بلاد مطرح گردید، نیروهای شیطانی دست به کار شدند، و به اشکال گوناگون، برای رشد و گسترش و جهانی شدن این حرکت نورانی مانع تراشی کردند، و با طرح سئوالات و شبهه های رنگارنگ، در صدد تضعیف و توقّف نهضت فاطمیّه بر آمدند، و سعی نمودند که از یک طرف، طرفداران و یاوران این حرکت مقدّس را متزلزل نمایند، و از طرف دیگر، از رشد و گسترش آن جلوگیری نموده، و نگذارند جمعیت هائی تازه، و علاقه مندانی جدید، به این برنامه حیات بخش و انسان ساز به پیوندند، و در این موقعیت بسیار حسّاس و خطیر بود که، مراجع معظم تقلید دامت برکاتهم و ادام الله ظلّهم، اقدام نمودند، و از یک طرف، با اطلاعیه های روشنگر و آگاهی بخش و از طرف دیگر، با پاسخ به سئوالات و دفع شبهه ها، با منطقی قوی و استدلالاتی مستحکم، به دفاع از این حرکت مقدّس پرداختند و نیروهای فکری دشمن را به عقب راندند، و فضای فکری و عاطفی جامعه را در تمامی بلاد اسلامی و غیر اسلامی، برای حفظ و تداوم و گسترش این حرکت الهی و حیات بخش، آماده نگه داشتند.

این بزرگواران، با بهره گیری از جایگاه مقدّس و بلند خود در جامعه، از یک

طرف، و با خضوع و تواضع خویش در برابر عظمت حضرت زهراً علیها السلام از طرف دیگر، و با اشک و آه جانسوز خویشتن، در مصائب آن مظلومه شهیده، دل و جان مردم، و احساسات و عواطف پاک انسان های حق طلب و حقیقت جورا تحت تأثیر قرار دادند، و آنها را هر چه بیشتر در مسیر فعالیت و کوشش در راه مقدسی که در پیش گرفته بودند، یاری رسانیدند.

و اینک به عنوان نمونه، نام مبارک چند نفر از مراجع عظیم الشان تقلید را که به وسیله فتوی های قاطع و راهگشا، و اطلاعیه ها و سخنرانی های هدایتگر، و اقدامات مؤثر و سازنده خویش، گام های مؤثری برداشته اند، و در حفظ و رشد و گسترش نهضت مقدس فاطمیّه، رسالت تاریخی و دینی خود را انجام داده اند، زینت بخش این قسمت قرار می دهیم.

1- آیه الله العظمی، آقای گلپایگانی

مرجع عالیقدر شیعه، مرحوم آیه العظمی، آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره، که با اطلاعیه تاریخی و بی نظیر خود، و نیز با اقدامات مؤثر و راهگشای خویش، و با بهره گیری از مقام برتر مرجعیت خود، که در آن تاریخ (سال 1411 قمری) یگانه مرجع جهانی تمام جهان شیعه بودند، در توجه دادن ملت و دولت ایران و تمامی شیعیان و دوستان اهل البیت علیهم السلام به اهمیت حیاتی و بی نظیر بزرگداشت شهادت حضرت زهراً علیها السلام و زمینه سازی برای تعطیل رسمی در تمامی کشور، و پخش برنامه های عزاداری پرسوز و شور، از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نقش اساسی و به یادماندنی ایفا نمودند.

2- آیه الله العظمی شیرازی

مرجع عالیقدر شیعه، مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد حسینی

شیرازی قدس سره که با تألیف کتابهایی درباره شخصیت حضرت زهرا علیها السلام، و بالاخص با تألیف کتاب ارزشمند «من فقه الزهراء علیها السلام» در شش جلد، و نیز با پاسخ دادن به شهادت وسوسه گران، و فتوی‌های بسیار صریح و قاطع، در مورد مقامات بلند معنوی و نورانی و ملکوتی حضرت زهرا علیها السلام، و لزوم بزرگداشت شهادت آن حضرت، و صراحت و قاطعیت در زمینه لزوم بیان علل شهادت و مصائب و مظلومیت آن شهیده بزرگ راه ولایت و امامت، سهم بسزائی در بزرگداشت و رشد و قوت نهضت فاطمیّه بر عهده گرفتند.

3- آیه الله العظمی، صافی گلپایگانی

مرجع عالیقدر شیعه، حضرت آیه الله العظمی، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدّظله از زمان مرجعیت عامّه و جهانی مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره در مراسم بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام (که آن بزرگوار، با پیام مهمّ و تاریخی و راه گشای خود، و نیز با اقدامات جدی و تأثیر گذارشان بر مسئولین رسمی کشور، در شروع نهضت فاطمیّه گام های بلندی برداشتند) در کنار آن بزرگ مرجع عظیم الشان و جهانی بودند، و پس از عهده داری مقام زعامت و مرجعیت تقلید، خود به دفاع از حریم مقدّس و مظلومیت حضرت زهرا ی مرضیه علیها السلام پرداختند، و در پاسخ به شبهات و سوالات، و نیز راهنمایی قاطبه مردم در احیاء و بزرگداشت فاطمیّه، قدم های برجسته ای برداشتند، و فقه و اجتهاد، و اندیشه و قلم، و مرجعیت و زعامت دینی را، در خدمت به آستان مقدّس حضرت زهرا علیها السلام به کار گرفتند، و با پیام های روشنگر و قاطع، با جدّیت و صراحت تمام، از حریم مقدّس فاطمه

زهرأ علیها السلام دفاع نموده، و با قدرت استدلال و قلم، عرصه را بر دشمنان مکتب مقدس آن حضرت تنگ نمودند.

4- آیه الله العظمی، وحید خراسانی

مرجع عالیقدر، حضرت آیه الله العظمی آقای شیخ حسین وحید خراسانی مدظله العالی در سال های گذشته، و در صحنه های مختلف، با توجه به موقعیت برجسته ای که در حوزه علمیه قم دارند، و با عنایت به شمار بسیار زیاد شاگردان و تربیت یافتگان مکتب علمی و اجتهادیشان، دست به کار شده اند، و برای برافراشتن پرچم بزرگداشت شهادت حضرت زهرأ علیها السلام از هیچ اقدام و کوششی دریغ نفرموده اند. این بزرگمرد با اطلاعیّه ها، و سخنان برجسته و آگاهی بخش، و نیز با بهره گیری از مقام بلند فقهی و اجتهادی و مرجعیت دینی، و هم چنین با جدیت و استمرار در مجاهدت های گوناگون، نقش بسیار مؤثری در حفظ و تداوم و گسترش نهضت فاطمیّه ایفاء نموده اند.

اقدام برای تعطیلی سالروز شهادت حضرت زهرأ علیها السلام

آیه الله العظمی وحید خراسانی، با توجه به شخصیت و عظمت علمی و اجتماعی خویش از یک طرف، و با عنایت به اخلاص و اعتقاد بسیار عمیقشان نسبت به حضرت زهرأ علیها السلام و نیز مسئله اساسی بودن نقش عاشورائی شدن ایام شهادت آن حضرت، از طرف دیگر، با مجاهدتی پیگیرانه، از رئیس محترم جمهور، و هیئت دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستند که، در روز شهادت حضرت زهرأ علیها السلام به طور رسمی و قانونی، تعطیل سراسری در کشور اعلام نمایند، و در اثر فعالیت های مخلصانه و صادقانه بسیار، این آرزوی بزرگ بر آورده گردید، و در هیئت دولت، و نیز در مجلس شورای اسلامی، با

رای قاطع نمایندگان، روز سوّم جمادی الثّانیة هر سال، به عنوان روز شهادت حضرت فاطمة زهرا علیها السلام تعطیل رسمی اعلام گردید، و از سال 1420 قمری (1378 شمسی) این مصوّبه بسیار ارزشمند و تاریخی، به اجرا در آمد.

مبارزه سرسختانه با افکار انحرافی

این بزرگمرد، در دفاع از حریم قداست و مظلومیّت حضرت زهراى مرضیّه علیها السلام با سخنان بسیار قاطع و پیام های تاریخی و کم نظیر، به مبارزه با برخی از عناصر خطرناک پرداختند و از تأثیر گذاری آنها بر افکار و اعتقادات شیعیان جلوگیری نمودند. (1)

دسته عزاداری با پای برهنه

حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی، علاوه بر اقامه مجلس عزا در بیت شریف خود، به مناسبت شهادت حضرت زهرا علیها السلام از سال 1420 قمری (1378 شمسی) در روز سوّم جمادی الثّانیة، با پای پیاده و برهنه، روی آسفالت های داغ شهر قم، به سوی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام حرکت می کنند و جمعیت عزادار، از علما و فضلاء و عموم مردم دلسوخته، به دنبال ایشان به راه می افتند و شور و عزای حضرت زهرا علیها السلام را همگانی می نمایند و همچنین با پیگیری های بسیار جدی و اقدامات گسترده، در به حرکت در آوردن مردم شهرها و روستاها، در همه مناطق کشور برای برگزاری مراسم بزرگ عاشورای فاطمی، نقش بسیار اساسی بر عهده گرفته اند.

ص: 28

1- به کتاب: «الحوزة العلمیة تدین الانحراف» چاپ سوّم مراجعه شود

5- آية الله العظمى آقاى تبريزى

مرجع عالیقدر، حضرت آية الله العظمى، آقاى حاج میرزا جواد آقا تبريزى مدّظله العالی در سال های گذشته با استفاده از علم و اجتهاد و فقاہت و مرجعیّت و مقام اجتماعى و أشک و ناله و تواضع و خضوع خود، با کمال شجاعت و صراحت و قاطعیّت، در این جهاد مقدّس وارد گردیده اند. ایشان به پاسخ به شبهات تفرقه افکنان و طرفداران افکار انحرافى، با صراحت و قاطعیّت و شجاعت هرچه بیشتر، از حریم مقدّس حضرت زهراى مرضیّه علیها السلام دفاع نموده و مى نمایند و سخنان قاطع و نافذ ایشان با حضور شاگردان فراوان که در درس خارج ایشان شرکت مى کنند و نیز اطلاعیّه های متعدّد و صریح و روشنگر ایشان، در تحکیم و قوّت بخشیدن به نهضت مقدّس فاطمیّه، نقش اساسى داشته و دارد.

حرکتى تاریخی و تکان دهنده و موج آفرین

از سال 1378 شمسی (1420 قمری) در روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام (سوم جمادى الثانیه) حضرت آية الله العظمى، آقاى حاج شیخ جواد تبريزى مدّظله العالی، به جهت بزرگداشت شهادت آن حضرت، از بیت شریفشان با پای پیاده و برهنه، به سوی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام حرکت کردند و به دنبال ایشان، جمع زیادى از علماء و فضلاء و طلاب و عموم مردم با ولایت و دلسوختن حضرت زهرا علیها السلام با پاهای برهنه در این حرکت مقدّس شرکت نمودند.

این حرکت، در هوای بسیار گرم تابستانى قم، روی آسفالت های داغ، آن هم از بزرگواری که در سنین بالا و همراه با ضعف مى باشند، آن چنان تکان

دهنده بود، که خبر این حرکت، در شهرها و کشور های گوناگون منعکس گردید، و در مطبوعات منتشر شد، و در توجّه دادنِ عموم مردم به عظمتِ شهادتِ حضرت زهراً علیها السلام نقش بسیار مؤثّری ایفا نمود، و مخصوصاً در حرکت دادن هیئات عزاداری، برای بزرگداشت ایّام فاطمیّه و شهادت فاطمه زهراً علیها السلام بسیار مفید واقع گردید، و این برنامه همه ساله تاکنون ادامه دارد.

6- آیه الله العظمی فاضل لنکرانی

مرجع عالیقدر، حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی دام ظلّه، با اطلاعیّه های مهمّ و ارزشمند خود، در توجّه دادن به بزرگداشت ایّام شهادت فاطمه زهراً علیها السلام و تشویق مبلّغین و هیئات مذهبی به سوی هدف مقدّس نهضت فاطمیّه نقش مهمّی ایفا نموده اند، و در پاسخ به شبّهات مغرضین، با عباراتی روشن و قاطع، از حریم مقدّس فاطمه زهراً علیها السلام و مظلومیّت آن بزرگوار دفاع نموده اند، و با تالیف کتاب ارزشمندی درباره آیه تطهیر و اثبات فضیلت مخصوص و برجسته ای برای آن حضرت (که هیچ کس شریک و شبیه آن بزرگوار نیست) عرض ادب و ارادت خود را تقدیم داشته اند.

7- آیه الله العظمی مکارم شیرازی

مرجع عالیقدر، آیه الله العظمی، آقای حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی دام ظلّه، از دیر زمانی نسبت به مقام و منزلت حضرت زهراً علیها السلام عرض ادب و ارادت داشته اند، و با تالیف کتابهایی در زمینه شخصیت و هدایتگری های آن حضرت، و خطبه ها و مبارزات آن بانوی مظلومه، و دفاع هایی که از حقّ امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام نموده اند، در حفظ و حراست، و نشر فرهنگ فاطمی همت گمارده اند.

در هنگامی که برخی از وابستگان به وهابیت، شهادت حضرت زهراى مرضیه علیها السلام را افسانه خوانده، در مقاله ای منتشر نمودند، با استدلالاتی قوی و متین، شهادت آن مظلومه را به اثبات رسانیدند، و در سطحی وسیع منتشر ساختند.

سخنرانی های متعدّد ایشان در انجمن «محبّان الفاطمه علیها السلام» در مشهد مقدّس، در آگاهی افشار جامعه و نسل جوان نسبت به حضرت زهرا علیها السلام بسیار مؤثر و سازنده بوده است.

8 - آیه الله العظمی روحانی

مرجع عالیقدر، حضرت آیه الله العظمی، آقای حاج سید صادق روحانی مدّظله العالی علاوه بر برنامه های بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام در بیت شریفشان، و حمایت از دوستان و علاقه مندان به آن حضرت، در پاسخ به سؤالاتی که از محضر ایشان (در رابطه با عظمت و شخصیت حضرت زهرا علیها السلام) شده است، جوابهایی قاطع و صریح و روشنگر داده اند، و با بهره گیری از علم و اجتهاد، و بیان و قلم، و شجاعت و صراحت، از حریم مقدّس فاطمه زهرا علیها السلام دفاع نموده اند، و در پاسخ به سؤال درباره کسی که فضائل حضرت زهرا علیها السلام را انکار نموده، و یا در مصائب آن حضرت شک و شبهه نموده، فرموده اند:

او گمراه کننده است و کتاب های او از کتب ضلال می باشد. (1)

ص: 31

1- به سلسله «اصدارات موقع یا حسین» (شماره 1) در بخش های مختلف مراجعه شود

و هم چنین، سایر مراجع معظّم تقلید، همانند: مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سیّد محمد وحیدی تبریزی قدس سره، و آیه الله العظمی آقای حاج سیّد محمد شاهرودی مدّظله، و آیه الله العظمی آقای حاج سیّد تقی قمی دام ظلّه و... در سخنان و فتاوی، و پاسخ به سؤالاتی که از آنها شده، از حریم مقدّس حضرت زهراى مرضیّه علیها السلام دفاع نموده، و با بهره گیری از مقام فقه و اجتهاد و مرجعیت، گام های ارزشمندی در نهضت فاطمیّه علیها السلام و بزرگداشت شهادت صدیقه کبری علیها السلام برداشته اند.⁽¹⁾

ص: 32

1- به کتاب نهضت فاطمیّه، جلد اوّل صفحه 45-88 و کتاب «الحوزة العلمیّه تدین الانحراف» در بخش های مختلف، مراجعه شود

تحقیق و تألیف در خدمت فاطمه زهرا علیها السلام

از اولین سال های شهادت حضرت زهراً علیها السلام قلم و تألیف و تصنیف کتاب، در خدمت به حفظ ارزشهایی که آن حضرت به خاطر آنها مبارزه کرده، و به شهادت رسیدند، به کار گرفته شده است، و انسانهایی با ایمان و اندیشمند و دور اندیش، با ثبت حقائق زندگی و شخصیت و فضائل آن حضرت، از یک طرف، و ضبط و نوشتن مظلومیت ها و رنجها و درد دل های آن مظلومه، از طرف دیگر، به یاری حق شتافته اند، و اجازه نداده اند که آن همه حقیقت پنهان بماند، و ستمگران به اهداف شوم خودشان برسند.

این نویسندگان ارزشمند و فداکار، همانند مبارزان در میدان جنگ، و شمشیر به دست های جانباز عمل نموده اند، و در حفظ و حراست از ارزش های مکتب ولایت و امامت، و آرمان های مقدس حضرت صدیقه شهیده علیها السلام مهمترین نقش را بر عهده گرفته اند. یک مطالعه دقیق و حساب شده، نشان می دهد که اگر این نویسندگان فداکار، دلسوز، و با ایمان نبودند، همانا بسیاری از حقائق تاریخ اسلام و مکتب اهل البیت علیهم السلام برای ما مجهول مانده بود، و ما نیز همانند دیگران، در بی خبری به سر می بردیم.

نگاهی به کتابنامه هائی که درباره فاطمه زهراً علیها السلام نوشته شده، نشان می دهد که در همه دوره ها و قرن ها، تحقیق و تألیف درباره ابعاد زندگی و شهادت و مبارزات حضرت زهراً علیها السلام وجود داشته، و هیچگاه جهاد با قلم در دفاع از آن

حضرت ترک نشده است، و عشق و علاقه ها، و محبت ها و سوز و گدازها، به وسیله قلم در پیشگاه مقدّس آن حضرت، ابراز شده است.

در اثر مجاهدت های این بزرگان علم و قلم است که ما به خوبی به حقائق تاریخی آن دوره واقف می شویم، و فریاد می زنیم:

بشکند آن دست هائی که حرمت زهراى مرضیه علیها السلام را شکستند، و حریم خانه وحی را مورد تهاجم قرار دادند، و حبیبۀ خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در جوانی و با دلی پر از غصه به شهادت رساندند.

نهضت تألیف و ترجمه کتاب در باره شخصیت و شهادت فاطمه زهرا علیها السلام

از پدیده های بسیار جالب و شگفت انگیز در چهارده سال گذشته (از یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهرا علیها السلام تا تاکنون) این است که به شکل یک جنبش و خیزش عمومی، صاحبان قلم و محققان و نویسندگان، دست به کار شده اند، و درباره ابعاد گوناگون زندگی، شخصیت، مظلومیت، و شهادت حضرت زهرا علیها السلام آثاری کاملاً متفاوت، به وجود آورده اند.

بعضی از آنها، در سند مطالب بررسی های موشکافانه انجام داده اند، و بعضی دیگر در تنوع موضوعات پی گیری کرده اند. بعضی بر مصادر و مآخذ اهل سنت تأکید داشته اند، و بعضی دیگر بر همه منابع تکیه کرده اند. عده ای جنبه های الگوئی زندگی حضرت زهرا علیها السلام را تشریح کرده اند، و جمعی دیگر مظلومیت های آن حضرت را دقیقاً تشریح نموده اند. برخی از نویسندگان به جنبه های ادبی کتاب، و استفاده از لغت های جدید و واژه های جالب، توجه داشته اند برخی به طور فشرده مطالبی را درباره حضرت زهرا علیها السلام ارائه کرده اند، و برخی

دیگر با تفصیل بسیار زیاد، قلم فرسایی نموده اند و...

و در یک کلام، نویسندگان محقق، با سلیقه، ادیب و نوآور، هر کدام با سبک و سلیقه ای خاص، و با هدفی مشخص، درباره حضرت زهرا علیها السلام به تألیف کتاب پرداخته اند، که در مجموع، همه ابعاد مطالب مورد نیاز درباره آن حضرت، مورد بررسی قرار گرفته است، و هر جستجوگری را با هر نوع گرایشی که داشته باشد، بی نیاز می سازد.

شمار این تألیفات آن چنان است که، مجموع کتاب های تألیف شده در این دوره، چهار الی پنج برابر مجموع کتابهایی است که از آثار نویسندگان، در طول چهارده قرن گذشته، در دسترس ما می باشد، و یا نام آنها به دست ما رسیده است.

کتابنامه های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام

از سال 1387 قمری تاکنون (1425) بیش از بیست کتابنامه در زمینه معرفی کتاب های تألیف شده درباره فاطمه زهرا علیها السلام تهیه شده، و در دسترس علاقمندان قرار گرفته، که هر کدام از آنها با هدف و وضعیتی خاصی، نوشته شده است.

بعضی از آنها مختصر، و برخی مفصل می باشد، ولی همه آنها در این زمینه عرض ادب و ارادت نموده اند، و شرایط را برای پیشرفت و تکامل کتابنامه نویسی برای موضوع مورد نظر آماده نموده اند، و همه آنها در این موفقیت بزرگ، سهیم بوده و می باشند. [\(1\)](#)

ص: 35

1- فهرستی از این کتابنامه ها را، نویسنده محقق، آقای اسماعیل انصاری زنجانی در کتاب ارزشمند «فاطمه در آئینه کتاب» چاپ چهارم، از صفحه 14 تا 17 آورده اند

تاکنون (1424 قمری) مفصل ترین کتابنامه ای که درباره معرفی کتاب های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام تألیف گردیده، کتاب ارزشمند «فاطمه در آئینه کتاب» می باشد که چاپ چهارم آن در سال 1424 قمری (تابستان 1380 شمسی) منتشر گردیده، و در این کتاب ، 2022 کتاب مستقل درباره فاطمه زهرا علیها السلام به 27 زبان معرفی گردیده است، و با مطالعه این کتابنامه مفصل و ارزشمند، آشک شوق از یک طرف، و آشک غم از طرف دیگر، از دیدگان انسان سرازیر می شود. آشک شوق برای این که در طول تاریخ، همیشه انسان های پاک و با ایمان و دلباخته ای بوده اند که از حق و حقیقت دفاع کنند، و بالخصوص در این دوره اخیر، که زن و مرد، دانشگاهی و حوزوی، شاعر و نویسنده و... به حرکت در آمده، و در پاسخ به فریادهای مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام با اندیشه و قلم خود، به میدان آمده، و به یاری آن مظلومه شتافته اند، و آشک غم، برای این که با مطالعه این کتابها و عناوین آنها، انسان متوجه می شود که ستمگران، چقدر به آن بانوی صدیقه مطهره علیها السلام، ستم روا داشته اند، و چه ناله های جان سوزی که از آن مظلومه مقهوره، سر داده شده است.

تألیف کتاب درباره فاطمه زهرا علیها السلام به زبان های گوناگون

کتابهایی که درباره فاطمه زهرا علیها السلام نوشته شده و تاکنون معرفی گردیده، به این زبانها می باشد: 1 - فارسی 2 - عربی 3 - اردو 4 - انگلیسی 5 - فرانسوی 6 - آلمانی 7 - روسی 8 - ترکی آذری 9 - ترکی استانبولی 10 - ایتالیایی 11 - اسپانیایی 12 - تاجیکی 13 - کردی 14 - گجراتی 15 - مالایو 16 - هندی 17 - سندی 18 - چینی 19 - تامیلی 20 - بنگالی 21 - تایلندی 22 - سواحلی

بیشترین رقم کتاب تألیف شده، مربوط به زبان فارسی است، با 1047 عنوان (1) و پس از آن، مربوط به زبان عربی است، با 614 عنوان، و بعد از آن متعلق به زبان اردو است، با 214 عنوان

سیصد و هفتاد و نه کتاب جدید

از زمان انتشار چهارمین چاپ کتاب «فاطمه در آئینه کتاب» در سال 1422 قمری، تا تاریخ (1424 قمری) که پنجمین چاپ کتاب یاد شده با اضافات و تحقیقات جدید منتشر گردیده، سیصد و هفتاد و نه کتاب دیگر درباره شخصیت و شهادت فاطمه زهرا تألیف و شناسائی و منتشر گردیده است، که مجموع کتاب های مربوط به آن حضرت را به 2401 عدد می رساند.

این قضیه، نشان می دهد که نهضت تألیف در این موضوع مهم و حیاتی، و استقبال عمومی در شهرها و کشورها، از این حرکت علمی - اعتقادی - تاریخی - فرهنگی ادامه دارد، و نه تنها در کشور ایران، بلکه در تمامی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، علاقه و گرایش نسبت به مسئله معرفت و آشنائی با شخصیت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام ادامه دارد، و رو به افزایش می باشد.

چهارده سال برابر با چهارده قرن

نقش نهضت فاطمیّه در گسترش فعالیت تحقیقی و قلمی درباره شخصیت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام تا آنجا رسیده است که تالیفات و آثار قلمی این دوره

ص: 37

1- دلیل این موفقیت و برتری، جریان نهضت فاطمیّه است که از اصفهان و به نحو عام از ایران شروع شده و عامل سرعت و تکامل نهضت تألیف، درباره شخصیت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام گردیده است

کوتاه، با تمام آثار چهارده قرن گذشته برابری می کند، و با مطالعه بر روی کتاب های معرفی شده در کتابنامه های فاطمیّه، مطلب یاد شده به خوبی روشن می گردد.

تنوع و تفاوت در ویژگی های تألیفات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام

با مطالعه کتاب های تالیف شده درباره فاطمه زهرا علیها السلام به خوبی در می یابیم که موضوعات بسیار متنوعی درباره شخصیت و فضائل و آثار و برکات آن حضرت، و نیز مظلومیت و شهادت آن بزرگوار، و آثار و پیامد های آن در تاریخ، مورد تحقیق و بررسی نویسندگان قرار گرفته است، و از طرف دیگر، هر نویسنده ای با سبک و روشی مسائل را دنبال کرده و عرضه نموده است.

مثلاً بعضی از نویسندگان در بررسی اسناد محکم و قوی مطالب مربوط به حضرت زهرا موشکافی نموده اند، در حالی که بعضی دیگر، در دسته بندی سلسله مباحث به شکل زیبا، تلاش کرده اند.

بعضی در عرضه نمودن مطالب به شکل ادبی، و با استفاده از واژه های زیبا و عنوان ها و تیترهای نو، تلاش زیادی کرده اند، و برخی دیگر در نشان دادن همه مسائل و مطالب، با مطالعه بسیار گسترده در کتب و تألیفات دیگران، زحمت فراوان کشیده اند.

برخی به درس های زندگی فاطمه زهرا علیها السلام برای نسل های آینده، توجه کرده اند، و بعضی دیگر در نشان دادن مظلومیت ها و مصائب آن حضرت، تمام کوشش خود را به کار گرفته اند. عدّه ای در تجزیه و تحلیل حوادث زندگی حضرت زهرا علیها السلام قلم فرسایی کرده اند، و جمعی دیگر به ترجمه زیبای کتاب

های دیگران در این زمینه، همت گمارده اند.

بعضی از نویسندگان، مخاطب خود را دانشمندان و محققان قرار داده اند، و برخی دیگر، هدایت جوانها و آگاهی نوجوانها را در مورد فضائل حضرت زهرا علیها السلام مورد عنایت دانسته اند. عده ای به مسلمانها و شیعیان توجه نموده و قلم فرسائی کرده اند، و جمعی دیگر با ترجمه کتاب های فاطمیّه به زبان های خارجی به آگاه سازی ملّت های دیگر، و مردمان اروپا و آمریکا و استرالیا و آفریقا و روسیه و... پرداخته اند.

و در یک کلام، نویسنده های محقق، متبّع، مبتکر، ادیب، خوش قلم، با ذوق و... هر کدام از سرمایه علمی و ادبی و عاطفی خود، به نوعی بهره برداری نموده، و در عرض ادب به ساحت مقدّس حضرت زهرا علیها السلام و دفاع از حقّ آن حضرت، و تشریح اهداف و مقاصد آن بزرگوار در مبارزات و اقدامات تاریخی و مقدّسشان، گام های ارزشمندی برداشته اند، و در مجموع، همه این نویسندگان عالیقدر موفق شده اند نیاز های گوناگون علاقمندان به آشنائی با شخصیت و شهادت، و مکتب و آثار بزرگ فاطمه زهرا علیها السلام را بر آورده سازند. (1)

تعداد چاپ و تیراژ بالا، نشانه موفقیت علمی نهضت فاطمیّه

از نکات بسیار جالب، در مسئله نقش قلم و تالیف کتاب در نهضت فاطمیّه این است که کتاب های مربوط به فاطمه زهرا علیها السلام با استقبال بسیار گسترده و خوب عمومی مواجه گردیده، تا آنجا که بسیاری از آنها مکرراً چاپ شده، و

ص: 39

1- برای آشنائی بیشتر با تنوع و دسته بندی کتاب های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام به کتاب نهضت فاطمیّه جلد اول صفحه 95-

135 مراجعه شود

و برخی از آنها 3-4-5-6-7-8-9-12-16-17-32 نوبت به چاپ رسیده است. (1)

جایگاه مطبوعات در نهضت فاطمیّه

در سال های اخیر که توجه عمومی به زندگانی و شخصیت و فضائل و مصائب حضرت زهراى مرضیه علیها السلام گسترش یافته، و مطالعه درباره ابعاد گوناگون زندگی و مبارزات و شهادت آن حضرت جنبه همگانی یافته است روزنامه ها و مجلات، که عمده ترین رسانه مطبوعاتی کشور می باشند، سهم به سزائی را در بخش معرفی و شناساندن عظمت و برجستگی شخصیت و فضائل و مناقب آن حضرت، در زمینه های گوناگون بر عهده گرفته اند، و هر کدام با توجه به ظرفیت ها و امکانات علمی خود، به وظیفه دینی و اجتماعی و رسانه ای خود عمل نموده اند.

به عنوان نمونه، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با استفاده از کامپیوتر (رایانه) لیست موضوعی جالبی را تهیه نموده، از یک سلسله روزنامه ها و مجلاتی که مقالات متنوعی درباره حضرت زهرا علیها السلام در آنها چاپ و منتشر گردیده، با ذکر تاریخ انتشار، و خلاصه مطلب و نام نویسنده در آن لیست ذکر گردیده است.

در لیست یاد شده، که به دست این نویسنده رسیده و 37 صفحه می باشد، 377 مقاله معرفی شده، که در روزنامه های: 1- اطلاعات 2 - کیهان 3- جمهوری اسلامی 4- رسالت 5 - جهان اسلام 6 - سلام، چاپ شده است.

و در مجله های: 1 - آئینه پژوهش 2 - اعتصام 3 - التوحید 4- أهل البیت

ص: 40

5 - بیّنات 6 - پاسدار اسلام 7 - پیام زن 8 - تراثنا 9 - حوزه 10 - رسالة الثقلین 11 - زائر 12 - کیهان آندیشه 13 - کیهان هوائی 14 - مسجد 15 - معرفت 16 - مکتب اسلام 17 - میقات حج 18 - نور علم چاپ و منتشر گردیده است.

در لیست یاد شده، عمدتاً مقاله های منتشر شده، در سال های 1370 تا 1375 شمسی معرفی گردیده، و بعضی از مقالات، مربوط به سال های قبل از این تاریخ می باشد.

بیشترین رقم مقالات یاد شده، مربوط به روزنامه اطلاعات با 69 مورد و روزنامه کیهان با 66 مورد، و روزنامه رسالت با 50 مورد، و مجله پیام زن با 49 مورد، و روزنامه جهان اسلام، با 20 مورد می باشد.

ص: 41

فریاد مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام درهم شکننده قدرت و تسلط مخالفان

هم چنان که قدرت و نفوذ و سلطه امویان، و مخصوصاً معاویه، و بالأخص یزید بن معاویه، با هیچ وسیله تبلیغی - اجتماعی - سیاسی درهم شکسته نشد جز با بیان مظلومیت های امام حسین علیه السلام و بر آفرشته شدن پرچم پر افتخار:

يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام

و در طول زمان، در زیر لوای عزای حسینی، نه تنها شوکت و قدرت و نفوذ و سلطه اموی درهم شکسته ماند، بلکه در هر زمان که دنباله رو های مکتب اموی و سفیانی، در صدد برآمدند که در ویرانه های اقتدار شیطانی بنی امیه، بنیانی بر پا کنند، و مجدداً سر و سامانی به افکار و اندیشه ها، و فرهنگ و اعتقاد اموی بدهند، پرچم مظلومیت سید الشهداء علیه السلام و آثار و برکات خون آن حضرت، و توجه جهانی به مظلومیت آن بزرگوار، مانع گردیده، و طرفداران آن حرکت پلید را رسوا نموده است .

هم چنین، پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام و طرفداران ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای درهم شکستن قدرت و نفوذ دشمنان آن حضرت، و در هم کوبیدن پایگاه های فرهنگی و اعتقادی و اجتماعی آنها، بایستی مظلومیت های فاطمه زهرا علیها السلام را به گوش جهانیان برسانند، زیرا که وجدان های بیدار که در تمامی ملت ها و کشورها، به فراوانی وجود دارد، با توجه به این

مظلومیت‌ها، از ظالمان و طراحان آن حرکت و مکتب شیطانی، بیزاری می‌جویند، و از پیروی راه و مرام و مکتب آنها، فاصله خواهند گرفت.

آری، هیچ دلیل عقلی و نقلی محکم و متقنی، به اندازه صورت نیلی شده فاطمه زهرا علیها السلام (در اثر سیلی دشمن ستمگر) نمی‌تواند وجدانها را بیدار نموده و به حرکت درآورد.

حقیقتاً، هیچ آیه و روایتی، به اندازه پهلوی شکسته، و محسن سقط شده فاطمه زهرا علیها السلام نمی‌تواند سردمداران غصب خلافت را در افکار عمومی و اندیشه‌های بیدار، و وجدان‌های سالم، رسوا سازد.

به راستی، آیا کدام برهان منطقی، به اندازه تأثیر ناله‌های جانسوز فاطمه زهرا علیها السلام می‌تواند وجدان‌های بیدار را بر علیه طراحان نقشه غصب فدک و غصب خلافت برانگیزد.

بررسی تاریخ مناظرات علمی، و بحث‌های اعتقادی و کلامی، و تأثیرات سازنده و شگرف آن، در طول بیش از چهارده قرن، از یک طرف، و مطالعه نتایج قیام امام حسین علیه السلام و آثار درخشان آن در بیدار کردن وجدانها به نفع پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام و رسوا سازی ظالمان و ستمگران و پیروان مکتب ابوسفیانی و اموی از طرف دیگر، به خوبی به اثبات می‌رساند که برای درهم شکستن قدرت و شوکت دشمنان و مخالفان مکتب ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بایستی در رأس همه فعالیت‌های مؤثر، از بیان مظلومیت‌ها، و رنج‌های جانکاهی که بر ناموس کبرای الهی، صدیقه شهیده، فاطمه زهرا علیها السلام وارد شده بهره گرفت، و از آثار عجیب ناله‌ها و اشک‌های جانسوز و بیدادگر آن حضرت، برای لرزاندن، و در هم شکستن پایه‌های قدرت و نفوذ غاصبان حق

أمیر المؤمنین علیّ علیه السلام و ستمگران بر خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بهره گیری نمود و بر همین اساس است که دشمنان ولایت أمیر المؤمنین علیه السلام همیشه در صدد بوده اند، مصائب و مظالمی که بر حضرت زهراى مرضیه علیها السلام وارد شده است را انکار نموده، و یا کم رنگ جلوه دهند و یا از انتشار آنها در میان عموم مردم جلوگیری نمایند.

فاطمه زهرا علیها السلام و فاطمیه أم البركات

هم چنانکه فاطمه زهرا علیها السلام أم البركات هستند، و از هر یک از ابعاد وجود و شخصیت آن حضرت، برکاتی به عالم بشریت و جهان خلقت می رسد، یعنی نسل پاک و بی نظیر آن حضرت، علم لدنی و بی پایان آن عالمه محدّثه، کرامات و ألطاف گسترده آن منبع فیض و کرم، و در یک کلام، خیر کثیر آن کوثر خاندان رسالت، آثار و برکات گوناگون بر انسان و طبیعت فرو می ریزد، هم چنین ، فاطمیه و برنامه های گسترده آن، برکات فراوان دینی و اجتماعی داشته و دارد، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود.

1 - برنامه های عزاداری فاطمیه، زمینه فعالیت های تبلیغی را در همه جا و مخصوصاً بسیاری از منطقه های شهری و شهرک ها و روستاها که در دوره سال، زمینه تبلیغات دینی در آنها محدود می باشد، فراهم نموده است.

2- تأثیر آن در توجّه بانوان به مسئله حجاب، بسیار ارزشمند و جالب بوده است، و جنبه های عاطفی عزاداری ها و سوز و گداز سوگواری ها، و مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام در توجّه آنان نقش بسزائی داشته است.

3 - در ایجاد گرایش اجتماعی، در انتخاب نام دختران از اسماء مقدّسه حضرت زهرا علیها السلام و سایر اهل البیت علیهم السلام و پرهیز از نام های غیر اسلامی و ناهماهنگ

با فرهنگ مذهبی، تأثیر گسترده ای داشته، و در یک بررسی آماری که انجام شده، موفقیت چشمگیری به دست آمده است.

4 - در استحکام بخشیدن به پایه های اعتقادی مردم، بالأخص در برخی از مناطقی که زمینه تزلزل باورهای دینی فراهم گشته، و عوامل بی دینی فراوان شده، نقش مؤثری داشته است.

5 - و بالأخره مراسم و برنامه های فاطمیّه، زمینه ساز مطالعه و تحقیق و جستجو درباره شخصیت و عظمت و شهادت حضرت زهراً علیها السلام گشته، و به همین جهت، آمار مقالات و کتاب های منتشر شده درباره فاطمه زهراً علیها السلام در هیچ دوره ای، در این حدّ سابقه نداشته است.

اعزام مبلغ در دهه فاطمیّه

در زمان گذشته، اعزام مبلغ از حوزه های علمیّه، عمدتاً در ماه مبارک رمضان و دهه اول محرم (ایام عاشورای حسینی) و دهه آخر ماه صفر (ایام اربعین و شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) بود، ولی از زمان شروع نهضت فاطمیّه و گسترش آن، به تدریج اعزام مبلغ در ایام فاطمیّه نیز توسعه یافته، و مبلغین بسیاری از حوزه های علمیّه به سوی شهرها و روستاها اعزام می شوند، و تبلیغات ایام فاطمیّه، به عنوان بخش عظیمی از برنامه های تبلیغی مطرح گردیده است.

نکته جالب در این فصل از تبلیغات این است که، با توجه به مرسوم نبودن تبلیغات و عزاداری فاطمیّه در بسیاری از شهرها و روستاها، بسیاری از مبلغین مخلص، داوطلبانه به شهر یا روستائی می روند، و مردمی را که با چنین برنامه ای آشنائی نداشته اند به حرکت درآورده و پایه گذار برنامه

فاطمیه می شوند و مردم را به برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام برای اولین بار در تاریخ آن شهر یا روستا تشویق می نمایند، و به تدریج سنت حسنه ای را با عناوین: (عاشورای فاطمی)، (مراسم فاطمیّه)، (عزای فاطمیّه) پایه گذاری می نمایند.

برکات نهضت فاطمیّه در زمینه احیاء امر اهل البیت علیهم السلام

پس از آنکه نهضت فاطمیّه، در سال 1411 قمری شروع گردید، برکات عجیب و غیر منتظره ای در زندگی و برنامه های علمی و عملی این نویسنده کمترین ظاهر گردید، و موفقیت های غیر قابل توصیف و پیش بینی، برای این بنده کمترین (با کمک دوستانی که در نهضت فاطمیّه مخلصانه اقدام می کردند) حاصل گردید، که دست یابی به آنها جز با عنایات اهل البیت علیهم السلام و صاحبان ولایت الهیّه، مقدور نمی باشد، که ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می نمائیم.

1 - تحوّل بزرگ در جلب توجه عمومی به مسئله غدیر

این حرکت در سال 1417 قمری (1375 شمسی) انجام گرفت، و با تهیه و اهداء بیست هزار جایزه بزرگ و کوچک، به کسانی که همنام با امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، و برگزاری سیصد جشن مفصل و متوسط برای توزیع آن جوایز، موج اجتماعی عجیبی ایجاد گردید که آثار و برکات آن هنوز در برخی از مناطق ادامه دارد.

2 - توجه دادن به مسئله شهادت حضرت زینب علیها السلام

این حرکت از سال 1416 قمری شروع گردید و تاکنون ادامه دارد

3 - پیشگیری از شکست حریم امامت

در سال 1420 قمری، ایام شهادت امام نهم، حضرت جواد الائمه علیه السلام (آخر

ذی القعدة) در آستانه نوروز 1378 شمسی قرار گرفته بود و سالروز شهادت امام محمد باقر علیه السلام (هفتم ذی الحجة) و شهادت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام (نهم ذی الحجة) مقارن با ایام نوروز گردیده بود و هیئت های مذهبی که عهده دار برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت این دو امام معصوم علیهم السلام و مراسم بزرگداشت حضرت مسلم علیه السلام بودند (به علت ترس از عدم حضور و همکاری مردم در مراسم یاد شده) تصمیم بر تعطیل آن مراسم گرفته بودند.

ولی با لطف الهی و همت دلسوختگان حضرت زهراً علیها السلام و تلاشگران با اخلاص نهضت فاطمیّه، در هر سه مناسبت، به شکل کم سابقه ای، با برگزاری مجلس سوگواری و به راه انداختن دسته عزاداری بسیار شکوهمند (با حضور علماء و فضلاء و عموم مردم با ایمان) از شکسته شدن حریم مقدس امامان معصوم علیهم السلام و حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام یا پیشگیری به عمل آمد.

4 - حفظ حریم محرم و عاشوراء

در سال 1423 قمری، ایام عاشورای حسینی، مقارن گردید با نوروز 1381 شمسی، و روز ششم محرم الحرام، مصادف با اول فروردین ماه بود، و دست های پلیدی در کار بود، که با ترویج و حمایت از برنامه های عید، حرمت محرم و عاشورای حسینی را خدشه دار کنند، ولی با لطف الهی و امداد های غیبی، موفق گشتیم که با بزرگداشت عید غدیر، و آماده سازی افکار مردم برای مراسم محرم و عاشورا (که در آن سال از چند روز قبل از محرم شروع گردید) و با تهیه پرچمها و پوستر های مخصوص، نه تنها از بی توجهی نسبت به عظمت عاشورای حسینی جلوگیری نمائیم، بلکه شور و عزای حسینی به شکل کم سابقه ای در جامعه حکمفرما گردید.

5 - جلب توجه علاقمندان ، به میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام

که به صورت تهیه پوستر با خط استاد نامدار، مرحوم حبیب الله فضائلی قدس سره و با تشویق به برگزاری جشنهای میلاد مقدس آنحضرت انجام گرفت، و تاکنون ادامه دارد.

6 - بزرگداشت شهادت حضرت رقیه علیها السلام

این حرکت از سال 1412 قمری شروع گردید، تا اینکه از سال 1423 قمری تاکنون، در همه برنامه های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، در شب و روز پنجم ماه صفر، به مناسبت سالروز شهادت آن مظلومه شهیده، برنامه های متنوع و گسترده ای پخش می گردد.

7 - بزرگداشت میلاد و شهادت حضرت معصومه علیها السلام

این برنامه با تشویق طلاب و فضلاهی حوزه علمیه برای ذکر فضائل و مناقب حضرت معصومه علیها السلام در اول ماه ذی القعدة، به مناسبت میلاد مقدس آن حضرت، و نیز، از دهم تا دوازدهم ماه ربیع الثانی، به مناسبت شهادت آنحضرت انجام می گیرد، و با پخش پوستر و تشکیل مجلس بزرگداشت شهادت آنحضرت در بیت الزهراء علیها السلام عرض ادب و ارادت می شود.

8 - بزرگداشت وفات حضرت سکینه بنت الحسین علیها السلام

این برنامه از سال 1421 قمری ، در سالروز وفات آن حضرت، در روز پنجم ربیع الاول انجام گرفت، و در سال 1423 و 1424 قمری در شهر مشهد مقدس، و در سال 1425 قمری، در کشور سوریه در شهر دمشق، با برگزاری مجلس سوگواری و به حرکت آوردن دسته عزاداری و سینه زنی، و رفتن به حرم مطهر آنحضرت در «باب الصغیر» دمشق، با عظمت و شکوه فراوان برگزار گردید.

و در یک کلام، توفیق یافته ایم که توجه طلاب و روحانیون را، در مناسبت های مربوط به میلاد و شهادت ائمه معصومین علیهم السلام جلب نموده، و تقاضا نمائیم که حتماً در سخنرانی های خودشان، درباره آن مناسبت بزرگ (که در ارتباط با حزن و اندوه، و یا شادی اهل البیت علیهم السلام می باشد) بحث و گفتگو نمایند، و در صورت امکان، با برگزاری مراسم سوگواری، در مسجد محلّ اقامه نماز جماعتشان، و یا تهیه شیرینی و انجام چراغانی، روز های متعلق به چهارده معصوم علیهم السلام و فرزندان بزرگوار آنها را (که از ایام الله است) گرامی بدارند.

برکاتی گسترده و فیض هائی الهی

توفیق و دستیابی به اقدامات یاد شده، عمدتاً در اثر برکات و آثار نهضت فاطمیّه بوده، و یاران و دوستان حضرت زهرا علیها السلام که در آن حرکت مقدّس، با آنها آشنا شده ایم، در به ثمر رسیدن این اقدامات، نقش اساسی داشته اند، و خلوص و علاقه و همّت و پشتکار و بی ادعائی آنها، سرمایه اصلی موفقیت آنان، و این نویسنده کمترین بوده است، و به دلیل اخلاص آنها، و توسّلات بی شائبه و بی ریایشان، در هر کاری که در رابطه با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بوده، موفقیت های دور از انتظار داشته ایم، و البتّه اهل البیت علیهم السلام، بر مبنای بزرگواری هائی که دارند، بیش از انتظار، در ابعاد معنوی و علمی و مادّی، عنایات و برکاتشان را شامل حالمان نموده اند و به قول شاعر:

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن

که خواجه خود روش بنده پروری دادند

تأسیس مراکز دینی و علمی و اجتماعی به نام های فاطمه زهرا علیها السلام

از آثار و برکات نهضت فاطمیّه، یک جهش بسیار عظیم به سوی تأسیس مراکز دینی و علمی و اجتماعی می باشد، که در سراسر ایران و سایر کشورهای خارجی، به شکل عجیب و چشمگیری مورد توجه قرار گرفته است.

برای دسترسی به آمار این مراکز و پایگاههای دینی و علمی تلاش بسیار گسترده ای داشته، و از سایت های گوناگون داخلی و خارجی بهره جسته ایم، و با بسیاری از مراکز فرهنگی و دینی که با این نوع مطالب آشنائی دارند ارتباط برقرار نموده ایم، ولی به جز آمار های مفصّلی از استانهای اصفهان و تهران، و اطلاعات محدودی از سایر استانها، در حال حاضر، دانستیهای دیگری به دست نیاورده ایم، ولی با این حال، آن چنان آمارهای به دست آمده تکان دهنده است، که هر مطالعه کننده ای را به حیرت می آورد، و نشان می دهد که با حدس و تخمین می توان شمار غیر منتظره همه مؤسسات و مراکز پایه گذاری شده را، در سراسر کشور ایران و سایر کشور های اسلامی و غیر اسلامی، به هزاران مسجد و مدرسه و بیمارستان و درمانگاه و کتابخانه و خیریه و هیئت دینی و... رسانید، و بایستی با کمال تواضع و ادب، به پایه گذاران و تأسیس کنندگان مخلص این بناها و مراکز بزرگ دینی و علمی و اجتماعی، که بنام حضرت زهرا علیها السلام چنین خدماتی را عرضه نموده اند، درود و سپاس فراوان، نثار نمائیم.

و البته باید توجه داشت که بسیاری از این بناها و مؤسّسات، با مساحت بسیار زیاد، و با زیر بناهای گسترده و بسیار عظیم تأسیس گشته، و با امکانات و ابزارهای علمی و فنی بسیار ارزشمند تجهیز گردیده، و با هزینه‌های بسیار عظیم دهها میلیونی، و یا چند میلیاردی شکل گرفته‌اند.

و از درگاه الهی برای بانیان و ایشارگرانی که از مال و جان و آبرو، و همه فرصت‌ها و امکانات مادی و معنوی خود مایه گذاشته‌اند، و بدینوسیله، نام مقدّس فاطمه زهرا علیها السلام را در برابر دیدگان مردم دنیا به اهتزاز در آورده‌اند، آبرو و عزت و سعادت و آخرت آرزو می‌نمائیم.

و اینک به فهرستی از آمارهای به دست آمده اشاره می‌نمائیم، و جستجوگران بیشتر را به کتاب نهضت فاطمیّه، جلد اوّل صفحه 187-286 ارجاع می‌دهیم.

مراکز دینی و علمی و فرهنگی و اجتماعی بنام‌های مقدّس فاطمه زهرا علیها السلام با زبان آمار و ارقام

51 عدد مسجد در مناطق گوناگون شهر تهران

23 عدد مسجد در شهر اصفهان و حومه نزدیک

26 عدد مسجد در شهرستانهای تابعه استان اصفهان

219 عدد فاطمیّه در سراسر ایران تا سال 1375 شمسی

15 عدد حسینیّه و نیز بیت الزهرا علیها السلام و دارالزهرا علیها السلام در تهران - اصفهان و...

38 عدد هیئت ثابت و سیار در اصفهان و شهرهای تابعه

17 عدد موسسه خیریّه در اصفهان و تهران

30 عدد صندوق قرض الحسنه در اصفهان و شهرها و روستاهای تابعه

ص: 51

22 عدد حوزه علمیه و مدرسه علمیه در اصفهان و سایر شهر های ایران

3 عدد دانشگاه و دانشکده در تهران و قم و بندر انزلی

254 عدد دبستان و مدرسه راهنمایی و دبیرستان در استان اصفهان

9 عدد آموزشگاه در اصفهان

81 عدد دبستان و مدرسه راهنمایی و دبیرستان و پیش دانشگاهی در سایر شهرهای ایران(1)

28 عدد بیمارستان بزرگ و مجهز در شهر های ایران

83 عدد دار الشفاء و درمانگاه خیریه و کلینیک در شهر های ایران

51 عدد آزمایشگاه پزشکی در شهر های ایران

14 عدد داروخانه در شهر های ایران

14 عدد مرکز توانبخشی و فیزیوتراپی در شهر های ایران(2)

8 عدد کتابخانه در اصفهان و قم و مشهد و تهران و یزد و شهرضا

24 عدد مؤسسه فرهنگی و فرهنگسرا، در شهرهای اصفهان و تهران و قم و مشهد مقدس(3)

27 عدد مؤسسه انتشاراتی مهم در تهران - قم - اصفهان - مشهد مقدس -

ص:52

1- متأسفانه دسترسی به آمار کامل مدارس و آموزشگاه های سایر استانها پیدا نکردیم

2- و البته باید توجه داشت که بعضی از بیمارستانها و دارالشفاه و آزمایشگاههای مورد اشاره، از بزرگترین مراکز علمی و پزشکی ایران می باشد(نهضت فاطمیه جلد اول صفحه 247-243)

3- تنها مؤسسه الزهرا تهران 22 کتاب درباره حضرت زهرا به زبانهای فارسی - عربی - انگلیسی - اردو - استانبولی - آذری - آلمانی - ایتالیایی - روسی - اسپانیایی - هوسائی - فرانسوی - کریل منتشر نموده است

رشت - دمشق - لبنان - کویت

14 عدد سایت و شبکه اینترنتی در ایران و کویت و...

20 عدد شهرک و خیابان و چهارراه و... در شهرهای ایران

10 عدد هتل بزرگ و مجهز

هزاران عدد مرکز اقتصادی - تجاری - خدماتی و... در شهرهای ایران مراکز علمی و دینی بنام حضرت زهرا علیها السلام

در سایر کشورهای جهان

در جریان نهضت فاطمیّه، در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، فعالیت گسترده ای در زمینه تأسیس مراکز دینی بنام فاطمه زهرا علیها السلام، و فعالیت های تبلیغی و ارشادی در زیر لوای آن حضرت، انجام گرفته و می گیرد، که ذیلاً اشاره می نمائیم.

آلمان غربی

در آلمان که از کشورهای مهم اروپائی است، بسیاری از شیعیان اقامت دارند، و فعالیت دینی می نمایند، و در جریان نهضت فاطمیّه، در برگزاری مجالس بزرگداشت شهادت آنحضرت همّت نموده، و با پخش کتاب و پوستر و پرچم و سائر وسائل تبلیغی، قدمهای مؤثری برداشته اند، و با تأسیس:

1- جمعیت الزهراء الثقافیه (جمعیت فرهنگی - خیریه ای الزهراء علیها السلام) در هامبورگ

2 - انتشارات اسلامی «مؤنستر فاطمه علیها السلام» در هامبورگ، زمینه فعالیت های دینی، و بالاخص درباره حضرت زهرا علیها السلام را فراهم نموده اند.

ص: 53

در ایالات متّحده آمریکا و نیز کشور کانادا، در بخشها و نواحی گوناگون آن، جمعیت بسیاری از شیعیان امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام علی اقامت جسّته، و زندگی می کنند، و برای حفظ ایمان و ارزشهای اعتقادی خودشان، به تأسیس مراکز متعدّد و متنوّعی از قبیل: مساجد، حسینیه ها، مدارس و کتابخانه ها پرداخته اند، و با نام گذاری آنها به نامهای مقدّس پیشوایان اهل البیت علیهم السلام جهت گیری و اهداف آنها را روشن نموده اند.

در میان اَسْمَاءِ مقدّسی که در جریان برنامه یاد شده، مورد توجه بوده، نام مقدّس حضرت فاطمه زهراء علیها السلام می باشد، که ذیلاً به چند مورد توجه می نمایم:

- 1- مدرسه الزّهراء علیها السلام - آمریکا - بلانکو
- 2 - أنجمن عزاخانه حضرت زهراء - آمریکا - نیویورک
- 3 - مسجد الفاطیما - آمریکا - کوئینز - نیویورک
- 4- مسجد الزّهراء علیها السلام - آمریکا
- 5- هیئت فاطمه زهراء - آمریکا - واشنگتن
- 6- مؤسسه الزّهراء علیها السلام آمریکا - کندل استیک
- 7- مرکز اسلامی فاطمیّه - آمریکا
- 8- مسجد فاطیما ، کانادا - مُنْتِرِآل (مونتريال)
- 9- مؤسسه البتول فاطمه (مؤسسه فرهنگی فاطمة البتول) کانادا - (مراکز متعددی ، به این مؤسسه وابسته است)
- 10 - مؤسسه الزّهراء العالمیّه (مؤسسه جهانی حضرت زهراء) کانادا - مُنْتِرِآل مؤسسه یاد شده (الزّهراء) شامل دوازده مؤسسه می باشد، که امور مسلمین را بر عهده دارد

در کشور بزرگ و پهناور استرالیا، همانند سایر نقاط جهان، عدّه زیادی از شیعیان و دوستداران اهل البیت علیهم السلام و پیروان مکتب امیر المؤمنین علیّ علیه السلام زندگی می کنند، و با ساختن مسجد و حسینیه و برگزاری مراسم دینی و احیاء شعائر مذهبی، و بالأخص عزاداری بر مصائب و مظلومیّت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام که رمز بزرگی برای موقّیّت و تأثیر گذاری تبلیغات شیعه می باشد نه تنها در حفظ موقّیّت و موجودیت خودشان اقدام می نمایند، بلکه در جذب دل‌های آماده و جانهای پاک به مکتب مقدس اهل البیت علیهم السلام می کوشند.

در استرالیا مراکز مهمّی به نام مقدّس حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده، که نشانه علاقه به آن حضرت می باشد، که ذیلاً اشاره می شود:

1- مسجد الزّهراء علیها السلام استرالیا (که بسیار فعّال می باشد)

2- جمعیه اسلامی الزّهراء علیها السلام (که در یکی از مساجد استرالیا فعّالیّت دارد)

3- کالج الزّهراء علیها السلام (دانشکده الزّهراء) استرالیا - سیدنی

افغانستان

در کشور افغانستان نیز، در جریان نهضت فاطمیّه علاوه بر فعّالیّت های تبلیغی، به وسیله پخش پوستر و نصب پرچم و نشر کتاب و حرکت دسته جات عزاداری، مراکز دینی زیادی به نامهای مقدّس حضرت زهرا تأسیس نموده اند که ذیلاً مورد اشاره قرار می گیرد:

1- قلعه فاطمه زهراء - کابل - دشت برچی

2- قریه الزّهرا (توتاش سابق) درّه صوف - ما بین مزار و بامیان که در سال 1381 شمسی به نام الزّهراء علیها السلام نامیده شده است.

- 3- حسینیه فاطمه زهراء، در همین قریه الزهراء علیها السلام که در زمان طالبان تخریب گردیده بود، و اخیراً تجدید بنا شده است.
- 4- حسینیه الزهراء - بامیان - قریه قَرَعَنْتُو - جنب مدرسه ولی عصر عجل الله فرجه (که در سال 1372 شمسی تأسیس گردیده است)
- 5- مسجد الزهراء - ولایت غزنی - ولسوالی - ناهور - قریه کتار - روستای سبزاب - که در سال 1378 شمسی تأسیس گشته است.
- 6- حسینیه بتول - ولایت غزنی - ولسوالی - شهر خوات، که در سال 1379 تأسیس شده است.
- 7- مدرسه الزهراء علیها السلام - استان میدان - منطقه دایمیرداد جوقل
- 8- مدرسه فاطمه زهراء علیها السلام - کابل - منطقه تیمنی (تایمنی)
- 9 - حسینیه فاطمیه کابل - وزیر آباد
- 10- مسجد حضرت فاطمه زهراء علیها السلام - کابل - قلعه فتح الله خان
- 11 - مسجد فاطمه زهراء - غزنی - منطقه لنگر - که در سال 1381 شمسی تکمیل شده، و به مناسبت ارسال پوسترهای حضرت زهراء از ایران، به نام حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نامیده شده است
- 12 - مسجد فاطمه زهراء علیها السلام - غزنی - منطقه قرناله
- 13 - مسجد فاطمه زهراء علیها السلام - غزنی - منطقه علاء الدین
- 14- مسجد فاطمیه استان بامیان - ولسوالی - پیکولنگ - جنب مدرسه مهدیه
- 15 - حسینیه فاطمیه استان بامیان - ولسوالی - پنجاب
- 16- مسجد فاطمیه استان بامیان - ولسوالی - پنجاب
- 17 - حسینیه الزهراء علیها السلام - بامیان - قریه پای کوتل

امارات متّحده عربی

در کشور امارات متّحده عربی، در سالهای اخیر، توجّه به مسئله فاطمه زهراء عليها السلام و عظمت و شخصیت و شهادت آن حضرت، رونق بیشتری گرفته، و مراکزی به نام آن بزرگوار نام گذاری شده است، همانند:

1. مسجد فاطمة الزّهراء عليها السلام - امارات - شارع میناء

2- مکتبه و تسجیلات الزّهراء عليها السلام - امارات - شارع

3- مستشفی الزّهراء عليها السلام (بیمارستان الزّهراء) امارات

4- بیمارستان مرکزی الزّهراء - امارات - دبی

5- دار الزّهراء عليها السلام امارات

6- عزا خانه حضرت زهرا عليها السلام امارات

و در آیام فاطمیّه، مراسم بزرگداشت شخصیت و شهادت آن حضرت، به شکل قابل توجّهی برگزار می گردد.

شارجه

یکی از شیخ نشین های امارات متّحده عربی است، و شیعیان مقیم آن، در احیاء آثار حضرت زهراء عليها السلام فعالیت بسیار جالب و ارزشمندی را انجام داده اند که در شکل تأسیس حسینیّه و مسجد، به نام مبارک حضرت زهراء عليها السلام تجلّی یافته است.

1- مسجد الزّهراء عليها السلام

مسجد بسیار مجلّل و با شکوهی است، که با گنبد و مناره های بسیار جالب و کاشیکاری و نماسازی زیبائی، تماشاگران را به سوی خود جلب می نماید.

این مسجد در ده سال قبل (1413 قمری) در شارع گرنیش تأسیس شده، و دو هزار و پانصد متر می باشد، و کاشی کاری آن به سبک ایرانی است، و به وسیله شیعیان بومی شارجه تأسیس شده، و محل برگزاری برنامه های دینی و عزاداریهای اهل البیت علیهم السلام می باشد.

2- حسینیه الزهراء علیها السلام یا مآتم الزهراء

این حسینیه، دو سال قبل تأسیس گشته، و زمین آن یکهزار و پانصد متر می باشد، و به نام مآتم الزهراء خوانده می شود. حسینیه الزهراء، همانند مسجد الزهراء، از ساختمان مجلل و باشکوهی برخوردار می باشد.

3- کتابخانه مسجد الزهراء

کتابخانه ای است که در مسجد الزهراء تأسیس شده، و محل فعالیت علمی و تبلیغی برای شیعیان می باشد.

مجموعه یاد شده، از جلوه های روشن برای عشق و علاقه مردم شارجه به شهیده مظلومه، حضرت زهراى مرضیه علیها السلام می باشد، که زیر لوای آن حضرت برنامه های دینی و تبلیغی و اجتماعی و خدماتی خودشان را انجام می دهند.

انگلستان

در کشور انگلستان، جمعیت بسیاری از عموم مسلمانها و مخصوصاً شیعیان اقامت و فعالیت دارند، و با توجه به بیداری مسلمانان، تأسیس مراکز دینی و تبلیغی در آنجا بسیار رو به افزایش می باشد.

در سالهای اخیر، استقبال بسیار جالبی از برنامه های فاطمیه انجام گرفته، و کتابهای گوناگون مربوط به شخصیت و شهادت حضرت زهراء علیها السلام به زبانهای انگلیسی، عربی، فارسی، اردو و... و نیز، پوسترها و پرچم های فاطمیه در

انگلستان و مخصوصاً لندن، مورد توجه قرار گرفته، و تقاضای ارسال کتابها و پوستره‌های متعلق به حضرت زهراء عليها السلام حالت مستمر یافته است.

در شهر لندن، علاوه بر مؤسسه‌ها و مساجد و حسینیه‌هایی که به نامهای مقدّس ائمه معصومین عليهم السلام نام گذاری شده، برخی از آنها به نام حضرت زهراء عليها السلام نامیده شده است، همانند:

مدرسة الزّهراء عليها السلام - انگلستان - لندن - خیابان سالوسبری

بحرين

یکی از کشورهای منطقه خلیج است، که در قدیم الأیام از مراکز مهم علمی و اجتماعی شیعه بوده، و بسیاری از مفاخر بزرگ شیعه از آن برخاسته اند، و حوزه علمی شیعه در بحرین، یکی از حوزه‌های برجسته شیعه بوده است.

در بحرین، دویت و شصت مسجد کوچک و بزرگ برای شیعیان وجود دارد، و در دو دهه قبل، تنها در شهر منامه، چهل حسینیه (اعم از مردانه و زنانه) وجود داشته، و در شهر «المحرق» بیش از ده حسینیه مردانه و زنانه وجود دارد، و در بعضی از محله‌ها، چندین حسینیه موجود می‌باشد، وهم اکنون، عده‌ای از علماء شیعه در بحرین حوزه‌ی درسی دارند، و بسیاری از خطباء به ارشاد و هدایت مردم مشغول می‌باشند. (1)

مراکز دینی و علمی بحرین به نام حضرت زهراء عليها السلام

1- مدرسة الزّهراء عليها السلام لتدريس القرآن

2 - مدرسة فاطمة الزّهراء عليها السلام

ص: 59

1- دائرة المعارف تشیع، جلد 3، صفحه 119

3- مدرسة فاطيما الزهراء عليها السلام

4- مركز لوازم الزهراء عليها السلام

5- مسجد الزهراء عليها السلام - که در حسينيه بزرگ «ماتم العجم الكبير» در چند سال قبل تأسيس شده است.

در ايام فاطميه، مراسم عزاداري حضرت زهراء عليها السلام در بحرين برگزار مي گردد.

پاکستان

کشور پهناور پاکستان که در همسايگي ايران قرار گرفته، از کشورهای اسلامي پر جمعيت مي باشد، که شمار شيعیان آن، گرچه نسبت به کل جمعيت کشور در اقليت مي باشد، ولي وجود شخصيت های بزرگ علمي و اجتماعي شيعه، در جريان مبارزات استقلال طلبانه اين کشور، و در جريان اقدامات علمي و فرهنگي جامعه، سبب شده است که نفوذ و قدرت شيعیان، قابل توجه و مورد دقت و بررسي های مهم اجتماعي و سياسي باشد.

توجه به شخصيت و عظمت حضرت زهراء عليها السلام در ميان مردم پاکستان را از نشانه های گوناگون مي توان به دست آورد، که ذيلاً نمونه هائي از تأسيس مراکز ديني و علمي به نام آن حضرت را، ياد آور مي شويم:

1- جامعة الزهراء عليها السلام (زهرا اکيد مي) پاکستان - کراچي - سکيميدان لنک رود

2- جامعة فاطميه پاکستان - روکاره - ريناله خورد

3- جمعيت طلباء فاطميه (جامعة فاطميه) پاکستان - پنجاب - ريناله خورد

4- مدرسه فاطمه الزهراء عليها السلام پاکستان - سيد آباد - خيابان علمدار (علمدار رود)

5- جامعة الزهراء عليها السلام پاکستان - کراچي - سي 33 رضويه

6- دار الزهراء عليه السلام پاکستان - پاراچنار (صوبه سرحد)

7- مدرسة الزهراء عليها السلام پاکستان - بلتستان - پاری کهرمنگ - ضلع سکردو

8- پارک فاطیما الجنه پاکستان

9- معهد الزهراء (مرکز علمی الزهراء) پاکستان

10- مدرسه فاطمیہ پاکستان - چکوال (مدرسه ای است برای دختران)

11 - عزاخانه حضرت زهرا پاکستان - کراچی

12 - بیمارستان فاطمیہ بانک خون پاکستان - کراچی

13 - امام باره فاطمه زهراء پاکستان - بلوچستان

14- مسجد فاطمیہ پاکستان - جنب بازار سادات فرزندان امام علی التقی علیه السلام در کشور پاکستان، فعالیت برای ترویج فرهنگ فاطمیہ رو به افزایش و گسترش می باشد، و به خاطر قداست و انتساب نزدیک و استثنائی آن حضرت، به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شیعیان می توانند به نام نامی آن حضرت، فعالیت های دینی و تبلیغی خود را توسعه داده، و در سنگر مستحکم پیروی از آن حضرت، از مکتب مقدس ولایت و خلافت امیر المؤمنین علیه السلام دفاع نمایند.

روسیه

کشور روسیه علاوه بر اینکه کشوری غیر اسلامی است، سالها مرکز قدرت ضدّ خدائی، و مبارزه با ارزشهای دینی و معنوی و الهی بوده است، ولی در سالهای اخیر، علاوه بر مطرح گردیدن ارزشهای معنوی و اخلاقی، و توجه به مکتب انبیاء، و آزادی رعایت عقائد و احکام اسلامی و شیعی، در مسیر جریان نهضت فاطمیہ قرار گرفته، و مرکزی به نام مقدس :

«بیت الزهراء علیها السلام»

در شهر مسکو تأسیس گشته است، که برنامه های دینی و مراسم مذهبی در

آن انجام می‌گیرد و حتی به زوج‌های جوانی که رسماً ازدواج نمایند، به نام مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام چهارده عدد سکهٔ بهار آزادی اهدا می‌گردد، و بدینوسیله، در تشویق آنها به پیوند مقدّس اسلامی ازدواج، اقدام می‌شود، و بنام مقدّس حضرت زهراى مرضیه علیها السلام فعالیت دینی، و خدمات اجتماعی مطابق مکتب شیعه انجام می‌گیرد.

سوریه

کشور سوریه، محلّ دفن بسیاری از شخصیت‌های برجستهٔ اهل البیت علیهم السلام می‌باشد، و در قبرستان تاریخی آن (باب الصغیر) مدفن بزرگانی همچون امّ السّلمه (همسر بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) و بلال حبشی (مؤدّن فداکار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) و فضّه خادمه (کنیز حضرت زهراء علیها السلام) و عبد الله بن جعفر طیار (همسر حضرت زینب علیها السلام) و نیز زیارتگاه امامزادگان عظیم الشانی، همچون حضرت امّ کلثوم علیها السلام و حضرت سکینه بنت الحسین علیها السلام، و رؤس شهدای عظیم الشان کربلا، و چندین امامزادهٔ دیگر وجود دارد، و در قلب شهر تاریخی و پایتخت آن (دمشق) بقعه و بارگاه خیره‌کنندهٔ یادگار امام حسین علیها السلام یعنی حضرت رقیه علیها السلام قرار گرفته، و در حاشیهٔ شهر دمشق، حرم و بارگاه و گنبد و مناره‌های با شکوه مزار شریف و نورانی عقیلهٔ بنی هاشم، حضرت زینب علیها السلام چند صد هزار نفر را از کشورهای مختلف به گرد خود جمع نموده، و شهر بزرگی را بنام «زینبیه» شکل بخشیده است، و همه ساله میلیونها نفر زائر دلباخته را از همهٔ جهان، به سوی مزار شریف خود روانه می‌سازد.

سوریه، در حال حاضر، یکی از مراکز مهمّ فعالیت شیعه، و پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام می‌باشد، و حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام و حضرت رقیه علیها السلام و

سایر مزارات شریفه، محلّ بلند شدن ندای حقّ و حقیقت، یعنی:

أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ

می باشد، و هر تماشاگری می تواند با دیدن صحنه های با شکوه حرم های یاد شده، به عمق علاقه مردم شهرها و کشورهای گوناگون (اعمّ از سفید و سیاه و عرب و عجم، و از نژاد های گوناگون) نسبت به خاندان رسالت و امامت پی ببرد.

تجلی علاقه به فاطمه زهراء علیها السلام در کشور سوریه

در سالهای اخیر، و در جریان نهضت فاطمیّه، همّت و تلاش شیعیان، در راه دفاع از مظلومیت حضرت زهراء علیها السلام به سطح مطلوبی رسیده، و نه تنها با تأسیس مؤسسه ها و مراکزی برای نشر و تبلیغ اهداف آن حضرت، گامهای مؤثری برداشته شده، بلکه برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت آن حضرت، و حرکت دستجات عزاداری و سینه زنی در ایّام فاطمیّه، حال و هوای عاشورائی یافته، و موج ساز گردیده است، و ذیلاً به نشانه هائی از این توجّه و علاقه اشاره می نمائیم:

1- حسینیه الزهراء علیها السلام که در طرف شرق حرم حضرت زینب علیها السلام واقع گردیده و بسیار نزدیک به بارگاه آن حضرت می باشد.

حضور زائران حضرت زینب علیها السلام، بالخصوص زواری که از کشور عربستان به این حسینیه وارد می شوند، در تحکیم و تثبیت پایه اعتقادی شیعیان کشور سعودی، نقش مؤثری دارد.

این حسینیه پایگاه فعالیت دینی، و تهیه و نشر مجله ها و روزنامه ها و کتابهای دینی شیعه می باشد، و محلّ برگزاری مجالس عزاداری است، و کتابخانه نیز دارد.

2- قاعة البتول علیها السلام (سالن سخنرانی البتول) که محلّ برگزاری جلسات

عزاداری و دعای ندبه و تعلیم قرآن می باشد، و محل آن در منطقه زینبیه است.

3- حسینیه الصدیقه الطاهره علیها السلام، که جایگاهی برای عزاداریها، بالأخص در دهه عاشوراء است.

4- مُستوصف الزهراء علیها السلام که در مانگاهی است در نزدیکی بارگاه مقدس حضرت زینب علیها السلام

5- هیئت فاطمة الزهراء السویه علیها السلام (هیئت فاطمه زهراء برای بانوان) که در حوزه علمی زینبیه مستقر می باشد، و برنامه های متعددی را به اجراء می گذارد، و مجله «البشری» توسط این هیئت، تهیه و منتشر می گردد.

6- هیئت فاطمة الزهراء علیها السلام که حرکت بسیار مهمی را انجام می دهند، و آن این که در روز سیزدهم جمادی الاولی (فاطمیه اول) بعد از اذان صبح، با پای پیاده، از مقابل حوزه علمی زینبیه (در جوار حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام) به سوی حرم حضرت رقیه علیها السلام در دمشق حرکت می کنند، و چهارده کیلومتر را با حمل پرچم های سیاه و در حال سینه زنی طی می کنند و در حرم حضرت رقیه علیها السلام به عزاداری و سینه زنی می پردازند، و سپس با اتومبیل به حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام بر می گردند، و به سینه زنی و عزاداری می پردازند، که تا ظهر ادامه دارد.

از نکات جالب این است که، در بین راه، به وسیله عده ای که آماده شده اند، از عزاداران پذیرایی می شود، و این حرکت در مسیر طولانی، به نام عزاداری بر حضرت زهراء علیها السلام در بیداری مردم دمشق، و سایر مردمی که از کشورهای دیگر به سوریه آمده اند تأثیر عمیق و جالبی دارد.

در دفترهای مراجع معظم تقلید، و تمامی حسینیه‌های موجود در شهر زینبیه، در ایام فاطمیه مجلس عزاداری برگزار می‌شود، و همه شیعیان سیاه پوش می‌شوند، و در روز شهادت حضرت زهراء علیها السلام (در فاطمیه اول و دوم) حوزه‌های درسی، همه تعطیل می‌گردد، و در منزل عده‌ای از علماء و طلاب حوزه علمیه نیز، مجالس عزاداری برگزار شده، و برنامه اطعام انجام می‌گیرد.

در حوزه علمیه زینبیه (که اولین و مهمترین پایگاه علمی شیعه در زینبیه است) مجلس بسیار مفصل و با شکوهی برگزار می‌گردد، و در سال 1422 و 1423 قمری (دو سال گذشته) خطیب نامدار و دلباخته حضرت زهراء علیها السلام صاحب کتاب نفیس و ده جلدی «إعلموا أنّی فاطمة» یعنی حجة الإسلام والمسلمین، آقای حاج شیخ عبد الحمید مهاجر دام عزه و توفیقه، در مجلس یاد شده سخنرانی، نموده اند که علاوه بر حوزه علمیه (که جمعیت چند هزار نفری را در خود جای می‌دهد) به وسیله اداره راهنمایی و رانندگی، خیابان مقابل حوزه علمیه بسته می‌گردیده، و مردم عزادار حضرت زهراء علیها السلام در خیابان می‌نشستند و در شب شهادت، از مقابل حرم حضرت زینب علیها السلام تا فلکه «حجیره» مملو از جمعیت می‌گردیده است.

در بعضی از شبها، زمان سخنرانی به بیش از دو ساعت کشیده می‌شده، و در سال 1423 قمری، این مجلس به چهارده شب افزایش یافته، و یکی از شیعیان فعال و علاقمند لبنانی، برنامه سخنرانی آقای مهاجر را به وسیله ماهواره، همه روزه پخش می‌نموده است.

مجلس یادشده، در بیداری دلها و آگاهی فکرها و به حرکت در آوردن

عواطف پاک و احساسات لطیف، در حمایت از مظلومیت حضرت زهراء عليها السلام نقش بسیار عجیب و تکان دهنده ای داشته، و تجلی جالبی از نهضت فاطمیّه، محسوب گردیده است.

8- جشنهای میلاد حضرت زهراء عليها السلام

در سالروز میلاد حضرت زهراء عليها السلام مراسم جشنی در حوزه علمیه زینبیه برگزار می گردیده، تا این که یکی از پزشکان عراقی مقیم سوریه، مجلس جشن بزرگی را در منزل خود برگزار می نماید، و با حضور شخصیت های علمی و اجتماعی (اعم از شیعه و غیر شیعه) بر شکوه مجلس می افزاید، و سپس مجلس را به حسینیه الزهراء عليها السلام زینبیه منتقل می نماید، و پس از آن، مجلس بزرگ دیگری در شهر دمشق (با دعوت از پزشکان و فرهنگیان و...) برگزار می نماید، و با گذشت زمان، دهها مجلس جشن در دفاتر مراجع معظم تقلید و منازل علماء مقیم زینبیه برقرار می شود، که چهره منطقه و حال و هوای آن را دگرگون می سازد.

9- در سالهای گذشته، در حدود پانزده کتاب درباره حضرت زهراء عليها السلام تألیف و منتشر گردیده است.

10- در استان دیر الزور سوریه، در سالهای اخیر، در اثر تبلیغات نمایندگان از حوزه علمیه زینبیه، جمعیت زیادی به مکتب اهل البیت عليهم السلام پیوسته اند، و بیست مسجد و حسینیه در آن منطقه تأسیس گردیده است، که از جمله آنها:

حسینیه فاطمة الزهراء عليها السلام می باشد، که در سال 1418 قمری تأسیس گردیده، و محل برگزاری برنامه های گوناگون دینی در مناسبت های مذهبی می باشد.

11- در اطراف شهر حلب، که دوّمین شهر مهمّ سوریه است، دو روستای شیعه نشین وجود دارد، و یکی از آنها به وسیله حاکمان مخالف شیعه، به نام نامناسبی نامگذاری گردیده بوده است، ولی با حمایت و همّت مرحوم آیه الله شهید سید حسن شیرازی قدّس سره و نام این روستا (که بیست هزار جمعیت دارد و همه شیعه هستند) به نام مبارک: بلدة الزّهراء علیها السلام = شهر حضرت زهراء علیها السلام تغییر یافته، و هم اکنون همین نام مبارک، رسماً مطرح می باشد، و نام قبلی کاملاً فراموش شده است.

12 - مسجد فاطمه زهراء علیها السلام در شهر «حمص»، که به وسیله شهید، آیه الله سید حسن شیرازی قدّس سره تأسیس گردیده است.

13 - مسجد فاطمة الزّهراء علیها السلام در شهر «صافیتا» در سوریه، در منطقه ای که مربوط به علویین می باشد، که به وسیله مرحوم آیه الله شهید شیرازی قدّس سره افتتاح گردیده است.

14 - صندوق قرض الحسنه کوثر علیها السلام

15 - کاروان زیارتی الزّهراء علیها السلام

16- موقع البتول علیها السلام (شبكة بتول علیها السلام)

17 - فروشگاه الزّهراء علیها السلام

18 - مكتبة الزّهراء علیها السلام- دمشق

19 - مكتبة البتول علیها السلام- دمشق

20 - هتل الزّهراء علیها السلام - شهر زینبیه

و شمار زیادی فروشگاه و مرکز فعالیت اقتصادی و اجتماعی دیگر

در سالهای حاکمیت بعثیه‌های عفری، و تسلط صدام (دیکتار خون آشام قرن) نه تنها هیچ گونه فعالیت دینی و بالخصوص شیعی، در کشور عراق انجام نمی گرفت، بلکه با سرکوب شیعیان، و آواره نمودن ایرانیان مقیم عراق، و متلاشی نمودن حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف، تمامی مظاهر عشق و ایمان مردم نسبت به اهل البیت علیهم السلام را از بین بردند، ولی به مجرد اینکه حکومت صدام و حزب بعث، در اوائل سال 1424 قمری (1382 شمسی) سقوط کرد، به سرعت، جلوه های عشق و علاقه عمیق مردم نسبت به اهل البیت علیهم السلام بالخصوص امیر المؤمنین علی علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام چشم جهانیان را خیره کرد، و مراسم بزرگ ده میلیونی اربعین حسینی برگزار گردید و مردم سراسر عراق با پای پیاده و با طی فاصله های 20-30 کیلومتری، تا 400 کیلومتری، تمامی راههای منتهی به کربالای معلی را در نوردیدند، و با پای پیاده، و با مَرکب عشق و شور و سوز حسینی، راه پیمودند، و تمامی شهر کربلا و بیابانهای اطراف آنرا، زائر سرای آن همه دلسوخته ای که در آتش عشق حسینی می سوختند، قرار دادند.

در اواخر ماه ربیع الثانی 1424 قمری، این کمترین، و چهل نفر از دلسوختگان فاطمه زهرا علیها السلام به قصد تبلیغ و آماده سازی مردم عراق (و بالخصوص کربلا- و نجف و کاظمین) برای بزرگداشت شهادت فاطمه زهرا علیها السلام و ایام فاطمیّه، عازم کعبه دلها، یعنی کربلای حسینی شدیم، و با تمام مشکلاتی که برای رسیدن به مقصود در راه بود(1) خود را به سرزمین پاکی ها و فضیلت ها،

ص:68

1- در آن زمان، ورود به عراق به شکل رسمی میسر نبود و بایستی از طریق کردستان ایران و عراق و همراه استقبال از مشکلاتی فراوان و با آمادگی کامل برای پذیرش خطرات گوناگون، به حریم دوست راه می یافتیم.

نجف اشرف، و کربلای معلی، و کاظمین، و سامرا رساندیم. در این کاروان عشق و شور، و اشک و سوز، که از نوجوان 14 ساله تا پیر مرد هشتاد ساله حضور داشتند، همه یک هدف داشتند، و آن اینکه برای خشنودی امیر المؤمنین علیّ علیه السلام (همسر زهرا شهیده) و امام حسین علیه السلام (فرزند داغدیده فاطمه مظلومه) نهضت فاطمیّه را در آن دیار ستم کشیده، و در میان آن مردم غمزده و از زیر چکمه، صدّامیان آزاد شده، مطرح نموده، و ندای مظلومیّت آن شهیده راه امامت را به گوش همه برسانند

عشق و علاقه مردم «کربلا» و «نجف» و «کاظمین» و عموم ملت عراق، از یک طرف، و سوز اعضای کاروان تبلیغی فاطمیّه از طرف دیگر، کار خود را کرد، و به سرعت، هیئت هائی بنام مقدّس حضرت زهرا علیها السلام تأسیس گردید، و پرچمهای عزای فاطمیّه، به در و دیوارها نصب گردید، و علماً و هیئات مذهبی، آمادگی خود را برای بزرگداشت شهادت فاطمه زهرا علیها السلام اعلام نمودند.

در ایّام فاطمیّه اوّل و دوّم، در بارگاه امیر المؤمنین علیّ علیه السلام و امام حسین علیه السلام و نیز امام موسی بن جعفر و جواد الائمه علیهما السلام عزاداریهای بسیار مفصّل و گسترده، و حرکت دستجات عزاداری و سینه زنی فراوان انجام گرفت، و جمعی از دوستان، که در آن ایّام، به عتبات مقدّسه مشرف شده بودند، از گسترش و عظمت و شور نهضت فاطمیّه خبر دادند.

تنها در شهر کربلا چهارده هیئت فعالیت بسیار گسترده داشتند، به نامهای:

1 - موكب جمهور الفاطميّة 2 - موكب جمهور الحيدريّه 3-هيئة الزينيّه 4- هيئة سفينة النجاة 5- هيئة غريب طوس 6- هيئة المنتظر (عج) 7- هيئة خدمة اهل البيت عليهم السلام 8- هيئة باب الخان 9 - هيئة باب السلامه 10 - هيئة باب بغداد 11 - هيئة العباسيّه 12 - هيئة باب النجف 13 - هيئة حيّ الحرّ

14 - هيئة الصّفاريين

در حدود ده هزار متر پارچه سیاه در شهر های عراق توزیع گردید، برای مراسم فاطمیّه، و در ماههای جمادی الاولى و جمادی الثانيه (اّيام فاطمیّه اول و دوّم) سیاه پوشی، و پرچمهای عزا در خیابانها و مغازه ها و حسینیه ها و مساجد و مدارس، جلب توجه می نمود.

نصب پرچم بزرگ و زیبائی با این عبارت «هيئة فاطمة الزهرا عليها السلام تأسست عام 1424» بر دیوار صحن مقدّس امام حسین علیه السلام در اّيام زیارت، که هنوز اّيام فاطمیّه نرسیده بود، اشک شوق را از چشم همه دوستان جاری ساخت، و سرعت تأثیر تبلیغات فاطمیّه در آن فضای ملکوتی، بسیار جای دلگرمی، و امید بخش بود.

در سفر زیارتی این کمترین، که در ماه شوال 1424 قمری انجام گرفت، ملاحظه نمودم در همین چند ماه پس از سقوط بعثی ها، نامهای مقدّس حضرت زهرا عليها السلام در جای جای شهر های کربلا و نجف و کاظمین، و نیز در برخی از مغازه ها و رستورانهای میان راه دیده می شود، و برخی از مراکز دینی و

اجتماعی از نام مقدّس حضرت زهرا عليها السلام استفاده کرده اند.

در هنگام ورود به عراق و خروج از اداره گمرک آن، تابلوی جالبی بالای سر مسجدی دیده شد، که بر روی آن نام «جامع الزهرا عليها السلام» جلب توجه نمود.

ص:70

و به خوبی نشان داد که نهضت فاطمیّه، در کشور عراق به سرعت در حال موقّیّت و پیشرفت می باشد.

پوسترها و پرچم هائی که در دو نوبت به عراق بردیم (پس از سقوط حکومت بعثیها)، بسیار مورد استقبال قرار گرفت، و امیدواریم بتوانیم در این زمینه عرض ادب و ارادت بیشتری داشته باشیم.

عربستان سعودی

در کشور عربستان سعودی، با توجّه به حاکمیّت وهّابیان متعصّب، مظاهر تشیّع و دل‌بستگی به خاندان رسالت، با مشکلات اساسی مواجه می باشد، و هرگونه حرکت در این راستا، با اشکال فراوان روبرو می شود، ولی با این حال مواردی از درخشش أنوار فاطمه زهراء علیها السلام در آن کشور نیز مشاهده می شود.

1- مسجد فاطمه زهراء علیها السلام این مسجد از مساجد سبعة، در حاشیة شهر مقدّس مدینه منوره می باشد، و از آثار تاریخی شهر مدینه به شمار می رود، گرچه سیاست حکومت سعودی برای محو آثار این مسجد به کار گرفته شده است، ولی شیعیان علاقمند در کنار دیوار همان مسجد بر روی خاکها به نماز و دعا می پردازند، و از روح مقدّس حضرت زهراء مرضیه علیها السلام استمداد می جویند.

2- مدرسه الزّهراء علیها السلام - ریاض، مدرسه ای است برای دختران، که از نظر علمی داری موقّیّت برجسته می باشد

3- مدارس البتول الأهلی للبنات - عربستان سعودی (که چندین مدرسه، بنام بتول علیها السلام می باشد)

4- مستشفی الزّهراء - مدینه منوره - شارع الإمام علیّ علیه السلام

بیمارستان بسیار عظیمی است که در محله شیعه نشین مدینه، و در چند طبقه با امکانات پزشکی بسیار گسترده و در سطح بالا تأسیس گشته است، و مجهز به آزمایشگاههای متعدد می باشد، و پزشکان بسیار زیاد، با تخصص های گوناگون، با نظم و انضباط و نظافت برجسته، در آن به ارائه خدمات مجانی مشغول می باشند، و تابلوی سر در این بیمارستان، آنقدر زیبا است، که به بیماران روحیه می بخشد، و با ذکر یا زهراء وارد بیمارستان می شوند، و با آرامش عجیبی به درمان می پردازند.

5- مطبخ آلزها علیها السلام در مدینه منوره، شارع قربان طالع، که برنامه آنها طبخ غذا برای مراسم افطاری شیعیان در حسینیه ها می باشد

6- وحدة البتول - یکی از واحدهای دانشگاهی در عربستان سعودی

7- تشکیل مجالس فاطمیه

در سال 1423 قمری، در منطقه شرق عربستان (که شیعه نشین می باشد) سی و پنج مجلس بزرگداشت شهادت فاطمه زهراء علیها السلام در ایام فاطمیه تشکیل گردید، که سر فصلی مهم برای حرکت و نهضت فاطمیه در این کشور می باشد.

8- همراهی با زائران ایرانی در زیارت حضرت زهرا علیها السلام

در هنگام خواندن زیارت حضرت زهرا علیها السلام و ذکر مصائب آن حضرت، شیعیان عربستان، با علاقه زیاد به استماع و قرائت و اظهار حزن و اندوه، در غم مصیبت های آن حضرت می پردازند، که این نویسنده، مکرراً در حرم مطهر بقیع، و یا شبها در پشت دیوار بقیع، صحنه های جالبی را در این زمینه مشاهده کرده ام، و اظهار علاقه آنان را به صورت مصافحه و ادای جمله های محبت آمیز، و تشویق کننده در می یافتم.

9- استقبال شدید از پوسترها و برچسب های فاطمیّه

با این که شیعیان مدینه و شرق عربستان، در حال گرفتاری به تعصبات شک و هائیها بسر می برند، ولی با این حال، از پوستر های فاطمه زهراء عليها السلام و خصوصاً برچسب های مزین به نام فاطمه زهراء عليها السلام (که در اندازه کوچکتر می باشد) استقبال شایسته ای می نمایند، که خود نشانه روشنی از زمینه های روحی بسیار مهیا برای نهضت فاطمیّه می باشد.

10- فراوانی نام فاطمه و زهراء در نام گذاری دختران، نشانه بارزی از علاقه قلبی مردم عربستان، به فاطمه زهراء عليها السلام است، گرچه کافران و ظالمان و مشرکان دوست نداشته باشند.

غنا (غانا)

کشور غنا، از کشور های آفریقای غربی می باشد، و شیعیان و پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام در آن کشور، نسبت به حضرت زهرا عليها السلام محبت و ارادت خود را با تأسیس مراکز علمی و دینی اظهار داشته اند.

1- مدرسه فاطمه الزهراء (برای تعلیم قرآن و علوم آن، جهت مردان و زنان) غنا - اکرا

2- مدرسه فاطمه زهرا عليها السلام غنا - بوندو-کو - سوکو

فلسطین

کشور فلسطین که مورد ظلم و ستم شدید صهیونیست های نژادپرست قرار

گرفته است، نشانه های روشنی از علاقه و محبت نسبت به یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا ی مرضیه علیها السلام را در خود حفظ نموده و نشان می دهد،

که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌نمائیم :

1- هتل الزهراء عليها السلام - فلسطين - غزّه

2- مدرسه فاطمیه فلسطين - شهرک نابلس

3- مدینه الزهرا عليها السلام - فلسطين - جنوب غزّه

کویت

یکی از کشور های عربی در منطقه خلیج فارس است، و بخش بسیار مهمی از جمعیت آنرا شیعیان و پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام تشکیل می دهند، و بسیاری از ایرانیان مقیم کویت نیز از پیروان مکتب تشیع می باشند .

شیعیان کویت، بسیار فعال می باشند، و در زمینه برگزاری مراسم عزاداری و تبلیغات دینی، سرمایه گذاریهای اقتصادی و انسانی فراوانی دارند، و با توجه به توان اقتصادی و مالی که در اختیار دارند، در ساختن مساجد و حسینیه ها، و نیز سایر مراکز عام المنفعه، بنامهای مقدّس معصومین علیهم السلام در دیگر کشور ها، گامهای ارزشمندی بر می دارند.

در کویت بنام های مقدّس ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت زهراى مرضیه علیها السلام مراکز بزرگ دینی و اجتماعی بسیاری، از قبیل: مسجد و حسینیه و بیمارستان و ... تاسیس گشته، و مورد بهره برداری برای برنامه های دینی و خدمت رسانی به مردم می باشد، و از جمله شمار زیادی از تاسیسات و پایگاههای دینی بنام های مقدّس حضرت زهرا علیها السلام می باشد، که ذیلاً به شماری از آنها که در فرصت کوتاهی به دست آمده اشاره می‌نمائیم.

1- مسجد فاطمة الزهرا عليها السلام در منطقه شرق که سابقه زیادی دارد و از اهمیّت ویژه ای برخوردار است

2- حسیّیة الزّهرّا علیها السلام در منطقه صباح السّالم

3 - حسیّیة البتول علیها السلام در منطقه صباح السّالم

4- حسیّیة الزّهرّا علیها السلام (ام حسن) در منطقه منصوریه

5- ضاحیة الزّهرّا علیها السلام (یعنی ناحیة الزّهرّا) که منطقه سکونت بسیار بزرگی است و از مناطق فرمانداری «حوّلی» می باشد

6- مؤسّسة الصّدیقة الزّهرّا علیها السلام که در زمینة امور خیریّه اقدام می نماید

7- هیئة الشّباب الزّهرّا علیها السلام، که هیئتی است فرهنگی برای جوانان، و در زمینة نشر معارف أهل البیت علیهم السلام اقدام می نماید

8- لجنة السّیّدة الحورّا علیها السلام لجنه ای است برای زنان ، که در امور فرهنگی - دینی اقدام می نماید، و در منطقه اندلس کویت می باشد

9 - لجنة السّیّدة الرّکّیة علیها السلام

10 - لجنة السّیّدة الزّهرّا علیها السلام لجنه ای است زنانه، برای بازاری خیریّه ای ، در منطقه رمیسیّه کویت

11 - مؤسّسة السّیّدة فاطمه علیها السلام که موسسه ای است فرهنگی - دینی برای زنان

12 - لجنة البتول علیها السلام که تشکیلاتی فرهنگی - دینی است

13 - شبکة یا زهرّا علیها السلام

که پایگاهی است در اینترنت ، برای فعّالیّت های گسترده تحقیقی - تبلیغی در راستای مکتب تشیع

14 - شبکة دار الزهرّا علل که پایگاهی است در اینترنت برای برنامه های تبلیغی ، و فعّالیّت های علمی ، مطابق با جهت گیری ، شیعی و مطابق مکتب أهل البیت علیهم السلام(1)

ص:75

1- در کشور کویت بیش از یکصد شبکة اینترنتی، وابسته به شیعیان وجود دارد

مراکز دینی و مذهبی و اجتماعی بنام های حضرت زهرا علیها السلام در کویت زیاد است، ولی متأسفانه در اثر عدم دسترسی بیشتر، به جز موارد یاد شده، از مراکز دیگر اطلاع مشخص به دست نیاوردیم

مراسم فاطمیّه در کویت

در کشور کویت در فاطمیّه اول و دوم، مراسم بسیار گسترده ای، همراه با سخنرانی و عزاداری و اطعام بسیار مفصل برگزار می شود که اخبار آنها از سایت ها و شبکه های اینترنتی پخش می گردد و این مراسم گسترده منحصر به حسینیه های نامگذاری شده بنام فاطمه زهرا علیها السلام نمی باشد، بلکه در بسیاری از مساجد و حسینیه های دیگری نیز که بنامهای مقدّس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام تأسیس گشته، مراسم بزرگداشت شهادت و میلاد حضرت زهرا ی مرضیه علیها السلام برگزار می گردد.

مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره، در سالهای اقامتشان در کویت، در ایجاد حرکت و جوش و جنبش دینی، در میان شیعیان و پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام، نقش بسیار جالبی ایفا نمودند، که آثار و برکات مستمر و فراوان آن، هنوز باقی می باشد.

گینه

کشور آفریقائی گینه، همانند بسیاری دیگر از کشورهای آفریقائی، شیعیان

و علاقمندان به اهل البیت علیهم السلام در آن زندگی می کنند، و عشق و علاقه خود را به خاندان رسالت (بالأخص حضرت زهرا علیها السلام) به شکل های گوناگون ابراز می دارند.

تأسیس مؤسسه های دینی به نام حضرت زهرا علیها السلام از راههای این اظهار علاقه می باشد، که ذیلاً به دو نمونه اشاره می نمایم:

1- جمعیه اسلامیة فاطمه زهرا علیها السلام - جمهوری گینه (غینیة) - کوناکری

2- مؤسسه انجمن اسلامی فاطمه زهراء علیها السلام - جمهوری گینه

و هر قدر شیعیان آن سامان ، بتوانند زیر لوای نام فاطمه زهرا علیها السلام این اقدام نمایند، در رشد و موفقیت و تثبیت شخصیت اجتماعی آنان مؤثر خواهد بود

لبنان

کشور اسلامی لبنان، که قسمت جنوب آن، از دیر زمان، محل زندگی و فعالیت علمی و اجتماعی و مبارزاتی علماء بزرگ شیعه بوده، و حوزه علمی آن، چهره های بزرگی ، همانند: شهید ثانی، محقق ثانی (کرکی) شیخ بهائی، شیخ حرّعاملی، سید شرف الدین عاملی و صدها شخصیت برجسته علمی و فقهی دیگر، به عالم اسلام و تشیع عرضه کرده است، هم اکنون نیز، دارای موقعیت ویژه، در حفظ و حراست از ارزشهای اسلامی و مکتب اهل البیت علیهم السلام می باشد.

مسجدها و مدرسه ها و مراکز علمی و اجتماعی فراوان، و نیز، مراکز چاپ و نشر کتابهای شیعه، نشانه عمق نفوذ مکتب اهل البیت علیهم السلام در این کشور اسلامی می باشد.

در سالهای اخیر، و در جریان نهضت فاطمیّه، آثار و نشانه های روشن تری از علاقه های قلبی مردم این کشور، نسبت به حضرت زهراء علیها السلام ظاهر گردیده،

و همانند مردم سایر شهرها و کشورها، به حرکت مقدّس و سازندهٔ نهضت فاطمیّه پیوسته اند، که ذیلاً به مواردی از آن آثار اشاره می شود.

1- مصلى السّيدة الزّهراء عليها السلام (نماز خانه بیروت (مجتمع بزرگ البركات)

2- مجمع السّيدة الزّهراء عليها السلام- بیروت - حی السّلم

3- قاعة السّيدة الزّهراء (سالن سخنرانی) بیروت - حی السّلم الحسینیة

4- مصلى السّيدة الزّهراء عليها السلام (نماز خانه) بیروت - عین الدّلبّة

5- حسینیة الزّهراء عليها السلام- بیروت - عُبری

6- مسجد السّيدة الزّهراء عليها السلام - بیروت - الجناح

7- مجمع السّيدة الزّهراء عليها السلام- بیروت - زُقاق البِلاط

8- مؤسسه خیریة الکوثر - لبنان - بیروت (برای ازدواج جوانها)

9- انتشارات الزّهراء عليها السلام لبنان - بیروت (که از انتشارات مهمّ می باشد)

10 - مدرسة الزّهراء عليها السلام لبنان - بیروت

11- حسینیة السّيدة الزّهراء عليها السلام - لبنان - بیروت (که حسینیة بزرگی است)

12- معهد السّيدة الزّهراء عليها السلام (مرکز علمی) شمال لبنان (بقاع) - بعلبک

13 - حوزة السّيدة الزّهراء عليها السلام (حوزة علمیة) شمال لبنان (بقاع) - ریاق

14 - مرکز البتول الصّحی عليها السلام (مرکز بهداشتی) شمال لبنان (بقاع) - هرمل

15 - مُستوصف السّيدة الزّهراء عليها السلام (درمانگاه) لبنان (بقاع) - تمین التّحتا

16- مدرسة الزّهراء عليها السلام شمال لبنان (بقاع) - طلیا

17 - لجنة الزّهراء قليلا للمستضعفين (برای کمک به نیازمندان) بعلبک

18 - تعاویة البتول الغذائية (تعاوی غذائی) شمال لبنان (بقاع) - هرمل

19 - دیوانة السّيدة الزّهراء عليها السلام (مجمع بزرگان) جنوب لبنان - طورا

20- صندوق الزهراء عليها السلام الخيري (صندوق خيريّه) جنوب لبنان - طورا

21 - صندوق الزهراء عليها السلام الخيري (صندوق خيريّه) جنوب لبنان - العباسيه

22- حسينية السيدة الزهراء عليها السلام - جنوب لبنان - الحلوسية

23 - ديوانية السيدة الزهراء عليها السلام (مجمع بزرگان) جنوب لبنان - باريش

24 - حسينية السيدة الزهراء عليها السلام (در ضمن مجموعه الإمام المهدي ((عج))) جنوب لبنان - حومين الفوقا

25 - حسينية السيدة الزهراء عليها السلام - جنوب لبنان - صور 2/

26 - مجمع السيدة الزهراء عليها السلام - جنوب لبنان - صيدا

27- حسينية السيدة الزهراء عليها السلام - جنوب لبنان - النبطية

28 - مسجد السيدة الزهراء عليها السلام - جنوب لبنان - عين الشّعب

29 - جمعية السيدة الزهراء عليها السلام الخيريّه (جمعية خيريّه) - جنوب لبنان مجدّل سلّم

در لبنان در سالهای اخیر برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء عليها السلام و نیز برنامه های جشن ميلاد آن حضرت، به نحو مفصل انجام می گردد، و از برنامه های مورد استقبال عموم مردم می باشد.

و نیز، پخش برنامه های عزاداری حضرت زهرا عليها السلام و جشن ميلاد آن حضرت، از فرستنده تلویزیونی «مسجد الرسول الأعظم صلی الله عليه و آله و سلم»⁽¹⁾ جالب

ص: 79

1- مسجد الرسول الأعظم صلی الله عليه و آله و سلم در بیروت، فرستنده تلویزیونی دارد، که از طریق آن، به صورت ماهواره ای برای کلّ جهان برنامه پخش می شود، و تنها فرستنده شیعه از لبنان می باشد، و دکل فرستنده آن روی مناره مسجد نصب شده است. برنامه های عزاداری فاطمیّه در ایام شهادت آن حضرت، از بخش منطقه ای همین تلویزیون، برای لبنان و سوریه و اردن و فلسطین پخش می شود.

توجه می باشد. و نکته مهم این است که در چند سال اخیر، به سرعت برنامه های فاطمیّه و نشر کتابهای مربوط به حضرت زهراء علیها السلام و تأسیس مراکز علمی و دینی و تبلیغی به نام آن حضرت، افزایش چشمگیری داشته، و رو به گسترش می باشد.

مصر

مصر، یکی از کشورهای بزرگ و مهمّ اسلامی، با سابقه درخشان علمی و دینی می باشد، که در طول زمان، محلّ عرض ارادت و ادب نسبت به خاندان رسالت بوده است، و حاکمیّت ستمگران و جبّارانِ ضدّ اهل البیت علیهم السلام نتوانسته است عشق و علاقه مردم این کشور را نسبت به آن بزرگواران از بین ببرد.

در دوره حاکمیّت فاطمیان در مصر، علاقه و محبّت مردم آن سامان، به نحو روشن و گسترده تجلّی می یافت، و در همه ابعاد زندگی مردم تأثیر می گذاشت شهر قاهره در آن دوره، پایتخت تشیّع بود، و جامع الأزهر که نامش یاد آور لقب

حضرت فاطمه زهراء علیها السلام

می باشد، محلّ اعلان شعار تشیّع، و خواندن خطبه به نام مولی الموالی و یعسوب الدّین، و خلیفه بلا فصل پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

و حضرت امیر المؤمنین علیّ علیه السلام

بود و مرکز بزرگ علمی شیعه، و محلّ تعلیم و نشر علوم و فرهنگ اهل البیت علیهم السلام به شمار می رفت، ولی تسلّط و حاکمیّت مخالفین شیعه در مصر، جامع الأزهر را از رونق انداخت، و سپس مرکز نشر فرهنگ مخالفین مکتب اهل

الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ گرديد، ولی با همه این احوال، ولایت و محبت اهل البیت علیهم السلام در مصر و قاهره باقی ماند.

مقام رأس الحسین علیه السلام و زینبیه علیها السلام

وجود بارگاه با عظمت رأس الحسین علیه السلام در وسط شهر قاهره، و نیز آستانه مقدسه حضرت زینب علیها السلام در این شهر، صحنه تجلی علاقه های بسیار عمیق و گسترده مردم مصر نسبت به خاندان رسالت و امامت می باشد، که همه ساله و همه ماهه و همه هفته، و همه روزه، به مناسبت های گوناگون، علاقه های عمیق مردم تجلی می یابد، و برای روشن شدن مطلب، گزارشی جالب در مورد مقام رأس الحسین علیه السلام را که به وسیله دکتر نبیل شرف الدین (که از نویسندگان معروف مصر است) تهیه شده و در تاریخ 2000/5/4 میلادی، در شبکه اینترنت، سایت هجر، در اختیار مردم جهان قرار گرفته، تقدیم علاقمندان به اهل البیت علیهم السلام می نمائیم.

... در هر روز بیش از پانصد مراسم عقد و ازدواج در حرم شریف حسینی برگزار می گردد، که این رقم در روز های پنجشنبه و جمعه، گاهی به هزار مورد بالغ می گردد.

دوستاناران حرم از دورترین نقاط مصر به قاهره و به این حرم شریف روی می آورند، و نسبت به آن، عرض ارادت می کنند. بنابراین اهالی مصر نسبت به اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام حسین علیه السلام و مسجد و زیارتگاهش، علاقه مخصوصی دارند.

شبهای ماه رمضان، وضع حرم، میدان مقابل آن، و خیابانهای اطراف، به کلی دگرگون می شود، ازدحام جمعیت آن قدر زیاد است که جائی برای نشستن

پیدا نمی شود، بازارها، قهوه خانه ها، رستوران ها، دست فروشی ها و ... رونق بسیار خوبی می گیرند، گروهی از عاشقان حضرت سید الشهداء علیه السلام نیز، خانه و زندگی را رها نموده، دست از همه چیز کشیده، و با وضع خاصی، در کنار ضریح به تلاوت قرآن، ذکر، دعا و نماز می پردازند.

در ماه مبارک رمضان، جمعیت حاضر در حرم و اطراف آن، نیازی به خرید مواد غذایی جهت افطار ندارند، زیرا افراد ثروتمند و خیر، از تمام روزه داران به خوبی پذیرایی می کنند.

در روز عید فطر، زائران و حاضران (از پیر و جوان، دکتر و مهندس و...) در حرم و اطراف آن، منطقه ای را برای برگزاری مراسم نماز عید، آب پاشی کرده و هر کس به کاری مشغول می شود، تا نماز عید به خوبی برگزار گردد.

پس از طلوع فجر، رئیس جمهور، وزراء و هیئت همراه، رئیس دانشگاه بزرگ الأزهر و... برای شرکت در مراسم نماز حاضر می شوند، و هر کس برای خویش زیر آندازی همراه می آورد، و به جمع حاضران در میدان می پیوندد، گاهی تعداد نمازگزاران به یک میلیون نفر می رسد.

توسل به حرم حسینی در کشور مصر، دارای سابقه طولانی است، و گروههای بسیاری حاجت خویش را توسط آن امام شهید، از درگاه پروردگار درخواست می کنند، برخی نیز توسط پست به حرم حسینی نامه می فرستند، و از حرم حاجت می خواهند، و تقاضای خود را با آن حضرت در میان می گذارند، آن چنان که گویا حضرت حسین علیه السلام در قید حیات است.

مدیر کل پست قاهره گفته است، در سال گذشته يك میلیون نامه از دورترین نقاط مصر، به خادم حرم تحویل داده شده است ...

و هم چنین در آستانه مقدسه حضرت زینب علیها السلام و حرم مطهر و صحن و بارگاه آن حضرت، اجتماع زائران فراوان، و اظهار علاقه طبقات گوناگون مردم، نشانه عمق محبت آنها نسبت به خاندان رسالت و امامت می باشد.

و نکته جالب این است که، در اطراف صحن های متعلق به حضرت زینب علیها السلام، هیئت ها و حسینیه ها و مؤسسه های متعدد وجود دارد به نامهای:

الزّهراء، الزّهراء المرصّیّه، زهرة الزّهراء

که جالب می باشد، و با اینکه منطقه مربوط به حضرت زینب علیها السلام است، ولی نام مقدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به نحو فراوان ملاحظه می شود، که نشانه شدت ارتباط و علاقه قلبی مردم قاهره، با حضرت زهرا علیها السلام می باشد. (1)

هندوستان

از کشور های بزرگی است که شمار شیعیان آن بسیار زیاد می باشد، و دهها میلیون شیعه پیرو مکتب اهل البیت علیهم السلام در آن زندگی می کنند

شیعیان هند به خاطر این که در برابر اکثریت غیر شیعه، و نیز اکثریت غیر مسلمان کشور پهناور هشتصد میلیونی قرار دارند، در پای بندی به عقائد و دلبستگی های دینی خود، جدی و قاطع هستند، و لذا در برگزاری مراسم عزاداری محرم و عاشوراء، بسیار مصمم و پر تلاش می باشند، و در حفظ ارزشهای مکتب تشیع بسیار موفق بوده و هستند.

مسجد ها، حسینیه ها (امام باره ها) مدرسه های دینی، کتابخانه ها و مراکز اجتماعی - خدماتی، به نام های مقدس ائمه معصومین علیهم السلام فراوان دارند،

ص: 83

و علماء بسیاری در میان آنها به تبلیغ و ترویج اصول و شعائر دینی اشتغال دارند، و در سالهای اخیر نسبت به شخصیت و عظمت حضرت زهرا علیها السلام به نحو شایسته ای عرض ادب و اخلاص نموده اند.

در کتابنامه «فاطمه در آئینه کتاب» شمار زیادی کتاب در مورد فاطمه زهرا علیها السلام معرفی گردیده است که نویسنده آنها هندی بوده، یا کتابهایی عربی و فارسی را، به زبان اردو (زبان رائج هند) ترجمه نموده، و در میان مردم هند منتشر نموده اند.

مراکز علمی و دینی به نام فاطمه زهرا علیها السلام

از نشانه های روشن برای توجه مردم هند به شخصیت و عظمت فاطمه زهراء علیها السلام تأسیس مؤسسه ها و مراکز دینی و علمی به نام آن حضرت می باشد، که در زیر لوای آن بانوی شهیده، فعالیت های گسترده ای انجام می گیرد، و نام مقدس آن حضرت، عامل مؤثر برای حفظ و حراست، و نشر و ترویج مکتب تشیع می باشد، و اینک به تعدادی از این مراکز، که توانسته ایم از آنها اطلاع پیدا کنیم اشاره نموده، و امیدواریم به وسیله دانشمندان و محققین و فضلاء هندی، تحقیق و استقصای کاملی انجام گیرد، و در اختیار همگان قرار داده شود.

- 1- انتشارات و کتابخانه الزهراء علیها السلام هند - بمبئی - 40003 خیابان دهابو (بوری ماهالا)
- 2- کتابخانه الزهراء علیها السلام هند - بمبئی - 400008 خیابان نیر پلاک 74
- 3- کتابخانه و دبستان الزهراء علیها السلام هند - بمبئی - 400009 - صندوق پستی 5295
- 4- کتابخانه فاطمة الزهراء علیها السلام هند - میمن سادات بجنور
- 5- جامعة البتول، للعلوم الإسلامیة للبنات - هند - بمبئی
- 6- کتابخانه و نوار خانه دبستان الزهراء علیها السلام هند - بمبئی - خیابان حضرت عباس علیها السلام

یونان

یکی از خطباء مشهور که به کشور های گوناگون مسافرت نموده اند، نقل کردند، که شبی بر روی بام هتل چهار طبقه ای (که در شهر آتن در آن اسکان داشتم) رفتم و یکی از شیعیان مقیم آتن همراهم بود، از او سؤال کردم که آیا در این شهر، گنبد و مناره، که نشانه بناهای دینی است وجود دارد یا نه؟ او گفت در شهر آتن بیش از 10 مؤسسه و ساختمان (اعم از مسجد و مدرسه و بیمارستان و خیابان) به نام حضرت زهرا علیها السلام (به زبان یونانی) وجود دارد(1) که این مطلب نشان دهنده وجود علاقه های عمیق و تاریخی، بین مردم یونان و شخصیت حضرت زهراء علیها السلام می باشد.

مراکز دینی و اجتماعی به نام حضرت زهرا علیها السلام در دیگر کشورها

در یک جستجوی تحقیقاتی در سایت ها و شبکه های اینترنتی، و هم چنین در گزارشات اهل اطلاع دریافته ایم که، در جای جای شهرها و کشورهای دنیا، تأسیسات و مراکزی به نام نامی حضرت زهراء علیها السلام وجود دارد، که هرکدام از آنها نشانه عشق و علاقه عده ای از مسلمانها و بالأخص شیعیان، نسبت به آن حضرت، در آن منطقه می باشد، و ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود:

1- مسجد فاطیما - ژاپن - ناکایاما

2- مدرسه فاطیما - ایسلند

3- مسجد فاطیما - کویت

ص: 85

1- اظهارات خطیب شهر، آقای حاج سید محمود میر هندی

4- شركة فدك للسياحة الدينية - اردن

5- كشتى موتور الزهراء عليها السلام - تركيه - استانبول

6- انتشارات كوثر - تركيه - اشنول

7- مدينة الزهراء عليها السلام - اسبانيا (أندلس)

8- مسجد الزهراء عليها السلام - تركمنستان - عشق آباد

9- أنجمن فرهنگى الزهراء عليها السلام يوغسلاوى - پريزيرين

10 - وكالة الزهراء عليها السلام للسياحة - يمن - صنعاء

11- مركز كلينيك الزهراء عليها السلام - عمان

12- شهر فاطيما - پرتغال

در شهر فاطيما و اطراف آن، بسيارى از هتلها، فروشگاهها، آكادمى ها، مدرسه ها و... به نام فاطيما مى باشد.

اعتذار و استمداد

بررسى هاى آمارى و جمع اطلاعات درباره تمام مراكز دينى و علمى و اجتماعى در سراسر كشور ايران و در همه نقاط جهان، كه به نامهاى مقدس حضرت زهراء عليها السلام مى باشد، در مراحل ابتدائى آن قرار دارد، و با همه تلاشى كه در اين زمينه داشته ايم، يقين داريم كه زمينه اقدام و كوشش بيشتر فراهم مى باشد، بنابراين از اينكه از تمامى مراكز مفتخر به نام مقدس حضرت فاطمه زهراء عليها السلام ياد نموده ايم عذرخواهى نموده، و از همه آگاهان براى تكامل اين حركت مقدس استمداد مى جوئيم.

نقش کاروانهای تبلیغی و کاروانهای عزاداری در نهضت فاطمیّه

از قسمت های برجسته ، در جریان برنامه های گسترده نهضت فاطمیّه، به حرکت در آمدن کاروانهای تبلیغی از یک طرف، و کاروانهای عزاداری از سوی دیگر است.

در سال 1415 قمری به فکر افتادیم که در بسیاری از مناطق کشور، توجه کافی به مسئله فاطمیّه و شهادت حضرت زهراى مرضیه علیها السلام نشده، و ندای مظلومیت آن حضرت، به گوش جان مردم نرسیده است، و با اینکه در زمینه های گوناگون دینی و مذهبی ، موقعیت نسبتاً خوبی دارند، ولی در این مسئله اساسی که مورد عنایت همه ائمه معصومین علیهم السلام بوده است، آگاهی لازم و حرکت و اقدام مناسب وجود ندارد. با توجه به مطالب یاد شده، تصمیم گرفتیم که کاروانی مرکب از جمعی از دلباختگان و سوخته دلانی که غم مصیبت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام روح و روانشان را تحت تأثیر قرار داده، و سوزی در دل و اشکی بر گونه، و جوش و خروشی در عمل دارند، به راه اندازیم، و در هر سالی به قسمتی از کشور پهناور ایران اسلامی سفر کنیم، و ندای مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام را، از طریق پرچمها و پوستر ها، سخنرانیها و گفتگوها، به مردم با ایمان و دلبنده به ارزشهای انسانی و اسلامی برسانیم.

برای رسیدن به مقصود، عده ای از علاقمندان به حضرت زهرا علیها السلام که در

میان آنها جوان و پیر، طلبه و دانشجو، بازاری و کاسب، استاد حوزه علمیه و مهندس و... دیده می شوند، همه ساله قبل از رسیدن به ایام فاطمیّه اول، به صورت کاروانی تبلیغی به راه می افتند، و در هر سالی در چند استان و در شهرهای گوناگون، به فعالیت تبلیغی می پردازند، که تأثیر آن در آگاهی عمومی، و خیزش اجتماعی و آمادگی شخصیت ها و جمعیت ها، برای برگزاری مراسم فاطمیّه در شهر و منطقه خودشان، بیش از حدّ انتظار و بی سابقه است.

شور و سوز اعضا کاروان، از یکطرف، و بی نام و نشان بودن آنها، از طرف دیگر، و گستردگی فعالیت آنها، از طرف سوم، نقش اساسی در رسیدن به هدف مقدس آنها دارد.

در هر کدام از این سفرهای تبلیغی، استانهای زیر پوشش برنامه های یاد شده قرار گرفته، و شهرهای مهمی همانند مشهد مقدس، قم، تهران، تبریز، شیراز و... به حرکت در آمده است، و آثار و برکات این سفرهای تبلیغی را نه تنها عموم مردم احساس نموده و می نمایند، بلکه بزرگان دین و جامعه، و مراجع تقلید و زعمای دینی شهرها، در حمایت از این حرکت مقدّس با زبان و عمل، قدم برداشته اند، و با کمال اخلاص و ادب در برابر حضرت زهراى مرضیّه علیها السلام، از این خدمتگذاران بدون نام و نشان آستان مقدّس فاطمه شهیده استقبال نموده، و آنها را قرین الطاف معنوی و روحی خود قرار داده اند.

و اینک، اجمالی از این سفرها را مورد اشاره قرار داده، و علاقمندان را برای آشنائی بیشتر، به کتاب نهضت فاطمیّه، جلد دوم، از صفحه 353 تا 494 ارجاع می دهیم.

اولین سفر تبلیغی در سال 1415

در این سفر، کاروان تبلیغی در استانهای یزد و کرمان و سیستان و بلوچستان فعالیت نمودند، و در شهرهای نائین، عقدا، اردکان، میبد، یزد، رفسنجان، کرمان، بم، زاهدان، زابل، اقدامات بسیار مؤثری انجام شد، و مخصوصاً در بعضی از شهرها همانند یزد و کرمان و بم و زاهدان و زابل پایه گذاری بسیار اساسی انجام گرفت، و با توجه به موقعیت ویژه شهر زاهدان موفقیت غیر قابل تصویری به دست آمد.

کاروان تبلیغی در سال 1416

در این سال، به سوی استان فارس حرکت کردیم و در شهرهای: شهرضا، آباده، اقلید، صفا شهر (دهبید) مرودشت، سعادت شهر، شیراز برنامه های گسترده ای به اجرا در آوردیم، و پایه ریزی ارزشمندی برای بزرگداشت ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام انجام گرفت، و در شماری از مساجد و مدارس علمیه شهرهای یاد شده، مخصوصاً در شهر شیراز و در حرم مطهر احمد بن موسی علیه السلام (شاهچراغ) برنامه های بسیار گسترده و تأثیر گذار، به اجرا در آمد.

کاروان تبلیغی در سال 1417

در این سال کاروان تبلیغی به مقصد استانهای تهران، سمنان و خراسان و گلستان و مازندران به حرکت در آمد، و در شهرهای کاشان، قم، تهران، گرمسار، سمنان، دامغان، شاهرود، سبزوار، نیشابور، مشهد مقدس، قوچان، شیروان، بجنورد، آزاد شهر، گرگان، ساری، و... به فعالیت تبلیغی پرداختیم، و بالأخص در شهرهای کاشان، تهران، شاهرود، و مشهد مقدس در سطحی

بسیار گسترده، به پخش و نصب پوستر و پرچم و سخنرانیهای بسیار طولانی و تکان دهنده و پایه گذار پرداختیم، و نهضت فاطمیّه در شهر های یاد شده حال و هوای بسیار جدّی به خود گرفت.

کاروان تبلیغی در سال 1418

در این سال از مسیر نائین و انارک و خور و جندق و معلّمان (منطقه کویری) و دامغان و شاهرود و سبزوار به مشهد مقدّس وارد شده، و به زیارت امام علیّ بن موسی الرضا علیه السلام مشرف شدیم، و پس از آن رهسپار تهران شدیم و در مجمع الذاکرین (که محلّ اجتماع مداحان و مرثیه سرایان تهرانی است، و نقش مؤثّری در حرکت های مذهبی و عزاداری ها دارد) برنامه بسیار مؤثّری داشتیم که موج عجیبی در تهران ایجاد نمود، و در آخرین مرحله در شهر قم در مسجد امام حسین علیه السلام برنامه مفصّلی اجرا نمودیم. در شهر های یاد شده، به انواع فعّالیّت های تبلیغی و آماده سازی علماً و خطباء و هیئات مذهبی و مداحان اهل البیت علیهم السلام برای بزرگداشت فاطمیّه، پرداختیم.

کاروان تبلیغی در سال 1419

در این سال، استانهای قزوین، زنجان، آذربایجان شرقی (تبریز)، اردبیل، گیلان مورد نظر بود، و در شهر های قزوین، زنجان، هشتگرد، مراغه، بناب، عجبشیر، آذر شهر، تبریز، اهر، مشکین شهر، اردبیل، آستارا، هشتپر، رشت، رودبار، قزوین، کرج به تبلیغ گسترده پرداختیم، و مخصوصاً در شهر های زنجان و تبریز موفق شدیم که با بسیاری از مسئولین هیئت ها و مراکز دانشگاهی و اداری و علماً و خطباء و مداحان با نفوذ، ملاقات و گفتگو نمائیم، و بدینوسیله در بسیاری از شهر ها و شهرک های همان منطقه، نهضت فاطمیّه را

کاروان تبلیغی در سال 1420

در این سال، استانهای کهکیلویه و بویر احمد و چهار محال و بختیاری و مرکزی، مقصد کاروان تبلیغی بود.

در شهرهای شهرضا، سمیرم، یاسوج، لردگان، امامزاده حمزه علی علیه السلام بلداجی، بروجن، شهرکرد، داران، دامنه، خوانسار، گلپایگان، خمین، اراک، سلفچگان، و قم به فعالیت تبلیغی پرداختیم، و گروه های نصب پرچم و پوستر، عالیتین برنامه های موفق و با اخلاص را عرضه نمودند، و در تمامی دوره سفر، ظهرها و شب ها در مساجد شهر های مورد نظر، برنامه سه ساعته ای، برای سخنرانی و آماده سازی مردم، و توزیع پوستر های اهدائی، به اجرا در می آمد، که علاوه بر حاضرین، شهر و منطقه را نیز در موج نهضت فاطمیّه قرار می داد.

کاروان تبلیغی در سال 1421

در این سفر، استانهای لرستان و کرمانشاه و همدان مورد نظر بود، و در شهر های داران، الیگودرز، ازنا، درود، خرم آباد، بروجرد، نهاوند، کرمانشاه، اسلام آباد غرب، سر پل ذهاب، قصر شیرین، مرز خسروی، صحنه، کنگاور، اسد آباد، همدان، ملایر، گلپایگان، قم در باره نهضت فاطمیّه، و بزرگداشت شهادت زهرا علیها السلام به شکل عجیبی (که همه مردم شهر ها را حیرت زده می کرد) تبلیغ نمودیم و نصب پوستر ها در همه شهر ها و نیز پمپ بنزین ها و رستورانهای میان راهها و ... به شکل گسترده ای انجام می گرفت که هر نا آگاهی را آگاه و هر غفلت زده ای را به خود می آورد.

کاروان تبلیغی در سال 1422

در این سال، به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام استانهای مازندران و گلستان و خراسان به عنوان محلّ تبلیغات فاطمیّه انتخاب گردید.

شهرهای قم، تهران، جاجرود، رودهن، آمل، بابل، قائم شهر، ساری، بهشهر، گرگان، بجنورد، قوچان، مشهد مقدّس، نیشابور، سبزوار، شاهرود، در این سفر محلّ فعالیت تبلیغی بودند، و استقبال عجیب جوانهای ساری از پوسترهای حضرت زهرا علیها السلام همه را به گریه در آورد، و اجتماع بی نظیر نماز مغرب و عشاء مسجد جامع نیشابور حیرت آور بود، و استقبال عمومی مردم از حرکت فاطمیّه (با اینکه بدون اطلاع و هماهنگی قبلی انجام می گرفت) شگفت آور بود، و از هر نظر، نهضت فاطمیّه، مثل خورشید عالمتاب، همه جا را روشن می نمود.

کاروان تبلیغی در سال 1423

در این سال استانهای لرستان، کرمانشاه، ایلام، کردستان، همدان مورد نظر قرار گرفته بود، و در شهرهای قم (1) بروجرد، همدان، کرمانشاه، ایلام، سنندج، اراک، مشهد اردهال، فعالیت تبلیغی داشتیم، و برنامه های شهر سنندج، و موفقیت های تبلیغی به دست آمده، در حدّ معجزه بود، و شگفتیهای

ص: 92

1- سعی می کردیم که در این سفرهای تبلیغی، از ارواح مقدّسه امامان و امامزادگان علیهم السلام بهره معنوی بگیریم، و لذا، در چندین سفر تبلیغی، زیارت کار تبلیغی در شهر ایلام و کرمانشاه اعجاب آور بود. حضرت رضا علیه السلام، و در اکثر مسافرت ها، زیارت حضرت معصومه علیها السلام جزء برنامه مسافرت تبلیغی بود، و بدون استثناء در همه سفرها به زیارت امامزادگان موجود در شهرهای سفر، مشرف می شدیم، و استغاثه می نمودیم.

کاروان تبلیغی در سال 1424

در این سال، حکومت صدامی، و حاکمیت بعثیهای عفلقی، نابود شده بود، و تصمیم گرفتیم که به صورت یک کاروان چهل نفره، به عتبات عالیات عراق مشرف شویم، و در محضر مقدس امیر المؤمنین علیّ علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام و امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام جواد علیه السلام و عسکریین علیه السلام و در شهرهای مقدس نجف و کربلا و کاظمین و سامرا به تبلیغ فاطمیّه پردازیم.

به شهر مقدس قم مشرف شدیم، و پس از توسّل و استغاثه به حضرت معصومه علیها السلام، عازم زیارت عتبات مقدسه عراق گشتیم، و در هنگام عزیمت، حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی متّع الله المسلمین بطول بقائه، با چشم اشکبار، دلسوختگان حضرت زهرا علیها السلام را که برای تبلیغ بزرگداشت فاطمیّه عازم نجف و کربلا بودند، بدرقه کردند، و

فرمودند: «ای کاش من هم همراه شما بودم، و کفشهای شما را جفت می کردم» و با آن حالت عجیب و فراموش ناشدنی، از مبلّغین دلسوخته فاطمیّه، و از زائرین دلشکسته کربلای حسینی، تجلیل نمودند، و به همه حاضرین، درس ولایت و محبت، و ایثار و فداکاری در راه اهل البیت علیهم السلام دادند، درسی که هیچگاه از ذهن ها دور نمی شود، و نقش او در اعماق جان انسان ها باقی می ماند.

چند شبانه روز در منطقه کردستان ایران و عراق معطل شدیم (1) و در جای جای این سفر، و لحظه لحظه های زمان، حالت ها و صحنه هائی پیش آمد که

ص: 93

در هیچ شرایطی قابل تشریح و تفسیر نیست. نوجوان های همسفر، پیر مرد های همراه، تحصیل کرده های کاروان، و کم سواد های گروه، آن چنان پیوندی حسینی یافته بودند، که خاطره اش را نمی توان از یاد برد.

توسّلاتی که در آن روزها و شب ها پیدا کردیم، و ارتباطات معنوی و روحانی که برای یک، یک اعضا کاروان حاصل می شد، فراموش شدنی نیست، و هرگاه مشکلی خاص پیش می آمد، همه خطاب و توجهشان به سوی امیر المؤمنین علیّ علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام بود و عرضه می داشتند: برای همسر شما، حضرت زهراى مرضیه علیها السلام آمده ایم، برای رساندن صدای مظلومیت مادر پهلو شکسته شما به راه افتاده ایم.

وقتی به هر حرمی وارد می شدیم، گویا احساس سربلندی خاصی داشتیم خود را خدمتگذار مادر ائمه، و در نتیجه، مورد مهر و لطف امامان معصوم علیهم السلام می دیدیم.

این سفر، سفر دیگری بود، و این زیارت لذت معنوی خاص خود را داشت.

وقتی می دیدیم، خدام حرم های مطهر، با تماشای عزاداری های ما برای حضرت زهرا علیها السلام (آن هم با آن همه اشک و سوز) ملاحظات خاصی می کنند و مقررات معمولی خود را، به احترام خدمتگذاران استان فاطمه زهرا علیها السلام نادیده می گیرند، و تلاش می کنند که حال و هوای روحی اعضای کاروان را بر هم نزنند، و ارتباط قلبی و سوز و گداز آنها را خدشه دار نسازند، احساس سربلندی می کردیم، و خود را در یک مهمانی با صفا و معنویت می دیدیم، که میزبان آن، صاحبان اصلی عزای فاطمه زهرا علیها السلام یعنی ائمه معصومین علیهم السلام می باشند. کاروان تبلیغی فاطمیّه موفق شد، زمینه های برگزاری هر چه با

شکوه‌تر مراسم عزاداری فاطمه زهرا علیها السلام را در کربلا و نجف و کاظمین و سایر شهرهای عراق فراهم سازد، و خود را در زمره احیا کنندگان برنامه های فاطمیّه قرار دهد.

کاروانهای عزاداری برای فاطمه زهرا علیها السلام

همه ساله، در ایّام فاطمیّه دوّم، در سالروز شهادت فاطمه زهرا علیها السلام (سوم جمادی الثانیه) با حضور علماً و مدّرسین و طلاب حوزه علمیه، مجلس بسیار مفصل و عظیمی در مسجد نو بازار اصفهان برقرار می کردیم، و پس از سخنرانی و سینه زنی پر شوری، به صورت دسته عزاداری، از مسیر بازار و خیابان عبدالرزاق به سوی مزار شریف علامه مجلسی قدس سره حرکت می کردیم، و با همکاری عموم مردم، و بالا-خص اصناف بازار، این مراسم بزرگ، با اشکهای جاری و دل های سوزان انجام می گرفت، و پایان بخش مراسم، عزاداری بسیار چشمگیری در جوار مزار شریف علامه مجلسی (چهره بزرگ راه دفاع از مظلومیّت اهل البیت علیهم السلام) می بود. ولی با اصرار جمعی از علما و دوستان، و دلسوختگان فاطمه زهرا علیها السلام مقرر شد که در ایّام فاطمیّه دوّم، کاروان عزاداری به راه اندازیم، و در شهر های دیگر، بالا-خص قم و تهران (که در آن زمان، هنوز جوش و جنبش لازم را برای بزرگداشت شهادت فاطمه زهرا علیها السلام نداشتند) به عزاداری (با پای برهنه) پردازیم.

کاروان عزاداری در سال 1420 قمری

با چند اتوبوس و چندین اتومبیل سواری و یک وانت باری که حامل بلند

گوی مجهّز و قوی بود(1)، در حالی که عده ای از دلسوختگان فاطمه زهرا علیها السلام که در آنها مدرّس حوزه علمیه و طلبه، دانشجو و دانش آموز، مهندس و کارگر، بازاری و کاسب وجود داشت، عازم قم و تهران و ساری شدیم، و در تمام مسیر خیابانهای شهرها و بالاخص تهران بزرگ، زمزمه یا زهرا علیها السلام و اشعار مصیبت آنحضرت، تماشاگران را منقلب می کرد.

مردم، در تهران بزرگ، و بالخصوص هیئت ها و مداحان اهل البیت علیهم السلام و وابستگان به حسینیه ها، تکان شدیدی خوردند، و موج شدیدی از احساسات فاطمی برخاست. در حسینیه بنی فاطمه تهران، و نیز مکتب النبّی صلی الله علیه و آله و سلم و بیت شریف بعضی از علمای تهران، مراسم عزاداری عجیبی بر پا گشت.

در روز سوّم جمادی الثانیه، در شهر ساری، عزاداری با پای برهنه در خیابانهای شهر، همه را منقلب نمود و آثار ماندگاری در قلوب مردم بر جای گذاشت.(2)

در شهر قم، علاوه بر بارگاه مقدّس حضرت معصومه علیها السلام در بیوت شریف مراجع معظم تقلید، مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سیّد محمد رضا گلپایگانی قدّس سره، آیه الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ص: 96

-
- 1- تمام اطراف اتوبوسها و سواری ها، با پوستره های متنوع و جالب توجه، در ارتباط با شهادت حضرت زهرا علیها السلام و نیز پرچم های مخصوص عزای آنحضرت، جاذبه خاصی یافته بود، و احساسات عابران را بر می انگیخت
 - 2- حضرت آیه الله نظری دامت برکاته، که بزرگترین شخصیت علمی و اجتماعی و دینی استان مازندران می باشند، با استقبال عظیم و بیاد ماندنی خود و جمع زیادی از همراهانشان از منطقه سوادکوه تا ساری، و حرکت پر سوز و شورشان با سر و پای برهنه در عزای فاطمه زهرا نقش مؤثری در تأثیر گذاری حرکت کاروان یاد شده ایفا نمودند. اجرشان با صاحب اصلی عزای یعنی حضرت بقیه الله الاعظم (عج) باد

مدّظله، مرحوم آية الله العظمى آقاى حاج سيّد محمد حسيني شيرازى قدّس سره، مرحوم آية الله العظمى آقاى حاج سيّد محمّد وحيدى تبريزى قدّس سره و آية الله العظمى آقاى حاج ميرزا جواد آقا تبريزى مدّظله و آية الله العظمى آقاى حاج سيّد صادق روحانى مدّظله، و همچنين در دفتر حضرت آية الله العظمى آقاى حاج سيّد على سيستانى مدّظله در قم و همچنين، در بيت الزّهرأ عليها السلام كه بوسيله حضرت آية الله العظمى، آقاى حاج سيّد محمد باقر موحد ابطحي مدّظله تأسيس گشته است، به صورت دسته عزادارى وارد گشته، و با شور و سوز و اشك و ناله شگفت آورى، به عزادارى مى پرداختيم.

اين حرکت معنوي جالب، كه تا آن زمان به اين صورت سابقه نداشت، تأثير عجيبي بر دلها گذاشت، تا آنجا كه چندين نفر از مراجع بزرگوار ياد شده، با اصرار تمام، پيشنهاد كردند كه همه ساله، اين كاروان عزادارى به شهر هاى تهران و قم (كه يكي مركز كشور، و ديگرى مركز بزرگ علمى شيعه است) وارد شود و نقش خود را در بيدارى دلها، و تكان دادن احساسات پاك دينى مردم، ايفا نمايد.

كاروان عزادارى در سالهاى ديگر

اظهار نظر ها، و اصرار برخى از مراجع معظم تقليد، و تأثيرات محسوس و تكان دهنده اى كه در جريان كاروان عزادارى سال 1420 قمرى مشاهده گرديد، هيچ گونه جاي ترديدى باقى نگذاشت، كه بايستى اين حرکت نورانى و سازنده در سالهاى ديگر نيز ادامه يابد، و لذا در سالهاى 1421 و 1422 و 1423 و 1424 (سال گذشته) نيز اين برنامه ادامه يافت، و با استقبال عجيبي و روبه افزايشى مواجه گرديد.

در هر نوبت، چندین اتوبوس و مینی بوس و اتومبیل های سواری، بیش از ظرفیت رسمی خود، دلسوختگان حضرت زهرا علیها السلام را با شور و سوز زانداالوصفی، به شهر های قم و تهران می بردند، و در خیابانهای طولانی و پر جمعیت پایتخت کشور، و بالاخص در بخش بالای شهر (که نیاز به تبلیغات دینی و معنوی، بیشتر می باشد) منظره اتوبوس ها و سواری هائی که با پوستر ها و پرچم های عزا، چهره غم آلود گرفته بودند، و زمزمه های جانسوز یا زهراایشان هر تماشاگری را منقلب می کرد، و چه بسا جوان هائی که به نظر نمی رسید به سیل دلسوختگان فاطمه زهرا به پیوندند، و چه بسا خانم هائی که انتظار همراهی و همنائی آنها نمی رفت، با اشک جاری و بر سر و سینه زدن خود، ندای مظلومیت حضرت زهرا را شهیده را لیبیک می گفتند.

برنامه های عزاداری، در مساجد و حسینیه های مهم و مورد توجه تهران و دیگر محافل و مجالس فاطمی، بسیار تکان دهنده و تأثیر گذار بود. همچنین در شهر قم، در آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام که در فصل تابستان، مجمع زائران هندی و پاکستانی و کشورهای عربی و ... می باشد، حال و هوای کاروان عزاداری، زائران ایرانی و غیر ایرانی را دگرگون می ساخت، و پیام مظلومیت زهرا شهیده را به اعماق جانیشان می فرستاد، و آنها نیز با اشک جاری و حال و هوای عزاداری، به سیل جمعیت دلسوختگان مصیبت شهادت آنحضرت می پیوستند.

برنامه کاروان عزاداری، در بیت الزهرا علیها السلام و بیوت مراجع معظم تقلید، و در منزل نویسنده نامدار و محقق، و دلسوخته حضرت زهرا علیها السلام حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور، آن چنان تأثیر گذار و پر جاذبه

بود، که هیچ کس طول زمان عزاداری را احساس نمی کرد، و هر کسی، لذت های معنوی و روحانی این روزها و برنامه ها را، از بهترین ساعات عمر خود به حساب می آورد.

کاروان های عزاداری، علاوه بر قم و تهران، در برخی از سالها، به شهر های دیگری همانند: شاهین شهر، خمینی شهر، دهق، اقلید و... رفته و انجام وظیفه نموده اند.

آثار و برکات کاروانهای تبلیغی و عزاداری

حرکت مخلصانه و بی اسم و نشان کاروانهای یاد شده، تأثیر عجیبی در سراسر کشور داشته است، و هم اکنون در بسیاری از شهر ها و مناطق ایران و خارج از کشور، علاوه بر برگزاری مراسم سوگواری برای شهادت فاطمه زهرا، همانند ایام عاشورای، حسینی دستجات فراوان عزاداری به راه می اندازند، و مجالس فراوان در مساجد و حسینیه ها و منازل بر پا می نمایند، و با اطعام های گسترده و همگانی و سپاه پوشی و...، شور عاشورائی بپا می کنند، و سرعت گسترش برنامه های عزای فاطمی، تا جائیست که انتظار می رود، در همه جای کشور و جهان، در ایام فاطمیّه چهره عاشورائی پیدا کند. (1)

رمز موفقیت کاروانهای تبلیغی و عزاداری

شماری از عوامل معنوی و روحی و اجتماعی در اعضا کاروان های یاد شده، و در حاضرین در صحنه تبلیغی و عزاداری، موفقیت برنامه ها را تا حد

ص: 99

1- برای آشنائی بیشتر با چگونگی برنامه های کاروانهای یاد شده، و آثار و برکات این حرکت بزرگ دینی و معنوی، به کتاب نهضت فاطمیّه، جلد دوم صفحه 353-494 مراجعه فرمائید.

اعضای کاروان تبلیغی یا عزاداری، که مرکب بودند از عالم دینی، مدرس حوزه علمیه، طلبه، مهندس، دانشجو، بازاری، کاسب، کارگر و...، آن هم در سنین متفاوت (از سنّ نوجوانی تا هفتاد سالگی) با چهره هائی که هر بیننده ای به خوبی احساس می کرد، که اینها انگیزه و عامل درونی، جز عشق و محبت نسبت به حضرت زهراً علیها السلام ندارند. نه نشانه ای دارند و نه ادعائی، نه توقّعی دارند، و نه چشم داشتی. برای استراحت شب، از هر مسجد یا حسینیه یا منزلی (و گاهی بدون هر گونه امکاناتی) استفاده می کنند. بر لبهایشان ذکر یا زهراً، و روی گونه هایشان قطره های اشک، و در دلهایشان، سوز و گداز در مصیبت حضرت زهراً علیها السلام است، اینها در تأثیرگذاری برنامه ها بسیار نقش داشت.

و از طرف دیگر، موقعیت حاضرین در مجالس محل تبلیغ یا عزاداری، که شخصیت های بزرگ علمی و اجتماعی در میان آنها بودند، از مراجع معظم تقلید، و اساتید و مسئولان دانشگاهها، و دبیران و معلمان آموزش و پرورش تا سرپرست ها و نیروهای فعال هیئت ها، و بزرگان اصناف و بازاریان، و جوانهای مورد احترام در فضاهای علمی و اجتماعی، و زنان دارای شخصیت علمی و دینی و اجتماعی، زمینه را برای گسترش موج عزای فاطمی، و رشد نهضت فاطمیه فراهم می ساخت.

در هنگامی که برنامه های تبلیغی یا عزاداری (که از دو ساعت، تا ساعت های متمادی به طول می انجامید، و هیچ کس احساس خستگی نمی کرد، بلکه با اشک و ناله فضای جلسه را عطرآگین می کردند) انجام می گرفت، همه حاضرین احساس مسئولیت می کردند، که آنها هم بایستی دست به کار شوند، و

هر کاری که از دستشان بر می آید انجام دهند.

مراجع تقلید تصمیم می گرفتند، که از علم و دانش و نفوذ اجتماعی خودشان برای حمایت از فاطمه زهرا علیها السلام اقدامی مؤثر بنمایند.

مسئولین و اساتید دانشگاهها، و مسئولین و شخصیت‌های ادارات گوناگون، دست به کار می شدند، و در فضای اجتماعی و علمی مربوط به خود، قدمی ارزشمند در این زمینه بر می داشتند.

مسئولین و نیروهای مذهبی، در میدان نفوذ و شخصیت دینی و اجتماعی خود، به فعالیت‌های بسیار مؤثری مشغول می گردیدند.

جوانهای با ایمان و پرشور، در برنامه های گوناگون فاطمیّه، دست به کار می شدند، و در قافله یاران دلسوخته فاطمه زهرا علیها السلام عضویت می یافتند.

نویسندگان و خطباء و شعراً و مداحان، هر کدام دست به کار می شدند، بانوان و دختران، علاوه بر حضور در کارهای مناسب برای پیشرفت فاطمیّه، در تشویق، و به حرکت در آوردن اعضا خانواده، و یا نیروهای مؤثر در محیط کار و فعالیتشان، نقش اساسی بر عهده می گرفتند.

و خلاصه، هر جلسه تبلیغی، و یا محفل عزاداری، در این برنامه های پر برکت، محیطی برای ساخته شدن نیروهای مؤثر و تازه نفس گردیده بود، که هر کدام از آنها شهری یا شهرک و یا روستائی را به حرکت در می آوردند، و با علم و دانش، نفوذ و موقعیت تدبیر و فعالیت خود، جنبش و موجی پاک و معنوی برای بزرگداشت فاطمیّه ایجاد می کردند، و در هر مسجد یا حسینیه، یا خیابان و گذری، که برنامه های تبلیغی، یا حرکت کاروان عزاداری انجام می گرفت، دهها و صدها نیروی پر شور و تازه نفس، برای گسترش نهضت فاطمیّه، به

و نکته مهم این بود، که به همه حاضرین اعلام می شد، که خودتان با مشورتها و هماهنگی ها، و با موقعیت و شخصیتی که دارید دست به کار شوید، و اعضا کاروان های تبلیغی و عزاداری، خودشان را محور، و مرکز فعالیت های فاطمی نمی دانستند، و لذا مردم هر شهر یا منطقه ای، پس از ایجاد جنبش فاطمی، همانند عاشورای حسینی، با شور و عشق کامل دست به کار می شدند، و به صورت خودجوش، و با احساسات پاک و عمیق خود، مطابق فرهنگ، و تشخیص مناسب خویش، برنامه ریزی می نمودند، و با تشکیل مجالس، و راه انداختن دستجات عزاداری، و اجرای برنامه های اطعام فاطمی، و تشکیل مسابقات علمی در زمینه مسائل مربوط به فاطمه زهرا علیها السلام، و سیاه پوش نمودن خیابانها و ادارات و مؤسسات و مغازه ها، و دهها برنامه سازنده و متنوع دیگر، در امر بزرگداشت مراسم شهادت یا میلاد فاطمه زهرا علیها السلام گامهای مؤثر و ماندگار بر می داشتند.

نَهضت فاطمیّه از دید صاحب نظران و شعراً اهل البیت علیهم السلام

در طول چهارده سال فعالیت در راستای نهضت فاطمیّه، با مراجع بزرگوار تقلید و شخصیت های دانشگاهی، و گویندگان و نویسندگان عالیقدر، و نیز چهره هایی از مسئولین رسمی کشور، و همچنین با شعرای بزرگواری در شهر های مختلف، دیدار و گفتگو داشته ایم، که هر کدام از آنها با بیان و زبانی، از عظمت نهضت فاطمیّه، و تأثیرات شگرف آن در زمینه های اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی، سخن گفته اند، و ما را در ادامه راه، و پشتکار در اجرای برنامه های متنوع در این زمینه، تشویق و ترغیب نموده اند. بعضی از مراجع معظم

تقلید با این تعبیر مخلصانه، و متواضعانه، که «ای کاش من هم همراه شما بودم و کفش های شما را جفت می کردم» و برخی دیگر با این عبارت: « امیدوارم به خاطر این بدنهائی که در راه رساندن صدای مظلومیّت حضرت زهراً علیها السلام و عزاداری بر آنحضرت، این همه صدمه می بیند، خداوند متعال به من هم عنایتی بفرماید» و بعضی دیگر با عبارت و بیانی دیگر، اهمیّت اقدام و تلاش در راه بزرگداشت شهادت حضرت زهراً علیها السلام را مورد تأکید قرار می دادند.

و هم چنین شعرای عالیقدری، با سروده های ارزشمند خود، از نهضت فاطمیّه و آثار و برکات آن تجلیل نموده، و فداکاران در این راه مقدس را ستوده اند. در کتاب نهضت فاطمیّه، جلد اوّل، از صفحه 289 تا 322، و در جلد دوّم از صفحه 465 تا 483 نمونه هائی از این سروده ها و اظهار نظر ها را منعکس نموده ایم، و مطالعه این بخش ها را به پژوهشگران و علاقمندان توصیه می نمائیم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَحْدَثَةُ الْعِلْمِيَّةُ

الْمَطْلُومَةُ

الْمُضْطَّهَدَةُ

الشَّهِيدَةُ

يادبود يكهزار و چهارصدمين سال شهادت فاطمه زهرا سلام الله عليها

1411 قمرى

ص: 104

کرامتها و عنایتهای فاطمه زهرا علیها السلام

شخصیت و هستی فاطمه زهرا علیها السلام از زمان خلقت نوری آنحضرت و در مرحله بهشتی بودن، و سپس از طریق سبب بهشتی به وجود مکرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نه منتقل گردیدن، و سپس در رحم پاک و مطهر حضرت خدیجه کبری علیها السلام طی منزل نمودن، و آنگاه، همانند خورشید عالمتاب، در صحنه زندگی این جهان طلوع نمودن، و علاوه بر تجلیات خاص برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام، برای همه جهانیان تجلی نورانی نمود، و در یک کلام، در همه مراحل هستی، و حیات خود، با کرامت و عنایت همراه و همقدم بوده است.

تابش نور فاطمه زهرا علیها السلام در عالم ملکوت، و یاری رسانی به آدم ابوالبشر علیه السلام و شفاعت برای پذیرش توبه او، و حفظ کشتی نوح علیه السلام از غرق و نابودی، و تجلی نور آنحضرت بر ابراهیم خلیل علیه السلام و نصرت و تایید سلیمان حشمت الله علیه السلام و...، همه و همه کرامت و عنایت فاطمه زهرا علیها السلام به حساب می آید. تاب و توان بخشی آن حبیبه پروردگار، به روح و روان رسول خدا، تا آنجا که آنحضرت را از مرحله «إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي صَدْعًا» به سر منزل «فَإِذَا وَجْهُ يَتَلَأَلُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ» رساندن، کرامت و عنایت آن ولیة الله است.

تجلیات آن حضرت بر امیرالمؤمنین علیه السلام تا آنجا که گفته شود، إِنَّمَا سُمِّيَتِ الزَّهْرَاءُ زَهْرًا لِأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، همانا کرامت و عنایت آن حضرت است، و اعتبار و عظمت بخشی

آنحضرت نسبت به همه امامان معصوم علیهم السلام و حجج پروردگار، تا آنجا که امام عسکری علیه السلام فرموده اند: «نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى»

الْخَلْقِ وَفَاطِمَةَ حُجَّةَ عَلَيْنَا» جلوه ای از کرامت و عنایت آنحضرت است.

و الگو و اسوه شمردن ذخیره بزرگ الهی، حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) فاطمه زهرا علیها السلام را، و به صراحت بیان نمودن این نکته، که « وَلِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَأَ حَسَنَةً » جلوه بزرگی از عنایت و کرامت آن حضرت می باشد.

و همچنین در هنگامه قیامت و صحنه بزرگ عالم محشر، مقام شفاعت آن حضرت از گنهکاران و نجات آنها، با وسعتی خیره کننده، آنچنانکه عظمت فاطمه زهرا علیها السلام در پیشگاه پروردگار، بر همه اهل محشر، (اعم از انبیاء و اولیاء، و همه خوبان و بدان) آشکار می شود، جلوه دیگری از کرامت و عنایت فاطمی می باشد. بنابراین، اگر سخن از کرامتها و عنایتهای فاطمه زهرا علیها السلام بر زبان می آوریم، و آثار و برکات نیمه نگاه های آن خزینه سر الهی را بر می شمیریم و بیان می کنیم، که آن روح و روان رسول خدا، با اشاره ای نورانی و توجّهی ولّائی، مریضی را شفا بخشیده، و یا مشکل بزرگی را حلّ نموده، و یا بلائی را بر طرف نموده اند، کشف بزرگی نکرده، و کار بزرگ و مهمی نکرده ایم، بلکه با ذکر نمونه هائی از الطاف و عنایات آنحضرت، که با ظرفیت محدود و ادراک ضعیف ما همخوانی دارد، می خواهیم خود را در صف دوستداران و ارادتمندان آن حبیبه حقّ قرار داده، و از تابش انوار جهان شمول آنحضرت، بهره ای برده، و هستی سرد و بی روح خود را گرمی و حیات بخشیم.

و هم اینک، از میان هزاران هزار کرامت و عنایت آنحضرت، به شمار اندکی اکتفا نموده، و عمده از کراماتی که در سالهای نهضت فاطمیّه رخ داده، و بهره جویندگان از آن عنایتها را از نزدیک می شناسیم، و از نزدیک، شیرین کامی مضمولین آن کرامت ها را احساس نموده ایم، یاد می نمائیم، و امیدواریم که این عرض ادب ها، موجب عزّت دنیا، و سعادت و رستگاری آخرتمان باشد.

1- عطیه ای الهی پس از 27 سال

«نوزادی چراغ زندگی»

26 سال از ازدواج مرد و زنی می گذشت، که تمام برنامه های پزشکی و اقدامات تجربی را انجام داده بودند، و زندگی آنها با تولد فرزندی که چشم و چراغ زندگی آنها باشد روشنایی نیافته بود، و پزشکان از بچه دار شدن آنها مأیوس گردیده بودند.

خانم خانواده یاد شده، در ایّام فاطمیّه (1415 قمری) در آخرین روزهای جلسه روضه و عزاداری در منزل نویسنده کمترین (1) حاضر شده، و برای این که فرزندی به او عطا شود، متوسّل به ذیل عنایت حضرت زهراء علیها السلام گردیده بود و به قصد استشفاء، از صبحانه جلسه عزاداری میل نموده بود.

پس از مدّت زمانی، علائمی را در خود احساس کرده بود، و پس از بررسی و آزمایش معلوم شده بود که بعد از گذشت 26 سال از ازدواج آنان، و بی ثمر بودن همه گونه درمان قدیم و جدید، باردار گردیده است .

در تاریخ شنبه 18 جمادی الاولی 1416 قمری برابر با 22 / 7 / 1374 شمسی، در یکی از مجالس عزاداری حضرت زهراء علیها السلام یکی از دوستان، مرا

ص: 109

1- مجلس یاد شده، با حضور خدمتگزاران و گویندگان و مدّاحان و شرکت کنندگان با اخلاص، حال و هوای معنوی برجسته ای دارد، و از همه شهرهای دور و نزدیک همانند: مشهد مقدّس، قم، تهران، ساری، زنجان، تبریز، قزوین، سیرجان، یزد، اقلید و .. در آن شرکت می جویند، و مورد عنایت حضرت زهراء علیها السلام قرار میگیرند.

صدا زد و بشارت داد، امروز خانم فلانی (با عنایت حضرت زهراء عليها السلام پس از 27 سال که از ازدواج او سپری شده) دختری زائیده که مایل است نام او را شما بگذارید، و دقیقاً روز تولد این نوزاد، مطابق بود با روزی که در سال گذشته، به قصد توسل و استشفاء در مجلس عزاداری فاطمه زهراء عليها السلام شرکت نموده و متوسل شده بود.

در تاریخ 20 جمادی الاولی به منزل آنها رفتم و مجلس عجیبی بود، همه با اشک شوق و شادمانی در اطراف مادری که پس از 27 سال فرزندی سالم به دنیا آورده، اجتماع کرده بودند، و اینجانب که تماشاگر صحنه ای عجیب و کرامتی بزرگ از فاطمه زهراء عليها السلام بودم، اشک چشمانم قطع نمی شد، و در هنگامی که نوزاد را به من دادند که با گفتن اذان و اقامه، نام او را بگذارم، دیدم چه قدر نورانی است، و با قیافه ای جَدَّاب و گیرا، نشان می داد که عطیّه ای الهی با عنایت حضرت زهراء عليها السلام نصیب خانواده و پدر و مادر او شده است.

نام او را زهراء و نام دیگر او را عطیّه (بخشیده شده) نهادم، و خدای را بر این کرامت بزرگ سپاس گفتم، و هم اکنون با گذشت بیش از هفت سال، خاطره آن مجلس نام گذاری (که أمواج شوق و شور و شعف بر همه حاضرین حاکم بود) را فراموش نموده ام.

2 - من فرزندان و دوستان زیادی دارم که مشکل شما را حل می کنند

سیّد یتیمی از اهل افغانستان (به نام سیّد سلمان موسوی) در سنّ هفت سالگی پایش می شکنند، و به خاطر نداشتن سرپرست و نبودن امکانات مالی و درمانی معالجه نمی شود، و با گذشت زمان و بزرگتر شدن از نظر سنّی، پای

شکسته به اندازه شش سانتیمتر کوتاه می شود. در سال 1415 قمری به ایران هجرت می کند و وارد حوزه علمیه می گردد، و برای معالجه به بیمارستان بزرگ آلزهراء علیها السلام مراجعه می نماید و بستری می شود.

یکی از بستگان او به اینجانب (سید حجة مؤحد أبطحی) مراجعه نمود، و من نامه ای به بیمارستان نوشتم که حداکثر همکاری ممکن را با او بنمایند، و به آن شخص همراه گفتم: پس از مشخص شدن هزینه ها و انجام تخفیف های ممکن، نتیجه کار را به من بگوئید تا به اندازه توان کمک کنم.

در تاریخ ششم رمضان المبارک 1415 پس از انجام عمل جراحی، او را از بیمارستان آلزهراء علیها السلام مرخص می کنند، و پس از تخفیف های ممکن، مبلغ زیادی بایستی به صندوق بیمارستان پرداخت شود، که برای آن طلبه جوان یتیم فراهم نبود و لذا شخص همراه او به مدرسه صدر بازار و حجره این بنده کمترین مراجعه کرد، و جریان کار و هزینه سنگین عمل را بیان نمود، و خوشبختانه یکی از دوستان اهل خیر که از تجار متدین و نیکوکار است، به دیدن من آمده بود (و سابقه نداشت که در حجره مدرسه به ملاقات من بیاید) و او از چگونگی داستان مطلع شد، و همه هزینه های باقی مانده را بر عهده گرفت، و آن شخص همراه با خوشحالی به بیمارستان رفته بود، و به آن طلبه سید یتیم خبر داده بود که مشکل برطرف گردیده است. او در جواب گفته بود که میدانستم، گفته بود از کجا؟ پاسخ داده بود که دیشب در عالم رؤیا دیدم در مدرسه علمیه ذوالفقار هستم، و طلبه ها با هم صحبت می کردند، که راه کربلا باز شده است، و از هر نفر مبلغی می گیرند و او را به کربلا می برند، و من بسیار ناراحت شدم و گفتم اگر به جای رفتن به بیمارستان و مقروض کردن خود، پولی تهیه می کردم و به کربلا می رفتم،

آنجا شفای خودم را می گرفتم، و در حال اندیشه و تفکر بودم، و سرم به طرف پائین بود، ناگه احساس کردم شخصی سرم را تکان می‌دهد، و می‌گوید: پسرم چرا ناراحت هستی؟ سرم را بلند کردم دیدم خانمی هستند با چادر سبز رنگ، پیش خود فکر کردم که ایشان ایرانی نیستند (چون ایرانیها چادر مشکی به سر می‌کنند) به من فرمودند:

ناراحت نباش، من بچه‌ها و دوستان زیادی دارم

که مشکل شما را حل می‌کنند

گفتم خانم شما کیستید؟ فرمودند: مرا نمی‌شناسی، من مادرت هستم، من فریاد زدم که شما مادرم هستید؟ که با صدای فریاد من، رفیقم که در اطاق بیمارستان بود مرا از خواب بیدار کرد. و این چنین با لطف و عنایت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام مشکل مالی و درمانی او برطرف گردید.

3- با توسل به حضرت زهرا علیها السلام شفایش را از امام رضا علیه السلام گرفت

در سال 1376 (1418 قمری) یکی از علاقمندان به حضرت زهراء علیها السلام به شکل عجیبی شفا یافت، و جریان کسالت و شفای خود را مفصلاً نوشته است که خلاصه آن را ذیلاً، نقل می‌نمایم.

یک ماه قبل از ایام فاطمیّه، ناگهان بالای ناف من به اندازه یک پسته بالا آمد و اول احساس درد نمی‌کردم، ولی با گذشت زمان، اندازه آن برآمدگی بزرگتر می‌شد، و دچار درد شدم، و لذا به پزشک مراجعه کردم، و او پیشنهاد عمل جراحی به وسیله دکتّر متخصص و برجسته نمود، و من شدیداً ناراحت شدم.

ایام فاطمیّه رسید و همه روزه، در منزل ... که مجلس با معنویّتی است، شرکت

می کردم، و توسّل داشتم، و روز آخر که ناهار می دادند، به قصد شفا شرکت نمودم، و نیت کردم که این غذای مربوط به حضرت زهراء علیها السلام را می خورم، که از این مرض و ناراحتی نجات پیدا کنم، آن روز به پایان رسید، و هنگام شب به خواب رفتم و در عالم رؤیا دیدم که در حرم حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه السلام هستم، و در وسط جمعیت، با حال پریشان راه می رفتم، و چند نفر به من گفتند: اگر شفا میخواهی ایشان، آقا علیّ بن موسی الرضا علیه السلام هستند، برو و شفایت را بگیر، من دویدم و در هنگامی که به ایشان رسیدم، عرض کردم: آقا، من گرفتارم، من مریض هستم، من آمده ام تا شفای خود را از خداوند متعال، و از شما آقای بزرگوار بگیرم. حضرت رضا علیه السلام بدون این که با من سخنی بگویند، دست مرا گرفتند و به سوی ضریح مطهر حرکت کردند، ناگهان چشمم افتاد به یک پارچه سبزی که روی یک قبری افتاده بود، و چهار یا پنج نفر با لباسهای سر تا پا مشکی، و نقابهای سیاه، در اطراف آن قبر نشسته بودند، آقا به من فرمودند: اگر حاجت می خواهی از این قبر بگیر، من افتادم روی قبر و آن پارچه را مرتّب می بوسیدم و می بوئیدم. یک مرتبه سرم را بلند کردم، دیدم آقا، بالای سرم ایستاده اند و فرمودند: حاجت را بگیر، دو مرتبه افتادم روی قبر و بوسیدم، و پارچه را بوئیدم و سرم را روی قبر گذاشتم، ولی در هنگامی که سرم را برداشتم، دیدم کسی نیست و از خواب بیدار شدم، و ملا-حظه کردم که نه از آن برآمدگی اثری هست، و نه هیچ گونه دردی احساس می کردم، و هم اکنون نیز با گذشت مدّت زمانی طولانی، هیچ گونه اثر و دردی را در خود احساس نمی کنم شخص یاد شده، به اینجانب (نویسنده کمترین) مراجعه نمود، و جریان را نقل کرد، من به او پیشنهاد کردم که به همان دکتر مراجعه کند، و او نظر خودش را

اعلان نماید، پس از دو روز، شخص یاد شده، با نوشته رسمی دکتر معالج خود مراجعه کرد، و آقای دکتر تشخیص قبلی، و وضعیت فعلی او را تأیید نموده بودند، و بدین وسیله معلوم شد که مریض یاد شده، با توسل به حضرت زهراء علیها السلام مورد عنایت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و قبر مطهر آن حضرت قرار گرفته و شفا یافته است.

4- مفاتیح الجنان را به روح مقدس حضرت زهرا علیها السلام هدیه کردم

مرحوم حاج شیخ مهدی محدث زاده، فرزند بزرگوار محدث نامدار شیعه، مرحوم حاج شیخ عباس قمی (صاحب تألیفات فراوان) و از همه مشهورتر، کتاب برجسته مفاتیح الجنان، فرمودند:

از پدرم سؤال کردم که چگونه شد کتاب مفاتیح الجنان این قدر مورد توجه قرار گرفت، که همه کتابهای دعای قبلی را که از آثار بزرگان نامدار شیعه می باشد تحت الشّاع خود قرار داد، و عالم گیر شد؟ و در همه جا و در نزد همه کس مورد قبول قرار گرفت؟. پدرم فرمودند: وقتی کتاب مفاتیح الجنان را تألیف نمودم، آن را به روح مقدس حضرت زهراء علیها السلام هدیه کردم(1) و در نتیجه چنین موقعیتی برای این کتاب حاصل گردید.

ص: 114

1- البته روشن است که اهداء نمودن آن بزرگمرد، یک کار تشریفاتی (که مرسوم است در اول هر کتاب، آن را به شخصیت‌های بزرگ و الهی اهداء می نمایند، و در بعضی موارد از خلوص لازم برخوردار نیست) نبوده است، بلکه مرتبه اخلاص مرحوم قمی قدس سره آن چنان بوده، که اهداء او به روح مقدس حضرت زهرا علیها السلام هیچ گونه شائبه ای نداشته، و لذا چنین اثر عجیبی داشته است.

در پایان ماه محرم و صفر 1423 قمری، و پس از دست یابی به موفقیت های چشمگیری در جریان برگزاری مراسم عاشورای حسینی، که مقارن با حلول سال جدید شمسی (1381) گردیده بود، و با همکاری عدّه زیادی از فضلاء و طلاب و روحانیون، و مخصوصاً یاران مخلص برنامه های فاطمیّه، و با همت و حسن نیت عموم مردم با ولایت، موفق گشتیم که از بی احترامی به مقدّسات عاشورای حسینی در ایّام نوروز جلوگیری نماییم، تصمیم گرفتیم که به شکرانه این نعمت، روز شهادت حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه السلام (آخر ماه صفر) با جمعی از علاقمندان و خدمتگذاران در برنامه های فاطمیّه به وسیله یک اتوبوس به مشهد مقدّس مشرف شویم.

در هنگام شروع سفر از اصفهان، یکی از همسفرانی که عازم مشهد مقدّس بود در هنگام حرکت خبردار شد که فرزند خردسال او ناگهان مبتلا به تب و کسالت شدیدی شده، و نیاز به بستری شدن در بیمارستان دارد و با آشکی جاری و حالتی آفسرده و پریشان، از مسافرت صرف نظر نمود.

کاروان زیارتی، پس از ورود به مشهد مقدّس و تشرّف به حرم مطهر امام رضا علیه السلام و انجام برنامه های زیارتی، به شبستان مجاور کفشداری وارد شدند و در حالتی عجیب و استثنائی به عزاداری و سینه زنی پرداختند، و آشک و ناله در مجلس موج می زد، و پس از پایان مرثیه سرائی و سینه زنی مدّاحان، ناگاه در هنگام دعاء مُلّهم شدم که ایّام آتش زدن و هجوم به در خانه فاطمه زهراء علیها السلام و شهادت حضرت محسن علیه السلام است، و رو کردم به مردم و گفتم: در کنار حرم علیّ بن موسی الرضا علیه السلام مناسب است برای مصیبت فاطمه زهراء علیها السلام در این ایّام و

آتش زدن به درِ خانه آن حضرت، و شهادت محسن علیه السلام عزاداری کنیم.

تأثیر این پیشنهاد عجیب بود، صدای ضجّه و ناله از جمعیت بلند شد، و تمام خستگی راه و زیارت و عزاداریهای انجام شده از همه بر طرف گردید، و مجدداً سینه زنی شروع شد و شدت آشک و ناله و سوز جمعیت غیر منتظره بود، و همه حاضرین، علاقه و دلسوزی خودشان را نسبت به حضرت محسن و شهادت مظلومانه آن حضرت نشان دادند، و مجلس یاد شده بسیار طولانی شد

پس از مراجعت به محلّ استراحت، صدای تلفن بلند شد، و پس از مکالمه معلوم شد که همان همسفری است که به علت بیماری فرزندش از سفر باز ماند، گوشی تلفن را گرفتم که احوال پرسى کنم، گفت در اثر عنایتی، فرزندم شفا گرفت، شرح آن را جویا شدم، گفت: وقتی اتوبوس زائرین از جلو منزل ما عبور کرد، بسیار ناراحت شدم که چرا توفیق زیارت از من گرفته شد. به منزل وارد شده و به خواب رفتم، در عالم رؤیا دیدم که غمگین نشسته ام، شخصی آمد و سؤال کرد، چرا ناراحتی؟ گفتم: از فیض زیارت امام رضا علیه السلام محروم شده ام، او گفت ناراحت نباش، بیا تا با هم به مشهد برویم، ناگاه دیدم مقابل گنبد و بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ایستاده ام، و آن شخص اشاره نموده و فرمودند: بین اتوبوس دوستان تو در راه است و آنها فردا به مشهد می رسند، سلام مرا به آنها برسان و به سر دستۀ آنها بگو: مادرم فاطمه فرمودند:

روضه محسن من را بخوانید

سپس از خواب بیدار شدم، و بعد از این رؤیا حال فرزندم به صورت ناگهانی بهبود یافته است.

با توجه به نشانه های روشنی که همه ملاحظه نمودند، و وضعیت مجلس

عزاداری برای حضرت محسن علیه السلام در شبستان مسجد گوهر شاد، و رؤیای جالبی که در اصفهان دیده شده بود، عنایت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام به مجلس معلوم گردید، و مشخص شد که توجه به عزاداری بر حضرت محسن علیه السلام (که قبل از اطلاع از خواب حاصل گردید) امری الهامی بوده است.

6- شفای فوری بانوئی با توسل به ختم صلوات زهرا علیها السلام

یکی از مهندسین متدین و با ولایت و مورد اعتماد، جریان خانم خانواده ای را نقل نمودند، که گرفتار بیماری ناشناخته ای گردیده بود، و درمان و داروها، نه تنها مفید واقع نمی گردید، بلکه روز به روز حال او بدتر می شد، و آرزوی مرگ از خدا می کرد، و در اثر توسل به حضرت زهراء علیها السلام (به وسیله ختم صلوات بر آن حضرت) مورد عنایت قرار گرفته و حضرت زهراء علیها السلام به دیدن او آمدند، و در اثر آن عنایت و شفای فوری، نه تنها عموم خانواده آنها به سوی ارزشهای دینی روی آوردند، بلکه سه خانواده دیگر نیز (که با آنها در ارتباط بودند) در اثر مشاهده این معجزه آشکار منقلب گردیده، و پای بند برنامه های دینی گردیدند.

و اینک عین داستان شفا یافتن را، به قلم آقای مهندس یاد شده (با کمی تغییر در عبارت) نقل می نمائیم.

شفای خانمی که 53 روز در بستر بیماری بود

خانم معلّمی که مبتلا به بیماری دیابت بود، مبتلا به درد عمومی در تمام بدن شد، و ظرف مدت 53 روز بستری شدن، پزشکان بیماری او را تشخیص ندادند و انواع دستورات پزشکی و داروهای گوناگون مؤثر واقع نگردید، و خودش

کاملاً از بهبودی مأیوس گردید.

یک روز به منزل او تلفن زدم، و از همسرش جوئیای حال او شدم گفتم: زندگی ما با بیماری خانم فلج شده، و هیچ آثار بهبودی در او مشاهده نمی شود، و پزشکان هم به نتیجه ای نرسیده اند، و او همواره از درد عمومی ناله می کند، و دیروز به من گفتم: من دیگر طاقت این درد را ندارم، و دعا کن بمیرم.

بعد از این، شوهرش به من گفتم: همسر من می خواهد با تو صحبت کند، و او گوشی تلفن را گرفت و با صدای ضعیف و با حالت اضطراب و بیچارگی گفتم: آقای فلانی، خیلی التماس دعا، گفتم: انشاء الله، ولی شما در این شرایط خودتان دعا کنید، گفتم: شما که می دانید من روسیاهم و از شما می خواهم برای من کاری بکنید.

بعد از خدا حافظی در فکر بودم که چه کاری می توانم برای او بکنم، ناگاه به یاد آمد که روز دوشنبه است، و همه هفته ها شام دو شنبه، هیئت حضرت ابا الفضل علیه السلام تشکیل می شود و به نظرم رسید که در مجلس یاد شده شرکت کنم، و برای شفای او توسل پیدا کنم.

همان شب در جلسه شرکت کردم، و با وضو رو به قبله نشستم، و برای طلب شفای آن خانم، به خواندن 530 بار ذکر صلوات بر فاطمه زهراء علیها السلام (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آيِّهَا وَ ...) مشغول شدم.

به خاطر این که ایام فاطمیّه نزدیک بود، سخنران جلسه، آیه الله، آقای حاج آقا حسن فقیه امامی دامت برکاته متوسل به حضرت زهراء علیها السلام شدند، و حال و هوای معنوی مجلس بسیار عالی شد، و مداحان اهل بیت علیهم السلام نیز یکی پس از دیگری، به حضرت فاطمه زهراء علیها السلام متوسل شدند، و جمعیت حاضر در مجلس

(که بیش از دو هزار نفر بودند) حالت معنوی خوبی پیدا کردند، و خود من هم حالت عجیبی پیدا کرده بودم، و نزدیک به آخر مجلس بود که 530 مرتبه صلوات بر فاطمه زهرا علیها السلام به پایان رسید، و من آن حضرت را به حق فرزندشان حضرت ابا الفضل علیه السلام قسم دادم، که آن زن را شفا بدهند.

فردای آن شب به منزل آن خانم تلفن زدم، که احوال او را بپرسم، خودش گوشی تلفن را برداشت و با صدای رسا و بسیار شاد و سرحال جواب داد (در حالی که در تمام مدت بیماریش، هرگاه تلفن می زدم، یکی از بستگان او گوشی را بر می داشتند) از حال و وضعیت مزاج و درد او جویا شدم، گفت: خیلی خوبم، دیشب حضرت زهراء علیها السلام به اطاقم آمدند و شفایم دادند، پرسیدم شرح قضیه چیست؟ گفت: دیشب ساعت 11 از شدت درد و خستگی خوابیدم پس از آن، در عالم رؤیا دیدم که درب اطاق باز شد، و بانویی نورانی (سراپا پوشیده) وارد شدند، و در گوشه اطاق رو به من ایستادند. در عالم خواب متوجه شدم که حضرت زهراء علیها السلام هستند، شوهرم را صدا زدم و گفتم: قاسم، قاسم بلند شو حضرت زهراء علیها السلام آمده اند شفایم بدهند، و در همین حال از خواب پریدم و متوجه شدم که سر تا پا غرق در عرق هستم، و دیگر احساس ناراحتی ندارم.

من به او گفتم مگر به شما نمی گفتم خودتان دعا کنید، و شما آن قدر قابلیت دارید که حضرت زهراء علیها السلام به اطاقتان می آیند، در جواب گفت: آقای مهندس، شما درباره نماز و حجاب مرتب سفارش می کردی، و من از این به بعد تصمیم گرفته ام که در نماز و حجاب کوتاهی نکنم، و کاملاً دستورات دینی را رعایت بنمایم.

هم اکنون در تاریخ 29/2/1375 پس از گذشت مدتی طولانی از تاریخ

واقعه یاد شده که پائیز 1373 بوده، هیچ آثار درد و ناراحتی در آن خانم پیدا نشده، و به هیچ پزشکی هم مراجعه نکرده، و هیچ دارویی هم مصرف ننموده، و به برکت این عنایت فاطمه زهراء علیها السلام، خانواده یاد شده که «کاهل الصّلمة» بودند همگی نماز خوان شده، و رعایت دستورات دینی را می نمایند، و بسیاری از شبهای سه شنبه به مسجد مقدّس جمکران می روند، و نیز به برکت این لطف حضرت زهراء علیه السلام، سه خانواده دیگر هم که با آنها در ارتباط بودند، همگی اهل طاعت و کارهای خیر و پسندیده شده اند.

نکته جالب در قضیه یاد شده این است که، زمان رؤیای آن خانم و تشرف او به محضر مقدّس حضرت زهراء علیها السلام ساعت 11/5 شب بوده، که دقیقاً مقارن با ساعت ختم جلسه و توسّل به صلوات حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بوده است.

7- به خاطر حضرت زهرا علیها السلام امام رضا علیه السلام مهمانی می کنند

یکی از اهالی بندر عباس مشرف به مشهد مقدّس و زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می شود، در یکی از رواقهای نزدیک به حرم مطهر می بیند یک عالم با وقار، که دارای قیافه و هیبتی ارزشمند می باشد، برای چند نفر از بانوان آهسته و ملایم روضه می خواند، دیدن این صحنه برای او غیر منتظره بوده است و به خوبی می فهمد که ایشان از خدام و روضه خوانهای حرم مطهر نیستند، بلکه یکی از علماء بزرگوار می باشند، و مرسوم نیست که چنین عالم هائی برای زائرین روضه بخوانند، لذا صبر می کند تا برنامه ایشان تمام شود و جلو می رود و پس از عرض سلام، درباره نام و شهر و خصوصیات ایشان سؤال می کند و می پرسد چرا شما در اینجا برای چند نفر زن روضه می خواندید؟ ایشان پس از معرفی خود به عنوان خادمی اصفهانی می فرماید: اگر کسی در حرم حضرت

علی بن موسی الرضا علیه السلام روضه مادرشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بخواند، آن حضرت او را مهمانی می کنند، و من برای این چند نفر خانم که از بستگان من هستند. به امید مهمانی امام رضا علیها السلام روضه مادرشان حضرت زهراء علیها السلام را می خواندم.

سالها می گذرد، همان شخص که اهل بندر عباس بوده به مشهد مقدس مشرف می شود و می بیند در صحن و آستان مقدس حضرت رضا علیها السلام جمعیت و ازدحام عجیبی است، سؤال می کند چه خبر است؟ می گویند یکی از علماء بزرگ و برجسته اصفهان، مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی (رئیس حوزه علمیه اصفهان) از دنیا رفته اند، و جنازه ایشان را برای دفن در جوار امام رضا علیه السلام به مشهد آورده اند، و این جمعیت و تشییع جنازه عظیم، مربوط به ایشان می باشد.

مرد بندر عباسی، خود را به نزدیک محل دفن مرحوم آیه الله خادمی قدس سره می رساند، می بیند قبر ایشان دقیقاً همان جایی است که چندین سال گذشته، ایشان را در حال خواندن روضه حضرت زهراء علیها السلام برای خشنودی امام رضا علیه السلام دیده است، و ملاحظه می کند که این چنین، حضرت رضا علیه السلام مهمانی کرده اند، و این بزرگمرد و عالم برجسته و عظیم الشان را از اصفهان به سوی حرم مطهر خود دعوت نموده و در جوار خود قرار داده اند.

8- برنامه اطعام داریم، شما هم بمانید

ایام فاطمیه بود و به مناسبت برنامه های گسترده نهضت فاطمیه بیشتر اوقات را صرف جلسات فاطمیه مناطق گوناگون شهر و نواحی تابعه می نمودم، و روزها از اول اذان صبح تا ساعتی قبل از ظهر، در منزل شخصی مجلس عزاداری گسترده برای فاطمه زهراء علیها السلام داشتیم.

در یکی از شبهای فاطمیّه اول، در ضمن برنامه های پی در پی که انجام می دادم برای تهیّه وسیله ای به منزل آمدم، و در تاریکی، یک نفر را دیدم که پشت در ایستاده و پاکتی را به دستم داد و گفت: این مبلغ را به مصرف اطعام و نهار روضه منزلتان برسانید، ولی به خاطر این که در سالهای گذشته برنامه اطعام نداشتیم، خواستم جواب ردّ بدهم، و پول را (که نمی دانستم چه مقدار است) قبول نکنم، ولی نیروئی از درون وجود من، مرا باز داشت، و برخلاف نظر و اراده ام پاکت سر بسته پول را قبول کردم، در حالی که دهنده پول را هم نمی شناختم.

مقدمات اطعام (در آخرین روز مراسم عزاداری) فراهم شد، یکی از چهره های برجسته در تقوی و معنویّت، که دارای حالات شایسته ای است و مشمول عنایات خاصی می باشد را دعوت کردم که برای نهار روز آخر حضور داشته باشد، با شنیدن دعوت من، حالت عجیبی پیدا کرد و گفت: به من فرموده بودند:

برنامه اطعام داریم شما هم بمانید

بنده کمترین که متوجه شدم این قضیه طبیعی و معمولی نیست، برای دلگرمی معنوی دهنده پول (که فقط با شکل ظاهری و صورت او را می شناختم، و دیگر خصوصیات او را به هیچ عنوان خبر نداشتم) او را در جریان فوق قرار دادم، و عبارت یاد شده را به او گفتم، که ناگاه صیحه ای زد و به زمین افتاد و از هوش رفت، و توضیحی درباره علّت صیحه زدن و بیهوش شدن خود نداد.

روز پایان مراسم عزاداری و اطعام عمومی رسید، مجلس استثنائی بود، و هر کسی متوجه می شد که عنایت خاصّ ولائی بر مجلس حاکم است، و در هنگامی که عزاداران پس از صرف نهار خارج می شدند، سؤال می کردند این

چه بوی عطری بود که از غذای امروز استشمام می شد.

تکرار سؤال، از جانب افراد گوناگون، به خوبی نشان می داد که قضیه، طبیعی و یا احساسی تصادفی برای یک نفر نیست.

سلسله مسائل غیر طبیعی در این جریان، برای من شدیداً سؤالی را مطرح کرده بود، که قضیه آن پول و آن اطعام (که برخلاف اراده این کمترین اتفاق افتاد و ...) چه بوده است، و مایل بودم که صاحب پول را ببینم و از او سؤالی بنمایم، ولی نام و نشانی از او نداشتم.

تا این که یک روز در حالی که سوار اتومبیل شخصی یکی از دوستان بودم، او را دیدم، و از او خواستم که سوار شود، ولی هر چه خواستم از جریان آن پول بگویند، مطلبی اظهار نکرد، متوجه شدم مایل نیست راننده اتومبیل خبردار شود، و لذا در گوشه ای به تنهایی از او سؤال کردم، گفت: در آیام فاطمیّه، روزها در جلسه عزاداری منزل شما شرکت می کردم، تا این که یکی از روزها بعد از ظهر، در حالت استراحت بودم (ولی بیدار بودم) صدائی شنیدم که فلان مبلغ، برای نهار روضه منزل فلانی پرداز.

هرچه فکر کردم پولی در اختیارم نبود، و متحیر بودم چه کنم، و این چه صدائی بود؟ فردا صبح وقتی به محلّ کسب و تجارت رفتم، یک نفری که از او طلب داشتم و هر چه مطالبه می کردم از پرداخت بدهی خود امتناع می کرد، و مایوس از او بودم، همان مبلغ را (بدون کم و زیاد) آورد و تحویل داد، که عیناً برای نهار جلسه عزاداری و انجام آن دستور غیبی پرداختم. (1)

ص: 123

1- نکته بسیار مهم این است پس از انجام برنامه اطعام و پرداخت هزینه های آن، معلوم گردید که مبلغ یاد شده کاملاً برابر با هزینه های پرداختی می باشد.

پس از شنیدن این جریان، علاقه بیشتری پیدا کردم به این که با حالات و درجه اعتماد و وثوق به او آشنا شوم، و لذا با پی گیری قضیه از بعضی از بستگان او (که مورد اعتماد هستند، و آشنائی کامل با آنها دارم) در باره خصوصیات و

حالات او سؤال کردم، معلوم شد او فردی معتقد و دلبسته به اهل البیت علیهم السلام و علاقمند به حضرت زهراء علیها السلام است، و علاوه بر این مورد، قضیه جالب دیگری هم دارد بدین شرح:

بعد از انجام وظیفه، و پرداخت مبلغ یاد شده، روزی در جلسه عزاداری فاطمیّه در حال بیداری کامل صدائی می شود که: به خاطر این عمل تو ... دادیم (و در آن جمله ای که می شنود، از عنایتی بزرگ برای نسل او در آینده یاد شده، که برخی از نشانه های روشن آن هم اکنون ظاهر شده است.)

9- دستور حضرت زهرا علیها السلام به علامه امینی

(کار ایشان را حلّ کنید)

پس از موفقیت در برنامه گسترده برگزاری 300 جشن غدیر، و اعطای بیست هزار جایزه به کسانی که همانام امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودند، همراه با جمعی از یاران و دلباختگان امور فاطمیّه (که در انجام برنامه یاد شده مخلصانه و با علاقه شدید همکاری کرده بودند) در یک سفر معنوی و پر فیض، به زیارت حضرت معصومه علیها السلام در قم، و حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام در ری، و چند مزار شریف از بزرگان دین، همانند شیخ صدوق در مزار ابن بابویه تهران مشرف شدیم، و نیز به دیدار برخی از مراجع تقلید و علماء بزرگوار موفق گشتیم.

در تهران (به مناسبت موضوع سفر و اقدام در امر غدیر) با فرزند ارشد مرحوم علامه امینی (صاحب کتاب عظیم الغدیر) یعنی حجة الإسلام والمسلمین

شیخ محمد هادی امینی ملاقات کردیم، و نکته های مهمی را از محضر ایشان استفاده نمودیم، و از جمله این که ایشان فرمودند: در دیداری با پدرم (به صورت رؤیا یا مکاشفه) خبر دادند که به زودی راه عتبات عراق باز می شود. (1) در این ملاقات، فرزند علامه امینی جریان عجیبی را به این شرح نقل کردند: بعد از رحلت پدرم (علامه امینی) شخصی بدون اجازه و هماهنگی در مورد یکی از آثار پدرم اقدامی کرد، که به نظر من (که وصی ایشان بودم) نمی بایست انجام می گرفت، و لذا به دادگاه شکایت کردم و با گذشت زمان، آن شخص از نظر قانونی گرفتار می شد، و موفقیت نصیب من می گردید، و او هرچه اصرار می کرد که دست از شکایت و تعقیب قانونی بردارم، موافقت نمی کردم، تا این که به مکه مکرمه مشرف شدم، و در یک شب، عمره کامله ای برای پدرم (علامه امینی) انجام دادم، با تمام مستحبات و آداب، حتی در بعضی از مراحل با پای برهنه راه را طی نمودم، پس از اتمام عمره، در حال خستگی شدید به خواب رفتم، در عالم رؤیا پدرم را دیدم، ایشان به من فرمودند: جای من خوب است، این قدر خودت را به خاطر من به سختی نینداز،

سپس فرمودند :

چند روز پیش حضرت زهراء علیها السلام مرا خواستند، و من به محضر ایشان شرفیاب شدم، حضرت به من فرمودند: برای فلان شخص (همان کسی که از او شکایت کرده بودم) مشکلی پیش آمده، و ایشان به ما متوسل شده اند، کار ایشان را حل کنید، من از خواب بیدار شدم، و پس از بازگشت به ایران، پرونده شکایت را پاره کردم، و آن شخص تعجب کرد، و هنگامی که جریان خواب را

ص: 125

برای او گفتم ، تصدیق نمود و گفت: وقتی متوجه شدم که با اصرار خودم نمی توانم تصمیم شما را در امر شکایت عوض کنم، به نظرم رسید که تنها راه نجات من، توسل به حضرت زهرا علیها السلام است، و لذا متوسل به آن حضرت شدم و خوشحالم که از این راه به نتیجه رسیده ام.

10 - من که مزدم را گرفتم

یکی از کسانی که از اول نهضت فاطمیّه (سال 1411 قمری) تا کنون، از جان و مال و آبرو و امکانات خود در راه ترویج و حمایت از مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء علیها السلام دریغ نکرده است، در همان سال اول مشکلی داشت که با توجه به شرائط جامعه در آن روز، و طرف هائی که با آنها درگیر بود برطرف شدن آن غیر قابل پیش بینی بود، از یک ماه قبل از ایام فاطمیّه، در آماده سازی کسانی که می توانستند در برگزاری مراسم فاطمیّه اقدام کنند، فعالیت چشمگیر و مستمری داشت، و در دهه فاطمیّه اول (11 تا 20 جمادی الاولی) مجدّدانه و با پشتکار، گامهای مؤثری برداشت.

آخرین شب از دهه فاطمیّه، در یکی از جلسات عزاداری حضرت زهراء علیها السلام او را ملاقات کردم، و در حالی که اشک چشمانش را گرفته بود، با حالت شور و التهاب عجیبی گفت: من که مزدم را گرفتم، پرسیدم چگونه؟ گفت: کسی در منزل نبود، رفتم سری بزنم و به جلسه عزاداری بیایم، در همان هنگام صدای تلفن بلند شد، گوشی را برداشتم از تهران زنگ می زدند، متن حکم دادگاه را که صد درصد به نفع من بود قرائت کردند، و گفتند: می خواستیم زودتر بشارت را به شما بدهیم و حکم مکتوب را بعداً برایتان می فرستیم. سپس افزود: اگر تا آخر عمرم برای فاطمه زهراء علیها السلام قدم بردارم و خرج کنم، به ارزش آنچه که نصیبم

نمودند نمی رسد. او تاکنون نیز (که سال 1424 قمری است) در ادامه برنامه های فاطمیّه کوتاهی نکرده است.

11 - خدایا ! این جوان به ما متوسل شده

یکی از تجار متدین و محترم و علاقمند به خاندان نبوت علیه السلام چهل سال پیش دل درد عجیبی پیدا می کنند، و وزم بسیار شدیدی بر او عارض می شود، و شکم او بسیار بالا می آید، برای معالجه از پزشکان زیادی کمک می گیرد، ولی هیچ اقدام و درمانی مؤثر واقع نمی شود.

عده ای از همسایگان او عازم سفر کربلا می شوند و ایشان چندین عریضه (نامه) می نویسند برای حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام و حضرت ابا الفضل علیه السلام و کاظمین علیهم السلام و یک عریضه نیز برای حضرت زهراء علیها السلام می نویسند یکی از همسایه ها با دیدن عریضه حضرت زهراء علیها السلام می گوید قبر حضرت زهراء علیها السلام که معلوم نیست کجا است، این جمله او را ناراحت می کند و لذا با حالتی محزون و غصه دار در پائین عریضه حضرت زهراء علیها السلام می نویسند: یا امام حسین علیه السلام اگر چه کسی از قبر مادر تان خبر نداشته باشد، شما آگاه هستید، پس از شما تقاضا دارم که این عریضه را به مادرتان برسانید.

همسایه ها به سفر کربلا مشرف می شوند، و چند روزی می گذرد، مریض نام برده، شبی در عالم رؤیا می بیند که، حضرت زهراء علیها السلام تشریف آوردند، در حالی که تمام بدن حضرت پوشیده بود، و بر صورت مبارکشان دو نقاب زده بودند، و دو فرزند کوچک و خردسال همراهشان بودند، یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ، این سه بزرگوار تشریف آوردند و روی روی مریض نشستند، حضرت زهراء علیها السلام پیراهن او را بالا زدند و با این که دستهایشان

پوشیده بود، باز هم دستها را زیر چادر بردند، و بر روی شکم او (که ورم بسیار داشت) قرار دادند، و دست چپ را بلند کرده و فرمودند: فرزندانم من دعا می کنم، شما آمین بگوئید، سپس عرضه داشتند: خدایا این جوان به ما متوسل شده، اگر عمر او تمام شده عمری دوباره به او عطا فرما، و فرزندان آن حضرت آمین گفتند، و سپس در حالی که عقب عقب می رفتند چند مرتبه فرمودند: تو خوب شدی تو خوب شدی تو خوب شدی و هم اکنون که چهل سال از این جریان و عنایت بزرگ می گذرد آن عارضه دیگر تکرار نشده است.

12 - اتفاقاً اینجا را مادرم حضرت زهرا علیها السلام سفارش کرده اند

یکی از مردان مورد وثوق، و دل بستگان به فاطمه زهراء علیها السلام در اثر تصادف، چند جای بدنش، همانند پهلو و قفسه سینه، ضربات سختی می بیند، تا آنجا که نشستن و برخاستن برایش مشکل می شود، و برای جابجا شدن و برخاستن چند نفر باید به او کمک بدهند، و به خاطر شکستگی قفسه سینه، نفس کشیدن نیز برای او مشکل می شود، او می گوید:

در چنین حالی به یاد مصیبت های حضرت زهراء علیها السلام افتادم، و با اشک و گریه فراوان، به ظالمین و قاتلین آن حضرت لعن و نفرین می کردم، و ضمناً شفای خود را نیز می طلبیدم، تا آنکه شبی در عالم رؤیا دیدم، که گروهی پنج نفری (که یکی از آنها مقام بالاتری داشتند و در پیشاپیش گروه حرکت می کردند) به عیادت بیماران می رفتند، و من در خیمه ای خوابیده بودم، وقتی به خیمه من رسیدند آن بزرگواری که در جلو حرکت می کردند، رو به دیگران کرده و فرمودند: باید اینجا هم برای ملاقات برویم، ولی آن نفرات دیگر، عرضه

داشتند: نه، اسم او در لیست ما نیست، ولی آن بزرگواری که مقدّم بر همه بودند، فرمودند:

اتفاقاً، اینجا را مادرم حضرت زهراء عليها السلام سفارش کرده اند

سپس وارد خیمه شدند، و در کنار بستر من نشستند، و در حالی که من خوابیده بودم دست مبارکشان را بر آن قسمتهایی از بدنم که درد می کرد (از جمله پهلو و سینه ام) مالیدند و فرمودند: خوب شد، من عرض کردم پشت و کتفم نیز درد می کند، فرمودند طوری نیست، گفتم: چرا درد می کند، فرمودند:

أشکالی ندارد، باید درد کند تا لعن یادت نرود

از خواب بیدار شدم، به رسم هر روز نماز صبح را نشسته خواندم، ولی ناگاه متوجه شدم که می توانم ایستاده نماز بخوانم، لذا مجدداً نماز صبح را ایستاده خواندم، و در آن ایّام (که ماه صفر بود) و در همسایگی ما مجلس روضه برقرار بود، از منزل خارج شدم که به مجلس عزاداری بروم، همسایه ها و هرکس مرا می دید و خبر از حال و وضعیّت من داشت تعجّب می کرد که چگونه توانسته ام از منزل خارج شوم. از آن روز به بعد، تمام دردهای بدنم برطرف شده، به جز کتف و شانه ام که گاهی درد می گیرد، و من هم طبق دستور آن بزرگوار لعن بر قاتلین و ضاربین حضرت زهراء عليها السلام را فراموش نکرده ام، و همه روزه یکصد مرتبه لعن بر دشمنان و ستمگران بر حضرت زهراء عليها السلام می فرستم. در حال حاضر (بهار 1382 شمسی) از این قضیّه چهار سال می گذرد.

13 - عنایت امیر المؤمنین و حضرت زهراء عليها السلام

یکی از خطبای فعال و دلسوز در راه اهل البیت علیهم السلام داستان جالب و آموزنده ای را از کرامت و عنایت مولی علی علیه السلام و حضرت زهراء عليها السلام که برای

خودشان اتفاق افتاده نقل نموده اند، که ذیلاً با کمی تلخیص نقل می نمایم.

ضمن رفت و آمدهای مکرر به جزیره قشم، گاهی توقف بیشتری در آن جزیره داشتم، خصوصاً در سال 1366 شمسی، که به امر مرحوم آیه الله العظمی، آقای گلپایگانی قدس سره چند ماه متوالی در آن جزیره به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال داشتم. مدتی بود کمر دردی پیدا کرده بودم و پزشکان و متخصصان پس از مداوای معمولی و آزمایشات، از معالجه آن (بدون جراحی) اظهار عجز کردند، و من ناگزیر بودم قبل از خواب موزائیکی را گرم کنم و دور آن را با پارچه پیچیده، زیر کمرم بگذارم) تا بتوانم با تخفیف درد آن بخوابم. پیداست تحمل شیئی در زیر کمر در هنگام خواب، جز در خواب های عمیق شب بیهوشی ممکن نیست، به خصوص در هوای گرم قشم آن هم در فصل تابستان.

لازم به تذکر است که چون تعداد شیعیان قشم کمتر از اهل تسنن است شیعیان در بعضی از جهات و شعائر مذهبی، ملاحظاتی داشتند، خصوصاً که گاهی ملاحظات خویشاوندی هم در بینشان بود.

نزدیک ایام فاطمیّه بود، من به دوستان گفتم خوب است در مسجد صاحب الزمان علیه السلام روز شهادت آن بانوی بزرگوار را اعلام عزا کنیم، و مراسمی به این مناسبت داشته باشیم، گفتند: ممکن است اهل تسنن مانع شوند، و نزاعی پیش آید، گفتم: من به ذکر مناقبی چند از خصوصیات و فضایل آن دخت والای پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم می پردازم، به طوری که حساسیتی به وجود نیاید، گفتند: همین مقدار را هم نمی گذارند، گفتم: اطلاعیه ای می نویسیم و در چند مسجد و نقطه پرجمعیت نصب می کنیم، اگر سر و صدا راه انداختند متوقف می کنیم، پس از اعلام خبری نشد، لذا مجلس عزا را بر پا کردیم.

و از طرف دیگر، چند روز قبل از این جریان، در روزنامه کیهان دو بیت شعر (از کسی که ادعا کرده بود اگر کسی مثل آن دو بیت را بگوید همه هستی خود را به او می دهد و آدرس هم داده بود) را دیده بودم، خواستم جواب او را بدهم، ولی فکر کردم به خاطر این که ایام متعلق به حضرت زهرا علیها السلام است، خوب است شعری با همان وزن و قافیه در شأن آن بزرگوار بگویم، و وقت گرانبهایم را صرف به هم بافتن کلمات و لغات نکنم، و اشعاری را سرودم و مجلس عزایم نیز بر پا شد، بالای منبر رفتم و مطالبی در فضایل آن بانوی گرانقدر به زبان آوردم، جمعیت هم زیاد آمده بود و به هر حال عزاداری خوبی شد، و سر و صدا هم راه نیفتاد، روز بعد هم عازم اصفهان بودم.

شب در عالم خواب دیدم که، در اصفهان هستم و نزدیک دبستان دخترانه فاطمیّه (که خود مؤسس آن بودم) قرار دارم، ناگهان صدای مناجاتی با صوت بسیار زیبای عربی از آن مدرسه به گوشم رسید، بسیار تعجب کردم که در مدرسه دخترانه، مرد چه می کند؟ و این چه صدایی است که می شنوم؟ وارد مدرسه شدم دیدم کسی در مدرسه نیست، و صدا از داخل دفتر است، دفتر مدرسه یک پله داشت، پا روی پله گذاشتم، دیدم در دفتر، میز و صندلی وجود ندارد، ولی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام هر دو بزرگوار روی فرش، مقابل هم، پشت به دیوار نشسته اند و امیرالمؤمنین علیه السلام مشغول مناجات هستند، سلام کردم و جواب شنیدم، آنگاه مؤدب و دوزانودم در نشستم، و به نظرم می رسد سؤالی هم از آقا نمودم، و آن حضرت جواب دادند، ولی چون که ابهت آن مجلس مرا گرفته بود، دست به سینه گذارده، خداحافظی کردم و بیرون آمدم، ولی هرچه از دفتر مدرسه دور می شدم صدای آن حضرت در گوشم

ضعیف نمی شد، عیناً مثل وقتی که در محضر مقدّسشان بودم. وقتی بیدار شدم دیگر احساس درد نکردم، و از آن تاریخ (شهریور 1356 تاکنون) اسفند ماه 1381) دیگر آن عارضه به سراغم نیامده است.

امّا آن دو بیتی که در روزنامه کیهان درج شده بود، و شاعرش هستی خود را برای آورنده همانند آن، به عنوان جایزه معین کرده بود این است:

نسیم تا سر زلف نگار می شکند ز قلب عاشق بی دل، قرار می شکند

صفای گلشن و صحرا و سوسنستان را شمیم پیرهن گلعدار، می شکند

و اشعاری را که من در شأن حضرت زهراء علیها السلام در جواب او گفتم: از این قرار می باشد. (1)

صفای مهر تو لطف بهار می شکند

به جان، کلام تو لحن هزار می شکند

فرشته سان چو خرامد به بوستان عفاف

بها، ز سرو و گل آن گلعدار می شکند

شراب صافی سرچشمه فضائل او

ز طالبان فضیلت خُمار می شکند

جلال فاطمه بین کز برای تعظیمش

کمر ز قامت لیل و نهار می شکند

برای بوسه درگاه عزّتش خورشید

ز گردش از فلک خود مدار می شکند

ص: 132

1- از مجموعه آن اشعار مفصل، فقط 15 بیت را نقل می نمایم.

جلال فضّه او عرضه گر شود به جهان

شکوه نه فلک ز رنگار می شکند

بتول، زوجه آن شیر حق که گاه نبرد

صف عدو به دم ذوالفقار می شکند

نگر جلال و مقامش به سوره کوش

که طعن طعنه زن بد شعار می شکند

خطاب امّ ابیها به او ز ختم رسل

شکوه هر لقب از روزگار می شکند

جلال لؤلؤ و مرجان بحر عزّت او

أبهت و عظمت، از بحار می شکند

چو بود نطفه زهرا به صلب ابراهیم

از آن خلیل خدا حرّ نار می شکند

زیبت فاطمه غم بُرد روشنائی را

چنان ضیاء که لیل از نهار می شکند

دل از حسین و حسن چون شکست از غم مام

ز عرش أعظم حق، گوشوار می شکند

گرفت سینه شیر خدا که مرگ بتول

مصیبتی است که صبر و قرار می شکند

نماند قدرت «فیروزیان» به شرح غمی

که ذوق می برد و ابتکار می شکند

14 - امام زمان علیه السلام با نام مادرشان فاطمه علیها السلام عنایت می کنند

مرحوم آیه الله، سید محمد حسن میرجهانی متوفای ایام فاطمیّه 1413 قمری (که از علماء مبرز اصفهان، و دارای تألیفات فراوان بودند، و در امر حضرت زهراء علیها السلام و حضرت بقیّه الله الأعظم عجل الله فرجه بسیار جدی و فعال بودند) مورد عنایت حضرت بقیّه الله الأعظم با نام فاطمه زهراء علیها السلام قرار می گیرند، که جریان آن را عیناً از کتاب کرامات الصّالحین نقل می نمایم.

مدتها بود که به پادرد شدیدی گرفتار شده، و با همه تلاش و کوشش و مراجعه به پزشکان جدید و اطبای قدیم، راه به جایی نبرده، و از فشار بیماری نقرس و سیاتیک (که آن روزها «عرق النساء» نام داشت) دیگر جانم به لب رسیده بود. روزی برخی از دوستان نزد آمدند و مرا به شیروان خراسان بردند و به هنگام بازگشت بود که در قوچان توقف نموده، و به زیارت امامزاده ابراهیم علیه السلام در خارج از شهر قوچان رفتیم. از آنجایی که هوایی لطیف و منظره جالبی داشت، دوستان پیشنهاد کردند که آن روز نهار را در آنجا بمانیم و اینجانب هم پذیرفتم. آنان مشغول تهیه غذا شدند و من برای تجدید وضو به سوی رودخانه ای که از نزدیک امامزاده می گذشت رفتم. فاصله تا رودخانه برای من زیاد بود، اما آهسته آهسته خود را تا آنجا کشیدم، و تجدید وضو نمودم، و در کنار رودخانه نشستیم و به تماشای مناظر زیبا و دل انگیز طبیعت پرداختم.

ناگاه دیدم فردی به ظاهر عادی (که در لباس چوپانان منطقه به نظر می رسیدند) به سویم آمدند، و پس از سلام، همانند دوستی بسیار نزدیک گفتند: فلانی شما هستید؟ گفتم: آری، شما؟ گفتند: با این که اهل دعا و دوا هستی

هنوز پای خود را معالجه نکرده ای؟ گفتم: تاکنون که نشده است، پرسیدند: دوست داری درد پا و بیماریت را معالجه کنم؟ گفتم: چرا که نه؟ نزدیکتر آمدند و در کنار من نشستند، و از جیب خود چاقوی کوچکی بیرون آوردند، و با به زبان آوردن نام مادرم فاطمه، نوک چاقو را بر اول نقطه درد نهادند، و تا تا پشت پا و انتهای موضع درد کشیدند و فشار دادند، از شدت درد کمی فریاد کشیدم و گفتم: آخ، چاقو را برداشتند و گفتند: خوب شدی، برخیز، به پا خاستم و دست به عصا بردم که مثل همیشه با عصا حرکت کنم که ایشان عصا را از من گرفتند و به آن سوی رودخانه افکندند، به خود آمدم دیدم عجب گویی پایم سالم است و هیچ اثری از درد نیست، پرسیدم: شما اینجا چه می کنید؟ با اشاره به اطراف، فرمودند: من در همین قلعه ها هستم، گفتم: پس من کجا می توانم شما را ببینم؟ فرمودند: تو آدرس مرا نخواهی دانست، اما من آدرس شما و منزلتان را دانم کجاست، و درست و دقیق باز گفتند، و فرمودند: هرگاه مقتضی باشد نزد شما خواهیم آمد و آنگاه از من دور شدند.

در همین گیر و دار دوستان از راه رسیدند و گفتند: پس عصایت کو؟ گفتم: آقا را دریابید! اما هرچه جستجو کردند اثری از آقا نیافتند. (1)

15 - دستور و عنایت حضرت زهراء علیها السلام به آیه الله العظمی گلپایگانی

از هفتاد سال قبل، توسل مرجع عالیقدر شیعه، مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی قدس سره متوفای 1414 قمری، به ذیل عنایت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بر اساس دستور آن حضرت آغاز گردید.

ص: 135

جریان از این قرار است که، در عالم رؤیا بی بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به ایشان امر فرمودند: که آقای «عیون» روضه بخوانند و مبلغی نیز برای این امر معین فرمودند. آقای «عیون» که از دوستان و شیفتگان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بودند، کار را شروع کردند و بحمد الله تاکنون نیز ادامه دارد، و در هر زمان و عَظا نامدار و بزرگواری افاضه می نموده اند. (1)

جالب است که در عزاداری عاشورای حسینی امسال (1424 قمری) روز آخر مجلس (که سیزدهم محرم الحرام بوده است) دورویای بشارت دهنده نقل گردیده که ذیلاً ذکر می نمائیم:

الف - یکی از وابستگان به بیت شریف مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید احمد خوانساری قدس سره متوفای 1405، در عالم رؤیا می بیند که پاکت های زیادی

آماده شده است در اطاق شخصی مرحوم آیه الله العظمی، آقای گلپایگانی قدس سره شخص خواب بیننده می خواسته به پاکتها دست بزند، بانوی سیده ای که به نا. فاطمه است و از بیت یکی از مراجع معظم تقلید می باشد، می گوید: دست نزیا این پاکتها را مرتب کرده ایم برای آنهایی که در این مجلس روضه خوانده اند و ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام نموده اند.

ب - شخص دیگری نیز در عالم رؤیا می بیند که، در اطاقی که مخصوص آیه الله العظمی گلپایگانی و همسرشان (که به نام فاطمه بوده) (2) خانم مجلله ای

ص: 136

1- مجله خورشید مکه، شماره 5، صفحه 18، جمادی الاولی و جمادی الثانیه 1423

2- از نکات جالب است که مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره تمام دختر خود را با أسماء و القاب حضرت زهراء علیه السلام نام گذاری نموده اند، و به دنبال آن، فرزند ایشان نیز دخترانشان را با نامها و القاب آن حضرت نامیده اند، بنابراین دختران و نوه ها و نتیجه های ایشان به نامهای: فاطمه، زهرا، صدیقه، بتول، عذراء، حوراء، طیبه، رضیه، زکیه، مرضیه و... می باشند.

حضور داشته اند (که ایشان هم به نام فاطمه بوده اند) و قواره های پارچه های نو برای مستمعین و شرکت کنندگان در مجلس روضه و عزاداری بیت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره می آماده شده بوده است.

16 - یا فاطمه زهراء! آیا شما هم جواب رد می دهید

یکی از طلاب فاضل و شایسته و پای بند به ارزشهای دینی و مکتب اهل البیت علیهم السلام و از کسانی که از اولین سال شروع نهضت فاطمیّه برنامه عزاداری و مراسم بزرگداشت شهادت فاطمه زهراء علیها السلام را در منطقه خودشان با علاقه و جدیت تمام به اجراء در آورده، و بیت الزهراء علیها السلام جالب و قابل توجهی هم تأسیس نموده است، هفت سال از ازدواج او گذشته، و فرزندى نصیبش نگردیده بود، و معالجات معمولی هم به ثمر نرسیده بود، و در نهایت، تصمیم گرفته بود که به شهر یزد برود، و در مرکز پزشکی مهمی که برای درمان ناباروری تأسیس شده به معالجه بپردازد، و در آن مرکز، تمامی مراحل درمانی ممکن را طی می کند، و همه راههای طبی که احتمال داده می شده مؤثر واقع شود می پیماید، و در آخرین نوبت مراجعه، پزشک متخصصی که تمامی برنامه ها را کنترل و اقدام می نموده، با یک جلسه گفتگوی مفصّل با ایشان، سعی می ایشان روحیه بدهد و ایشان را قانع کند که خود را از نظر روحی برای نداشتن فرزند آماده سازد، و با صراحت جواب قطعی و مأیوس کننده ای را به ایشان می دهد و می گوید: دیگر هیچ اقدامی نکنید که فائده ندارد.

این طلبه و روحانی خدمت گذار به آستان مقدّس حضرت زهرا علیها السلام با چشم گریان و دل مأیوس (از معالجات طبّی و وسائل پیشرفته پزشکی) از شهر یزد عازم اصفهان می شود، و در تمامی راه با اشک جاری به بانوی دو عالم حضرت زهراء علیها السلام عرضه می دارد که، آیا شما هم جواب رد می دهید؟

به خانه و زندگی خودش در اصفهان بر می گردد و زمانی زیادی نمی گذرد که علائم حمل در همسرش می یابد، و با لطف و عنایت حضرت زهرا علیها السلام فرزندی سالم پیدا می کند و آثار کرامت و عظمت حضرت را در زندگی خود، به روشنی و به نحو شگفتی آفرین در می یابد.

17 - هرکس از حضرت زهرا علیها السلام دفاع کند ما او را بلند می کنیم

در سال 1416 قمری، برای آماده سازی روحانیت و هیئات مذهبی و عموم مردم استان فارس برای برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء علیها السلام و احیاء فاطمیّه، با جمعی از دلدادگان به مقام و عظمت فاطمه زهرا علیها السلام به شهرهای: آباده، اقلید، دهبید، مرودشت، شیراز مسافرت نمودیم و در هر کدام از شهرهای یاد شده، برنامه های مفصّل و جالبی انجام گردید، که با استقبال مخلصانه مردم و علماء و دست اندرکاران امور دینی مساجد و حسینیه ها و محافل مذهبی شهرها مواجه گردید.

در شیراز، شب جمعه ای به مسجد الرسول صلی الله علیه و آله سلم (که از مساجد جدید التّاسیس و با شکوه می باشد، و در محله قصر الدّشت که از قسمت های مهم شیراز می باشد واقع شده، و به امامت آیه الله حدائق شیرازی دام عزه، برنامه های دینی منظم و آبرومند و جالب توجهی دارد) رفتیم، و به ایشان عرضه داشتیم که

برنامه ای داریم برای توجّه دادن مردم به احیاء امر فاطمیّه و بزرگداشت شهادت حضرت زهراء علیها السلام، ایشان فرمودند: با این که شبهای جمعه برنامه دعای کمیل داریم و مدّاح مخصوص و مشهوری را دعوت کرده ایم، ولی، امر حضرت زهراء علیها السلام مقدّم است، و ما پس از نماز مغرب و عشاء مجلس را در اختیار شما می گذاریم.

پس از اقامه نماز جماعت، برنامه فاطمیّه را شروع کردیم، و با ارائه نمونه های فراوان از پرچمها و پوسترهای فاطمیّه، و توضیح درباره محتوی و اهداف و تأثیرات معنوی و تبلیغی هر کدام، و لزوم اقدام هر یک از مردم برای دفاع از حریم شخصیت و مظلومیت حضرت زهراء علیها السلام، آن چنان حالت معنوی و شور و سوز عجیبی در مسجد پیدا شد که همه را منقلب و آماده هر نوع فداکاری نمود.

جمعیت نمازگزار مسجد که بیشتر از طبقات تحصیل کرده و دارای شخصیت اجتماعی بودند، و زن و مرد آنها از فرهنگ و تربیت و شخصیت ممتازی برخوردار بودند، در تمام مدت برنامه که نزدیک به سه ساعت به طول انجامید، نه تنها در حال استماع و توجّه بودند، بلکه هیچگاه آشک چشم آنها در تمام مدت برنامه قطع نگردید، و با یک انقلاب معنوی در دل و جانشان، به شنیدن و دل دادن و تصمیم گیری درونی برای تلاش ممکن در امر دفاع از مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام مشغول بودند.

پس از اتمام توضیحات، و تشریح گوشه هائی از مظلومیت و عظمت شخصیت و شهادت حضرت زهراء علیها السلام مقدار بسیار زیادی از دهها نوع پوستر در اختیار حاضرین (که در تمامی شبستان و بالکن و حیاط مسجد نشسته بودند)

قرار داده شد، و کسانی که در دانشگاهها یا مدارس و دبیرستانها و یا ادارات و اماکن عمومی نقشی داشتند، برای هر کدام از آن مراکز، مقدار زیادی از پوسته‌های متنوع گرفتند، که در آن محیط‌ها آمادگی ایجاد کنند، و قدم مؤثری برای احیای فاطمیّه بردارند.

پس از اتمام برنامه، حضرت آیه الله حدائق میکروفن را گرفتند، و سخنان مهیج و استثنائی در عظمت برنامه یاد شده بیان کردند و فرمودند:

اگر امشب دعای کمیل می خواندیم، ما دعا کرده بودیم، ولی هم اکنون که این جلسه بزرگ در دفاع از حق حضرت زهراء علیها السلام برگزار گردید، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام به ما دعا می کنند، و دعای حضرت زهرا علیها السلام هزار بار بالاتر از دعائی است که ما بکنیم. و با این قبیل کلمات مهیج و مخلصانه که بیان نمودند، حمایتی بی دریغ نسبت به برنامه های فاطمیّه از خود نشان دادند.

پس از پایان مجلس به حسینیه بزرگی که در دروازه کازرون می باشد رفتیم، و جمع اصفهانی با عده ای از وابستگان به آن حسینیه، یک عزاداری به یاد ماندنی و پر شور و معنوی انجام دادیم، سپس مؤسس حسینیه (که یکی از مردان نیکوکار و دلباخته اهل البیت بود) داستانی را در مورد موفقیت در امر تأسیس چنین حسینیه ای تشریح نمود:

علت موفقیت

در شیراز شخصی بود در لباس روحانیت، و منبر می رفت، و انحرافات فکری و اعتقادی داشت، و نسبت به مقام شامخ و مقدس اهل البیت علیهم السلام بی احترامی و اهانت می نمود، و بالأخص در آیات شهادت ها افکار انحرافی خود را ترویج می کرد، یک وقتی در آیات شهادت حضرت زهراء علیها السلام تصمیم

گرفتم که به جلسه او و پیروانش بروم، که اگر سخنی نامناسب و ناروا گفت، با او به مبارزه و مقابله بپردازم، اگر چه کتک بخورم و مشکلاتی برایم حاصل شود.

به جلسه سخنرانی او رفتم، و از قضا در آن مجلس، وی صحبتی برخلاف شئون اهل البیت و حضرت زهراء علیها السلام به میان نیاورد و جلسه تمام شد، شب بعد در عالم خواب صدائی شنیدم که گفت:

هرکس از حضرت زهرا علیها السلام دفاع کند ما او را بلند می کنیم

بعد از این جریان بود که به شکل معجزه آسائی موفق شدم این حسینیه بزرگ و با عظمت را تأسیس و تکمیل نمایم.

18 - بگو مصیبت مادرم فاطمه را بخواند

یکی از اولیاء خدا در مشهد مقدس شبی در عالم رؤیا می بیند که، جنازه ای را در حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام آوردند، و خود حضرت تادم در، به استقبال جنازه تشریف آوردند، او از همراهان جنازه سؤال می کند این جنازه از کیست؟ آنها در جواب می گویند: آقای درچه ای است، و از اصفهان است، و در مشهد فوت شده است، او در عالم رؤیا می بیند، در هنگامی که جنازه را در اطراف ضریح حضرت رضا علیه السلام طواف دادند(1) و بالای سر مطهر قرار دادند، حضرت رضا فرمودند: به فلانی بگو زیارت مرا برای این جنازه بخواند، زیارت امین الله خوانده شد، وقتی خواستند جنازه را ببرند، حضرت اشاره به محلی نمودند و فرمودند: اینجا جنازه را به زمین بگذارید و فرش حرم را جمع کنید و بروی

ص: 141

1- در آن زمان، جمعیت زائرین به اندازه امروز نبوده، و می توانستند جنازه را طواف بدهند

جنازه بتکانید، تا غبار فرش حرم من تمام جنازه را بگیرد، و همه دستورات آن حضرت اجراء گردید، سپس جنازه را از حرم مطهر بیرون آوردند، و حضرت نیز تشریف آوردند و دستور دادند که جنازه را پشت پنجره فولاد به زمین بگذارید و فرمودند:

به این مرشد بگوئید روضه مادرم زهرا علیها السلام را بخواند

سپس جنازه را حرکت دادند و حضرت رضا علیه السلام آن را بدرقه کردند. یک ماه از جریان رؤیای عجیب و سرتاسر عنایت گذشت، تا این که روزی همین شخصیت یاد شده و صاحب رؤیا، وارد صحن مطهر می شود و ملاحظه می کند همان جنازه و همان همراهان و تشیع کنندگان هستند، سؤال می کند این جنازه از کیست؟ می گویند: یکی از علماء اصفهان است به نام آقای درچه ای که برای زیارت به مشهد مشرف شده و فوت شده است، آن بزرگمرد، با توجه به رؤیایی که قبلاً دیده بودند، دنبال جنازه حرکت می کنند، و وارد حرم مطهر می شوند و صدای حضرت رضا علیه السلام را می شنود که می فرماید: خوش آمدی، و در هنگامی که جنازه را در بالای سر مطهر آوردند، حضرت فرمودند: بگوئید زیارت من را بخوانند و زیارت خوانده شد، جنازه را حرکت دادند در نزدیکی در حرم، حضرت فرمودند: جنازه را به زمین بگذارید، و غبار فرش حرم را بر او بتکانید، و سپس جنازه را پشت پنجره فولاد آوردند، باز صدای حضرت را می شنود که می فرماید: بگوئید مصیبت مادرم فاطمه را بخوانند.

و در یک کلام، تمام آنچه را در عالم رؤیا، در یک ماه قبل دیده بود، در عالم بیداری هم می بیند، جز آنکه در بیداری شخص حضرت رضا علیه السلام را نمی دیده، ولی صدای آن حضرت را می شنیده است.

در این جریان نکات بسیاری هست از عنایت حضرت رضا علیه السلام به زائر خودشان، و تأثیر غبار حرم مطهر و بالأخص ذکر مصیبت حضرت زهراء علیه السلام و نشانه های موجود در این رؤیا، آن را از حدّ رؤیای صادقانه فراتر می برد، و در مرز معجزه و کرامتی بزرگ از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام قرار می دهد.

19 - چرا به حضرت زهرا علیه السلام توسل پیدا نمی کنی؟

یکی از خطباء عالیقدر که در راه خدمت به خاندان رسالت علیهم السلام و فعالیت های تبلیغی (زبانی و عملی) دارای سابقه طولانی می باشد، نقل می نماید:

زن و شوهری از نزدیکان من در ابتدای ازدواج، اتاقی در منزل بسیار کوچکی در قم اجاره کرده بودند، صاحب خانه آنها که شخص مستضعفی بود و آن خانه را با زحمت و قرض بسیار ساخته بود، اجازه نمی داد که از آب لوله کشی که تازه انجام شده بود (حتی برای وضوء) استفاده نمایند، به همین علت این زن و شوهر مجبور بودند که برای وضوء و دستشویی و شستن لباس از جوی آب بیرون منزل استفاده کنند، که آن هم همیشه جریان نداشت.

گرچه این نحو زندگی مشکل است، ولی زندگی طلبگی (به خصوص اوائل آن) همیشه با مشکلات بسیاری توأم می باشد، که جز با صبر و تحمل و قناعت طی نمی شود.

مرحوم حجة الإسلام و المسلمین، حاج شیخ عباسعلی اسلامی قدس سره که از محارم آن بانو بودند، شبی در قم در آن اتاق به سر بردند، هنگام صبح که برای وضوء به حیاط رفتند، در بازگشت به اتاق بسیار ناراحت بودند، چون به محض این که شیر آب را برای وضوء باز کرده بودند، زن صاحب خانه شروع کرده بود به

غُر و بُند کردن، آقای اسلامی که از این برخورد ناراحت شده بودند با عصبانیت

به بانوی مستأجره گفتند:

چرا به حضرت زهرا علیها السلام توسل پیدا نمی کنی؟ و چرا نماز توسل به آن بزرگوار را نمی خوانی و خانه ای مستقل از آن حضرت نمی خواهی؟

آن خانم گفت: من نماز حضرت زهراء علیها السلام را خواندم و با چشم گریان منزلی از آن بانوی بزرگوار خواستم، شب در عالم خواب دیدم شخصی درب منزل صدا میزند: کسی می خواهد خانه بخرد؟ من در عالم خواب گفتم: بله، من میخوام، شوهرم گفت: من طلبه ای بیش نیستم از کجا قادر به خرید خانه هستم، گفتم: حالا برویم خانه را ببینیم، با اصرار من حرکت کردیم، کوچه هایی را یکی پس از دیگری طی کردیم، رسیدیم به کوچه ای که شوهرم منزلی را نشان داد و گفت: این جا منزل فلان مرجع بزرگ است، پس به درب منزلی رسیدیم، آن راهنما در زد، مردی که پارچه سیاهی به عنوان علامت سیادت بر سر داشت در را باز کرد، ما از پله پائین آمدیم، حیاطی کوچک بود که دو اتاق پائین و دو اتاق بالا داشت، در همین هنگام از خواب بیدار شدم.

صبح شد، هنوز همسرم از خانه بیرون نرفته بود که دیدم کسی صدا میزند: کسی در این جا قصد خرید منزل دارد؟ من نگاه کردم دیدم همان قیافه ای است که در خواب دیدم، به شوهرم گفتم: بر خیز برویم که حضرت زهراء علیها السلام گویا عنایتی فرموده اند، جواب او همان سخن درباره عدم توانایی مالی بود که در خواب از او شنیده بودم، من به او گفتم: حالا دیدن منزل که اشکال ندارد، حرکت کردیم، مسیر راه به همان صورت بود که در خواب دیدم، همان کوچه را طی کردیم و به منزل آن مرجع بزرگوار رسیدیم، در کوچه های بعد، به منزل

همان سید که در خواب دیده بودم وارد شدیم، خانه را قولنامه کردیم و به تدریج پول آن پرداخت شد، و بحمد الله صاحب خانه شدیم.

گر نگاهی به ما کند زهرا

دردها را دوا کند زهرا

کم نخواه از عنایت و کرمش

کانچه خواهی عطا کند زهرا

20 - فاطمه زهراء علیها السلام به منزل ذریه خود تشریف می آورند

مرحوم پدرم، آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره (متوفای ایام فاطمیه 1413 قمری) می فرمودند:

شبهائی که فردای آن مناسبتی با یکی از میلادها و یا شهادتهای معصومین علیهم السلام داشت (گرچه بنابر قول یا روایتی باشد) حتماً و بدون استثناء خوابی می دیدم، که در آن بشارتی و یا هدایتی و نکته ای بود، و چه بسا وقتی بیدار می شدم، و متوجه می گشتم که خوابی دیده ام، و به نظرم می رسید که فردا خبری نیست، و ارتباط خاصی با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ندارد، وقتی به کتابهای حدیث و تاریخ مراجعه می نمودم، ملاحظه می کردم که طبق روایتی و یا قولی در آن روز، میلاد یا شهادت یکی از خاندان رسالت علیهم السلام می باشد.

ایشان می فرمودند: در یکی از چنین شبهایی، در عالم خواب خبر آوردند که حضرت زهرا علیها السلام تشریف می آورند، و ناگاه متوجه شدم که ایشان با دو نفر بانوی دیگر که همراهشان بودند و من آنها را نشناختم، تشریف آوردند، و در اطاق مهمانخانه نشستند، ولی آن حضرت کاملاً پوشیده بودند، و حتی صورت مبارکشان پوشیده بود، من با ادب کامل و دوزانو در مقابل آن حضرت نشستم و در حالی که دستهایم بر روی زانویم بود و با تواضع و احترام تمام در مقابل ایشان نشسته بودم، عرضه داشتم: گرچه گناهان ما، ما را از فیض دیدار محروم

ص: 145

می سازد، ولی از ذریه بودن بیرون نمی برد.

ناگاه حضرت زهراء عليها السلام پوشش صورتشان را عقب زدند، و من صورت مبارکشان را دیدم، پس از آن، حضرت زهرا عليها السلام حرکت کردند که تشریف ببرند، من دستمال را از جیب خودم در آوردم، و خواستم گرد کفش پای راست مبارک حضرت را پاک کنم (که برای تبرک و استشفاء برای مریضها، از آن بهره مند شوم) اشاره به کفش پای چپ نمودند، و فرمودند:

آن را پاک کن که در کربلا افتاده است

و این جمله اشاره است به این که، استشفاء باید به وسیله امام حسین علیه السلام

و تربت آن حضرت انجام گیرد.

21- من راضی نمی شوم این شهر ویران شود

مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید عبد الهادی شیرازی قدس سره (متوفای 1381 قمری) که از مراجع بزرگ تقلید شیعه، و از زعمای عظیم الشان حوزه علمیه نجف اشرف بوده اند، و پس از ارتحال مرجع جهانی عالم تشیع، مرحوم آیه الله العظمی، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره، مدتی زمام مرجعیت شیعه را در دست داشتند، شبی در عالم رؤیا می بینند که، مجلسی است که خاتم انبیاء، حضرت محمد بن عبد الله و نیز امیر المؤمنین علی و حضرت زهراى مرضیه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام تشریف دارند، و جبرئیل امین، از طرف پروردگار، نامه ای را به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تقدیم نمودند، و آن حضرت، آن را امضاء فرمودند، و سپس هرکدام از: امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نیز امضاء نمودند، ولی در هنگامی که نامه را به محضر حضرت زهراى مرضیه علیها السلام تقدیم نمودند، ایشان پرسیدند: آیا این حکم قطعی الهی است،

ص: 146

و غیر قابل تغییر؟ و در هنگامی که جبرئیل امین پاسخ دادند، که این حکم، قطعی و لا یَتَغَيَّرُ نیست، حضرت زهراء علیها السلام فرمودند: من امضاء نمی کنم.

آیه الله العظمی شیرازی برایشان سؤال مطرح می شود که، آیا حکم مذکور در نامه چیست؟ و چرا حضرت زهراء علیها السلام امضاء فرمودند، پاسخ دریافت می کنند که، حکم موجود در نامه، مربوط به نابودی یکی از شهرهای بزرگ ایران..... است، و علت امتناع حضرت از امضاء، این است که می فرمایند: در این شهر عزای حسینم برپا می شود، و من راضی نمی شوم که این شهر، دچار ویرانی و نابودی گردد. (1)

22 - با عنایت حضرت زهراء، ذهن و هوش او متحول می شود

یکی از اساتید مجرب و بسیار متقی نقل فرمودند که: طلبه ای بود بسیار کند ذهن و کم هوش، که درس صرف میر (که یکی از کتب درسی ابتدائی حوزه علمیه می باشد) را سه مرتبه خواند و در امتحان پایانی آن مردود شد، ولی به عنوان این که پیش از این تکرار یک درس، روحیه او را می شکند (به عنوان ارفاق) با توافق مدرّسین و مسئولین امور درسی حوزه علمیه، مقرر شد، کتاب بعدی، یعنی کتاب تشریح را شروع کند، ولی به همان وضعیّت قبلی، برنامه او ادامه یافت، و به هیچ عنوان، درس را یاد نمی گرفت، تا این که استاد یاد شده، تصمیم می گیرد که، کتاب عوامل فی التّحور با بیانی بسیار ساده، و با روش هائی که کار یادگیری را آسان می کند، برای او درس بگوید، ولی در هنگامی که درس را از او می پرسد، ملاحظه می نماید که به هیچ وجه، درس را

ص: 147

1- این قضیه را شخصاً، از یکی از شاگردان بزرگ و مورد علاقه آن مرجع عالیقدر شنیدم

یاد نگرفته است. استاد یاد شده، با صمیمیت از او می پرسد: چرا نمی توانی درس را جواب بدهی؟ آن طلبه می گوید: می خواهم درس بخوانم، ولی به هیچ وجه نمی توانم، و استعداد و هوش برای فهمیدن درس در من نیست. تا این که در جلسه ای که برای برنامه ریزی در امور فاطمیّه علیها السلام برگزار گردید، و مرحوم آیه الله صافی قدس سره و مرحوم آیه الله، حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره نیز حضور داشتند، استاد یاد شده، به آن طلبه می گوید، شما هم تصمیم بگیرید برای یاری حضرت زهراء علیها السلام قدمی بردارید، و خدمتی را بر عهده بگیرید، آن طلبه قبول می کند، و با اخلاص و فداکاری کامل، در این زمینه اقدام می کند، و ناگاه متوجه می شود، که او دگرگون شده، و در درس سیوطی (یکی دیگر از کتب درسی حوزه علمیه) همانند طلاب درس خوان، درسها را یاد می گیرد، و در درس کتاب مغنی، بهتر از دیگران درس را متوجه می شود، و علاوه بر آن، در هنگام درس، به مدرّس کتاب، اشکال می گیرد (که یک امتیاز علمی، و نشانه استعداد و پرکاری شاگرد می باشد) و در جریان یک عنایتی معنوی، به آن طلبه اعلام می شود که، آنچه لطف به او شده، از ناحیه معصومین علیهم السلام و بالأخص حضرت زهراء علیها السلام بوده است.

در حال حاضر، همان طلبه کم استعداد و کم هوش قبلی، از مدرّسین و مبلّغین نامدار حوزه علمیه است، و با عنایت حضرت زهرا علیها السلام به توفیقات بزرگی دست یافته است.

23 - حضرت زهراء گلی را به من دادند، بوئیدم و ...

مرحوم آیه الله، آقای حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره که در راه احیاء و بزرگداشت شهادت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام از پیشگامان بزرگ، و از مدافعین

سر سخت حق آن حضرت بودند، و اولین تابلوی بزرگ و چشمگیر را، به نام کتابخانه عمومی الزهراء عليها السلام» ایشان در بلندترین قسمت مسجد شان، واقع در خیابان عبد الرزاق، در سال 1400 قمری نصب نمودند(1) و در جریان نهضت فاطمیّه، از سال 1411 قمری (یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهراء عليها السلام) با استفاده از همه امکانات جانی، مالی، آبرویی، اندیشه ای، همراه با تواضع، حسن اخلاق، و حسن تدبیر، بیشترین کوشش را در پیشرفت و موفقیت حرکت فاطمیّه انجام دادند، و تشویق های مؤثر و نافذ ایشان، در به حرکت در آمدن دستجات عزاداری، و تداوم آن، در سالهای بعد، و در گسترش فعالیت های گوناگون اجتماعی، در این زمینه نقشی حیاتی داشت، و نام ایشان را با حرکت و نهضت فاطمیّه پیوند زد.

در سال 1414 قمری، در آخرین روز دهه فاطمیّه دوم (دهم جمادی الثانیه) ایشان در کتابخانه عمومی الزهراء عليها السلام بدرود حیات گفتند و در هنگامی که به میز مخصوص ایشان مراجعه شد، ملاحظه گردید، که ایشان قبل از بدرود حیات، در حال نوشتن متن اطلاعیّه ای برای جشن میلاد مقدّس حضرت زهرا عليها السلام بوده اند که در صدر آن نوشته بودند :

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ، لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا

ص: 149

1- در آن زمان، با توجه به قدرت نفوذ گروهها، و اشخاص سست عقیده، و یا منحرف و مخالف امر ولایت اهل البیت علیهم السلام و خصوصاً در مسئله مظلومیت حضرت زهراء عليها السلام چنین اقدامی، جرأت و شجاعت قابل توجهی لازم داشت، و یک نوع مبارزه با آن جریانات انحرافی، از مکتب ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام محسوب می گردید. (به یادواره آیه الله فقیه امامی، شرح حال ایشان صفحه 101-103 به قلم این نویسنده، مراجعه گردد).

پس از درگذشت ایشان، یکی از بستگان آن بزرگمرد، در عالم رؤیا دیده بود، که ایشان فرمودند: در هنگام جان دادن، همه معصومین علیهم السلام تشریف آوردند و حضرت زهرا علیها السلام گلی به من دادند و بوئیدم، و آنقدر لذت بردم که اگر به من پیشنهاد می کردند به دنیا برگردم، راضی نمی شدم.

و این چنین، در آخرین لحظات، حضرت زهراء علیها السلام قدردانی و تشکر خودشان را، از ارادتمند و یاور و مدافع حششان اظهار داشتند.

24- با عنایت حضرت زهرا علیها السلام از مرگ نجات یافت

یکی از مهندسین با تقوی و دلبسته به ولایت اهل البیت علیهم السلام که وابسته به یکی از خاندانهای اصیل علمی و تقوایی است، نقل کردند:

یکی از دوستان من، مردی است که چندین سال پیش، به علت بیماری و نارسائی قلبی، در یکی از بیمارستانهای بزرگ اصفهان بستری بود، و پزشک معالج او که از دوستان من است، برایم توضیح داد که، بیماری قلبی ایشان صعب العلاج است، و امکان عمل و جراحی هم وجود ندارد، و باید با آن مدارا کند. و خیلی مراعات نماید، و بیشتر استراحت کند.

ایشان یکماه در بیمارستان، و سه ماه هم در منزل بستری بود، و پس از آن، از منزل خارج شد، و به کار مشغول گردید.

روزی، از من خواست که به تنهائی با او گفتگویی داشته باشم، و اظهار نمود که در اواخر روزهای که بستری بودم، اتفاق افتاد که به کسی نگفته ام، و از من خواست که تا زنده است به نام او برای کسی نقل نمایم. او گفت:

در اطاق، به تنهائی در بستر بیماری افتاده بودم، در اطاق به طرف حیاط منزل باز بود، ناگاه دیدم ستونی از چیزی که نه غبار بود و نه نور (حالت خاصی

داشت) به طرف حیاط کشیده شد، و مرد جوان و سفید پوشی ظاهر گردید و وارد اطاق شد و پائین بستر من قرار گرفت، و متوجه شدم که او ملک الموت است، و برای قبض روح من آمده، از او خواستم مهلتی بدهد، نپذیرفت، به او عرضه داشتم، دختری دارم و برای او جهیزیّه تهیه نکرده ام، مهلتی بدهید، باز هم نپذیرفت، گفتم: قرض زیادی دارم و بدهکارم، مهلتی بدهید، باز هم نپذیرفت، پیشانیم عرق کرد، مستأصل و بیچاره شدم، در حال پریشانی به سختی گفتم: یا زهراء، یا زهراء، و دیگر توان حرکت دادن زبانم را نداشتم، در دلم گفتم: یا زهراء، یا زهراء، ناگاه دیدم آن مرد سفید پوش، عقب عقب به طرف حیاط رفت و در همانجائی که آمده بود، ستونی نه از نور و نه از غبار پیدا شد و او پنهان گردید.

مهندس یاد شده می فرمود: از آن زمان تاکنون (محرم الحرام 1423 قمری) پانزده سال می گذرد، و او زنده است و به کار و زندگی خود مشغول می باشد.

25 - عنایت حضرت رقیه، در حلّ مشکل بیت الزهراء علیها السلام

در اولین سال نهضت فاطمیّه (1411 قمری) مرحوم آیه الله صدیقین، در تعبیر یک رؤیای عجیبه ای به این نویسنده کمترین فرمودند:

شما موفق می شوید، پایگاهی را برای فاطمه زهرا علیها السلام به وجود بیاورید.

عرضه داشتم، آیا منظور همین برنامه هائی است که موفق شده ایم در احیاء امر حضرت زهرا علیها السلام انجام دهیم؟ فرمودند: اینها کار است و تعبیری که به نظرم می رسد، مربوط به مکان و جایگاهی است، برای کارهای فاطمیّه علیها السلام.

سالها گذشت، روزی یکی از کسانی که حالات و روحيات ویژه ای دارد و نکته های برجسته ای را، زودتر از وقوعش اشاره می کند، به منزل ما آمد،

و هنگام بازگشت، در داخل کوچه، دست به دیوار منزل همسایه مجاور زد و گفت: اینجا بیت الزهراء علیها السلام است، و دیگر هیچ توضیحی نداد.

یک سال پس از آن، شبی یکی از بزرگان علم و دین، که از دلباختگان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد، و عمر پربرکت خود را با اخلاص و تواضع در خدمت پیامبر و ائمه معصومین و حضرت زهراى مرضیه علیهم السلام و بالأخص در راه بزرگداشت نام و یاد حضرت بقیة الله الأعظم مصروف داشته، و بارها مورد عنایت خاص و ألطاف ویژه آن بزرگواران قرار گرفته، در منزل ما مهمان بودند، و در هنگام صرف صبحانه فرمودند: دیشب در هنگام سحر، و در تاریکی کامل، در حالی که مشغول تهجد بودم، دیدم این قسمت (و اشاره کردند به قسمتی که منزل همسایه مجاور می باشد) نور است، و غیر از این بخش، هیچ کدام از کوچه و منازل دیگر، چنین حالتی نداشت، و به نظرم می رسد این قطعه زمین و این منزل، مورد عنایت خاص اهل بیت علیهم السلام می باشد.

در همان ایام، مالک منزل مذکور، در یک گفتگوی حضوری، خبر داد که پروانه ساختمانی گرفته است، که منزل خود را در سه طبقه بسازد، و برای این امر یک سال فعالیت کرده، و مبلغ زیادی هم پرداخت نموده است.

این خبر، شدیداً مرا تحت تاثیر قرار داد، زیرا از یک طرف، ساخته شدن چنین ساختمان بلندی، در جوار منزل ما مشکلاتی از نظر اشراف داشتن همسایه بر حیاط منزل و ... ایجاد می کرد، (ولی سخنی برای گفتن به او نداشتم زیرا می خواست از حق قانونی و عرفی خود استفاده کند) و از طرف دیگر، این مطلب، با آن بشارتهای معنوی مکرر ناسازگار بود.

به نظرم رسید که به یادگار خردسال، ولی بزرگ امام حسین علیه السلام یعنی

حضرت رقیه علیهم السلام متوسل شوم، و در همان ایام به زیارت حضرت زینب و حضرت رقیه علیهما السلام (در سوریه) و زیارت عتبات عالیات عراق (کربلا و نجف و کاظمین و سامراء) مشرف شدم، و در حرم حضرت رقیه علیها السلام به ایشان عرضه داشتم، مشکل بیت الزهراء را می خواهم با دستهای شما حل شود، و در محضر مقدس امیر المؤمنین و امام حسین علیهم السلام عرضه می داشتم که:

باز شدن گره کار بیت الزهراء علیها السلام را از عزیزتان حضرت رقیه علیها السلام خواسته ام

و این شمائید و آبروی فرزند شهیده تان

در هنگام بازگشت از زیارت عتبات مقدسه، خبردار شدم حوادثی غیر منتظره رخ داده، که برنامه های همسایه را بر هم زده است، تا این که به من پیغام داد که تصمیم گرفته ام منزل را بفروشم، اگر مایل به خریدن هستید، آماده شوید.

شادمانی خبر اجابت دعا و رسیدن عنایت و لطف از طرف حضرت رقیه علیها السلام از خاطره های شیرین، و فراموش ناشدنی زندگی من است.

حوادثی که پیش آمد و بدون اختیار روز انعقاد عقد قرار داد را به تأخیر انداخت، تا روز شهادت حضرت رقیه علیها السلام (یعنی پنجم ماه صفر) و تمام مدت جلسه معامله، آشک همه حاضرین جاری بود و نیز رؤیاهای قبل و مقارن زمان نوشتن قولنامه، همه و همه نشان می داد که، عنایات غیبی، تعیین کننده برنامه هائی است که در حال اجرا و تحقق می باشد.

توسلات و استغاثه ها قطع نگردید

فروشنده منزل یاد شده، با توجه به بعضی از بشارتها و رؤیاهای تکان دهنده ای که همسر او و بعضی از همسایگان دیده بودند، تحت تأثیر قرار گرفته و قبل از انتقال رسمی ملک و قبض ثمن، کلید منزل را تحویل داد، و تعمیرات

لازم برای بهره برداری محل، در برنامه های فاطمیّه، شروع گردید، و از روز اول، با حضور معمار و استاد کار و کارگران، عزاداری بر حضرت زهراء علیها السلام بر روی خاکها و نخاله های ساختمانی شروع گردید، و در تمام مدّت انجام تعمیرات، همه دست اندرکارهای تعمیرات و نقاشی، و سایر کارهای مربوط به آماده سازی برای برنامه های فاطمیّه علیها السلام همه روزه مهمان حضرت زهراء علیها السلام بودند، و همراه با توسّل پذیرائی می شدند.

من که از اینجا نمی روم، هر که می خواهد برود

در تمام مدّت انجام تعمیرات، و پذیرائی ها و توسّلات، داستانهای شگفتی رخ داد، که هر کدام، آموزنده و تکان دهنده، و در برگیرنده نشانه ای از کرامت و عنایتی می باشد، که از آن جمله است این که، در روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام یکی از علماء عظیم الشان قم به اصفهان تشریف آوردند، و یکی از شعرای با اخلاص و نامدار مشهد مقدّس، به اتّفاق برخی از همراهانشان، (بدون برنامه ریزی قبلی) به بیت الزّهراء علیها السلام (منزل یاد شده ای که در حال تعمیر بود، و همه جای آن را خاک و نخاله های بنّائی پوشانده بود) آمدند، و با گسترده شدن موکت کهنه ای بر روی خاکها، به یاد حضرت بقیّة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه (که روز شهادت پدر بزرگوارشان بود) و مادر مظلومه و شهیده شان، حضرت زهراى مرضیّه علیها السلام (که آن مکان، به نام مقدّسشان بود) غوغائی برپا شد، و دلی نبود که آتش نگیرد، و ناله ای نبود که از عمق جان به آسمان بلند نشود، آن چنان که همسایه ها آمده بودند و پشت دیوار کوچک نشسته بودند، و همراهی می کردند.

جلسه یاد شده سه ساعت به طول انجامید، و برخی از همراهان آن شاعر

دلسوخته و مخلص اهل البیت علیهم السلام به ایشان گفتند: ما مهمان هستیم، منتظر ما هستید، و ایشان در جواب گفتند:

من که از اینجا نمی روم، هر که می خواهد برود

26 - اینجا در باز شده بود

پس از آنکه محل بیت الزهرا علیها السلام به منظور بهره برداری برای فعالیت های فاطمیّه خریداری شد، و نشانه های فراوان عنایت و لطف غیبی در مورد آن، بر غریبه و آشنا ظاهر گردید، دو جریان مشابه، مربوط به دو زمان، و از ناحیه دو نفری که هیچ گونه ارتباط و آشنائی با یکدیگر ندارند کشف گردید، که به راستی حیرت آور می باشد. در انجام تعمیرات بیت الزهرا علیها السلام، به نظر آمد که دری از داخل یک اطاق، به کوچه باز شود، که در هنگام برگزاری مراسم عزاداری گسترده فاطمیّه، برای جابجائی وسایل، و تسهیل در امر پذیرائی بانوان بهره گیری شود، و چنین اقدامی انجام شد، و تاکنون اثر بسیار مفید و بیش از حد انتظار، در کیفیت برگزاری مجلس، و آرامش و نظم آن داشته است.

یکی از دو نفر یاد شده، دو سال قبل از خریداری شدن محل، در حالی که مالک آن، تصمیم بر تجدید بنای آن به صورت سه طبقه، برای سکونت شخصی داشته است، و دیگری شش سال قبل از خریداری، در عالم رویا دیده بودند که، این خانه بیت الزهرا علیها السلام شده، و دقیقاً در همین محل یاد شده، دری به کوچه باز شده است، و در هنگامی که معمار و استاد کار، و تمام دست اندرکاران برگزاری جلسه عزاداری فاطمیّه، از جریان این دو رؤیای عجیب که در برگزیده خبری از آینده بوده، مطلع گردیدند، همه حیرت زده شدند.

جالب است بدانیم که، یکی از آن دو نفر، ضمن درستکاری و راستگویی،

خیلی در فکر مسائل عزاداری و تأسیس مؤسّسات دینی وولائی نیست، و دیگری شدیداً دلبستگی به مسائل معنوی و توسّلات دارد، و همیشه در ترویج کارهای اهل البیت علیهم السلام کوشا می باشد، ولی دورویای کاملاً مشابه، و در موضوع خود یکسان، در دو زمان و بدون این که آن دو نفر با هم کوچکترین آشنائی و ارتباطی داشته باشند، پرده از یک نشانه گویا، از عنایات الهیّه بر می دارد.

27 - دخترم فاطمه پناهگاه مردم است

در ضمن مطالعه برای دستیابی به مطالب برجسته، در مورد فضائل و مصائب و شهادت حضرت زهراء علیها السلام به این مضمون برجسته و دلنشین برخوردیم که (دخترم فاطمه، پناهگاه مردم است) و در میان صدها پرچمی که برای مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء علیها السلام و نصب در خیابانها و میدانهای شهر آماده کردیم، چند پرچم نیز با همین عبارت آماده نمودیم و در جاهای مناسب قرار دادیم، و از جمله، یکی از آنها را در مجلس عزاداری در منزل، بیت الزّهراء علیها السلام نصب نمودیم.

در روز پایان عزاداری، پس از انجام اطعام عمومی، یکی از خدمتگزاران با اخلاص حضرت زهراء علیها السلام بعد از ظهر در عالم رؤیا دیده بود که، خدمتگزاران فاطمیّه، پرچمها و وسائل عزاداری را باز می کنند، و در محلی قرار می دهند و بانوی مجلّله ای نظارت می فرمایند، و همه کارها زیر نظر ایشان است، شخص یاد شده عرضه می دارد که، این پرچم را به من بدهید (اشاره به پرچمی که بر روی آن، جمله «دخترم فاطمه، پناهگاه مردم است» نوشته شده بوده است) آن بانوی بزرگوار می فرمایند: این پرچم را می خواهیم نگهداریم برای

مجلس

ص: 156

عزاداری سال آینده، شخص یاد شده در عالم رؤیا مقداری نگران می شود که اینجا منزل فلانی است، و این بانو چرا دخالت می کنند، و با لحنی که مقداری جنبه انتقاد داشته می گوید: شما تا حالا کجا بوده اید؟ آن بزرگوار می فرماید: که من مراقب هر دو در (1) بودم، و از واردین پذیرائی می کردم، و به آنها خوش آمد می گفتم، و مقدمشان را گرامی می داشتم.

وقتی بیدار می شود، از بی ادبی و عدم توجه خودش نگران می شود، و از محضر مقدّس حضرت فاطمه زهراء علیها السلام عذرخواهی می نماید.

در سال بعد، سفارش کردم که تعداد زیادی از همین پرچم، با جمله یاد شده که مورد عنایت بوده، آماده نمایند، که در سطح شهر در جاهای گوناگون نصب گردد، و دو عدد از آنها را هم برای دو محل، در مجلس عزاداری، در نظر گرفتم.

مجلس سوگواری شروع شد، و ساعاتی از برنامه جلسه سپری گردید، شخصی آمد و گفت: چرا پرچم (دخترم فاطمه، پناهگاه مردم است) را نصب نکرده اید؟ گفتم: دو عدد نصب شده است، چطور؟ گفت که در عالم رؤیا دیدم که گفتند فلان پرچم را زده اند، من شدیداً نگران شدم، و شخصاً رفتم تمام سه منزلی که محل برگزاری جلسه عزاداری است، و همه مسیر طولانی کوچه تا سر خیابان را دیدم، معلوم شد که دوستان در اثر غفلت، هیچکدام از دو پرچم را نصب نکرده اند، با کمال تأسف و معذرت خواهی از محضر حضرت فاطمه زهراء علیها السلام، دو پرچم را در دو محل مناسب و شایسته قرار دادیم، و مخصوصاً

ص: 157

1- در آن زمان، فقط دو در برای ورود به جلسه عزاداری وجود داشت، و پس از آن، با ضمیمه شدن یک منزل دیگر به مجموعه بیت الزهرا علیها السلام درهای ورودی جلسه، به سه عدد افزایش یافت.

یکی از آنها را روبروی منبر، در بالای مجلس، و در جایی که توجّه همگان به او باشد نصب نمودیم.

روز آخر مجلس فرارسید، و در هنگام ظهر، پس از اقامه جماعت، عده ای از شعراء و مدّاحان اهل البیت علیهم السلام به مرثیه سرائی و عزاداری پرداختند، و در ضمن یکی از اشعار خوانده شده، جمله ای بود که در زبان شعر رائج است، ولی ظاهر او با در نظر گرفتن معنای لغوی (نه کنایه ای و شعری) دارای اشکال می بود، در این هنگام یکی از حاضرین در مجلس بلند شد و اعتراض کرد، و عده ای از شعر قرائت شده دفاع کردند، ناگاه احساس کردم که اگر این بحث و گفتگو دنبال شود، آن حالت معنوی و روحانی که در مجلس حاکم است را تحت تأثیر قرار می دهد.

در حالت انقطاع کامل، قلبم متوجّه حضرت زهراء علیها السلام شد، و از آن بزرگوار مدد خواستم و به سوی منبر رفتم، که تقاضا کنم این گفتگو را رها کنند، و حال مجلس را خراب نکنند، ولی به شکلی معجزه آسا، و غیر قابل تصوّر، به مجرد این که پای منبر رسیدم، از مطلب و جمله ای که در نظر گرفته بودم، هیچ اثری در ذهنم باقی نمانده بود و گویا حافظه ام را به کلی از دست داده ام، ولی هنگامی که خواستم سخنی بگویم، چشمم به پرچم (دخترم فاطمه، پناهگاه مردم است) افتاد، و برق آسا تصمیم گرفتم که، جریان پرچم را بگویم و یک مرتبه انقلاب عجیبی در مجلس حاصل شد، و گویا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سر از قبر بیرون آورده، و به اهل مجلس می گویند:

دخترم فاطمه، پناهگاه مردم است

که ناگاه آشک ها سرازیر شد، صدای یا زهراء یا زهراء از مردم بلند شد، و پس

از آن، چند دعا کردم و همه چیز به حال طبیعی خودش برگشت، و فاطمه زهراء عليها السلام تسلط ولائی و احاطه ملکوتی خودشان را بر قلبها و احساسات، به نمایش گذاردند، و به نحو قطع و یقین مشخص شد که، تمامی وقایع مربوط به پرچم یاد شده، مورد توجه و عنایت آن بزرگوار بوده است.

28 - کسی که خانه اش را به مادر ما حضرت زهراء عليها السلام می دهد

نمی خواهی وقت را به او بدهی

در منطقه دروازه شیراز اصفهان، که از بخشهای مرفه و پیشرفته، و دارای موقعیت بالای اجتماعی می باشد، شخصی خانه خود را که دارای قیمتی بسیار بالا بوده، وقف بر حضرت زهرا عليها السلام نموده، و با ضمیمه نمودن قطعه زمینی به مساحت یکهزار متر، فاطمیه ای را در آن منطقه پایه گذاری نموده است، و همه ساله در ایام فاطمیه، مجلس عزاداری بسیار مفصل و با شکوهی برگزار می کند که در هر شب، هزاران نفر را اطعام می نماید، و همزمان با او، شخص دیگری در بیت الزهراء عليها السلام خیابان پاسداران تهران، مجلس عزاداری مفصلی برقرار می نمود.

یکی از خطباء و وعاظ نامدار، در هر دو مجلس برنامه سخنرانی داشته است که پنج شب در تهران، و پنج شب در اصفهان، در این دو مجلس انجام وظیفه می نموده، تا این که در سال 1381 شمسی، در اثر اختلاف شخصی شدیدی، که بین دو نفر برگزار کننده مجلس تهران و اصفهان پیدا شده بود، یکی از دو مؤسس یاد شده، فشار زیادی را بر گوینده یاد شده وارد می کند، که مجلس دیگری را ترک کند.

خطیب یاد شده، اظهار می دارد که اگر شما با هم اختلاف و کدورتی دارید،

کار را به مجلس فاطمه زهراء عليها السلام نکشانید، ولی این سخنان فائده نمی بخشد و او بر اصرار خود پا برجا بوده است.

خطیب یاد شده تصمیم می گیرد که به هیچ کدام از دو مجلس نرود، و پیغام می فرستد که من در جلسه شما شرکت نمی کنم، و در آن ایام، در شهر سیرجان برنامه سخنرانی داشته، و تلفن همراه خودش را خاموش می کند، که هیچ کدام به او دسترسی پیدا نکنند.

پنج یا شش شب قبل از شروع دو مجلس، خطیب یاد شده در عالم رؤیا، مرحوم آیه الله آقای، حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره را می بیند و سلام می کند و دست ایشان را می بوسد، ایشان با تندی عجیبی می فرمایند:

شنیده ام نمی خواهی به مجلس کوی سپاهان (دروازه شیراز اصفهان) بروی؟

عرض می کند که حاج آقا، به خدا مانده ام چه کنم؟

می فرمایند فلانی اگر به آن مجلس نرفتی، به خدا قسم چوب حضرت زهراء عليها السلام را خواهی خورد، کسی که خانه اش را به مادر ما حضرت زهرا عليها السلام می دهد، تو نمی خواهی وقتت را به او بدهی؟

صبح بیدار می شود، و به هر دو برگزار کننده مجلس اصفهان و تهران می گوید به هر دو مجلس می آیم، و آنها هم بر خلاف اصرار قبلی می پذیرند.

بانی اصفهانی یاد شده، وقتی در جریان قرار می گیرد، و گفتار مرحوم آیه الله امامی قدس سره در عالم رؤیا را می شنود، منقلب می شود، و شروع می کند به گریه کردن، و می گوید: خداوند هم ما را ببخشد و هم آن کسانی را که این سید مظلوم را اذیت کردند.

29 - مشکل سفر زیارتی حضرت زینب سلام الله علیها در جلسه فاطمیه بر طرف شد

یکی از فضیلت‌های مخلص و با ادب و مورد اعتماد، که برای برنامه های فاطمیّه با استمدادهای معنوی و توسّلات و پشتکار خالصانه، فعّالیّت های مؤثّری دارد در گزارش خود می نویسد:

قرار بود که در آیام فاطمیّه امسال (1423 قمری) به پابوسی نائبة الزهرا علیها السلام یعنی حضرت زینب علیها السلام مشرف شوم، و گذر نامه ها نیز صادر و ویزا شده بود، ناگاه از شهرمان تلفن زدند که، سازمان حج و زیارت به کار شما ایراد گرفته است، و با مسافرت شما به سوریه موافقت نمی نماید، و با شنیدن این خبر، حالت منقلب و عجیبی پیدا کردم. یکی از دوستان خبر داد که امروز عصر در منزل ... جلسه برنامه ریزی جهت برنامه های تبلیغی و اجرائی فاطمیّه است، به نظرم آمد که وضو بگیرم، و به قصد توسّل به جلسه یاد شده بروم، و هنگامی که می خواستم وارد جلسه بشوم، از بس نا امید بودم، و نگرانی داشتم، گفتم: یا حضرت زهرا، اگر مشکل من برطرف نشد، دیگر در امور فاطمیّه اقدام نمی کنم (و البتّه هیچ گاه چنین بی ادبانه و خشمگین، با اولیاء الهی سخن نگفته بودم) ولی در اثر عنایت حضرت زهرا علیها السلام برای دوّمین بار تلفن زدند که، به تهران بروید، و فلان مدارک را ببرید، و سریعاً مشکل برطرف شد، و همراه با پوسترها و تبلیغات فاطمیّه یک روانه سوریه گشته، و با جمعی از علاقه مندان به اهل البیت علیهم السلام مشرف به زیارت حضرت زینب و حضرت رقیّه علیهم السلام و دیگر مشاهد مشرفه دمشق و حلب شدیم، و شب و روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام این را در حرم مطهر حضرت زینب و حضرت رقیّه علیهم السلام به عزاداری پرداختیم.

در آستانه برنامه های فاطمیّه 1423 قمری، در جلسه درس حوزه علمیه، از فضلا و طلاب حاضر در مجلس درس دعوت نمودم، که برای شروع برنامه های تبلیغی و اجرائی مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام در مجلسی که در بیت الزّهرّا علیها السلام به جهت برنامه ریزی و هماهنگی فعالیت ها تشکیل می شود حضور یابند، یکی از فضلاء حاضر در مجلس که مشغول به دوره سطوح عالیّه است، می نویسد:

بنده تصمیم گرفتم که در جلسه بیت الزّهرّا علیها السلام شرکت نکنم، یکی به دلیل امتحانات، و دیگری به دلیل این که خیال کردم، که اگر کاری بکنم، به جز پخش پوستر و فعالیت برای نشر آنها در نقاط مختلف نیست، ولی شب در عالم رؤیا منظره ای را مشاهده کردم، و شما خطاب به من فرمودید: چرا نمی آئی؟ حتماً بیا، هنگام صبح که بیدار شدم (با نشانه هائی که در کار بود) قلبم مطمئن شد که، رساندن و نشر پوسترها هم مورد توجه است، و لذا نه تنها خودم اقدام کردم بلکه با کمک پسر دائی و خواهر زاده ام، پوسترهائی را به شهرستان جیرفت فرستادم، و تقاضا کردم که شخصاً پوسترها را در جاهای مهم و حسّاس نصب کنند، و آنها هم چنین کردند، و سپس خودم به شهر کاشان رفتم، و با نصب پوسترهای فاطمیّه علیها السلام در نقاط حسّاس، و خیابانهای مهم شهر انجام وظیفه کردم، و آن چنان با استقبال بسیار خوب مردم روبرو شدم، که خودم بسیار لذت بردم، و امید وارم که حضرت زهراى مرضیّه علیها السلام از این عرض ادب ها را بپذیرند، و مورد عنایت خود قرار دهند.

31- نوری سبز رنگ در هنگام نماز استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام

یکی از فضیلت‌های متدین و دلسوخته اهل البیت علیهم السلام که از سادات و ذرّیه‌های حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد، در شب شهادت حضرت زهرا علیها السلام (سیزدهم جمادی الاولی 1423) در هنگام سحر قبل از اذان صبح، مشغول خواندن نماز توسّل و استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام می‌شود، در هنگام قنوت نماز، ملاحظه می‌نماید که چراغی مثل شمع، با نور سبز رنگ، بر روی سجّاده او که گسترده بوده وجود دارد، و پس از مقداری زمان خاموش می‌شود، و این چنین نشانه‌ها و بشارتهائی، قلوب دل‌بستگان به حضرت زهرا علیها السلام را روشن و ثابت و برقرار و مستحکم می‌نماید.

32 - این الفاطمیون؟

یکی از طلاب سابقه دار، که خود و همسرش از علاقه‌مندان به فاطمه زهرا علیها السلام هستند، و در خدمت به آستان مقدّس صدیقه کبری علیها السلام کوشش می‌کنند، در ایّام فاطمیّه دوّم در سال 1423 قمری، پس از انجام فعالیت‌های تبلیغی برای مراسم شهادت حضرت زهرا علیها السلام و فرستادن پوستر به کردستان و سنندج و ... ، شبی در عالم رؤیا می‌بیند که، قیامت برپا شده است، و صدائی می‌شنود: این الفاطمیون؟ و به نظرش می‌رسد که او و همسرش مرده‌اند، و در حال زنده شدن هستند، مثل این که در حال بیدار شدن از خواب هستند، که برای دومین بار می‌شنود این الفاطمیون؟ و باز هم برای سومین نوبت می‌شنود که این الفاطمیون؟ و به یک باره بلند می‌شود، و دست همسرش را (که او هم در قبری در کنار او بوده) می‌گیرد و می‌گوید: بلند شو برویم، ما را صدا می‌زنند

و می گویند این الفاطمیون؟ ما با این صدا خوانده شدیم، و هر دو با سرعت رو به بهشت روان می شوند، و او به همسرش می گوید: بالأخره ما جزء شفاعت شدگان بی بی دو عالم، فاطمه زهراء علیها السلام شده ایم.

33 - خوشگذرانی در ایام فاطمیّه به آتش سوزی و عزا مبدّل گردید

یکی از فامیل هائی که بخشی از آنها در اصفهان ساکن هستند، و برخی دیگر در تهران، در ایام فاطمیّه 1423 قمری، که با تعطیلات تابستانی مصادف و همزمان بود، آنها که در اصفهان ساکن بودند، به مناسبت تعطیلات به تهران سفر کردند، و تهرانی ها نیز کارهایشان را رها کردند، که در کنار یکدیگر خوش بگذرانند، و به سیاحت بروند، و در پاسخ کسانی که به آنها گفته بودند، دهه فاطمیّه و ایام عزاداری است، و مناسب خوشگذرانی نیست، گفته بودند: آخر دهه فاطمیّه از کجا پیدا شده؟، و وسائل خوشگذرانی را برای خودشان مهیا کرده بودند، که ناگاه آب گرم کن منزل آتش می گیرد، و همه ناراحت و پریشان می شوند، و پس از خاموش کردن آتش سعی می کنند، شادمانی و نشاط را به جمع خودشان بازگردانند، و به قول خودشان نگذارند بچه ها ضربه روحی ببینند، ولی ناگاه صدای تلفن به صدا در می آید، و از اصفهان خبر می دهند که پدرتان مریض است، و او را به بیمارستان انتقال داده اند، باز هم سعی می کنند دل خودشان را آرام نگهدارند، و در حدّ ممکن برنامه شادی را حفظ کنند، ولی پس از مدّتی، از اصفهان تلفن می زنند، که پدرتان از دنیا رفت، و سفره عزا و مصیبت برپا گردید، و همگان به اشتباه خودشان اعتراف کردند، و در آن ایام، از حضرت فاطمه زهراء علیها السلام عذرخواهی نمودند، و تصمیم گرفتند که در سالهای

آینده، نه تنها از اشتباه گذشته فاصله بگیرند، و به جشن و شادمانی پردازند، بلکه در عزاداری بر مظلومه تاریخ اسلام، حضرت زهرا شهیده علیها السلام کوشش نموده، و سوگواری نمایند. (1)

34- ... و اینگونه باران رحمت می بارید

در حدود سال 1419 قمری، و در جریان نهضت فاطمیّه، در روز سوم جمادی الثانیه (سالروز شهادت فاطمه زهرا علیها السلام) با حضور طلاب و مدرّسین حوزه علمیه، و جمعی از بازاریان اصفهان، مجلس عزاداری بسیار بزرگ و پرشوری، در مسجد نو بازار تشکیل شد، و پس از انجام سخنرانی به وسیله این نویسنده کمترین، و سینه زنی و عزاداری بسیار جانسوزی، به وسیله دلباختگان حضرت زهراء علیها السلام، به صورت دسته عزاداری به داخل بازار رفتیم، و سپس به خیابان عبد الرزاق وارد شدیم، و با توجه به این که صدها نفر از مدرّسین و طلاب، و جمعی از مردم بازار حضور داشتند، صحنه تکان دهنده ای به وجود آمد و هر بیننده ای را که از مسیر خیابان عبور می کرد، به حالت حزن و اندوه می برد و آشک آنها را سرازیر می کرد و سپس داخل بازار مسجد جامع شدیم و به سوی مزار شریف احیاگر مکتب اهل البیت علیهم السلام یعنی علامه ملا محمد باقر مجلسی قدس سره روانه شدیم، و در کنار مرقد مطهر ایشان، عزاداری عجیب و پرشوری انجام گرفت و با سخنرانی که بسیار مهیج و جانسوز بود، و درباره مصائب حضرت زهراء علیها السلام ایراد گردید، شور عزاداری دو چندان شد و همه را

ص: 165

1- در سالهای گذشته، نمونه این جریان، مکرر اتفاق افتاده، و کسانی که اسائه ادب به ساحت مقدّس حضرت زهراء علیها السلام نموده اند، به سزای عمل زشت خودشان رسیده اند.

منقلب نمود، و حالت عجیبی در مجلس پیدا شد.

در همان ایام، یکی از مدرّسین عالیقدر، که در برنامه های فاطمیّه با اخلاص و تواضع شایانی اقدام می نماید، در عالم رؤیا می بیند که، همان مجلس عزاداری در جوار مرقد علامه مجلسی برپاست، و گوینده یاد شده، یعنی ... در حال سخن گفتن است، و هرگاه دهان خود را برای بیان مطالب و مصائب حضرت زهرا علیها السلام باز می کند، باران می بارد، و هرگاه دهان را می بندد، باران قطع می شود، و بدین وسیله نشان داده شد که، سخن در دفاع از مظلومه بزرگ تاریخ، حضرت زهرا علیها السلام باران رحمت است، و پاک کننده و دور کننده چرکی ها و آلودگی ها است.

35 - من هم عزادار فاطمه زهراء علیها السلام شده بودم.

آقا هم با من گریه می کردند

داستان عجیبی است از جوان گنهکاری که، به وسیله توفیق در عزاداری برای فاطمه زهرا علیها السلام به جانی می رسد، که ندائی غیبی او را صدا می زند محمد جان بیدار شو وقت نماز است، و به قلبش الهام می شود که، این صدای حضرت زهراء علیها السلام است، و این نشانه قبولی توبه او است، اینک این شما و این داستان جالب و آموزنده آن جوان.

شب عجیبی بود ... در آن تاریکی جوانهای عاشق را می دیدم که، با لباس عزا، فقط یا فاطمه علیها السلام می گفتند، و عاشقانه بر سر و سینه خود می زدند. این اولین بار بود که در مجلس عزای یکی از معصومین علیهم السلام شرکت می کردم.

کناری ایستادم، و به گذشته ها برگشتم ... بیست و چهار سال را در غفلت کامل، و دوری از یاد خدا و معنویات گذرانده بودم، چه دوران تاریک و تنفر

انگیزی ولی دو روز پیش، به محضر یکی از اولیاء خدا رسیده، و برای خروج از این غفلت و بازگشت به سوی پروردگار مهربانم، کمک خواستم، که ایشان راه و رسم چگونه توبه کردن، و بخشش گناهان گذشته را برایم توضیح داده بودند. در این دو روز، برخلاف سایر عمر، دائم در فکر چگونگی کسب رضایت خداوند مهربان. و پذیرش توبه ام بودم، و حالتی بین خوف و رجاء داشتم، به راستی ممکن است این کوه گناهان، و این دیوارهای ضخیم فاصله از خدا فرو ریزد؟ برای اولین بار بود که دعا می خواندم، و با اشک ندامت از خداوند طلب بخشش می نمودم.

شور و حال عزاداران، بار دیگر من را به خود آورد، و با خود اندیشیدم راستی چرا من نمی توانم مثل آنان عزاداری کنم؟ مگر نه این که حضرت زهرا علیها السلام مادر من و همه شیعیان هستند؟ به خود فشار آورده، و همراه آنها مشغول عزاداری شدم و به سر و سینه می زدم، ولی ناراحت بودم که این کار را از روی سوز دل انجام نمی دهم، در همان حال متوسل به آقا امام زمان علیه السلام شده و خالصانه عرض کردم: آقا مجلس عزای مادرتان است، به من هم حال عزا عنایت فرمائید، تا بتوانم برای مادرتان عزاداری کنم. شوری در دلم پیدا شد، دیگر حال خودم را نمی فهمیدم، اشک می ریختم و از سوز دل به سر و صورت می زدم، آن طور که حتی برای عزای نزدیکانم، عزاداری نمی کردم، یا فاطمه، یا فاطمه می گفتم و نفهمیدم مجلس چقدر طول کشید ... مجلس تمام شده بود، ولی من نمی توانستم جلوی گریه خودم را بگیرم، بله! من هم به واقع عزادار حضرت فاطمه زهراء علیها السلام شده بودم. بعد از مجلس، یکسره به طرف حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام رفتم. پس از زیارت، شروع کردم زیر لب، برای حضرت

رضا علیه السلام روضه حضرت فاطمه علیها السلام را خواندم، احساس می کردم آقا هم با من گریه می کنند...، به طرف خانه به راه افتادم، احساس سبکی عجیبی می کردم، در دلم طراوتی را احساس می کردم، که تا حال تجربه نکرده بودم، راستی آیا خدانند توبه من را به خاطر عزاداری بر حضرت زهرا علیها السلام پذیرفته بود؟ شب، قبل از خواب خیلی گریستم، و با اصرار از خدا خواستم، اگر توبه ام قبول شده است، امشب نشانه ای به من عنایت فرماید، تا دلم آرام گیرد.

نیمه شب با صدایی بسیار مهربان، از خواب بیدار شدم: محمدجان بیدار شو، وقت نماز است! از خواب بیدار شدم، ولی از جا بلند نشدم. مجدداً صدا از بیرون اطاق آمد که: وقت نماز است! صدا شبیه صدای مادرم بود، ولی با مهربانی صد چندان، و آنقدر نافذ که با تمام وجود از آن لذت بردم، پایین رفتم تا داخل حیاط وضو بگیرم، با تعجب دیدم، در اطاقهای آن طرف حیاط (جائی که پدر و مادرم آنجا بودند) همه خواب هستند، و حتی درب ورودی آن ساختمان قفل است، ناگهان به قلبم الهام شد این صدای حضرت زهرا علیها السلام بود، و همان نشانه ای است که می خواستی. حالم منقلب شد، وضو گرفته و به طرف اطاقم به راه افتادم، آرامش و وقار معنوی و بی سابقه ای بر من مستولی شد، آماده نماز شدم، اذان را شروع کردم، الله اکبر... تمام سلول های بدنم به همراه روحم جملات اذان و اقامه را بیان می کردند، وقتی وارد در نماز شدم، حال عجیبی داشتم، روحم وسعت یافته بود، و با تمام وجود احساس می کردم، در آغوش پروردگارم قرار گرفته ام، و کدورت ها و فاصله های چندین ساله، از بین رفته است. ذائقه معنوی ام باز شده بود و همزمان با قرائت حمد، مزه شیرین و خوشایندی تمام فضای دهانم را پر نمود.

آری، بعد از سه روز از شروع توبه نصوح، به شفاعت مادرم حضرت زهراء علیها السلام و به خاطر عزاداری خالصانه بر آن حضرت، توبه ام به محضر پروردگار، علیرغم سنگینی گناهان و آلودگی های فراوان روحی، پذیرفته شده، و کبوتر روحم، پای مجروحش از زنجیرهای غفلت و گناه باز، و آماده پرواز به سوی معنویات گردیده بود. (1)

36 - دختر آلمانی و پدر او: ای فاطمه پهلوشکسته!

حضرت زهرا علیها السلام: من فاطمه پهلوشکسته ام

روزی مرجع عالیقدر شیعه، آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد هادی میلانی قدس سره نشسته بودند که مرد وزنی با چند فرزند، بر ایشان وارد شدند، و گفتند: ما از کشور آلمان آمده ایم، و می خواهیم مسلمان شویم.

جریان از این قرار است که، این خانواده در کشور آلمان زندگی می کردند، دخترشان پهلوشکسته، و پزشکان از درمان او عاجز شدند، و بالأخره گفتند که باید پهلوی این دختر را عمل کرد، ولی خطرناک است. دختر آلمانی حاضر نشد زیر تیغ عمل جراحی برود، و گفت حاضرم بمیرم ولی زیر تیغ عمل جراحی نروم. دخترک پهلوشکسته را به خانه آوردند، آنها در خانه یک خدمتکار ایرانی داشتند به نام (بی بی)، یک روز این دخترک پهلوشکسته، با بی بی درد دل می کرد و می گفت که: حاضرم بیست میلیون بدهم، ولی پهلویم معالجه شود، ولی فکر نمی کنم دکتری بتواند مرا معالجه کند و من ناکام از دنیا می روم. بعد از این حرفها گریه و ناله اش شروع شد. بی بی خدمتکار ناراحت شد و به دخترک با مهربانی گفت: من یک دکتر سراغ دارم، دخترک گفت: من

ص: 169

این بیست میلیون را به او می‌دهم، بی بی خدمتکار گفت: پول مال خودت باشد و این را بدان که من سیده هستم، و جدّه من فاطمه زهرا علیها السلام است، که او هم پهلویش شکسته بود، اگر می‌خواهی پهلویت خوب شود، با چشم گریان بگو:

ای فاطمه پهلوشکسته!، دخترک با دلی سوزان، ولی امیدوار، و با آشک چشم، هی صدا می‌زد ای فاطمه پهلوشکسته و همین طور تکرار و التماس می‌نمود و آشک می‌ریخت، از این صحنه، دل بی بی خدمتکار هم شکست، و می‌گفت: ای فاطمه زهراء علیها السلام من یک بیمار آلمانی آورده‌ام در خانه‌ات، پدر دخترک هم از صدای ناله این دو شروع کرد به فریاد زدن، و می‌گفت: ای فاطمه پهلوشکسته هر سه نفر با دل پر از درد، ولی امیدوار، فاطمه زهراء علیها السلام را صدا می‌زدند. ناگهان خانمی مهربان، و عزیز و بزرگوار آمدند، و بر پهلوی دختر کوچک دستی کشیدند و فرمودند: خوب می‌شوی، و همان جا دخترک به دست بانوی دو عالم شفا یافت. دختر آلمانی گفت: شما کیستید؟ آن خانم فرمود که: من فاطمه پهلوشکسته هستم و بعد تشریف بردند. (1)

37 - جلسه حدیث کساء و شفای جوان مسیحی در واشنگتن

در واشنگتن، در ایالات متحده آمریکا، از طرف مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره حسینیّه ای تأسیس شده، به نام (الرسول الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم) که در دهه فاطمیّه، مراسم عزاداری برای حضرت زهراى مرضیه علیها السلام برگزار می‌گردد، و شبهای جمعه نیز، مراسم دعا و توسّل، و قرائت حدیث شریف کساء، برقرار می‌باشد.

یکی از روحانیون بزرگوار، که از طرف بیت آیه الله العظمی شیرازی، در آن

ص: 170

حسینیّه و مرکز بزرگ دینی، انجام وظیفه می کند، نقل می نماید:

روزی در یکی از خیابانهای واشنگتن، پشت چراغ خطر، منتظر آزاد شدن راه بودم، که دیدم یک خانم بی حجاب، به طرف اتومبیل من آمد، و در حال گریه شدید گفت: حاج آقا شما ایرانی هستید؟ گفتم: بله، گفت: التماس دعا دارم، من یک جوان 19 ساله دارم، که سرطان خون دارد، و در بیمارستان بستری است، و حالش بسیار بد است، گفتم شما شب جمعه بیائید در مجلس حدیث کساء، در حسینیّه.

شب جمعه آن زن آمد، و دعا کرد و از قندهائی که برای تبرک در جلسه حدیث کساء به حاضرین داده می شود، به او هم دادیم، و قدری آش نذری (شله زرد) نیز به او داده شد، و گفتیم قدری به جوان سرطانی بدهید، گفت: او نمی تواند چیزی بخورد، گفتم اگر یک ذره هم هست در دهان او بگذارید.

دو روز بعد، دیدیم که آن خانم، گریه کنان به حسینیّه آمد، و خیال کردیم جوانش فوت شده است، و خواستیم به او تسلیت بگوئیم، ولی او گفت: حاج آقا، وقتی مقدار کمی از (شله زرد) را در دهانش گذاشتیم، فوراً چشم باز کرد و حالش خوب شد، و پزشکان، برای بررسی حال او جلسه مشورتی گرفتند و اظهار داشتند که او شفا یافته حضرت مسیح علیه السلام است، ولی من گفتم: او شفا یافته امام حسین علیه السلام است.

در نوبت های بعد که آن زن به حسینیّه آمد، با حجاب اسلامی بود، و روسری بر سر کرده بود و شخصاً جریان زندگی و شفای فرزندش را برای حاضرین تعریف کرد. او گفت: مردم! من زنی مسیحی هستم، و بیست سال قبل، در ایران من حامله بودم و شوهرم را از دست دادم و سپس به آمریکا

آمد، و در ایران فعالیت های تبلیغی یکی از علماء بزرگ نتوانست مرا مسلمان کند، ولی امروز به برکت امام حسین علیه السلام و حسینیه، و به سبب حدیث کساء، مسلمان می شوم، و حدیث کسای حضرت زهراء علیها السلام مرا به سوی اسلام هدایت کرد.

38 - جاذبه معنوی و نور حضرت زهراء علیها السلام او را به سوی اسلام کشید

در بسیاری از کشورهای خارجی (در اروپا، آمریکا و کانادا، استرالیا، آفریقا، و قاره بزرگ آسیا) مساجد و حسینیه ها، و مراکز دینی و علمی زیادی به نام مقدس فاطمه زهراء علیها السلام تأسیس گشته، که محل فعالیت های تبلیغی و اجتماعی پیروان مکتب مقدس اهل البیت علیهم السلام می باشد، و هرکدام از آنها جایگاه تابش انوار آن حضرت، بر دلها و جانها می باشد.

یکی از فرزندان مرحوم استاد حبیب الله فضائلی (خطاط نامدار ایران و اسلام و مکتب تشیع (1)) نقل فرموده بودند:

در کشور کانادا، مسجدی به نام حضرت زهراء علیها السلام ساخته شده است، که موجب هدایت عده ای از غیر مسلمانها به سوی مکتب تشیع و اهل البیت علیهم السلام گردیده است. دختری به سوی اسلام و تشیع رو می آورد، و در هنگامی که از او سؤال می کنند: چه چیزی باعث مسلمان شدن شما گردید؟ در

ص: 172

1- استاد حبیب الله فضائلی، خطاط نامدار و بزرگی بودند که، فضائل و ارزشهای والائی را در خود داشتند، ایشان شاعر و نویسنده، و صاحب تألیفات بودند، و از نظر اخلاقی، فردی متواضع، با ادب و متین و علاقمند به خاندان رسالت علیهم السلام بشمار می رفتند در عمر پربرکتشان بیشترین اثر را، در نوشتن قرآن و احادیث اهل البیت علیهم السلام، و کتیبه های حرما و ضریحهای ائمه معصومین علیهم السلام و امامزاده های عظیم الشان، و مساجد و حسینیه ها و کتابخانه های مذهبی از خود به جای گذاشتند، و نام و یاد خویش را جاوید ساختند.

جواب می گوید: هر روز برای رفتن به محل کارم سوار بر وسیله نقلیه ای عمومی می شدم، وقتی آن وسیله نقلیه در ایستگاه مقابل مسجد الزهرا علیها السلام توقف می کرد، یک حالت عجیبی به من دست می داد، تا این که یک روز تصمیم گرفتم پیاده شوم و تحقیق کنم، پس از آن متوجه شدم که این ساختمان، مسجد است و متعلق به مسلمانان، و محلّ عبادت آنها می باشد، و به نام حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نامیده می شود. سؤال کردم فاطمه زهراء علیها السلام کیستند؟ گفتند دختر پیامبر اسلام، حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، لذا من علاقمند شدم که راجع به آن حضرت تحقیق کنم، و همین مطلب موجب مسلمان شدن من گردید و شیعه دوازده امامی شدم.

39 - و این است، عاقبت کسی که روضه حضرت زهرا علیها السلام را نخواند و

از ... دفاع کند

در ماه جمادی الاولی 1408 قمری، و نیز جمادی الاولی 1409، یکی از فضلاء و مدرّسین متدین، و مخلص و دلباخته اهل البیت علیهم السلام بالأخص حضرت زهرا علیها السلام در دو رؤیای عجیب و شگفت انگیز، حقایقی را ملاحظه می کند که، نه تنها با روایات و عقائد شیعه منطبق است، بلکه هماهنگی دورویا در دو سال، و جریاناتی که در سالهای بعد اتفاق افتاد، نشانه های صدق رؤیا و هشدار بسیار جدی برای همه طلاب و عهده داران مسئولیت های دینی و روحانی می باشد، و اینک شرح ماجرا:

در ماه جمادی الاولی 1408 قمری، همزمان با ایام فاطمیّه اول، صبحها در منزل یکی از اساتید حوزه علمیه، جلسه عزاداری برپا بود، و من شرکت می کردم، در شب پنجشنبه ای در عالم خواب دیدم، یکی از مراجع بزرگ که

دارای موقعیت رسمی نیز بودند، با ابهت زیادی وارد مدرسه علمیّه ... شدند، و یکی از اساتید مدرسه به استقبال ایشان رفتند، و استاد بزرگوار دیگری در حالی که می گریستند مسائل مربوط به اصفهان و حوزه علمیّه، و درد دل‌های خود را می گفتند، آن مرجع بزرگوار عصبانی شده بودند و گوشی تلفن را برداشتند، و به آن کسی که سردمدار بسیاری از مسائل نگران کننده بود، خطاب می کردند (بدون اَلقَاب و اَلفَظ احترام آمیز) ناگهان متوجه شدم که مرحوم آیه الله خادمی قدس سره (1) با حالت خوشحالی تشریف می آورند، و من نیز با دیدن ایشان خوشحال شدم، و رفتم زیر بغلهای ایشان را گرفتم، و به این بهانه وارد مجلس شدم و همه اساتید و طلاب، به احترام ایشان برخاستند، ولی ناگهان دیدم ... در حال احتضار می باشد (بدون لباس روحانیت) و آیه الله خادمی تشریف آوردند و در کنار او نشستند، و با انجام برنامه هائی شادمانی می کردند، و به طلاب حاضر نیز دستور دادند که آنها هم همراهی کنند و شادمانی نمایند، و یک نفر به همان شخصی که در حال احتضار بود و لباس روحانیت نداشت و جوراب زنانه پوشیده بود گفت: این است عاقبت کسی که روضه حضرت زهراء علیها السلام را نخواند و از ... لعنت الله علیه طرفداری کند.

دقیقاً پس از یک سال (در ایّام فاطمیّه 1409) در شب پنجشنبه ای مجدداً در عالم خواب دیدم که، برای تبلیغ دین عازم یکی از کشورهای خارج ایران

ص: 174

1- مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی، از برجسته ترین علماء حوزه علمیّه اصفهان، و رئیس حوزه علمیّه بودند، و در برابر افکار و اندیشه های انحرافی، و خطوط التقاطی و ضدّ ولایت اهل البیت علیهم السلام نقش بسزائی داشتند، و شخصیت و بیت ایشان، پناهگاهی برای مردم با ایمان و طرفداران ارزشهای اصیل مکتب تشیّع به حساب می آمد.

هستیم، و به دنبال انقلابی که در آنجا رخ داد، امکانات سفر فراهم گشت، و پس از ورود به آن کشور وارد سالنی شدیم، ناگهان متوجه شدیم که صدای در خانه بلند شد و ... (همان شخصی که در رؤیای سال قبل به صورت محتضر افتاده بود) بدون لباس روحانیت همراه شخص دیگری وارد شدند، و عدّه زیادی از طلبه ها که از مدرسه ای بودند که با آن شخص دارای هماهنگی فکری و روحی بودند، و عموماً لباسی نامناسب با لباس روحانیت بر تن داشتند، وارد گردیدند، و آن شخص مجدداً در جلو سالن مثل محتضر خوابیده بود، و عبائی بر روی آن کشیده شده بود، و یکی از اساتید حوزه علمیه (که دارای علاقه و اعتقاد زیادی نسبت به اهل البیت علیهم السلام و حضرت زهراء علیها السلام هستند) وارد شدند، و خوشحال بودند و به طلبه های آن مدرسه نیز دستور دادند شادی کنید.

نکته های مهمی در این دو رؤیا وجود دارد، از نظر زمان و فاصله دور رؤیا و اتفاقاتی که در عالم رؤیا رخ داده، و این که آن شخص، در اثر هم سوئی و حمایت از منحرفین از مکتب اهل البیت علیهم السلام گرفتار مشکلات فراوان گردید، و خیر و برکت از عمر و زندگی خود ندید. !!

40 - بگو یا زهرا و بیا بالا

در شروع نهضت فاطمیّه، در سال 1411 قمری، یکی از دبیرهای آموزش و پرورش اصفهان (که مردی متدین، و از شعرای اهل البیت علیهم السلام می باشد و اشعار فراوانی در مدح و مرثیه خاندان رسالت، بالأخص حضرت زهراء علیها السلام و ابي عبد الله الحسين علیها السلام سروده، و مورد استفاده مدّاحان و مرثیه خوانها می باشد) یکی از روزها، از راه بسیار دور به منزل این کمترین، که مجلس سوگ و عزای فاطمه زهراء علیها السلام برقرار بود آمد، و در حالتی منقلب جریان

تشرّف خودش را، که همراه با نشانه های صدق و حقیقت بود بیان نمود:

دیشب در عالم خواب دیدم که، اعلام شد حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه تشریف آورده اند، و با اشاره به یک سوئی، گفته شد که آقا آنجا تشریف دارند، وقتی نظر کردم دیدم موانع زیادی بین من و محل ایستادن آقا وجود دارد، از قبیل: آتش و گودال و آب زیاد. من همه موانع را پشت سر گذاشتم و خودم را به آب زدم و به طرف جایگاه آن حضرت رفتم، ناگاه دیدم حضرت در خشکی و در پایان آبها ایستاده اند و فرمودند:

دستت را به من بده، و بگو یا زهراء، و بیا بالا

وقتی یا زهرا گفتم، حضرت دستم را گرفتند و از آب بیرون کشیدند، که ناگاه دیدم، همه مردم نیز یا زهرا گویان، به جانب حضرت به راه افتادند.

41- هرگاه به یاد آن دیدار و آن خیمه می افتم قلبم می خواهد از هم بپاشد

یکی از روحانیون فعال (که از طلاب حوزه علمیه می باشد، و در منطقه و محلّ خود، در برنامه های فاطمیّه، مخلصانه فعالیت گسترده ای دارد) می نویسد: به دنبال جلسه عزاداری و سوگواری بر فاطمه زهراء علیها السلام در مسجد روستای محل زندگیمان، در ایّام فاطمیّه، در سال 1372 شمسی (1414 قمری) بعد از پایان یافتن مراسم روضه و عزا، با خدای خود و حضرت زهرا علیها السلام مناجات و زمزمه ای داشتم، که اگر این عزاداری مورد قبول قرار گرفته، و حضرت زهرا علیها السلام آن را پسندیده اند، اثری و نشانه ای ظاهر شود، آنگاه ده مرتبه صلوات مخصوص فاطمه زهراء علیها السلام یعنی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

را خواندم و خوابیدم، همان شب در عالم رویا دیدم که، در همان مسجد محل که مراسم عزاداری بر پا بود وارد شدم، و مسجد بسیار پاکیزه بود و کسی در آنجا نبود، ولی در محلی که وسائل چای و پذیرائی نهاده می شد، خیمه سفید و کوچکی نصب شده است، فقط دو نفر از علماء و سادات بزرگوار را دیدم که یکی در درگاه خیمه نشسته، و دیگری در حال رفت و آمد است، و دیدم در محل گودی، تابلوها و پوستهای حضرت فاطمه علیها السلام که در کوچه و بازار و خیابانها و منزلها در عالم بیداری نصب می شود، به وسیله آن عالمی که آنها را تهیه و چاپ و منتشر می نماید، به سرعت از آن محل گود، در آورده و پخش می شود، و من خواستم وارد آن خیمه شوم، آن دو بزرگوار (که هر دو را می شناسم) مرا منع نمودند، و فرمودند: شما نامحرم هستی و من متوجه شدم که چه کسی (یعنی حضرت زهرا علیها السلام) در خیمه هستند، و دیدم نور مایل به سبزی از صورت آن دو بزرگوار ظاهر بود.

در سال 1373 (1415 قمری) در شب آخر مجلس روضه و عزاداری، در همان مسجد و همان محل، پس از پایان مجلس، در عالم رؤیا، مشابه خواب سال گذشته را دیدم، لکن من خودم چای می آوردم و به یکی از آن دو بزرگوار می دادم، و ایشان به نفر دوم تحویل می دادند، و نفر دوم به داخل خیمه می بردند، و به من اجازه ورود ندادند، و فقط آن دو بزرگوار به داخل خیمه می رفتند.

در سال 1374 (1416 قمری) در شب آخر مجلس، عیناً همان خواب دو

سال قبل را دیدم، فقط مطلب جدیدی که دیدم این بود که، بالای درب مسجد محلّ عزاداری، تابلویی نصب شده با این عبارت: دار التّبیغ فاطمة الزّهراء علیها السلام و در دو طرف این تابلو، در هر طرف، نام یکی از آن دو بزرگوار که در هر سه رؤیا مسئول خیمه حضرت زهرا علیها السلام بودند، نوشته شده بود، و من به فکر فرو رفته بودم که این دو بزرگوار چه نقش مهمی دارند، که نامشان در دو طرف تابلو نقش بسته است؟ وقتی وارد مسجد شدم، دیدم در تمام مسجد، پوستره‌های چاپ شده نصب شده است، و هم چنین تابلوهائی که با پارچه های جیر اعلاء، به وسیله کارخانه گلبافت تهیه شده، آنها هم در اطراف مسجد قرار داده شده بود.

در این نوبت رؤیا، در نزد خودم فکر کردم که سینی چای را شخصاً به داخل خیمه می برم، تا از داخل خیمه مطلع شوم، و این بار آن دو بزرگوار منع جدی نکردند، بلکه یکی از آنها تبسمی هم نمودند، و وقتی وارد خیمه شدم و به آرزویم رسیدم، صحنه ای دیدم که هرگاه به یاد آن دیدار و آن خیمه می افتم، قلبم می خواهد پاره شود، و هیچ گاه در تمام عمر چنین حالت معنوی و روحی برایم حاصل نشده است. دیدم تشکی پهن است، و دو بالش گذاشته شده و بی بی دو عالم فاطمه زهرا علیها السلام بر آن تکیه زده اند، و صورت حضرت را دیدم و بدنم به لرزه افتاد، و عرق از من می ریخت، و قلبم می تپید، و از صدای گریه و ناله ام، اطرافیانم مرا بیدار کردند.

به فکر فرو رفتم که چرا در دو سال گذشته، هرچه کردم مرا به خیمه حضرت زهراء علیها السلام و به ملاقات حضرت راه ندادند، و در سال سوّم اجازه ورود و ملاقات دادند؟ با یکی از علماء بزرگ قم در میان گذاشتم، ایشان فرمودند: در دو سال قبل به حضرت زهراء علیها السلام نامحرم بوده ای، و در سال سوّم به علّت

ازدواج با یک علویّه از سادات صحیح النسب طباطبائی، با آن حضرت محرم شده ای، و عنوان دامادی آن حضرت را یافته ای.

در این رؤیاهای پی در پی در سه سال، آنهم در شب آخر مجلس، پس از انجام خدمتگزاری خالصانه به آستان مقدّس حضرت زهراء علیها السلام (با یک محتوی و با خصوصیات کاملاً مشابه) و تکامل یافتن مراسم، با نصب تابلوی دار التّبلیغ فاطمه زهراء علیها السلام و نیز تزئین تمام مسجد با انواع پرچمها و پوسترها و اجازه دیدار یافتن شخص بیننده خواب (پس از انجام خدمات و کوشش صادقانه در برگزاری مجلس عزاداری فاطمه زهراء علیها السلام و تشویق عموم مردم به احیای فاطمیّه علیها السلام) نکته های لطیف و بشارت های جالبی است که، طالبان فیض را به سوی منبع نور و برکت، به حرکت می آورد.

42 - اینها را به عنوان برات، به کسانی بدهید که در این مجلس

شرکت می کنند

یکی از فضلاء عالیقدر، که در درس خواندن و تدریس و تألیف کتاب، به موفقیت هایی دست یافته، و از نظر تقوی و معنویت، دارای مقامی بس بلند می باشد، در سال 1411 قمری (اولین سال شروع نهضت فاطمیّه) در ایّام شهادت صدیقۀ کبری، فاطمه زهراء علیها السلام در شب نیمه ماه جمادی الاولی، در عالم رؤیا می بیند که، دو بانوی با عظمت زیر بغلها و دو بانوی بانوی مقدّسه ای را گرفته، و به منزل یکی از علماء و سادات، که در همان ایّام، مجلس عزاداری عجیب و پرفیضی برگزار بوده، تشریف آوردند. از نشانه های روشنی مشخص گردیده بود که، آن بانوی مقدّسه، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام هستند، و صدائی بلند شده، و آن دو بانویی را که زیر بغل حضرت زهراء علیها السلام را گرفته بودند معرفی

ص: 179

کرده بود، آن بانویی که در طرف راست حضرت فاطمه علیها السلام بودند، حضرت زینب کبری علیها السلام و آنکه در طرف چپ بودند، حضرت اُمّ کلثوم علیها السلام بودند.

حضرت فاطمه زهراء علیها السلام پاکت بزرگی که در آن ورقه های زیادی بوده، به صاحب مجلس عزاداری دادند و فرمودند:

اینها را به کسانی بدهید که، در این مجلس شرکت می کنند.

این رؤیا دو مرتبه تکرار می شود، و در مرتبه دّوم، صاحب منزل و مجلس در عالم رؤیا و در محضر حضرت زهراء علیها السلام حالت بکاء و گریه شدیدی داشته است.

بیننده خواب، امیدواریش به مجلس یاد شده افزایش می یابد، و به قصد توسّل، برای حلّ مشکل تهیّه کتابهایی که برای کارهای علمی و درسی لازم داشته، در مجلس یاد شده شرکت می کند، و عصر همان روز، شخصی به حجه او می آید، و با اصرار زیاد مبلغ پولی را به او می دهد و می رود، وقتی پولها را می شمارد، دقیقاً و بدون کم و زیاد، همان مبلغی بوده که مورد نظر و تیت او بوده است، و بدین وسیله، به شکلی معجزه آسا، عنایت ویژه حضرت زهراء علیها السلام نه تنها مشکل او را بر طرف می کند، بلکه با توجه به عنایت آن حضرت، در حالتی از شوق و شمع، و احساسی معنوی قرار می گیرد، و صدق رؤیای خود را در می یابد.

43 - چهره کبود شده ای نمایان گردید، و نظری به من نمود

در سال 1411 قمری، و شروع نهضت فراگیر فاطمیّه، یکی از دلباختگان فاطمه زهراء علیها السلام که با علم و دانش، و با زبان و قلم و کوشش های خود، خدمت زیادی به ارزشهای دینی و مکتب مقدّس اهل البیت علیهم السلام نموده است، جریان

جالبی را نوشت و در اختیار این کمترین خدمتگزار آستان مقدّس حضرت زهراء عليها السلام قرار داد، که فشرده آن را می خوانید:

در دهه فاطمیه امسال، جذبۀ خاصّی را در وجود خویش احساس می نمودم، لذا با عشق فراوانی در مجالس سوگواری حضرت صدیقۀ اطّهر عليها السلام، مخصوصاً مجلس روضه خوانی (که صبحها در منزل یکی از اُساتید بزرگوار و سادات محترم تشکیل می شود) شرکت می کردم و احساس می کردم، در آن مجلس، نورانیت عجیبی برایم حاصل می شود.

جمعه شبی بود، و سخت در غم و اندوه فرو رفته بودم، و مشکل عظیمی اتفاق افتاده بود، و مرا در زیر فشار خود به سختی گرفتار کرده بود، و من با خودم حدیث نفس می کردم و می گفتم: آیا می شود حضرت زهراء عليها السلام به این گدای ناقابل نظر لطفی مبذول فرمایند؟ بالأخره در حال گریه شدید، و در حالی پریشان و مضطر، حدود دو ساعت در عالم رؤیا خوابی طولانی دیدم و در هنگامی که بیدار شدم گریه می کردم، و خلاصه آن خواب این است:

جمعیت فوق العاده ای مشغول تشییع جنازه بودند، و از نشانه ها معلوم بود که جنازه مطّهر حضرت زهراء عليها السلام است، و جنازه را به سوی مکانی بردند که شبیه خانه های قدیمی بود، و این گدای ناقابل نیز که در میان جمعیت بودم با خود می گفتم: آیا حضرت زهراء عليها السلام توجّهی به ما دارند یا نه؟ به صورت اعجاز، دری از آن خانه باز شد و من داخل خانه شدم، و جنازه حضرت از روی دستهای جمعیت، در آن خانه قرار داده شد، و در آن حال پارچه سفیدی که بر روی تابوت بود به اندازه صورت عقب رفت، و چهره کبود آن حضرت نمایان

گردید(1) و نگاهی به من نمودند، و دو مرتبه پارچه روی صورت را گرفت و در این موقع، زبانم قدرت تکلم نداشت، و وحشت زده شده بودم، از وضعیت صورت حضرت، و نگاه عمیق ایشان ..

پس از آن تشرف و آن نگاه لطف، تمام آن غم و آندوه ها برطرف شد، و آن مشکلاتی که مرا در هم می شکست برطرف گردید.

این نویسنده کمترین، در تاریخ هفتم محرم الحرام 1423 قمری، با صاحب داستان، ملاقات داشتم، و ایشان ضمن تأیید قضایای گذشته، اظهار داشتند: هم اکنون که آن مشکلات را به یاد می آورم، و برطرف شدن آنها را مورد توجه قرار می دهم بر خود می لرزم، و برکات آن عنایت تاکنون در زندگیم ادامه داشته است.

گر نگاهی به ما کند زهرا دردها را دوا کند زهرا

44 - هدایا را به همه حضار بدهید

در سال 1417 قمری، در آستانه فرارسیدن ایام فاطمیّه، مطابق برنامه همه ساله با جمعی از دلسوختگان مصائب فاطمه زهراء علیها السلام که از حوزه علمیّه و بازار و تحصیل کرده های دانشگاهی و دیگر اقشار بودند، عازم مسافرتی تبلیغی، برای آگاه کردن و به حرکت در آوردن مردم برخی از استانها شدیم.(2) یکی از روحانیون علاقمند و دلسوخته حضرت زهراء علیها السلام که در سفر سال گذشته همراه کاروان تبلیغی بود و خدمات شایانی کرد و لذت معنوی فراوانی برد، به

ص:182

1- شخص یاد شده از ذراری حضرت زهرا علیها السلام نمی باشد، ولی همسرش علویّه است، و بدین وسیله بر حضرت زهرا علیها السلام محرم می باشد.

2- در بخش مسافرتها فاطمیّه گزارشی از این سفرها را عرضه نموده ایم.

دلایل شخصی و خانوادگی، موفق به همراهی در مسافرت سال 1417 نگردید، و بسیار نگران بود، و در همان زمان موفق به زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام گردید، و برای موفقیت برنامه های فاطمیّه علیها السلام و کاروان تبلیغی، بسیار دعا می کرد.

در شب جمعه ای که اعضاء کاروان تبلیغی در مسافرت بودند، در عالم رؤیا می بیند که، دوستان فاطمه زهراء علیها السلام از سفر تبلیغی برگشته اند، و در منزل این نویسنده کمترین اجتماعی دارند، و از طرف حضرت فاطمه زهراء علیها السلام صندوق هدایائی فرستاده شده، که از جای خوش آب و هوا و قابل احترامی (شاید بهشت) آمده بوده، و در آن صندوق، بسته های زیبایی قرار داشته، که بایستی به افراد کاروان داده شود، ولی در هنگام تقسیم هدایا پیام دیگری رسیده بود، که به همه حضار بدهید، و به آن روحانی علاقمند و دلباخته حضرت زهراء علیها السلام (که نیت همراهی و همکاری در برنامه های فاطمیّه را داشته، ولی به علت مشکلات شخصی موفق نگردیده بوده، و تنها با دعای خیر کاروان فاطمیّه را بدرقه می کرده) نیز هدیه فاطمی داده می شود.

در آن فضای ملکوتی و نورانی، همه خوشحال و شادمان بوده اند که، از طرف حضرت زهراء علیها السلام مورد عنایت قرار گرفته اند، و این کمترین هم خشنود بوده ام که اگر با دعوت دوستان به این سفرها، و برنامه های پر مشقّت، اسباب زحمت آنها را فراهم نموده ام، ولی با لطف و عنایت مخصوص حضرت صدیقه

طاهره علیها السلام خستگی کارها و سفرها جبران می شود، و همه به برکات و فیض های بزرگی نائل می شوند.

یکی از جوانهای دلبسته به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در سال 1375 شمسی چنین جریانی در عالم خواب برایش رخ می دهد.

روز قیامت فرا رسیده بود، چهار نفر دست و پای مرا گرفته بودند، و می خواستند در آتش بیندازند، من با چشمانی پر از اشک، روی به چهارده معصوم علیهم السلام می آوردم، و به آنها متوسل می شدم، و آنها را قسم می دادم که به من کمک کنند، و مرا از این آتش سوزان و عظیم نجات دهند، ولی هیچ کس جواب مرا نمی داد و هیچ کس به کمک من نمی آمد، در لحظات آخر که می خواستند مرا در آتش بیندازند (آتشی که شعله هایش کشیده و سوزان بود، و از آتش، صدای گریه و ناله بلند می شد) یک لحظه، با دلی سوخته و چشمانی پر از اشک، به حضرت فاطمه علیها السلام گفتم: یا فاطمة الزهراء علیها السلام، من و پدرم که اینقدر به پسران خدمت کردیم، منی که شب و روز در حسینیه او کمک می کردم، در عزاداری و روضه خوانی آن شرکت و کمک می کردم، و هر چه در توانم بود و می توانستم، برای حسینیت انجام می دادم، ولی حالا پسران به کمک من نمی آیند، تا مرا از این آتش و این همه عذاب نجات دهند. همین طور که داشتم اینها را می گفتم، و درد دل می کردم، و خود را سرزنش می نمودم، دیگر امیدم از همه جا و همه کس قطع شده بود، دیگر داشتم از حال می رفتم، در همین موقع (که آن چهار نفر دست و پای مرا گرفته بودند، و داشتند مرا تکان می دادند که در آتش بیندازند) دیدم کسی گوشه ای از پیراهن سفید بلندی که بر تن داشتم را گرفت، و با لحن زیبا و جالب گفت: ایشان بخشیده شد، از او پذیرایی کنید. من تا این سخن را شنیدم، به اطراف خود نگاه کردم، تا صاحب صدا را پیدا

کنم، ولی کسی را پیدا نکردم. آن چهار نفر مرا آهسته و آرام بر روی زمین گذاشتند، و در همین لحظه نگاهی به آتش کردم، دیدم که آتش کم کم خاموش شد، و زمین صاف و زیبایی به وجود آمد، ولی من فقط دنبال صاحب صدا می گشتم، در همین حال دوباره نگاهم به آنجائی که آتش عظیم می سوخت افتاد، درختهایی سبز شد با میوه هائی مختلف، و درختهایی عظیم و بلند و بسیار قشنگ روئید، و همین طور درختان و گلها از زمین می روئیدند. صدای بلبلان تمام فضا را گرفته بود، گلها بوی عطر می دادند، و آن آتش سوزان تبدیل به گلستان شد، و در همین هنگام دیدم مردی با قامتی کشیده و پیراهن سبز بلند، از چند قدمی من عبور می کرد، از او پرسیدم: ای برادر! آیا شما می دانید که چه کسی مرا از این آتش عظیم و سوزان نجات داد، آن مرد جوان گفت:

آری، حسین، پسر فاطمه

گفتم: می خواهم این حسین مهربان را ببینم، در جواب من گفت: تو لیاقت دیدن امام حسین علیه السلام را نداری، همین که صدای ایشان را شنیدی بس است، شکرش را بکن، بسیارند آنانکه صدای حسین عیه السلام هم به گوششان نمی رسد، در همین موقع از خواب پریدم، از تمام وجودم عرق جاری بود، بدنم از عرق خیس شده بود، سرم به قدری درد می کرد که نزدیک بود از حال بروم، حالماً اصلاً خوب نبود، به زحمت بلند شدم و آهسته و آرام، چند دور، دور مدرسه راه رفتم، تا کمی آرام گرفتم، و به حجره خود برگشتم، بسیار خسته بودم و می ترسیدم، افکار گوناگون تمام وجودم را گرفته بود، تا این که بعد از مدتی دوباره به خواب رفتم.

ص: 185

46 - شفای طفل سر بازِ فاطمه زهرا علیها السلام

یکی از طلاب حوزه علمیه، که سیدی علاقمند و دلبسته به اهل البیت علیهم السلام می باشد، و در ایام فاطمیّه خدمات ارزشمندی در ترویج برنامه های حضرت زهرا علیها السلام انجام داده و می دهد، فرزندی پیدا می کند، و در دو سالگی او متوجه می شوند که در قلب او سوراخی است، و دچار تشنج نیز می شود، و پس از مراجعه به چندین پزشک و تأیید مطلب، دست به دامان ائمه اطهار علیهم السلام بالأخص حضرت بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه می شود و عرضه می دارد: یا صاحب الزمان علیه السلام فرزند یکی از سربازان بی لیاقت شما مریض شده است، شما را به حق مادر تان حضرت زهرا علیها السلام قسم می دهم که، شفای فرزندم را از خدا بخواهید، و بعد از آن روزی فرزندش را نزد یکی از متخصصان قلب کودکان می برد، و پس از انجام اِکُو و آزمایشات لازم اعلام می دارد که، سوراخی که در قلب وجود داشته، و به اندازه ناخن دست بوده بسته شده، و عمده آن بر طرف گردیده است. و بدین وسیله، سرباز امام زمان علیه السلام و خدمتگزار آستان مقدس حضرت زهراى مرضیّه علیها السلام پاداش سربازی مخلصانه خود را می گیرد، و خود و همسر و خانواده شان شادمان می گردند.

47 - عطر افشانی در جلسه فاطمیّه علیها السلام

در روز شهادت صدیقۀ طاهره علیها السلام (سوم جمادی الثانی 1417 قمری) در مسجد نو بازار، مجلس عزاداری برای فاطمه زهراء علیها السلام تشکیل دادیم، که اکثر شرکت کنندگان در مجلس، از مدرّسین و فضلاء و طلاب، و بخشی هم از بازاریان و کسبه بودند، و مجلس باشکوه و پر فیض و عجیبی بود، که شور عزاداری بر همه حاضرین حاکمیت داشت، و پس از اتمام جلسه، از مسیر

بازار و قسمتی از خیابان عبد الرزاق، به سوی مزار شریف علامه مجلسی قدس سره (در جوار مسجد جامع) به صورت دسته‌عزاداری حرکت کردیم، و در طول راه، و در حرم مطهر علامه مجلسی، اشک جاری و سوز عزاداری، و متانت و نظم عزاداران، همه‌عابرین و سرنشینان اتوبوسها و سواریهای مسیر خیابان را تحت تأثیر قرار داده بود، و آنها هم هماهنگ با دسته‌عزاداری، نسبت به حضرت زهراء علیها السلام عرض ادبی می‌کردند، و جمعیت کثیری از مردم، به جمع عزاداران پیوستند.

در اول مجلس، در مسجد نو بازار (که شمار محدودی از عزاداران حاضر شده بودند و جلسه رسمیت نیافته بود) به یکی از طلاب سادات پیشنهاد کردم که با سخنانی کوتاه، عرض ادب و توسلی به حضرت زهراء علیها السلام داشته باشند، و ایشان قبول کردند.

ایشان در شام شهادت، در عالم رؤیا می‌بینند که، مجلسی برقرار است، و یکی از علماء سادات، که در جریان فاطمیّه خدمات فراوانی انجام داده‌اند، ظرفی از عطر در دستشان هست، و عطر افشانی می‌کنند، و مقداری از همان عطر را به گوینده یاد شده می‌دهند، و او غرق در نشاط و سرور می‌شود، و لذت فراوانی می‌برد، که برای او موجب شکر و سپاسگزاری بر توفیق در امر خدمتگزاری در امر فاطمیّه علیها السلام می‌گردد.

48 - پاداش هائی بزرگ، برای فداکاریهای با اخلاص

یکی از طلبه‌های پر سوز و شور و فداکار و با اعتقاد ولائی، که سالها است در برنامه‌های مرتبط با حضرت زهراء علیها السلام و مراسم بزرگداشت شهادت آن حضرت، با اعتقادی محکم، و جدّیتی کم نظیر فعالیت می‌کند، و تواضع و ادب

او در برابر خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، شایان توجه می باشد، نمونه هائی از عنایات حضرت زهراء علیها السلام و أهل البیت علیهم السلام را با اصرار شدید این نویسنده کمترین (بدون نام و عنوان) مرقوم داشته اند، که برای روشنی چشم دلباختگان حضرت زهراء علیها السلام تقدیم می نمایم:

شما بروی طلبگی، به نفعت می باشد

قبل از ورود در حوزه علمیه، و اشتغال به برنامه طلبگی، در دبیرستانی درس می خواندم، ولی در اثر وجود بعضی از مفاسد اخلاقی، و رفتارهای منافی با دستورات دینی، آن دبیرستان را ترک کردم، و به دنبال شغلی بودم، ولی پدرم دوستان زیادی داشت، که با کمک آنها می خواست تحصیل خود را ادامه بدهم، و در زمینه پزشکی در ارتش، یا مهندسی کشاورزی تحصیل کنم، ولی یکی از دوستان پدرم گفت: برای انتخاب مسیر کار و برنامه زندگیت، برو نزد آیه الله صدیقین (1) استخاره کن.

همراه با یکی از دوستانم، آدرس ایشان را پرسیدیم و رفتیم در زدیم، آقا خودشان تشریف آوردند، و فرمودند: بفرمائید، عرض کردم: استخاره می خواهم، در را بستند، و پس از یک دقیقه در را باز کردند و فرمودند: شما بروی طلبگی، به نفعت می باشد.

برای من تعجب زیادی پیدا شد، چونکه نه ایشان مرا می شناختند، و نه من موضوع استخاره را گفتم، و لذا تصمیم گرفتم که وارد حوزه علمیه شوم، و به مخالفت های بسیار زیاد و گسترده ای که می شد، اعتنا نکنم.

ص: 188

سال اول طلبگی با دوستانی آشنا شدم که در کارهای مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء عليها السلام فعالیت می کردند، و من هم در زمینه نصب پوسترها در سطح شهر، و در مغازه های خیابانها همکاری کردم.

شب پنجشنبه ای بود که فردای آن، امتحان یکی از درسهای اصلی من بود، و از قضا، برنامه نصب پرچم ها در سطح شهر (1) در آن شب انجام می گرفت، و من تصمیم گرفتم که در برنامه یاد شده شرکت کنم، و به همدرسی هایم گفتم: بیائید ما هم برویم برای نصب پرچم ها، آنها گفتند: این کارها که فردا در جلسه امتحان، برای ما جواب سؤال امتحانی نمی شود، من به آنها گفتم: اگر فردا در جلسه امتحان موفق نشوم، بعد از آیام فاطمیّه با موافقت استادان، مجدداً امتحان می دهم، ولی موفقیت خدمت به آستان مقدّس حضرت زهراء عليها السلام قابل جبران نیست و ممکن است تا سال دیگر هم زنده نباشم که در این برنامه شرکت کنم.

شب شد، و برنامه دعای توسّل و عزاداری، در مدرسه مرحوم آية الله خادمی قدس سره انجام شد، و حرکت کردیم برای نصب پرچمها در میدانهای شهر، برخی از خدمتگزاران برنامه فاطمیّه، به خاطر سرمای شدیدی که در آن زمان بود، و نصب پرچمها نیز در فضای باز و بالای تیرهای چراغ برق، و بر روی نردبانهای بلند بایستی انجام گیرد، به من پیشنهاد کردند که تو برگرد، با سنّ و سال کمی که داری ممکن است سرماخوردگی پیدا کنی و اذیت بشوی، ولی گفتم

ص: 189

1- نصب پرچمهای بزرگداشت شهادت حضرت زهراء عليها السلام در شب انجام می گرفت، و شرکت کنندگان در برنامه، پس از عزاداری پر شور و سوزی برای آن حضرت، از ساعت 10 شب تا اذان صبح پرچمها را نصب می کردند، در حالی که همه با وضو بودند.

من تصمیم خود را گرفته ام و می آیم، و تا هنگام اذان صبح، همکاری کردم و پس از خواندن نماز خوابیدم، و ساعت 9 صبح بیدار شدم، در حالی که با خستگی زیاد و سرمای شدید شب گذشته، آمادگی ظاهری برای شرکت در امتحان نداشتم، ولی به هر شکلی بود در جلسه امتحان حاضر شدم، و مشغول نوشتن پاسخ سؤالات شدم، ولی از شدت خستگی، در وسط امتحان به خواب رفتم و دوستانم مرا بیدار کردند.

احساس کردم، کار بر من مشکل شده است، متوسل به حضرت زهراء علیها السلام شدم و به آن حضرت استغاثه نمودم، ناگاه احساس کردم که وقتی به سؤالات نگاه می کنم، گویا جوابهای آنها در دفترم، در جلو چشمم می باشد، جواب همه سؤالات ها را نوشتم، و برگه را تحویل دادم، پس از این که نتیجه امتحانات اعلام شد، تنها کسی که نمره 19 آورده بود من بودم و بقیه به نتیجه دلخواه و مطلوب خودشان دست نیافتند.

مشکل سربازیم را حل کردند

چند سالی گذشت، و همسر و یک فرزند نصیبم شده بود، شبی با همسر و پدر او نشسته بودیم، گفتم: می خواهم سربازی خودم را بخرم (1) گفتند: با چه پولی؟ گفتم با امام حسین علیه السلام، با حضرت زهراء علیها السلام گفتند: اینها درست است، ولی پول نمی شود، گفتم بلی می شود.

به دوستانم، که در راه عزاداری با آنها همراه و هم نوا هستیم، گفتم چهارده شب، چهارده عدد زیارت عاشوراء، به عنوان نذر حضرت زهراء علیها السلام و حضرت

ص: 190

1- در آن زمان طبق بخشنامه ای، این برنامه انجام می شد و سپس لغو گردید.

زینب علیها السلام و حضرت نرجس خاتون علیها السلام بخوانیم، که مشکل سربازی مرا آنها برطرف کنند، و نخواهیم به کس دیگری التماس کنیم.

شب هفتم رسید که سه شنبه بود، در عالم رؤیا دیدم که در حیاط مدرسه علمیه ایستاده ام، و خیلی ناراحت بودم برای این قضیه، شخصی آمده و با دست سر شانه من زد و گفت: فلانی چه مشکلی داری؟ چرا این قدر ناراحتی؟ گفتم مشکل سربازی دارم، گفت می خواهی چه کار کنی؟ گفتم می خواهم بخرم، دست کرد توی جیبش و پنج عدد چک یکصد هزار تومانی به من داد و گفت: برو دنبال کار سربازیت، و بقیه اش را هم فراهم می کنیم.

وقتی از خواب بیدار شدم، به فال نیک گرفتم و امیدوار شدم، صبح پنجشنبه شد، از منزل بیرون رفتم، در خیابان حافظ با شخصی برخورد کردم که به من گفت: من نه اسم تو را می دانم و نه شماره تلفن و نه آدرسی از شما دارم که تماس بگیرم، و الان سه روز است که دنبال شما می گردم (1) بیا در دفتر من با تو کاری دارم، وقتی به دفتر کار او رفتم، گفت شما پول نمی خواهی؟ گفتم چه کسی از پول بدش می آید؟ چطور مگه؟ گفت نمی دانم برای حسینیه می خواهی یا برای خودت، یا برای کس دیگری، ولی همین را می دانم که (و به گریه در آمد و با اشک ریزان گفت) سه شنبه شب در خواب دیدم، که آقا امام حسین علیه السلام دست تو را گرفته بودند، و به من فرمودند: فلانی، فلان مبلغ را به ایشان بده، و در این

ص: 191

1- رؤیای طلبه یاد شده، سه شنبه بوده و زمان ملاقات با این شخص، پنجشنبه و روز سوم بوده است، و خود این شخص گفته: که سه روز است به دنبال تو می گردم، و معلوم می شود جریان خواب این طلبه و دستوری که به آن شخص داده شده، در یک زمان بوده است.

هنگام، چکی نوشت و به من داد و من در جیبم گذاشتم، و از او پرسیدم چگونه و در چه زمانی باید پس بدهم؟ با گریه گفت:

به من گفته اند که به تو بدهم، و دیگر ربطی به من ندارد، خودت می دانی و آقا امام حسین علیه السلام.

وقتی از دفتر او بیرون آمدم و چک را ملاحظه کردم، دیدم مبلغ آن پانصد هزار تومان است، و رنگ چک هم سبز بود، همانند چکهایی که در عالم خواب به من داده بودند، که آنها هم سبز رنگ بود، و رفتم دنبال برنامه، و سربازیم را خریدم و آخرین روزی که کار خرید سربازیم تمام شد، اعلان کردند که، بخشنامه لغو شده و دیگر خرید سربازی تعطیل گردید.

باید در خانه خودم عزاداری و سینه زنی داشته باشم

وقتی کار خرید سربازی تمام شد، رفتم نزد پدر همسرم و گفتم دیدید که چگونه با لطف بزرگواران، سربازیم را خریدم، و بدانید انشاء الله در ایام فاطمیّه در منزل خودم عزاداری و سینه زنی برپا می کنیم، همسرم گفت: منظورت چیست؟ گفتم همان بزرگوارانی که مشکل سربازیم را برطرف نمودند، مشکل مسکن مرا نیز حل می کنند، همسرم گفت: می دانی اگر بخواهی یک قطعه زمین کوچک هم بخری چقدر پول می خواهد؟ این مسئله با مشکل سربازی فرق بسیار دارد، برای سربازی هشتصد هزار تومان خرج کردی، ولی در این کار هزینه بسیار زیادی لازم است، گفتم برای آریاب من کاه و کوه فرق نمی کند، فقط می دانم که ایام شهادت فاطمه زهراء علیها السلام در خانه خودمان هستیم.

یک روز از مدرسه به منزل رفتم، دیدم همسرم قولنامه ای را به من نشان داد راجع به یک قطعه زمین، به مساحت 75 متر و نوشته شده است که مبلغ کلاً

پرداخت شده است، به ایشان گفتم: این زمین خانه، تا به بینم بقیّه امور چگونه می شود.

فقط سه ماه تا ایّام فاطمیّه وقت داشتیم، دوستان و عزیزانی که در زیر سایه اهل البیت علیهم السلام با آنها انس دارم، مردانه به کمک آمدند، و بدون این که حتّی یک ریال مزد کارگر و بنا بدهم، کارهای اصلی ساختمان انجام شد، و قابل استفاده گردید، و سائل زندگی هم جابجا شد، و به منزل جدید منتقل شدم، به همسرم گفتم چه شبی است؟ گفت چطور؟ گفتم چند روز به ایّام شهادت فاطمه زهراء علیها السلام داریم؟ گفت: سه روز، گفتم دیدی که بزرگانی که دم از آنها می زنم مرا به موقع به منزل خودمان وارد کردند.

به قصد تشرّف به کربلا در کاروان

عزاداری فاطمیّه شرکت می کنم

در سال 1381 (1423 قمری) در برنامه های بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام شرکت کردم، و خبردار شدم که شخصی در رؤیای جالبی، دیده بوده که روی یک دریای وسیعی، یک کشتی در حال حرکت است، و حاج آقا حجّت موحد ابطحی و همه کسانی که در کارهای فاطمیّه و نصب پوسترها و پرچمها همکاری می کنند، داخل کشتی هستند، و بر دیواره کشتی نوشته شده:

انّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النّجاة

این خبر مرا منقلب کرد و گفتم حتماً خبری هست، و در حین انجام برنامه های فاطمیّه متوسّل می شدم، و می گفتم: بی بی جان کربلا، و همین جمله ورد زبانم شده بود. کاروان عزاداری فاطمیّه از اصفهان حرکت کرد، و پس از ورود به قم و عزاداری پر شور و مهیج، در صحن مقدّس حضرت معصومه علیها السلام که تمام

زائران ایرانی (از همه شهرها) و خارجی (از بسیاری کشورها) را تحت تأثیر قرار داده بود. به بیت الزهراء علیها السلام قم، که به وسیله آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی مدظله تأسیس شده، و در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام مجلس عزاداری پرشور و برجسته ای در آن برگزار می شود، شرکت کردیم، و پس از پایان مراسم عزاداری و سینه زنی، در هنگامی که می خواستم استراحت کنم، سرم را نزدیک منبر گذاشتم و پایم را طرف دیگری قرار دادم، (که بی احترامی به منبری که محل ذکر حضرت زهرا علیها السلام است نباشد) و به خواب رفتم، در عالم رؤیا دیدم: بیت الزهراء علیها السلام خیلی روشن است، و منشاء و مبداء این روشنائی از روی منبر است، و من همین طوری که خوابیده بودم، صدای خانمی را از طرف منبر شنیدم که فرمودند: فلانی! کاروان کربلای حسینم در حال حرکت هستند، مگر تو دلت نمی خواست بروی کربلا؟ چرا خوابیده ای؟ بنده از جا بلند شدم، و دست بر سینه گذاشتم و گفتم: اَلسَّلَامُ عَلَیکَ یا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، و عرض کردم کیست که نخواهد به کربلا برود؟ و در این هنگام از خواب بیدار شدم، و قضیه خواب را برای دوستانم ذکر نکردم، فقط اعلان کردم که من

حاجتم را گرفتم.

روز ولادت حضرت زهراء علیها السلام برای رفتن کربلا نام نویسی کردم، و جریان از این قرار بود که شخصی آمد، و مبلغی آورد برایم و گفت: برو کربلا- و پس از آنکه بدهی منزلت را تمام کردی، ماهی بیست هزار تومان برای ادای این قرض به من بپرداز. این مطلب را در حالی می نویسم که چند روز دیگر در کربلا هستم، و به عشق آقایم امام حسین علیه السلام و عنایت حضرت زهرا علیها السلام خوابم نمی برد، و در پوست خود نمی گنجم. اگر بخواهم تمام عنایاتی که از طرف

حضرت زهرا علیها السلام و امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام به این حقیر شده است را بنویسم، شاید یک کتاب بشود، و به همین اندازه بسنده می کنم.

49 - دقیقاً آنچه نیاز داشتیم رسید

یکی از مدرّسین حوزه علمیه، که روحانی با تقوی و مؤدّب و دارای اخلاق شایسته می باشد، نقل نمودند که:

در سال 1367، جهت تهیه مسکن نیاز به مبلغی پول داشتم، که تحصیل آن برایم مقدور نبود، لذا عریضه ای به محضر مقدّس حضرت بقیه الله الأعظم علیه السلام نوشتم، و ایشان را به حقّ مادرشان حضرت زهراى مرضیه علیها السلام قسم دادم، سپس آن را در چاه آبی که در مدرسه الغدیر وجود داشت انداختم، پس از مدّتی، مقداری از آن پول فراهم گردید، و بخش دیگری از آن باقی ماند، ایّام ولادت حضرت زهراء علیها السلام رسید، و عصرها در مسجد آیه الله امامی (مسجدی که کتابخانه الزّهراء علیها السلام در آن واقع است و در درس مرحوم آیه الله، حاج سیّد احمد فقیه امامی قدّس سره شرکت می کردم، بعد از درس بدون این که من کوچکترین کلمه ای بگویم، و یا ایشان را در جریان امر قرار دهم، مرا صدا زدند و به شکلی که کسی متوجّه نشود، مبلغی را به من دادند، که ملاحظه کردم، دقیقاً همان مبلغ باقیمانده بود، و بدین وسیله در شب میلاد حضرت زهراء علیها السلام مشکل من به دست یکی از مدافعان بزرگ آن حضرت، در مسجدی که پایگاه علمی و دینی حضرت زهراء علیها السلام است، برطرف گردید.

و نکته جالب این که آن بزرگمرد، مرحوم آقای حبیب الله ایزدی (که از کارکنان با اخلاص و همیشگی کتابخانه الزّهراء علیها السلام بود) را صدا زدند و فرمودند: چند بسته کتاب عوالم العلوم (بخش مربوط به حضرت زهراء علیها السلام) بیاور و به هر

کدام از طلاب حاضر در جلسه درس، یک عدد از کتاب یاد شده را به عنوان عیدی میلاد حضرت زهرا علیها السلام دادند.

نگران نباشید ما او را شفا می دهیم

یکی از روحانیون با تقوی، و با ادب و خدمتگزار آستان مقدّس أهل البیت علیهم السلام نقل نمودند که:

در تابستان 1380 شمسی، غده هائی در گردن همسرم پیدا شد، و هر چه به پزشک مراجعه کردیم بهبودی حاصل نگردید، پس از معاینات و بررسی های طبی و آزمایشگاهی، سرطان بد خیم غدد لنفاوی تشخیص داده شد، و پزشک متخصص، انجام دادن مجدد بررسی های آزمایشگاهی را لازم دانست.

آن روزها مصادف بود با ایام شهادت حضرت زهراء علیها السلام، تمام فامیل و نزدیکان، متوسّل به آن حضرت شدند، و نذر و نیازی داشتند، تا این که پسر بزرگم شیخ محمد(1) به مزار شریف امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهم السلام واقع در اصفهانک می رود، و با حالت تصرّع شدیدی، شروع به خواندن دعای توسّل می نماید، وقتی به نام مقدّس امام هفتم علیه السلام می رسد، حالت خواب بر او غلبه پیدا می کند، و در عالم رؤیا می بیند که در خانه ما سفره بزرگی پهن شده، و میوه و شربت در سفره است، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام زمان، حضرت بقیّة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه و شماری از یاران و صحابه تشریف دارند، یکی از اصحاب و

ص: 196

1- من با آقای شیخ محمد کاملاً آشنا هستم، دارای حالات معنوی جالب و کم نظیری است، و عنایات زیادی به او شده است. حفظه الله تعالی

یاران، به آن بزرگواران شربت می داد، وقتی نوبت به حضرت زهراء عليها السلام می رسد، آن حضرت مقداری از شربت را می نوشند و به دست مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه می دهند و اشاره به همسر کرده و می فرمایند:

این شربت را به خدمتگزار ما بدهید، و بگوئید نماز فرزندم مهدی علیه السلام را فراموش نکنید، و سپس به بیننده خواب می فرمایند: نگران نباشید ما او را شفا می دهیم.

بعد از این رؤیای بشارت دهنده همه بستگان و نزدیکان، نماز امام زمان علیه السلام و نماز حضرت زهراء عليها السلام را انجام دادند، و پس از گذشت روزهایی، آزمایشات مجدد انجام گرفت و همسر را نزد پزشک متخصص بردیم، که اتفاقاً مصادف با روز میلاد مقدس حضرت زهرا عليها السلام بود، پزشک یاد شده با انجام بررسی های مجدد، و دیدن نتایج آزمایشات جدید، اظهار تعجب و خوشحالی کرد و گفت: همسر شما رو به بهبود است، و معجزه ای شده است.

جالب این است که تمامی این جریانات بین ایام شهادت حضرت زهراء عليها السلام و سالروز میلاد مقدس آن حضرت اتفاق افتاد، و در روز تولد حضرت زهراء عليها السلام، خانواده و بستگان ما عیدی بزرگی دریافت نمودند، و خبر شفای ایشان همه را خوشنود نمود، و هم اکنون که یک سال و چند ماه از این قضیه می گذرد، اثری از این بیماری در ایشان نیست، و در صحت و سلامتی کامل بسر می برند.

51- عزاداران فاطمه زهرا عليها السلام جلوی مواد مذاب آتشفشان را می گرفتند

از منطقه قهدریجان (از توابع اصفهان) (که در گذشته، مرکز پیدایش و فعالیت یک گروه خطرناک و منحرف و ضد ولایت اهل البیت علیهم السلام بود) همانند دیگر

مناطق، از فاطمه خبری نبود، و لذا در همان ایام، مراسم عقد و عروسی برگزار می گردید، تا این که در یک هزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا علیها السلام نهضت فاطمیّه شروع گردید، و در اثر اقدامات یکی از طلاب فعال حوزه علمیه (که از همان منطقه بود) هیئات مذهبی و عموم مردم به حرکت در آمدند، و در مساجد و مراکز هیئت ها، برنامه سوگواری و حرکت دستجات عزاداری آغاز گردید، و در هر شبی مردم همه مسجدها و هیئت ها، با پرچم و علامت به سوی مسجدی معین به راه می افتادند، و با همکاری همه دستجات، برنامه بسیار جالبی انجام می گرفت، و در اثر استقبال عمومی از یک طرف، و بشارتها و کرامت هائی که از طرف حضرت زهراء علیها السلام می رسید، از طرف دیگر، سبب شد که برنامه فاطمیّه نه تنها در قهدریجان، بلکه در بخشها و روستاهای اطراف آن نیز برگزار گشته و گسترش یابد، و ذیلاً به یکی از آن بشارتهای جالب اشاره می نمائیم.

یکی از اشخاص با ایمان و ارادتمند به حضرت فاطمه علیها السلام در همان شبهائی که برنامه عزاداری هیئت ها انجام می شده، در عالم رؤیا می بیند که، در اطراف شهر آتش فشانی شروع به فعالیت نموده، و مواد مذاب آن به طرف مردم می آید و همه وحشت زده فرار می کردند و فریاد می زدند، و آن مواد مذاب آنها را تعقیب می کرد، ناگاه می بینند آنهائی که برنامه فاطمیّه را شروع کرده اند، بین مردم و آتش های مذاب فاصله شدند و می گفتند:

غصّه نخورید، فقط بگوئید یا فاطمه

و آنقدر جلوی مواد مذاب را گرفتند، تا آنکه آن مواد سرد شد، و مردم بر روی آنها راه می رفتند.

و هم چنین در اثر کرامت ها و برآورده شدن حاجات و رؤیاهای تکان دهنده که هر انسان دیر باوری را قانع می ساخت، نهضت فاطمیّه در تمامی منطقه فراگیر شد، تا آنجا که در روز شهادت حضرت زهراء علیها السلام (سوم جمادی الثانیه) از قهدریجان، زازران، دشتچی، گلدشت، شرکت گاز و ... دستجات عزاداری به سوی امامزاده محل (که مرکز اجتماعات عزاداری در روزهای مهم مانند 21 رمضان و 28 صفر و ... می باشد) به راه می افتند، و تماشاگران را به اعجاب واداشته و می گویند: این همه هیئت کجا بوده است؟

52- چرا دوستان دست خالی از خانه شما بیرون رفتند

یکی از روحانیون حوزه علمیه که دارای صفای روحی خاصّی می باشد، چنین نقل کرد: شب جمعه، در شام تولّد حضرت صدیقۀ طاهره علیها السلام در سال 1415 قمری، سه ساعت بعد از نیمه شب، در عالم رؤیا دیدم، جلسه ای برپا می باشد، و امیر المؤمنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین و ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت ابا الفضل علیه السلام و عدّه زیادی از بزرگان (به علاوۀ عدّه ای از سادات) حاضر بودند و حضرت زهراء علیها السلام به من فرمودند:

به سپرم آقا حجت الله بگوئید (چون ایشان از دوستان فلانی ... هستند) به ایشان بگویند، چرا روز پنج شنبه دوستان من دست خالی از خانه شما بیرون رفتند، آنها به عشق من آمده بودند(1) عرض کردم می گویم، سپس دیدم خانم

ص: 199

1- روز پنج شنبه، سالروز تولّد حضرت زهرا علیها السلام بوده، و من شخصاً تحقیق کردم معلوم شد که عدّه ای از طلاب، به منزل یکی از علماء بزرگوار و طراز اوّل اصفهان (که از علم رؤیا نامشان ذکر شده بود) به عنوان تبریک میلاد حضرت زهرا علیه السلام رفته بودند، و یکی از آنها نیز به دست ایشان عمّامه می گذارد، ولی آن بزرگوار در اثر غفلت به آن طلبه هایی که برای تولّد حضرت زهرا علیها السلام آمده بودند عیدی نمی دهند، و پس از آنکه فهمیدم رؤیای یاد شده، صادق است، به آن بزرگوار جریان رؤیا و پیغام حضرت زهراء علیها السلام را عرض کردم، و گفتم استخاره کنید اگر مساعدت کرد، همه آنها را که در آن روز به دیدن شما آمده بودند، مورد لطف قرار دهید، و جبران کنید و در هنگامی که استخاره کردند این آیه آمد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» (عنکبوت/7) که جمله لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ اشاره لطیفی به تأثیر پیشنهاد یاد شده دارد.

دیگری وارد جلسه شدند، که شدیداً مورد توجه قرار گرفتند، سؤال کردم ایشان چه کسی هستند، گفتند: از شهر خودتان اصفهان هستند، مادر فلانی هستند، ایشان گفتند: به پسرم بگوئید حضرت زهراء علیها السلام خیلی از شما راضی هستند، و از اقدامات شما خشنود می باشند، و از طرف من چشمان پسرم را ببوسید، گفتم چرا؟ فرمودند: چون که این چشمها در شادی حضرت زهراء علیها السلام شاد، و در مصیبت آن حضرت گریان است... و گفتند به ایشان بگوئید، در جلساتی که هستید توسل به حضرت اباالفضل علیه السلام را زیاد کنید، چون مادرم حضرت زهراء علیها السلام علاقه زیادی به فرزندشان حضرت عباس علیه السلام دارند، و سپس رو کردند به من و فرمودند: روضه حضرت عباس علیه السلام را برای ما بخوان، من مشغول خواندن شدم و امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و خود حضرت اباالفضل علیه السلام همه گریه می کردند و پس از پایان جلسه دیدم که حضرت اباالفضل علیه السلام دو بال داشتند، و مثل فرشته ها پرواز می کردند، و از صدای روضه و گریه من در عالم خواب، همه خانواده ام بیدار شدند.

در سال 1411 قمری، روز جمعه 13 ربیع الثانی، به منظور بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا علیها السلام، جلسه ای در منزل این کمترین نویسنده، برگزار نمودیم، که عده ای از علماء دلسوخته اهل البیت السلام، همانند مرحوم پدرم، آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی، و مرحوم آیه الله، حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، و مرحوم آیه الله، حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره و عده دیگری از علماء و مدرّسین و طلاب و شعراء و مدّاحان و پزشکان و مهندسان و اساتید دانشگاه و أمناء خیریه ها، و هیئات مذهبی و دیگر اقشار مردم علاقمند به خاندان نبوت و رسالت علیهم السلام حضور داشتند، پیشنهاداتی راجع به بزرگداشت چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهراء علیها السلام از طریق سرودن اشعار، به کارگیری قلم ها و بیان ها، یاری رسانی به نیازمندان به نام حضرت زهراء علیها السلام به حرکت درآوردن دستجات عزاداری در سطحی وسیع، برگزاری مجالس و محافل سوگواری به اندازه چندین برابر سالهای قبل، اطعام های عمومی (همانند اطعامهای مراسم عاشوراء) و نصب پرچمها و پلاکاردها در تمام میدانهای شهر، و نصب پوسترها در تمام مغازه ها و ادارات و مدارس و اتوبوسهای داخل شهر و بین شهری و ... را به حاضرین در مجلس عرضه نمودم، که با توجه به عنایات غیبی، و بشاراتی که قبل از تشکیل جلسه رسیده بود، مورد استقبال غیر منتظره ای قرار گرفت، و در تمامی مدت برقراری جلسه (نزدیک به سه ساعت) اشک و سوز و حالت معنوی حاکم بر مجلس قطع نمی شد، و در هنگامی که شعراء حاضر در جلسه، سروده های خودشان را به سبک ساده (و نه به صورت مرثیه سرائی) می خواندند، قلبها به طپش می افتاد و

شانه‌ها می‌لرزید، و آشک‌ها سرازیر می‌شد، علماء و اساتید دانشگاه و پزشکان و شعراء و شخصیت‌های مردمی حاضر در مجلس، آن چنان منقلب شده بودند، که برای خودشان و دیگر حاضرین مجلس، شگفت‌انگیز بود، و کسی نبود که دست غیبی را در برگزاری و اداره جلسه، احساس نماید، و به همین جهت تمامی پیشنهادها، نه تنها لفظ مورد پذیرش قرار گرفت، بلکه در روزها و هفته‌های پس از مجلس یاد شده، همه آنها بسیار بیش از حد انتظار عملی گردید، و در زمینه هر کدام از مواد پیشنهادی (از نظر کمیت و کیفیت) اقدامات بی‌سابقه، شگفت‌انگیز، ماندگار، پر اثر، مهیج، حرکت‌آفرین، تحقق‌یافت، تا آنجائی که هیچ‌کس و هیچ‌گروهی نمی‌تواند آن همه موفقیت را به غیر از عنایت الهی و تصرف ولایتی صاحبان ولایت، و بالأخص حضرت زهراء علیها السلام و وارث خون مقدسشان، حضرت بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه نسبت دهد.

نقش و تأثیر سخنان آن روز مدافع حریم اهل البیت علیهم السلام و دلسوخته حضرت زهراء علیها السلام مرحوم آیه الله، حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره که در پایان آن مجلس نورانی ایراد کردند، و حمایت‌های بی‌دریغ و مستمر ایشان در طول اجرای برنامه‌های یاد شده، نشانه بزرگی از خلوص و دلبستگی و دلباختگی آن بزرگوار، نسبت به حضرت زهراء علیها السلام و وسیله بی‌ظنیری برای حفظ نام و یاد ایشان در دلها و در همیشه تاریخ زندگی دوستداران خاندان رسالت می‌باشد (1) که:

ص: 202

1- بعد از رحلت مرحوم آیه الله امامی قدس سره، در عالم رؤیا شخصی از ایشان پرسیده بود، که دلیل این همه موفقیت و عظمت برای شما چیست؟ و چگونه شده که تا این اندازه مقام معنوی و محبوبیت در دلها یافته‌اید؟ ایشان در جواب سؤال، پاسخ را به یادداشتی حواله نموده بودند، و پس از آنکه در بیداری به آن نوشته مراجعه می‌شود، ملاحظه می‌کنند که در آن نوشته است: گیرند اگر نوار قلبم روزی گوید ضربان قلب من یا زهراء و به این وسیله، رمز عظمت معنوی و محبوبیت خود را در عشق و علاقه شدید نسبت به حضرت زهراء علیها السلام معرفی فرمودند.

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

پس از گذشت سه روز از جلسه یاد شده، یکی از فضیله‌های عالیقدر آن زمان، که هم اکنون از محققین و مدرسین بزرگوار می باشد، و دارای حالات و روحیات ویژه معنوی است، به دیدن این کمترین آمد و گفت: در عالم رؤیا دیدم که دو نفر بانو (یکی بزرگتر و دیگری کوچکتر) زیر بغل بانوی بزرگوار را گرفته بودند، و احساس می شد که آن بانو مریضه هستند، در عالم رؤیا سؤالی به نظرم رسید که آن دو بانو کیستند؟ (زیرا بانوی اصلی را در رؤیای دیگری که عنایتی نصیب فرمودند، می شناختم که حضرت فاطمه زهراء علیها السلام هستند) صدائی شنیدم که آنها، حضرت زینب و حضرت ام کلثوم علیهما السلام هستند.

آن دو بانوی بزرگوار، حضرت زهراء علیها السلام را به منزل شما، و در اطاقی که برای خانمها معین شده بود آوردند، و پائین جلسه نشستند و فرمودند:

آمده ام تشکر کنم از فلانی، به خاطر طرح هائی که در نظر دارد، برای سالگرد مصیبت من

و شما در نهایت احترام نسبت به آن حضرت برخورد می کردید، و احساس می شد که منزل شما نورانیت خاصی پیدا کرده، و بوی خوشی استشمام

می گردید، و پس از آنکه در عالم رؤیا، حضرت زهراء علیها السلام تشریف بردند، شما گریه می کردید و می گفتید: بین هنوز کاری را که انجام نداده ایم، چقدر بزرگوارانه تشکر می کنند.

پس از آنکه بیننده خواب، جریان را تعریف کردند، از ایشان جو یا شدم، که آیا چه اطلاعی از برنامه های یاد شده دارند، در جواب معلوم شد که کوچکترین خبر و آگاهی ندارند، و پس از آنکه شرح جلسه روز جمعه، و بشارات و عنایات قبل و مقارن جلسه را بازگو کردم، ایشان بسیار تعجب کردند، و تصدیق نمودند که آن بزرگواران از دقیق ترین و پنهان ترین امور آگاهی دارند و عرض ادب ها و خدمتگزاری ها را مورد لطف قرار می دهند.

54 - کسی که گرد و غبار مجلس حسینم به چشم او می رود نباید نگران باشد

پس از آنکه مادر عزیز و فداکارمان، بانوی صالحه و عابده، حاجیه منصوره خانم فقیه احمد آبادی، بنت مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی فقیه احمد آبادی (صاحب کتاب مکیال المکارم) در ماه ربیع الاول 1407 قمری، دار دنیا را وداع نمودند، جنازه ایشان در جوار امامزاده جعفر و امامزاده مرتضی علیهم السلام دفن گردید، و پس از آن با تعمیرات اساسی و اقدامات مناسب، صحن و بقعه دو امامزاده یاد شده از حالت متروکه و مخروبه در آمد، و در ماه ذی الحجّه، به یاد آن بانوی صالحه، مجلس عزاداری و روضه خوانی در صحن مطهر آن دو امامزاده برقرار گردید.

یکی از طلاب متدین آن زمان (که هم اکنون از مدرّسین و محققین و دارای تألیف می باشد) همه روزه از ساعت 4 بعداز ظهر تا 9 شب، برای برگزاری

جلسه یاد شده، حداکثر همکاری را مبذول می داشت، و با خلوصی کامل و آرامشی عجیب، در خدمت به مجلس عزای یاد شده موفق بود.

مراسم یاد شده پایان یافت، و در جمع آوری وسائل مجلس عزاداری و رساندن آنها به صاحبانش، مخلصانه اقدام نمود، و هیچگونه توضیحی در مورد انگیزه درونی خود، برای این فعالیت گسترده بیان ننمود.

سالهائی گذشت، و در جریان برنامه بزرگداشت یکهزار و چهارصدهمین سال شهادت حضرت زهراء علیها السلام زمینه ای معنوی فراهم گردید، که ایشان موظف شد تا پرده از راز آن همکاری در مجلس عزای حسینی بردارد، بدین شرح:

من مشغول درس و بحث حوزه ای بودم، که عارضه ای در چشمم پیدا شد، و به پزشک متخصص مراجعه نمودم، و او پس از آزمایشات دقیق، اعلام کرد که چشم شما نیاز به یک عمل جراحی سنگین با هزینه زیاد دارد، و هیچ راه درمان به وسیله دارو وجود ندارد. من که یک طلبه مبتدی بودم، و تازه به شهر و حوزه علمیه وارد شده بودم، و از عمل جراحی می ترسیدم، و هزینه سنگین جراحی و بیمارستان را نیز نداشتم، شدیداً نگران و پریشان شدم، و در هنگامی که شما خبر دادید که چنین مجلس عزاداری، در امامزاده جعفر علیه السلام برگزار می کنید، و از طلاب حوزه علمیه، برای همکاری در جلسه یاد شده کمک خواستید، من نیت کردم که برای شفای چشمم، و به منظور این که نیازی به عمل جراحی پیدا نکنم، در تمامی برنامه های مجلس، کمک هائی را که از دستم بر می آید انجام دهم، و برای این که در قصد و نیت شائبه ای پیدا نشود، برای صرف شامی که برای خدمتگزاران جلسه، و خانواده و بیت شما فراهم می شد نمی ماندم، و هیچ توضیحی هم درباره قصد و نیت خود نمی دادم. هنگامی که مجلس یاد شده

پایان یافت، و فرشهای زیادی که در تمامی صحن امامزاده گسترده می شد جمع کردیم، و وسایل و پرچم های عزاداری را بسته بندی نمودیم، و به صاحبانش برگردانیدیم، و تا ساعتی قبل از ظهر (که تابستان هم بود) طول کشید، خسته شدم، و به حجره رفتم و خوابیدم، در عالم رؤیا حضرت زهراء علیها السلام را دیدم که فرمودند: چرا ناراحتی؟ عرض کردم چشمم ناراحتی دارد، و گفته اند جراحی لازم دارد، حضرت فرمودند:

کسی که گرد و غبار مجلس عزای حسینم به چشم او می رود

نباید نگران باشد، تو شفا گرفته ای

از خواب بیدار شدم و خوشحال گردیدم، و عصر همان روز رفتم نزد همان دکتر متخصص، و از او خواستم معاینه مجددی داشته باشد، و پس از معاینه، با شگفتی اعلام کرد که: هیچ عارضه ای در چشم شما نیست، و هیچ گونه درمانی لازم ندارد(1) و به دلایلی، مایل نبودم که این جریان را مطرح سازم، تا این که در جریان شروع مراسم بزرگداشت شهادت فاطمه زهراء علیها السلام مأموریت معنوی خاصی یافته ام، که آن عنایت و لطف را برای شما نقل نمایم.

55 - حضرت زهرا علیها السلام : باید روضه حضرت رقیه علیها السلام و حضرت ابا الفضل برپا کنی

یکی از امام جماعت ها، که فردی مورد وثوق، و شدیداً علاقمند به حضرت

ص: 206

1- هم اکنون که بیش از پانزده سال از آن قضیه می گذرد، ایشان نه تنها احتیاجی به درمان چشم، با عینک و .. پیدا نکرده، بلکه در تحصیل و درس و تحقیق و تألیف، در حدّ اعلی موفق به مطالعه کتابها می باشد، و هیچ گونه عارضه چشمی ندارد. و هذا من فضل الله و عنایة الزّهراء علیها السلام، و اثر غبار مجلس عزاء الحسین علیه السلام

زهراءعليها السلام می باشند، درباره شفاى یکی از نمازگزاران مسجدشان، که به نام فاطمه زهراء عليها السلام می باشد، نقل فرمودند:

بنده، مدتی بود مریض شده بودم و نمی توانستم راه بروم، و هرچه به پزشک مراجعه می کردم و از اعضای بدنم عکس برداری می کردند، و معالجه می نمودند، فائده ای نمی کرد، و هر روز در بیمارستان بودم، تا این که تصمیم گرفتم یکی از لباس هایم را به منبر حضرت زهراء عليها السلام ببندم، و هر روز به مسجد می رفتم و به آن حضرت متوسل می شدم، تا این که یک شب در عالم رؤیا دیدم پیراهنم باز شده است، فردا صبح پسر به مسجد می رود و می بیند که پیراهنم از منبر باز شده است، و به دنبال این جریان، حالم خوب شد و نجات پیدا کردم. در شب بعد، در عالم رؤیا دیدم حضرت زهراء عليها السلام فرمودند: باید روضه حضرت رقیه عليها السلام و حضرت ابا الفضل عليه السلام در منزلت بر پا کنی. و من هم انجام وظیفه نمودم و برنامه روضه های یاد شده را انجام دادم.

56 - و این هم شفاى بعد از نا امیدی

یکی از اهالی ملک شهر، مبتلا به کسالت سختی شد، و پزشکان مرض او را تشخیص ندادند، و تمام بدن او بی حس شده و از کار افتاد، و او را در بیمارستان خورشید بستری کردند، و پس از مدتی معالجه به جایی رسید که سوزن در پای او فرو بردند و اصلاً متوجه نگردید، و معالجات به ثمر نرسید، و اطرافیان و بستگان به حالت اضطراب افتادند، و خودش پس از شفا یافتن، خبر داد که من مأیوس شده بودم و شهادتین خود را هم گفتم. پس از انتقال به منزل در حال ناامیدی، در کنار بستر او توسل به حضرت ابا الفضل عليه السلام پیدا می کنند، و در مسجد الزهراء ملک شهر (که شفاخانه است، و زمین و نیز ساختمان طبقه

دوم آن به نام حضرت ابا الفضل علیه السلام می باشد، و تا کنون بسیاری از بیماران در آن شفا یافته اند و برای او توسل به حضرت فاطمه زهراء علیها السلام پیدا می کنند، و به شکل عجیب و معجزه آسائی شفا پیدا می کند و از کام مرگ نجات می یابد.

57 - برادر! بچه شفا پیدا کرد

یک خانواده نیازمند، که از مشکلات اقتصادی شدیداً رنج می برند، دختر کوچکی داشتند، که در اثر بی توجهی پا بر روی او می گذارند و پای او معیوب می شود، و نمی توانسته است راه برود، پزشکان هم، عمل جراحی با هزینه سنگین به او پیشنهاد می کنند، و آنها در اثر فقر و تنگدستی، قادر بر معالجه دختر خود نبوده اند. شبی دختر را به مسجد ائمه علیها السلام واقع در ملک شهر می برند، و متوسل می شوند، مادر دختر در همان شب در عالم رؤیا می بیند، که حضرت سید الشهداء علیها السلام و حضرت ابا الفضل علیه السلام از طبقه بالای مسجد (که به نام حضرت ابا الفضل علیه السلام نامگذاری شده) در حال پائین آمدن هستند، و حضرت ابا الفضل علیه السلام به امام حسین علیه السلام عرض می کنند برادر! بچه شفا پیدا کرد

هنگام صبح، که مادر بیدار می شود، ملاحظه می کند دختر شفا یافته است. نویسنده کمترین، از یکی از همسایه های مسجد (که با نوئی سیده و صالحه است) تحقیق کردم، ایشان گفتند، بلی صحیح است، و این دختر مدرسه می رود و دیگر نیازی به عصا ندارد، در حالی که قبلاً حالت فلج داشته است.

58 - ما تو را شفا دادیم، به پدرت بگو با ما قهر نکند

دختر یکی از ساکنین ملک شهر مبتلا به سرطان می شود، و معالجات فراوان و هزینه سنگین به جائی نمی رسد، شب چهارشنبه ای همراه با هیئت حضرت

أبا الفضل عليه السلام (که مردم را به قم و مسجد جمکران می برد) عازم آن مکان مقدّس بوده است، که یکی دیگر از زائران، وقتی از جریان کسالت و سرطان آن دختر مطلع می شود، می گوید: مسجد الزّهراى ملك شهر مورد عنایت است و برای شفای این دختر برو در این مسجد توسّل پیدا کن. او به قصد توسّل به حضرت زهراء عليها السلام به مسجد می رود و دعا می کنند و ملاحظه می نماید که خبری نشد، نگران می شود، و با حالت دل شکستگی می گوید، گویا ما درِ خانه اهل البیت عليهم السلام آبروئی نداریم. همان شب دختر او (بیمار سرطانی) در عالم رؤیا مشرف به محضر حضرت زهراء عليها السلام می شود، و آن حضرت دست مبارکشان را بر روی بدن او می کشند و می فرمایند:

ما تورا شفا دادیم، به پدرت بگو با ما قهر نکند

59 - سرت را بلند کن و بگو: یا فاطمة الزّهراء

بانوئی سیّده و صالحه، دچار ناراحتی اعصاب بوده تا جائی که شبها به خواب نمی رفته، و در نگرانی شدید به سر می برده است، او می گوید:

در عالم رؤیا دیدم آقائی تشریف آوردند، و درِ خانه ما را زدند، رفتم در را باز کردم و سلام کردم، 30 - 40 ساله به نظر می رسیدند، عرض کردم خسته به نظر می رسید؟ فرمودند: از راه دوری آمده ام، ناگهان در برابر درب مسجد الزّهرا عليها السلام ظاهر شدید، فرمودند: بیوس کاشی های لاجوردی را، گفتم: کاشی کی مراد می دهد؟ فرمودند سرت را بلند کن و بگو یا فاطمة الزّهراء عليها السلام من هم اطاعت کردم و گفتم، یا فاطمة الزّهراء عليها السلام، فرمودند: روزی یک مرتبه بگو و بیا

مسجد، برای اعصاب خوب است، و در آن هنگام بیدار شدم.

از آن زمان تاکنون، من هر روز به مسجد می آیم و یا فاطمة الزّهراء عليها السلام را

می گویم و ناراحتی اعصابم برطرف شده، و شبها به راحتی به خواب می روم، و هیچ وقت این برنامه را ترک نمی کنم.

60 - شما کجا رفتید؟ این مریض خوب شدنی نبود

در مسجد الزهرا علیها السلام ملک شهر اصفهان (که زمین آن، به نام حضرت ابا الفضل علیه السلام بوده، و یک نفر تمام مخارج ساختمانی او را پرداخته است، و گفته است می خواهم مسجد، به نام حضرت زهرا علیها السلام باشد، ولی به احترام حضرت ابا الفضل علیه السلام طبقه دوم مسجد را به نام آن حضرت ساخته اند) جریان جالبی اتفاق افتاده که شرح آن چنین است:

همسری یکی از نمازگزاران این مسجد (که شغل بنائی دارد و مدّاح و مرثیه خوان اهل البیت علیهم السلام هم هست، و برای مسجد زحمت بسیار کشیده و بیمار بوده، و بچه سقط می کرده است، و معالجات پزشکان اثری برای او نداشته است، تا آنجا که دکترها جواب قطعی داده و گفتند: او خوب نمی شود. ایشان می گوید: شبی دلم شکست، و چون کلید مسجد نزدم بود، آمدم در مسجد، و با حضرت زهرا علیها السلام درد دل گفتم، و عرض کردم چرا جواب ما را نمی دهید؟ همان شب همسرم شفا یافت، و فردا که آزمایش جدیدی از او به عمل آوردند، جواب آزمایش عالی بود، و در هنگامی که به همان پزشک قبلی مراجعه کردیم، و جواب آزمایش را دید، تعجب کرد، و با حال گریه گفت: شما کجا رفتید؟ این مریض خوب شدنی نبود، و با حال و هوای خاصی گفت: فقط در حقّ خودتان دعا می کنید؟ برای ما هم دعا کنید.

61 - حضرت زهرا علیها السلام: شما را چه شده؟ بلند شو برو

یکی از همسایگان مسجد الزهراء علیها السلام ملک شهر، که مسئول تنظیم دستگاه

بلندگوی مسجد است، در روز تاسوعائی (در سال 1378) پس از عزاداری خسته می شود و به خواب می رود، بعد از مدتی که بیدار می شود، تصمیم می گیرد بلند شود، ناگاه بی اختیار به سختی به زمین می خورد، و دیگر چیزی نمی فهمد، و به سختی بیمار می گردد، به حدی که زن و بچه او دستش را می گرفته و راه می برده اند. تا این که شبی در عالم رؤیا می بیند، که هلیکوپتر سفیدی که نور سبزی از او ساطع است، پرواز می کند، و در محل کار او فرود می آید، ولی او در حال بیماری بوده و خوابیده بوده است، ناگهان صدای بانوئی را می شنود که می فرماید:

تو را چه شده؟ بلند شو و برو دستگاه بلندگو را تنظیم کن

ناگاه متوجه می شود که ایشان حضرت زهراء علیها السلام هستند، تصمیم می گیرد که خودش را به حضرت برساند، ولی هلیکوپتر پرواز می کند، و متوجه می شود که در بدنش ناراحتی احساس نمی کند، و بیدار می شود، می بیند ساعت یک و نیم بعد از نیمه شب است، و پس از نقل رؤیا برای همسرش، مدتی هر دو گریه می کنند، و بر لطف حضرت زهراء علیها السلام خدای را سپاس می گویند.

62- شجره نامه ما، در حدیث کساء است

یکی از نمازگزاران مسجد الزهراء علیها السلام (که مدّاحی هم می نماید و در خدمت به آستان مقدّس حضرت زهراء علیها السلام سابقه دیرینه دارد و در بیمارستان حضرت عیسی بن مریم علیه السلام بستری می شود، و فشار خون او به 4 می رسد، و حال او بسیار وخیم می شود. حالت توّسل پیدا می کند و عرض می کند: یا فاطمة الزهراء علیها السلام، چندین سال بود آرزو می کردم که در این محل (مسجد الزهراء علیها السلام) مسجد ساخته شود، و از ده - دوازده سالگی، مدّاحی شما و

فرزندانتان را می کرده ام، مرا شفا دهید، و از این مهلکه برهانید، و سپس آنقدر گریه می کند تا به خواب می رود.

او نقل می کند که: در عالم رؤیا دیدم وارد مسجد الزهراء علیها السلام شدم، و جمعیت زیادی مشغول عزاداری بودند، و سید و آقای بزرگواری مشغول سخنرانی بودند، پس از آنکه مراسم تمام شد من به محضر ایشان رسیدم و ایشان فرمودند: ما می خواهیم بیرق را عوض کنیم، من از مسجد خارج شدم و با خودم گفتم، مقداری از پارچه بیرق را می گیرم و نزد خود نگه می دارم تا خدا مرا شفا دهد، همین که وارد مسجد شدم، دیدم آقا مشغول سلام دادن به ائمه معصومین علیهم السلام هستند، همین که رسیدند به نام مبارک امام علی بن موسی الرضا علیه السلام من روضه امام هشتم را خواندم، ایشان زیاد گریه کردند، تا این که از هوش رفتند، پس از آنکه به هوش آمدند، به من فرمودند: مأموران ما می آیند برای عوض کردن بیرق، ناگهان دیدم چند نفر نقاب دار آمدند و بیرق قبلی را آوردند خدمت ایشان، آقا یک مقداری از پارچه سبز را که از آن بیرق بود، به یک بچه 13 ساله، که در مسجد مشغول تلاوت قرآن بود دادند، و یک مقداری از آن را به من دادند، در این هنگام من سؤال کردم شما کیستید و از کجا آمده اید؟ فرمودند: از راه دور، و شجره نامه ما هم در حدیث کساء است.

ناگهان پرستار مرا از خواب بیدار کرد، که فشار خون مرا (که قبلاً بر روی 4 بود) بگیرد، دید فشارم روی 13 است، و متوجه شدم که در عالم رؤیا آنقدر گریه کرده ام که ملافه ام خیس شده است.

63 - پاشو دنبال دسته عزاداری برو

در سال 1378 - 1379 از ناراحتی کلیه رنج می بردم، و هفته ای دو بار مرا دیالیز

می کردند، شب و روز تاسوعا دنبال دسته عزاداری حرکت کردم، و مدّاحی می کردم و خیلی خسته شده بودم، شب عاشوراء با دسته سینه زنی و زنجیر زنی آمدیم به مسجد حضرت زهراء علیها السلام و از شدت درد کلیه و خستگی افتادم، و توان این که دنبال دسته عزاداری بروم را نداشتم، مرا به گوشه ای از مسجد بردند، و روی خاکها قرار دادند، و یک موکت بر روی من انداختند.

پزشک معالج من (که از متخصصین نامدار است) مرا جواب کرده بود، و ناراحتی کلیه هم سخت مرا آزار می داد و بیچاره ام کرده بود، در این حال خطاب به امام حسین علیه السلام عرض کردم، نمی خواهم شما را به مادرتان حضرت زهراء علیها السلام قسم بدهم، و شدیداً به گریه افتادم، و حالتی پیدا کردم که دوستان خیال کردند رفتنی هستم و بیهوش شدم، در عالم بیهوشی آقای بزرگواری را دیدم که به من فرمودند:

بلند شو دنبال دسته عزاداری برو

گفتم: نمی توانم، مریض هستم، فرمودند: ما تو را کمک می کنیم باید نزد فلان طیب بروی (و نام او را ذکر فرمودند) انشاء الله خداوند تو را شفا می دهد، در همین لحظه بود که به هوش آمدم و دیدم دسته عزاداری وارد مسجد شدند و من احساس کردم که حالم خوب شده، و لذا بلند شدم و صدایم را به یاحسین یا حسین بلند کردم، و به دوستان گفتم من شفایم را گرفتم.

پس از آن طبق دستور آقا، به همان پزشکی که دستور داده بودند مراجعه کردم، و زیر نظر او برنامه تعویض کلیه انجام شد، و هم اکنون حالم خوب شده است.

این قضیه را امام جماعت مسجد الزهراء علیها السلام که از دلباختگان آن حضرت، و از مدرّسین بزرگوار حوزه علمیه می باشند، نقل فرمودند.

64- به شکرانه این که حضرت زهرا علیها السلام شفایش دادند می خواهیم به مشهد مقدس برویم

در ماه صفر 1420 قمری، خانمی (که دچار بیماری شدید اعصاب گردیده و پزشکان از او قطع امید کرده بودند) را به مسجد الزهرا علیه السلام ملک شهر می آورند و می گویند: اگر بنا است بمیرد، در مسجد بمیرد و آن چنان بیماری بر او غلبه کرده بوده، که او را روی دست می آورند، و قادر به راه رفتن و سخن گفتن نبوده است.

از خادم مسجد اجازه می گیرند که شب را در مسجد بیتوته کنند، بعضی از همسایگان مسجد هم در کنار او می مانند.

آن خانم مریض، پس از مدتی به خواب می رود، و در عالم رؤیا می بیند که دو نفر بانوی بزرگوار نزد او آمدند، و یکی از آنها کلیدی را به او می دهد و دیگری می فرماید، کلید من بهتر به درد او می خورد(1) و پس از آنکه کلید را می گیرد و بیدار می شود، احساس می کند شفا پیدا کرده است.

هنگام صبح، این خانم بیمار شفا یافته، با پای خودش به منزل می رود، در حالی که شب قبل او را روی دست آورده بودند.

امام جماعت مسجد الزهراء علیها السلام فرمودند: بعد از گذشت یک هفته از جریان یاد شده، از پدر آن خانم حال او را جویا شدم، گفت: بحمد الله خوب شده، و شوهر او گفت: به شکرانه این که همسر مرا حضرت زهراء علیها السلام شفا دادند، می خواهیم به مشهد مقدس و به زیارت حضرت رضا علیه السلام برویم.

ص: 214

1- توسلات و عنایات اهل آلیت علیهم السلام هر کدام کلیدی برای باز شدن گره ها، و گشوده شدن درهای بسته است.

65- گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست

بانوی صالحه ای از همسایگان مسجد الزهرا علیها السلام ملک شهر می گوید:

در شب چهارشنبه موفق نشدم که در جلسه دعای توسل مسجد شرکت کنم، در همان شب در عالم رؤیا دیدم که حضرت زهراء علیها السلام فرمودند:

گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست

66 - فردا در جلسه روضه ... شرکت کنید زیرا...

یکی از روحانیون متدین و مورد وثوق و دلباخته حضرت زهراء علیها السلام چنین نقل فرمودند که: شب جمعه 12 جمادی الاولی 1419 در عالم رؤیا دیدم، که به من گفته شد: فردا در روضه منزل فلانی شرکت کنید، زیرا که شرکت می کنند (و نام آن آقا که از علماء بزرگ مقیم قم، و از خدمتگزاران بزرگ به آثار و احادیث ائمه معصومین علیهم السلام می باشند، و درباره حضرت زهراء علیها السلام خدمات علمی و اجتماعی بسیار ارزشمندی انجام داده اند را، ذکر نمودند)

به نظرم رسید که جلسه یاد شده مورد عنایت است، و می روم که از فیض و برکت مجلس بهره مند شوم، صبح جمعه عازم مجلس یاد شده گردیدم، وقتی خواستم بنشینم، ناگاه صدائی بلند شد که: برای تشریف فرمائی آیه الله سید محمد باقر موحد ابطحی صلوات بفرستید. ایشان همان وقت از راه می رسیدند، و برای شرکت در مجلس یاد شده، از قم عازم اصفهان گردیده بودند، و نشانه روشنی برای صدق و حقیقت رؤیا ظاهر گردید.

67- و این هم نمونه ای از تأثیرات شگفت

یکی از طلاب حوزه علمیه که تحت تأثیر پیشنهادات و راهنمایی های مربوط به

برنامه های فاطمیّه قرار گرفته بود، و اولین سفر تبلیغی خود را در ایّام شهادت فاطمه زهراء علیها السلام و در رابطه با آن حضرت قرار داده بود، در سفری تبلیغی به مناسبت فاطمیّه 1422 قمری، در میان راه یک ماشین پژوی لوکس و تمیز، او را سوار می کند که قسمتی از مسیر را طی کند، به راننده می گوید اجازه می دهید یکی از این پوستره های فاطمه زهراء علیها السلام را به ماشین شما بچسبانم؟ وقتی راننده اتومبیل چشمش به نام مقدّس حضرت زهراء علیها السلام می افتد آشک از چشمانش سرازیر می شود و می گوید: بچسبانید. تا این که می رسند به یک جاده خاکی که آن طلبه مبلغ می خواسته است از آن راه به مقصد خود برسد، راننده ماشین عذرخواهی می کند و می گوید با توجه به شرائط من و ماشین، نمی توانم شما را به مقصد برسانم، و آن طلبه پیاده می شود و به سوی مقصد روانه می گردد، که ناگاه پس از گذشت مدّت زمانی کوتاه، صدای ماشین می شنود و متوجّه می گردد همان راننده و ماشین است، و جلوی پای او متوقف می شود و می گوید: من مقداری راه را طی نمودم و ناگاه بدون اراده خودم ماشین را متوقف نموده و برگشتم و با خودم گفتم: اگر این ماشین تکه تکه هم بشود، این مبلغ حضرت زهراء علیها السلام را به مقصدش می رسانم، و بدین گونه عشق و علاقه قلبی نسبت به حضرت زهراء علیها السلام تجلّی می یابد، و کار و خدمت در آستان مقدّس آن حضرت آسان و گوارا می گردد.

68- نمکش از آقای ... است

یکی از طلاب معّم و روحانی و مهاجر افغانی، که در برنامه های فاطمیّه بسیار فعّال است، و با استمداد از ارواح مقدّسه اهل البیت علیهم السلام و بالأخص حضرت زهراء مرضیّه علیها السلام کوشش زیاد و موفّقی در توجّه دادن مردم به مراسم فاطمیّه و

عزاداری های حضرت فاطمه زهراء عليها السلام دارد، می نویسد: روزی به منزل یکی از مردان نیکوکار، که با پسرش آشنائی داشتم رفتم، و پس از مقداری گفتگو ملاحظه نمودم که منزل بزرگی دارد، به او گفتم: چه می شود که در ایام فاطمیه ای که در پیش است، جلسه عزاداری برقرار کنیم و من هم برنامه سخنرانی و نصب پرچم و پوستر و ... را انجام می دهم، و او هم که مردی علاقمند و مذهبی بود پذیرفت، و روحانی دیگری هم که در نزدیکی آن منزل بود بلندگو آورد و خودش هم سخنرانی کرد، و ما را هم بسیار تشویق نمود. مجلس بسیار جالب و باشکوهی با حضور زنان و مردان با ایمان تشکیل شد، و یکی از روزها، خانمی گفت: در عالم خواب دیدم که شما روضه می خوانید و جلسه بسیار جالب و باشکوهی بود، و یک نفر گفت نمکش از آقای حجت است آن خانم اصلاً نامی از آن آقای یاد شده نشنیده بود، و ایشان را هم نمی شناخت، و معنای نمکش از ایشان است را هم نمی دانست، در حالی که قبل از این که این خانم رؤیای خودش را نقل کند، من در آن جلسه، روضه خوانده بودم، و چندین شعر از آن شخصی که در عالم رؤیا نامش برده شده بود و من از ایشان گرفته بودم خواندم و تأثیر عجیبی گذاشت و مجلس را منقلب کرد، و حال و شور و عجیبی پیدا شد، و من متوجه شدم که نمکش از ... است یعنی چه؟ و این بشارت و نشانه ای بود برای این که مجلس یاد شده مورد عنایت و لطف حضرت زهراء عليها السلام قرار گرفته است.

69 - چکی به من دادند که باور نمی کردم فهمیدم که آنها بزرگ هستند

الآن که این قسمت را می نویسم منقلب شده ام، گزارشات مدرّسین، فضلاء،

طلّاب و ... را در باره آنچه در ایّام فاطمیّه علیها السلام از مردم، عزاداریها، اطعام و احسانها به نام فاطمه زهرا علیها السلام مجالس و دستجات عزاداری و دیده و شنیده اند مطالعه می کنم، با این که ایّام محرّم و عزای حسینی است، ولی این گزارشات را برای سوّمین بار مطالعه می کنم، اخلاص ها، پشتکارها، همبستگی ها، ایثارها، اظهار ارادت ها و ... از یک طرف، و کرامت ها و عنایت ها و درسهای الهی از طرف دیگر، در گزارشهای فاطمیّه تکان دهنده است.

یکی از فضیلتی علاقمند که امام جماعت هم می باشد، تحت تأثیر سخنانی که قبل از ایّام فاطمیّه در جلسه درس گفته بودم، که شما در کار مربوط به حضرت زهرا علیها السلام اقدام کنید، و حتی اگر لازم دیدید هزینه برگزاری مجلس را خودتان بپردازید، و بدانید که خاندان عصمت و طهارت شما را تنها نمی گذارند، قرار گرفته بود و اطلاعیه ای برای مراسم فاطمیّه چاپ کرده بود، و جلسه عزاداری در مسجد را اعلام نمود بود. یکی از هیئت امنای مسجد اظهار داشته بود، آیا هزینه های مجلس را کسی بر عهده گرفته؟ و آیا مجلس بانی دارد؟ و ایشان در جواب گفته بود ما کار خودمان را می کنیم، و آنها کار خودشان را، و کدام بانی از خود فاطمه زهراء علیها السلام بهتر؟ . چندین شب سوگواری و حرکت کاروان عزاداری در خیابان و در منطقه گلستان شهداء، و اطعام عمومی انجام شد، و هنوز سخنرانی شب آخر به پایان نرسیده بود که، یک نفر قطعه چکی به من داد (با مبلغی بالا) و ایمان پیدا کردم به سخن شما که گفتید:

شما کار خودتان را انجام دهید و بدانید، که هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی به شما کمک خواهند نمود.

70- در اثر بی احترامی، عروسی به عزا مبدل می شود

در ایام فاطمیّه اول در سال 1422 قمری و در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام در یکی از محله های اصفهان، مراسم عروسی برگزار می شود، و با این که در همان محل، در مسجدی به نام مبارک حضرت امام حسن علیه السلام مجلس عزاداری حضرت زهراء علیها السلام برقرار بوده است، مراسم عروسی تا یک ساعت بعد از نیمه شب ادامه می یابد، و با ساز و نواز و وسائل غنا و موسیقی به خوش گذرانی می پردازند، و به حریم ناموس الهی حضرت صدیقه کبری علیها السلام بی احترامی می نمایند، ولی سزای عمل زشت آنها گریبانشان را می گیرد، و داماد دچار برق گرفتگی می شود، و عروس و دو فامیل به عزا می نشینند.

71 - فقط این بیت به ما داده شده است

در سال 1421 قمری، یکی از پوستر هائی که چاپ و منتشر شد شدیداً مورد توجه قرار گرفت، و تاکنون چندین بار و در چندین سال مکرراً چاپ شده است. در بالای طرح آن، چشمی است که از گوشه آن قطرات خون جاری است، و در قسمت پائین طرح، تابوتی است که بر روی بالهائی قرار گرفته است. هنگامی که طرح یاد شده مراحل طراحی و ابراش آن (یک نوع رنگ آمیزی است) انجام شد، به نظر رسید، که اگر اشعاری مناسب این طرح ضمیمه شود، تأثیر عاطفی و روحی آن را بیشتر می نماید، لذا در جلسه ای که عده ای از شعرا و مداحان اهل البیت علیهم السلام حضور داشتند، طرح آماده و رنگ آمیزی شده را بدون مقدمه نشان دادم، و گفتم: برای این طرح شعری می خواهم که در آن گنجانیده شود، ناگاه به فاصله تقریبی 13 - 14 ثانیه یکی از آنها گفت:

رو کردم به آن شاعری که این بیت را انشاء کرد و گفتم: آیا این شعر را قبلا سروده بودی؟ گفت: نه (1) به او گفتم شعر را به زبان جاری کردند، وگرنه شعری که تمام مضمون پوستر را بدون یک کلمه کم و یا زیاد، بدون سابقه و توجه قبلی به مضمون، در بر داشته باشد، و در مدت 13 یا 14 ثانیه سروده شود، بدون تأیید غیبی ممکن نیست. و به او گفتم: شعر را بنویس و به من بده، تا به خطاطی بدهم که با خط زیبا بنویسد، و در طرح گنجانیده شود، گفت آماده می کنم و می فرستم.

فردای آن روز همان شعر را به ضمیمه شعر دیگری، به صورت یک رباعی فرستاد، و در هنگامی که آن دو بیت را ملاحظه کردم، تفاوت عجیبی از نظر تأثیرگذاری بر روح و احساسات، بین آن دو بیت احساس کردم، و تصمیم گرفتم فقط همان یک بیت روز گذشته را در متن پوستر قرار دهم.

چند ساعتی گذشت و همان کسی که دو بیت را برایم آورده بود، در یک مجلس عزاداری مرا دید و گفت: فلانی (شاعر یاد شده) امروز عصر با یک حالت اضطراب و پریشانی آمد به سراغ من، و گفت: فقط همان شعر دیروز را چاپ کنید، زیرا بعد از آنکه دو بیت را ارسال کردم، در عالم رویا دیدم چند نفر در حالت نصب یک پرچم هستند، و بر روی آن فقط همان شعر اول نوشته شده بود، به آنها گفتم: من دو بیت سروده ام چرا بیت دوم را در این پرچم ننوشته اید؟ جواب دادند: آنچه در اختیار ما قرار داده اند فقط همین یک بیت است.

وقتی از خواب بیدار شدم، متوجه شدم که تنها همان بیتی که الهامی بوده مورد عنایت است و شعر دیگر نایستی ضمیمه شود.

72 - یک بیت را من می گویم، بقیه اش را تو بگو

آقای ژولیده نیشابوری (که یکی از شعرای نامدار و با ولایت می باشد و دیوان ها و مجموعه های شعری فراوانی از او به چاپ رسیده) نقل فرمودند که: در عالم رؤیا دیدم در مسجد گوهرشاد در مشهد مقدس هستم، و من و یکی دیگر از شعرای نامدار ایستاده بودیم، و یکی از منبری های با ولایت (که از سادات بزرگوار می باشد و از بالای منبر رو به ما کرد و گفت: بیائید جلو، وقتی رفتیم نزدیک، با خطاب به آن شاعری که با من بود، دستور دادند شعری بخواند، و او هم انجام وظیفه نمود، و از شدت سوز و گریه و عزاداری غوغائی پیا شد، سپس آن سیّد بزرگوار به من گفتند: فلانی تو هم شعری بخوان، گفتم شعری ندارم، فرمودند یک بیت من می گویم، دنباله اش را تو آماده کن، و همینجا بخوان، و آن بیت این بود:

ای آنکه بر صحیفه حق پشت پا زدی

آتش به جان خلق و همه ماسوی زدی

و دنباله شعر را در عالم خواب سرودم و خواندم:

روزی که دادگاه عدالت به پا شود

آگه شوی که تیر جفا را کجا زدی

می پرسد از تو مهدی ما با چه جرأتی

آتش به درب خانه شیر خدا زدی

دستت بریده باد که با بودن حسن

سیلی به روی مادر ما، از جفا زدی

در کوچه ای که رهگذر خاص و عام بود

و با تازیانه مادر ما را چرا زدی

این مضمون را در شعری بیاور

آقای ژولیده نیشابوری، نقل نمودند که، من در عالم رؤیا دیدم مرحوم آیه الله آقای حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره در باغی نشسته اند (1) و مرا پهلوی خودشان نشانند و فرمودند: بدترین درد برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر این بود که آن نانجیب (..) می ایستاد، و با نگاه تمسخر آمیزش لبخند فاتحانه می زد، یعنی دیدی که آخر تو را شکست دادم، و سپس فرمودند: این مضمون را به شعر در آور، و من در عالم خواب این شعر را سرودم، و در همان جا خواندم و ایشان لبهای من را بوسیدند و آن شعر این است:

زهرای من که هست علی پای بست تو ای اختیار هستی عالم، به دست تو

آن بی حیا به طعنه به من گفت یا علی دیدی که زنده ماندم و دیدم شکست تو

73 - روضه شما باید به اندازه عمر مادرم زهراء عليها السلام 18 روز باشد

ایام محرم 1422 قمری بود که یک نوار کاست، محتوی گزارشی از یک عنایت و معجزه حسینی بسیار عجیب و تکان دهنده به دستم رسید، و بعد از شنیدن آن، جمعی از دوستان و علاقمندان به اهل البیت علیهم السلام نیز گوش دادند، و تحت تأثیر قرار گرفتند، و تصمیم گرفتیم با چند اتومبیل سواری به شهر کرمان برویم و آن کسی را که مورد آن عنایت عجیب و معجزه استثنائی قرار گرفته (و در آن ایام،

ص: 222

1- البته من ایشان را در زمان حیاتشان ندیده بودم، ولی در عالم خواب شناختم.

مجلس عزاداری بسیار شگفتی آفرین و کم نظیری دارد (از نزدیک به بینیم، و در آن جلسه عزاداری که با عنایت حضرت سید الشهداء علیها السلام پایه گذاری شده شرکت کنیم، و بهره معنوی ببریم.

با عده ای از علاقمندان به خاندان رسالت، با حالت توسل و با استمداد از روح مقدس حضرت امّ البنین و چهار فرزند بزرگوارشان، هنگام صبح از اصفهان به مقصد کرمان حرکت کردیم و برای نماز ظهر در مسجد حضرت ابا الفضل علیه السلام (که در بیابانهای بین یزد و کرمان می باشد و به عنوان یاد بود یک معجزه بزرگ از حضرت ابا الفضل علیه السلام تأسیس شده) وارد شدیم، و پس از اقامه نماز ظهر و عصر و توسل به ذیل عنایت باب الحوائج قمر بنی هاشم علیه السلام رهسپار کرمان شدیم، و هنگام مغرب به شهر کرمان رسیدیم، و پس از اقامه نماز جماعت در یکی از مساجد نزدیک محلّ برگزاری مجلس عزاداری یاد شده، به سوی مجلس روضه حرکت کردیم.

از فاصله زیادی تا مجلس، با سیل جمعیت برخورد کردیم، که حالت چهره ها و جمعیت بی شماری که از هر طرف، در حال پراکنده شدن بودند، و کوچه های زیادی که در آنها فرش گسترده شده بود، به خوبی نشان می داد که این مجلس از نظر کمیت اجتماع کنندگان، کم نظیر، و از نظر کیفیت معنوی و روحی شرکت کنندگان، استثنائی و برجسته است.

هنگامی که وارد حسینیه شدیم، ملاحظه کردیم که باقی مانده جمعیت (1) انبوهی از عزاداران می باشند که به همراهی با آنان، عزاداری بسیار مفصل و پر

ص: 223

1- زمان مجلس یاد شده، عصرها می باشد، و در آن شب (که شب جمعه بود و جمعیت قابل توجهی از اصفهان وارد شده بود) برنامه مفصلی نیز به اجراء در آمد.

سوز و شوری برگزار نمودیم، و سپس دعای کمیل خوانده شد، و مراسم عزاداری پایان یافت.

پس از صرف شام، از آقای حاج ماشاء الله خداداد که چهل سال قبل مورد لطف و عنایت عجیب سید الشهداء امام حسین علیه السلام قرار گرفته، درخواست نمودیم که جریان کسالت مرگبار خودش، و عنایت و لطف حیات بخش امام حسین علیه السلام را نقل کند، و در آن مجلسی که تا بعد از نیمه شب به طول انجامید، غوغائی برپا شد، و حال و هوای معنوی، و سوز و شور کم نظیری، بر همه حاضرین حاکم گردید، که از خاطره های فراموش ناشدنی زندگی همه حاضرین در آن مجلس، محسوب گردید.

حاج ماشاء الله خداداد، داستان مفصل بیماری و شفای خود را چنین تشریح کرد:

در سنین جوانی به شغل نجاری مشغول بودم، یک روز احساس تهوع شدیدی نمودم، آن چنان که نمی توانستم تحمل کنم، نزد پزشکی که در همسایگی مغازه ام بود رفتم، بعد از معاینه، نارسائی و مشکل کلیه تشخیص داد، و برای پانزده روز نسخه نوشت، و داروهائی را توصیه نمود، و در منزل بستری شدم، و پانزده روز، به دو سال رسید، و هرچه زمان می گذشت و داروها را مصرف می نمودم حالم بدتر می شد، از آب خوردن هم منع شده بودم، از خوردن گوشت قرمز و گوشت مرغ و میوه نیز ممنوع گردیده بودم، از بس تشنه می شدم قاشق را تر می کردند و به لبانم می مالیدند، به هیچ عنوان ادرار از من خارج نمی شد، چون که کلیه ها کاملاً از کار افتاده بودند (البتّه در آن زمان دستگاه دیالیز وجود نداشت) بدن من ورم کرده بود و در ناحیه شکم، آن چنان متورّم شده و بالا آمده بود که داخل شکم پیدا بود و مرتّب پوست آن می ترکید، و از آن آب بیرون

می زد، و از شدت درد و ناراحتی، به دیوار پنجه می کشیدم، و دیوار گود شده بود.

بعد از دو سال معالجه و ناامیدی کامل و ناتوانی از ادامه درمان، قرار شد که مرا به بیمارستان ببرند، وقتی خواستند مرا حرکت بدهند، ملاحظه نمودند که موربانه تخت و تشک زیر بدنم را خورده، و مقداری گرده مرا نیز خورده بود و در اثر بی حسّی که در پوست و بدنم پیدا شده بود، متوجه آن نگردیده بودم. در بیمارستان، شورای پزشکی تشکیل دادند، و هر روز دو بار بدنم را زیر برق می گذاشتند، و دستگاہی از خارج آورده بودند، که کارهائی روی بدنم انجام می داد و با سرنگ آبهای شکم را می کشیدند، ولی هیچ کدام از برنامه های درمانی مؤثر واقع نمی شد.

پس از یک دوره شش ماهه، مرا مرخص نموده به منزل فرستادند، ولی حالم روز به روز بدتر می شد، و لذا با وساطت پزشک معالج من، مجدداً مرا به بیمارستان بردند، و باز بعد از یک دوره شش ماهه دیگر، مرا به منزل باز گرداندند.

در این مرحله حال من آنقدر بد شده بود که پوست شکم پاره شد، و روده هایم بیرون ریخت، و با وساطت یکی از روحانیون کرمان، مجدداً به بیمارستان منتقل شدم.

استاندار وقت کرمان، به دیدن بیماران آمده بود، بعد از دیدن چند بیمار کلیوی، به نزدیک تخت من آمد، و در هنگامی که حال مرا دید ناراحت شد و گفت او جوان است، باید کمکش کنیم، ولی وقتی پتورا از روی بدنم عقب زدند، و حالت شکم و روده های مرا دید، عقب رفت و گفت او را به خارج بفرستید

مخارج او را من می دهم، دکتر جلو آمد و پلک چشم مرا بالا زد، و گفت: این مریض 24 ساعت دیگر بیشتر زنده نیست، فقط سه بچه کوچک دارد اگر لطف کنید آنها را به پرورشگاه تحویل دهید.

با شنیدن این مطالب، بسیار ناراحت شدم، و با این که قبلاً هم متوسل به امام حسین علیه السلام شده بودم، ولی در این حال با حالت دل شکستگی مخصوص، عرض کردم آقا امام حسین علیه السلام نمی خواهم بمیرم، نمی خواهم بچه هایم را به پرورشگاه ببرند، مرا شفا دهید، تا همه بیایند و ببینند که چگونه شفایم را از شما گرفته ام.

24 ساعت گذشت، و نمردم و چون که فکر می کردند آخر عمر من است، بچه هایم را نیز به بیمارستان آورده بودند، که در آخر عمر در کنارم باشند. با توجه به ناامیدی پزشکان مرا به منزل آوردند، و ایام نزدیک محرم بود، و دیگر همه امیدم امام حسین علیه السلام بود و بس. روز هشتم محرم شد.

قاصد حسینی آمد

ناگهان دیدم کبوتر سفید رنگی وارد اطاق من شد، و روی تخت نشست، و با آمدن کبوتر، گویا من سبک شدم، و پیش خودم گفتم کبوتر امام حسین علیه السلام است، سپس گفتم: آقا، اگر واقعاً این کبوتر از طرف شما آمده، یا روی سینه ام بیاید یا در زیر تخت من برود، ناگاه دیدم که کبوتر به زیر تخت رفته و من بدین جهت آرام تر شدم. ساعتی بعد مادرم وارد اطاق شد، در حالی که دستمالی در دست داشت، گفت: پسر من این دستمال آغشته به آشک بر امام حسین علیه السلام است و دستمال را به سینه من مالید، چون نمی توانستم حرف بزنم با اشاره به او فهماندم که مهمان دارم، در زیر تخت است، باید در کاسه و بشقاب چینی برای

او آب و دانه بیاوری. چون قاصد امام حسین علیه السلام است.

امید داشتم که روز تاسوعا یا عاشورا شفا پیدا کنم، ولی خبری نشد، روز 11 و 12 نیز گذشت و خبری نشد، و این کبوتر تا روز چهاردهم محرم، نه آب خورد و نه دانه.

سقف شکافته شد، عنایت رسید

شب شانزدهم محرم رسید، نیمه شب بود، گفتم آقا امام حسین علیه السلام عاشورا هم گذشت خبری نشد، هنوز کلامم تمام نشده بود، که دیدم سقف شکافته شد، و دیدم امام حسین علیه السلام همانند یک پارچه نور وارد اطاق من شدند، و در کنار تخت من روی صندلی نشستند (1) و به من لبخندی زدند، من از تخت پائین آمدم و با یک دست بازوی حضرت را گرفتم، و دست دیگرم را روی شانه آن حضرت قرار دادم، و گفتم: نگاه کردن به صورت عالم عبادت است، آقا شما چه کسی هستید؟ فرمودند: تو چه کسی را صدا می زدی؟ گفتم امام حسین علیه السلام را، فرمودند: من امام حسین علیه السلام هستم، تو چه می خواهی، گفتم: شما می دانید که من چه چیزی می خواهم، فرمودند: آنچه می خواستی ما بتو دادیم (2) ناگهان دوباره سقف اطاق شکافته شد، و دو دست بریده حضرت ابا الفضل علیه السلام در حالی که بشقابی بر روی آنها بود، در کنار امام حسین علیه السلام حاضر شد، من

ص: 227

-
- 1- برای دکتراها یا بزرگانی که به عیادت می آمدند، یک صندلی چوبی گذاشته بودند، که حضرت امام حسین علیه السلام بر روی آن نشستند، و هنوز هم آن صندلی باقی است، و بیماران، خودشان را به پایه آن صندلی می بندند، و طلب شفا می کنند.
 - 2- همه چیز به من دادند، شفای کامل، آبرو، روضه خوانی برای آقا، مال و ... بلکه بالاتر از آنچه می خواستم، به من عطا فرمودند.

نگاه به آن دستها کردم، آقا فرمودند: به من نگاه کن، بعد از آن، آقا دست مرا گرفتند و به مسجد خواجه خضر کرمان بردند، در حالی که در دست بریده نیز، در کنار آن حضرت بود، آنجا یک منبر زیبایی گذاشته شده بود، و جمعیتی که تمام نور بودند، در جلو مقدم مبارک آقا، ایستادند، و وقتی آقا امام حسین علیه السلام نشستند آنها هم نشستند، و من دست به سینه مقابل آقا ایستاده بودم، و می گفتم: نگاه به صورت عالم عبادت است.

ناگهان از آن حال بیرون آمدم، و دیدم در اطاق خودم هستم، ولی اطاقم حال و هوای دیگری داشت، همه نور شده بود، و بوی تربت امام حسین علیه السلام استشمام می شد، و آن کبوتر دور من می چرخید و با صدای بلند می خواند، ناگاه متوجه شدم، بدنم سبک شده، دست به شکمم کشیدم، دیدم سالم است، از تخت پائین آمدم، و به خاطر این که در اطاق از پشت بسته بود، ضربه ای به در زدم، مادرم آمد مرا در بغل گرفت و گفت چه خبر است؟ در این اطاق چه شده است؟ چه بوی تربتی می آید؟ وارد حیاط شدم احساس کردم باید به دستشویی بروم، بعد از چهار سال ادرار همراه چرک و خون از من خارج شد، و بدنم کاملاً راحت گردید، دیدم ساعت 2 بعد از نصف شب است تا صبح یا حسین، یا حسین گفتم و گریه کردم، و همسایگان از صدای گریه خیال کرده بودند من مرده ام، و برای مرگ من، بستگانم گریه می کنند، صبح وقتی که برای تشییع جنازه من آمدند، دیدند من سالم هستم و شفا گرفته ام، همه جمع شدند و شفا یافتن مرا دیدند.

در آن هنگام، کفش و لباسی نداشتم (بعد از چهار سال در بستر بیماری و مرگ بودن) آنها رفتند، برایم کفش و لباس آوردند، برای ظهر تصمیم گرفتم به مسجد

بروم، سوار تاکسی شدم، راننده تاکسی گفت: تو کیستی که تاکنون چنین مسافری ندیده بودم؟ و دلش نمی خواست مرا پیاده کند، در صف جماعت نشسته بودم یکی از نمازگزاران گفت: این جوان چقدر شباهت به آقا ماشاء الله نجار دارد، دیگری گفت: بیچاره آقا ماشاء الله در حال مرگ است، کارش تمام است، گفتم: من آقا ماشاء الله هستم، که ناگاه مردم دورم جمع شدند و می خواستند لباسهایم را برای تبرک قطعه قطعه کنند و ببرند، ولی عده ای دیگر مانع شدند. خبر به پزشکی که سالها بود معالجه ام می کرد رسید، مرا برای آزمایش به بیمارستان دعوت کرد، دکترهای خارجی هم بودند و پس از آزمایش ادرار و نتیجه بسیار خوب آن (در حالی که قبلاً ادرار نمی کردم و با سرنگ آب بدنم را می کشیدند) و با دیدن قیافه من، همه تعجب می کردند، و عده ای گریه می کردند، و پزشک معالج من که سید هم بود، به دکترهای خارجی گفت: جدم امام حسین علیه السلام او را شفا داده اند.

بعضی از پرستاران آن روز بیمارستان هنوز زنده هستند و در جلسه روضه ای که برگزار می کنیم، خدمت می کنند.

آقا امام حسین! می خواهم روضه بخوانم

سال بعد شد، ایام محرم فرا رسید، دلم می خواست که در این منزل (که امام حسین علیها السلام قدم در آن گذاشته اند) روضه خوانی کنم، ولی هیچ قدرت مالی نداشتم، دیوانه وار رفتم در وسط آن اطاق و گفتم آقا امام حسین می خواهم روضه خوانی کنم، بعضی گفتند: بگذار برای سال بعد، مادرم گفت: امسال جلسه روضه مختصری در مسجد الرضا علیه السلام که در نزدیکی منزلتان هست

بر قرار کن تا سال بعد، ولی قبول نکردم، و به خود آقا متوسل شدم و بسیار گریه کردم، تا این که شبی در حالت غم و غصه به خواب رفتم، و در عالم خواب دیدم آقا امام حسین علیه السلام با حالتی نورانی تشریف آوردند، و در وسط حیاط منزل ایستادند، در حالی که عبائی بر دوش و نعلین زردی به پا داشتند، با حالت ادب دست به سینه مقابلشان ایستادم، حضرت لبخندی به من زدند، گفتم آقا کجا بودید؟ فرمودند: مگر تو نمی خواهی روضه بخوانی؟ من آمده ام کمکت کنم، و فرمودند: جاروئی حاضر کن، من یک مقدار گردش کردم و متوجه بودم که جاروهای ما کثیف است و مناسب نیست به دست حضرت بدهم، دوباره مقابل حضرت آمدم و دست به سینه ایستادم، حضرت فرمودند جارویت چه شد؟ هیچ جواب ندادم، ناگاه نوری از آسمان آمد، دیدم یک جاروئی است همه اش نور، و تمام محله را روشن کرده که نمی توانم تشریح کنم، حضرت آن را به دست گرفتند، و به اندازه یک فرش 3x4 از حیاط منزل را جاروب زدند و بعد با دست مبارکشان اشاره فرمودند که منبر را اینجا بگذار، تو روضه بخوان ما تو را کمک کردیم و رفتیم، چشمهایم را باز کردم، ساعت 2 بعد از نصف شب بود، باز هم تا صبح، یا حسین، یا حسین گفتم و گریه کردم، و عرض کردم: آقا ممنونم کمکم کردید، راحت شدم اذان صبح شد، نماز خواندم، صدای در خانه بلند شد، وقتی در را باز کردم آقائی پشت در بود گفت، چرا ناراحت هستی؟ گفتم ناراحت نیستم، مقداری قند و چای داد و گفت: اینها را آقا امام حسین علیه السلام برایت فرستاده اند و هر چه تو دیدی من هم دیدم(1) ناراحت

ص: 230

1- یعنی من هم به محضر امام حسین علیه السلام شرفیاب شدم، و دستورات کار را به من دادند، و می دانم به تو چه فرموده اند.

نباش، حضرت دستور دادند که فلانی را دعوت کنم بیاید روضه بخواند.

بدین صورت مجلس روضه شروع شد، از روز اول، مجلس بسیار عجیبی بود، جمعیت زیادی می آمدند، علماء نیز شرکت می کردند، مردم می گفتند اینجا چه خبر است؟ ما حاجات مهم خود را از امام حسین علیه السلام گرفته ایم، و در حقیقت مجلس روضه، شفاخانه امام حسین علیه السلام گردیده بود.

در حال حاضر، همان اطاقی که آقا تشریف آوردند و همان صندلی که حضرت بر روی او نشستند هنوز باقی است (1) (1) و بیماران صعب العلاجی شفا گرفته اند که در دفتری که موجود بود، وضعیت و نوع مشکل و شفای آنها ثبت شده است.

در روز شهادت حضرت زهراء کبوتر پرواز کرد

کبوتری که در روز هشتم محرم و در مقدمه شفای من وارد اطاق شده بود، در روز شهادت حضرت زهراء علیها السلام یک دور، دور خانه زد و روی زانویم نشست من دانه های گندم را در کف دستم قرار دادم و نزدیک او بردم، ناگاه کبوتر به سوی آسمان (به صورت نور) پرواز کرد، من شروع کردم به سر و صورت زدن و می گفتم: کبوترم رفت .

پس از آن به مجلس علماء شهر رفتم، گفتند چه خبر شده است؟ قضیه را شرح دادم، آنها فرمودند: نگران نباش این کبوتر قاصد امام حسین علیه السلام بوده، و حالا که مأموریتش تمام شده برگشته است.

ص: 231

1- همه جمعیت اصفهانی که برای مراسم روضه شرکت کرده بودند مشاهده نمودند که بیماران زیادی را از راه دور و نزدیک آورده بودند، و در آن اطاق و در فضای مجاور آن قرار داده بودند، و با ریسمانی به پای آن صندلی مخصوص بسته بودند، و تاکنون بیماران زیادی شفا گرفته اند.

این کبوتر هر سال، یک روز در جلسه روضه می آید، و بعد از گردش دور خیمه امام حسین علیه السلام ساعاتی را در مجلس می نشیند، و از جمله:

در سال قبل (1421 قمری) در هنگام شفا گرفتن زنی که سرطان مغزی داشت، آن کبوتر حاضر بود.

شاعر و مداح مشهور، آقای حاج غلامرضا سازگار نقل کردند:

نشسته بودم که آقائی وارد شدند (که بعداً مشخص گردید از خدام با اخلاص و سالخورده آستان مقدس امام علی بن موسی الرضا علیه السلام هستند) پرسیدند حاج ماشاء الله خداداد کیست و الان کجاست؟ به همراه یکدیگر نزد حاج ماشاء الله رفتیم، به ایشان گفت: تو کاری نداشته باش چه کسی هستم و از کجا آمده ام، فقط من پیغامی از طرف حضرت رضا علیه السلام برای شما آورده ام، حضرت فرمودند:

روضه شما باید به اندازه سن مادرم زهراء علیه السلام هجده روز باشد

و گلاب مجلس را هم من می دهم، و باید این گلاب را در مجلس پاشید، آن روز آخر مجلس، و روز دوازدهم روضه بود، که بایستی مجلس پایان می یافت، حاج ماشاء الله در همان لحظه گفت شما اعلام کنید: و در وقتی که مطلب را برای مردم گفتم، آن چنان مجلس منقلب شد، و صدای ضجه و شیون بلند گردید که دیگر امکان سخن گفتن نبود، و تا مدتی صبر کردم، و به علت نوع تأثیری که بر مجلس گذاشته شد، و دگرگونی غیر عادی که حاصل گردید، یقین کردم که سخن، از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است، که با این تأثیر عجیب و غیر عادی، تمام دلها و مغزها و جانها را تسخیر نمود.

آقای حاج آقا سازگار نقل نمودند: حاج آقا ماشاء الله در یکی از سالها، تشرّف به محضر حضرت بقیّة الله عجل الله تعالی فرجه پیدا می کند، و آن حضرت مقداری نبات به

او داده بودند، و حاج آقا ماشاء الله، به اندازه یک عدس از آن نبات را به خانواده من (همسرم) داده بودند، یکی از همسایگان ما، در تهران بچه ای داشت مبتلا به بیماری تالاسمی، مادر این بچه، روزی به منزل ما آمده بود و بسیار گریه و زاری و التماس نموده بود که، چون شما فعلاً نیازی به این نبات متبرک ندارید، آن را به من بدهید برای بچه من که در حال تلف شدن است، همسرم تحت تأثیر حالت اضطرار مادر بیچاره، نبات یاد شده را به او می دهد و پس از خوردن آن، بچه شفا پیدا می کند، و پس از انجام آزمایشات پزشکی، شفای کامل او تأیید می گردد.

در حال حاضر در سال 1424 قمری که این داستان را می نگارم (چهل سال از جریان شفای عجیب حاج ماشاء الله خداداد (نجار) می گذرد، و او با کهولت سن، بسیار سرزنده است، و روحیه ای بسیار عالی دارد، و در ایام برگزاری عزاداری بسیار گسترده و عظیم (به مدت 18 روز) آنهم در حسینیه ای بزرگ، با ضمیمه شدن کوچه های اطراف، و آمدن علاقمندان از شهرهای دور و نزدیک، با کمال علاقه و شور و عشق حسینی، در خدمت مهمانان حضرت سید الشهداء علیها السلام می باشد.

او در اثر عنایت حسینی و لطف امام رضا علیه السلام و حضرت بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه به عنایاتی مفتخر گردیده، و شرح قسمتی از آن عنایات را در آن شب و جلسه به یاد ماندنی برای این کمترین نویسنده بازگو نمود، ولی به خاطر عهد و پیمانی که با من بسته، از ذکر آنها معذور می باشم.

74 - پشیمانی انتقاد کننده به شکل برنامه فاطمیه

در یکی از سالهای گذشته، برنامه های بزرگداشت ایام شهادت فاطمه زهراء علیها السلام

انجام شد. و طلاب و مدرّسین و جوانهای با اخلاص و مردم معتقد و فداکار، هر کدام به شکلی عرض ادب و ارادت نمودند. و مخلصانه در نشر و ترویج نام و یاد و مکتب انسان ساز حضرت زهراء علیها السلام همّت گماشتند، پس از گذشت مدّت زمانی، یک نفر که به افکار و سلیقه شخصی خود زیاد پای بند بود عده ای از طلاب فداکار در راه نصب پرچمها و پوسترهای فاطمیّه علیها السلام را جمع کرده، و به شکلی شدید به آنها اعتراض نمود، که چرا پرچمها و پوسترها اسم و آدرس ندارد، و به هیچ عنوان جنبه های اخلاص و آثار و برکات خلوص نیت را مورد توجه قرار نمی داد، و در آخر گفتگو و بحث، سخنان خود را صحیح و برتر می دانست.

دو هفته از این ماجرا گذشت، با یک حالت پشیمانی و ندامت شدید، به یکی از مدرّسین عالی قدر (که در برنامه های فاطمیّه با اخلاص کامل، فعّالیت مستمر و کارسازی دارد) گفته بود، طلبه هایی را که در آن جلسه بحث و گفتگو بودند حاضر کنید، می خواهم با آنها صحبتی داشته باشم، مدرّس یاد شده می پرسد، جریان چیست؟ می گوید: من مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید احمد خوانساری قدس سره (1) را با لباسی خوب و هیئت و جمالی عالی دیدم، و ایشان با حالت عصبانیت شدید به من فرمودند: چرا اعتراض کردی به کار پوسترها، و با کلمات تند و خطاب و عتاب زیاد با من سخن گفتند، و لذا من از سخنان خودم پشیمانم و می خواهم از حق تعالی و حضرت صدیقۀ کبری علیها السلام عذر خواهی کنم و آن طلبه ها را جمع کنم و پشیمانی خودم را علناً و رسماً اعلام نمایم.

ص: 234

1- ایشان از مراجع معظم تقلید بودند و از نظر مقام تقوی و معنویت، تالی تلو معصوم بشمار می رفتند، و در ربیع الثانی 1405 قمری وفات یافتند.

خانمی است به نام زهره کریمی (که قبلاً کلیمی بوده و به اسلام روی آورده) زندگیش نکته های مهم و جالبی دارد که قسمت هائی از آنرا ملاحظه می نمائید هفت هشت ساله بودم که به خاطر همسایگی با مسلمانان، با اسلام آشنا شدم و قضیه ای عجیب مرا به سوی امام حسین علیه السلام کشانید.

هشت ساله بودم برای تهیه نان به نانوايي رفتم، یک جوان مسلمان ریگ بسیار داغی که از نان سنگک جدا شده بود را در پیراهنم انداخت و من در اثر سوزش بدنم به خاطر آن سنگ داغ بی تاب شدم و گفتم: اگر امام حسین شما راست است خدا کند به حق ایشان، جوان مرگ شوی، و آن جوان در همان ایام به طور ناگهانی دل درد شدیدی گرفت و نتوانستند معالجه اش کنند و جوان مرگ شد.

در همان ایام احساس خاصی نسبت به امام حسین علیها السلام پیدا کردم، و عشق و علاقه ام به آن حضرت زیاد شد، و در ایام سوگواری تاسوعا و عاشورا توجهم به آن بزرگوار جلب می گردید، و عنایتی را هم دیدم که مرا بیشتر جذب نمود.

مادرم یازده دختر داشت و هیچ و هیچ پسر نداشت، و پدرم او را سرزنش می کرد، تا یک روز تاسوعا همراه مادرم به سقاخانه ای رفتیم، و مادرم یک بسته شمع خرید و پشت پنجره سقاخانه آنها را روشن نمود و گفت: یا امام حسین علیه السلام شما نزد خدا محبوبیتی دارید، از خداوند بخواهید که پسری به من عنایت کند.

در سال بعد در همان روز تاسوعا و در همان لحظه ای که شمعها را روشن نموده بود، خداوند دو پسر به او عطا کرد و ما بسیار خوشحال شدیم.

مدتی بعد مادرم خواب دیده بود که آقائی فرمودند: دو پسر به تو دادیم که یکی به درد دنیايت بخورد و دیگری به درد آخرت. همین طور هم شد یکی از آن

یکی از آن دو پسر پس از چهل روز از دنیا رفت، و دیگری باقی ماند که آلان با خانواده اش در اصفهان زندگی می کند.

پس از این جریانها تصمیم گرفتم که مسلمان شوم، و پس از اسلام آوردن نزد امام جمعه آن زمان، پدرم مرا نفرین کرد و از خانه بیرون نمود، و سالهائی را با مشکلات زیاد سپری نمودم.

یک روز پسرم در کوچه مشغول بازی بود، و در اثر غفلت شاگرد اتوبوس دستش لای درب اتوبوس گیر کرد و به پوست آویزان شد، دکتری انگلستان او را پیوند زد، ولی عمل جراحی خوب انجام نشده بود، و لذا دست پسرم عفونت کرد و گفتند باید دست او از آرنج قطع شود، ولی من دلم نمی خواست، از پزشک سؤال کردم راه دیگری هست؟ گفت: در خارج ممکن است عمل کنند و مداوا نمایند. و من با توجه به شنیده هایم درباره متخصصین اسرائیلی، منزلم را فروختم و با پس اندازی که داشتم به اسرائیل رفتم، و آنجا هم گفتند دیر آمده ای، اگر سه ماه قبل می آمدی می توانستیم کاری بکنیم، ولی هم اکنون جز با قطع دست نمی شود کار دیگری کرد، و برخلاف میل قلبی ام برای قطع دست فرزندم آماده شدم، ولی شب قبل از عمل جراحی، در حالت خواب و بیداری بودم که حضرت زهراء علیها السلام را مشاهده نمودم، و در حالتی که دامنشان را با دستم محکم گرفته بودم، گریه و زاری می کردم و شفای فرزندم را از ایشان می خواستم، ایشان دست مرا بالا بردند و فرمودند:

من در کشور تان یک فرزندی دارم، برو آنجا، چرا اینجا آمده ای؟

ناراحت نباش دست پسرت را قطع نمی کنند

هنوز دامن ایشان در دستم بود که از خواب بیدار شدم، تقریباً دو ساعت از نیمه

شب گذشته بود، به سرپرستار بخش و مسئول بیمارستان مراجعه کردم، ولی با خشم و تندی به من گفتند برو بخواب، و این مسئله را با دکترش در میان بگذار، صبح این مطلب را با دکتر در میان گذاشتم و گفتم نمی خواهم دست پسرم قطع شود، ولی دکتر از حرف من ناراحت شد و قبول نمی کرد، و گفت هرچه دیرتر دست او را قطع کنی ضررش بیشتر است، ولی من با اصرار زیاد نگذاشتم این عمل انجام گیرد و دکتر می گفت در آینده می فهمید اشتباه کرده اید، و فرزندتان را بدبخت نموده اید، و در هر صورت، تعهد دادم و سریعاً به ایران برگشتم، و به مشهد مقدس مشرف شدم، و از امام رضا علیه السلام شفای او را گرفتم.

وقتی وارد مشهد شدم، در اطراف حرم در خیابان طبرسی، اتاقی اجاره کردم، سپس با دلی شکسته به سوی حرم مطهر روانه شدم، و چون کاملاً راهها را بلد نبودم ناگاه خودم را جلوی پنجره فولاد دیدم، در آنجا شروع کردم به راز و نیاز و زاری با آقا امام رضا علیه السلام و گفتم:

من بدون اجازه اینجا نیامده ام، از مادر بزرگوارتان فاطمه زهراء عليها السلام دستور دارم و می خواهم با دلی خوش از اینجا بروم، پس از مدتی مردم اطرافم حلقه زدند و یکی از خادمان گفت:

دخترم! آنچه می خواستی گرفتی

در این هنگام، از نظر روحی سبک شده بودم، و تصمیم بر رفتن گرفتم، ساعت 11 شب بود، از داروخانه وسیله پانسمان گرفتم و به خانه رفتم، وقتی دست پسرم را برای پانسمان باز کردم کاملاً خوب شده، و هیچ اثری از زخمها در او نیست، از شدت خوشحالی به خیابان دویدم و فریاد کشیدم، به طوری که مردم خیال کردند دیوانه شده ام، بعداً پسرم گفت آن وقتی که پشت پنجره فولاد

بودم، آقائی با لباسی بلند که به زمین کشیده می شد آمدند، سپس دستم را لای لباسشان پیچیدند، در آن موقع احساس کردم دستم خوب شده و بهبودی کامل یافته، و پس از دیدن این معجزه، بیشتر شیفته آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام شدم و عده ای از مردم، به خاطر این عنایت، به دیدن ما آمدند.

پس از آن از آقا خواستم که توفیق دهند مجاور مشهد مقدس شوم، که چنین هم شد، و 28 سال است که در مشهد مقدس ساکن گردیده ام، و خدا را بر این نعمت بزرگ شکرگزاری می کنم (1).

76 - میزبان شما فاطمه زهرا علیها السلام هستند

یکی از خطباء پر تلاش در راه احیاء امر اهل بیت علیهم السلام که در فعالیت های تبلیغی در مناطقی که شیعیان در اقلیت و محرومیت به سر می برند، کارهای زیادی انجام داده، و مساجد و مراکز دینی به نامهای مقدس امیر المؤمنین و حضرت زهراء علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و حضرت ابا الفضل علیه السلام و دیگر پیشوایان دینی تأسیس نموده، و با پایه گذاری هر مسجد و حسینیه کتابخانه ای، گویا خانه ای برای اهل بیت علیه السلام بنا می کند، مورد عنایتی قرار گرفته، که داستان آن را ذیلاً ملاحظه می نمائید:

وقتی پسرم در تصادف ماشین سخت مصدوم شد، تمام اوقات شب و روز من به مدت یک سال که او بستری بود اشغال شد. لذا از این که نمی توانستم برای تبلیغ و کارهای خدماتی به اطراف مسافرت کنم بسیار ناراحت بودم، به خصوص که مساجد نیمه تمام بعضی از نقاط استان سیستان و بلوچستان متوقف مانده بود.

ص: 238

یک شب از آن جهت که نکند سلب توفیق از من شده است، بسیار ناراحت بودم، خواب دیدم که مثل همیشه به سفر رفته ام و خوشحال بودم که به کارهایم خواهم رسید، خود را در بیابان و در مقابل ساختمانی یک طبقه و گلی (که آن قدر بزرگ بود که قسمت زیادی از آن بیابان را اشغال کرده بود، دیدم متحیر شدم که این جا کجاست و چرا به این جا آمده ام؟ خواستم از صاحب خانه در این مورد سؤال کنم، ولی کسی داخل منزل نبود، بی اختیار وارد منزل و اولین اتاق شدم، اتاقها تو در تو، و خالی از سکنه بود، ترسیدم که اگر الآن صاحب خانه وارد شود فکر می کند که یک نفر در لباس روحانی برای دزدی آمده است، از هر دری می خواستم بیرون روم وارد اتاق دیگری می شدم، تا در آخرین مرحله، وارد اتاق ساده و کوچکی شدم، باز همان فکر مرا ناراحت کرد، ناگهان از یکی از درها خانمی وارد شد، من بدون دیدن صورت او سر را به زیر انداختم و گفتم: خانم! معذرت می خواهم، من مسافر و راه را گم کرده ام، و نمی دانم این اتاقهای تو در تو چیست، و من الآن کجا هستم؟ آن خانم که لباسی ساده ای بر تن داشتند، گفتند: هر کجا هستید قدمتان روی چشم.

ناگهان مردی از در دیگر وارد اتاق شد، من نخست به وحشت افتادم که این مرد اگر سؤال کند با این زن در این اتاق چه می کنی چه جواب دهم؟ بلافاصله گفتم: آقا ببخشید، این خانم همین الآن وارد شدند، و من هم مسافر راه گم کرده ای هستم و بی اختیار گرفتار این اتاقها شده ام، و نمی دانم کجا هستم، و اگر میهمان محسوب شوم، نمی دانم میزبان من چه کسی است؟ آن مرد گفت:

میزبان شما فاطمه زهراء علیها السلام هستند

از خواب بیدار شدم، و به نظرم رسید که چون میزبان من فاطمه زهرا علیها السلام بودند

آن اتاقهای تو در تو، شاید مصداق آیه شریفه:

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، بيوت اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام باشد.

77 - مجازات کار شکنی و مخالفت در مورد حق حضرت زهرا عليها السلام

در اوائل انقلاب اسلامی (به بهانه های ساختگی و یا سست و فرومایه) کسانی و گروههایی بودند که نه تنها هیچ اقدامی درباره دفاع از مظلومیت حضرت زهرا عليها السلام نمی کردند، بلکه با افسانه سازی، ذکر مصیبت و بیان مظلومیت های آن شهیده بزرگ را زیر سؤال می بردند، و حتی در بزرگترین رسانه عمومی با نقل قضیه ای ساختگی، روضه خواندن برای حضرت زهرا عليها السلام را مورد تهاجم قرار دادند، و تبری از ظالمین و قاتلین آن حضرت را از بزرگترین کارهای منفی به حساب می آوردند، و با توجیحات غیر اصولی و فریبکارانه، سعی می کردند که محبت دشمنان و ستمگران بر فاطمه زهراء عليها السلام را در دلها ایجاد و تقویت کنند، و لا اقل از روشن شدن حقائق تاریخ، و کشف جرائم آن جنایتکاران، جلوگیری نمایند، مبادا دلها از آنها نفرت پیدا کند.

ولی مظلومیت و حقیقت فاطمه زهراء عليها السلام آثار خود را ظاهر نمود، و آنها به شکلهای گوناگون بدنام و ذلیل و رسوا گردیدند، و عده ای از آنها (برخلاف افکار و اندیشه های قبلی خود) در دفاع از حق مسلم و مظلومیت حضرت زهراء عليها السلام اقدام نمودند.

بعضی از آنها که در راه اشتباه خود پافشاری داشتند، به وسیله اشتباهکاری های گوناگون خود، به تباهی و نابودی کشیده شده، و به بدترین وجهی، ذلیلانه به درک رفتند، و یا به انزوای همراه با بدنامی و ذلت گرفتار شدند.

یکی از خطباء نامدار و با سابقه، و پر تلاش در راه کمک به شیعیان (در مناطقی که اکثریت با مخالفین است) که دهها سال از عمر پر برکت خود را در راه تأسیس مساجد، حسینیه ها، کتابخانه ها، خانه های عالم و یاری رساندن به شیعیان محروم، بالأخص در استانهای: هرمزگان (بندر عباس) سیستان و بلوچستان مصرف نموده، و هم اکنون نیز با کهنوت سن، در راه احیاء آثار اهل بیت علیهم السلام دست از جهاد و کوشش برنداشته است، قضیه عجب و تکان دهنده زیر را نقل می نمودند، که ذیلاً تقدیم دلباختگان و دلسوختگان حضرت زهرا علیها السلام می نمایم:

أوائل انقلاب بود، با جمعی از دوستان و یاران (برای رسیدگی به يك سری مسائل) به استان هرمزگان و جزیره قشم رفتیم، شبی در یک مجلسی که جمعیت فراوانی از متعصبین غیر شیعه حضور داشتند، منبر رفتیم و حدیثی را در فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام از زبان ابوبکر نقل کردم، و به ملاحظه تعصب حاضرین در مجلس (که از مخالفین بودند) گفتم: ابوبکر صدیق، سخنرانی تمام شد و به منزل میزبانمان رفتیم، و پس از صرف شام خوابیدیم، ناگاه در نیمه های شب با صدای گریه یکی از همسفران بیدار شدیم، معلوم شد، آن همسفر (که مادر او هم سیده است) در عالم رؤیا صدای بانویی را شنیده، که از کلمه صدیق اظهار تبری و نارضایتی کرده اند، و بیننده خواب گریه می کرد و جریان را نقل می نمود، و همه نگران شدیم.

اینجانب، برای این که بغض و شدت نگرانی حضرت زهراء علیها السلام را نسبت به دشمنانشان برای شیعیان و دوستان آن حضرت تشریح کنم، در اولین جلسه

سخنرانی در ایام فاطمیّه علیها السلام در شهر اصفهان، جریان را نقل کردم، شب بعد دیدم بانی و برگزار کننده مجلس، که فردی بسیار متدین و مخلص، ولی بی سواد بود، با چشم گریان در مجلس ایستاده، و مرا بغل کرد و بوسید و گفت:

مرحباً بک یعنی چه؟ گفتم چرا گریه می کنی؟ و این سؤال برای چیست؟ گفت: دیشب در عالم خواب دیدم شما بالاسی همین منبر هستید، و در همان حال که در مورد غضب و خشم حضرت زهراء علیها السلام نسبت به دشمنانشان سخن می گفتید، و داستان کلمه صدیق و نگرانی حضرت را شرح می دادید، دیدم خانمی نورانی و نقاب بر رو، از میان زنها برخاستند، و مرا صدا زدند و فرمودند: به این آقا بگو: «مرحباً بک» با شنیدن این رؤیا و لطف و مرحمت حضرت زهراء علیها السلام منقلب شدم، و متوجه گشتم که، آن حضرت تا حدی نسبت به دشمنان خودشان خشمگین و غضبناک هستند که راضی نیستند نسبت به آنها، با الفاظ احترام آمیز برخورد شود، و همان شب جریان خواب بانی مجلس را برای مردم شرح دادم، و این مطلب تقریباً روضه آن شب بود، و همه را دگرگون و منقلب کرد، و در این زمینه این دو بیت را سروده ام:

ز بسکه فاطمه از دشمنان بد آئین ستم کشید و نبودش بجز دلی خونین

نه راضی است، که کس نام دشمن او را برَد به نیکی و، سازد به احترام قرین

79- همانطور که خودت می گوئی صحیح است و ترک نکن

مهندسی است دل بسته به اهل البیت علیهم السلام و علاقمند به حضرت زهرا علیها السلام و جریانی برایش اتفاق افتاده، که چنین تعریف می کند: صلوات بر فاطمه زهراء علیها السلام را از یکی از علماء بزرگ، این چنین یاد گرفته و حفظ نموده بودم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آيَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

و در قنوت نمازها این صلوات نورانی و پر فیض را می خواندم، تا این که در یکی از سالها (در ایام فاطمیّه) به مجلسی رفتم، و گوینده ای همان صلوات را می خواند، ولی در اعراب آن، در دو مورد غیر از آنچه ذکر شد قرائت نمود و من دچار تردید شدم، و با این که به آن عالم بزرگی که از او فرا گرفته بودم کاملاً اعتماد داشتم، ولی با این حال به نظرم رسید، تا بررسی مجدد انجام نداده ام صلوات را در قنوت نماز خود نخوانم، ولی پس از گذشت مدّت زمانی، نگران شدم، که چرا موفق به تحقیق نشده، و از خواندن صلوات محروم شده ام

در عالم رؤیا، در منزل قدیمی پدرم، در اطاق بزرگ پذیرائی، که در قدیم می گفتند (پنج دری) (1) و محلّ نشست پدرم با علماء بزرگ بود، و بسیاری از مجالس و محافل دینی در آن تشکیل می شد (و از قداست خاصّی برخوردار است) دیدم روحانی سیّدی نشسته اند، و گویا روی سجاده ای هستند، و من هم رفتم، و در طرف راست آن بزرگوار یک قدم عقب تر نشستم، و بدون این که سؤالی بکنم و سخنی بگویم و صورت ایشان را ببینم، ایشان صورتشان را به طرف من برگرداندند و فرمودند:

همانطور که خودت می گوئی صحیح است و ترک نکن

مهندس یاد شده، در جلسه ای کنار این نویسنده کمترین نشست، و صلوات بر فاطمه زهراء علیها السلام را به همان نحوی که آن عالم بزرگ به ایشان یاد داده بود خواند، و ضمن نقل خواب خود، پرسید آیا این صلوات را صحیح خواندم؟ گفتم: بله، همین طور صحیح است، و از نظر اعراب و علم نحو همین گونه باید خوانده شود، و آنچه در عالم رؤیا دیده ای کاملاً با قواعد عربی مطابقت دارد.

ص: 243

1- اطاقی بود که پنج درب داشت، و نسبتاً بزرگ و محلّ پذیرائی مهمان بود

80- همان ساعتی که توسل به حضرت زهراء غلیان پیدا می کنند

یکی از ارادتمندان و دلباختگان آستان مقدّس حضرت زهراء علیها السلام نقل فرمودند که: یکی از روحانیون (که اهل منبر نیز می باشد) گفتند:

روزی در فکر فرو رفتم که سی سال است خود را سرباز امام زمان عجل الله فرجه می دانم، و منبر می روم، و هنوز لیاقت دیدار آقا را نیافته ام، و به نظرم رسید که توسل پیدا کنم، و ختمی بردارم تا به آرزویم نائل شوم، و لذا تصمیم گرفتم چهل شب چهارشنبه به مسجد مقدّس جمکران بروم، و حاجتم را از خود آقا بخوام و به همین جهت، شبهای چهارشنبه با حالت التجاء و توسل، به مسجد جمکران می رفتم، و در حالت قنوت نماز با اشک جاری می گفتم:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زِيَارَةَ حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام

تا این که چهل شب گذشت، و خبری نشد، ولی من به توسل و استغاثه ام ادامه دادم، و شبها در منزل خودم، در دل شب نماز امام زمان عجل الله فرجه را می خواندم و با سوز و ناله و اشک، همان دعا را تکرار می کردم.

شبی در عالم رؤیا، به محضر آقای بزرگوار مشرف شدم، فرمودند: چه می گویی؟ عرض کردم: عشق دیدار آقا روز به روز در وجودم شعله ور می شود، چه کنم؟ فرمودند: در مجالس آقا ابا عبد الله الحسين عليه السلام به حاجت می رسی، پرسیدم در کدام مجلس؟ فرمودند: فرق نمی کند، عرض کردم: در چه وقت؟ فرمودند: همان ساعتی که توسل به حضرت زهراء علیها السلام پیدا می شود.

روز بعد یکی از دوستان، مجلسی بر پا کرده بود، و برای مدّت پنج روز دعوت کرد که من منبر بروم، قبول کردم و روزها به مجلس او می رفتم، تا این که در روز پنجم، که روز آخر مجلس بود، طبق معمول (که در آخرین روز مجلس،

متوسّل به حضرت زهراء عليها السلام می شوند و از مصیبت آن حضرت می خوانند) به حضرت زهراء عليها السلام متوسّل شدم، و از مصائب آن حضرت خواندم، در ابتداء منبر، دو نفر از دوستان، با مقداری فاصله از یکدیگر در ایران نشسته بودند، ولی به مجرد این که وارد ذکر مصیبت شدم، دیدم آقای بزرگواری، با شال سبز و بسیار نورانی، بین آن دو نفر نشسته اند، و آن چنان آشک می ریختند و روی پای خود و نیز به صورت خود می زدند، که توجّه من کاملاً به سوی ایشان جلب شده بود، و با خودم می گفتم ایشان کیستند با این خصوصیات؟ و با خودم گفتم: وقتی از منبر پائین آمدم، می روم به محضر ایشان، و التماس دعا می گویم، ولی وقتی روضه ام تمام شد، ایشان را ندیدم، رفتم سراغ آن دو نفر، و از آنها پرسیدم، این آقا کجا رفتند؟ در جواب من گفتند: ما کسی را ندیدیم و من فهمیدم که آقا حضرت بقیّة الله الأعظم علیه السلام بوده اند که در هنگام توسّل به حضرت زهراء عليها السلام (طبق وعده و بشارت قبلی) به دیدارشان نائل گردیده ام.

81- کلمه خانم را دوست نمی داریم، نام دیگری ببرید

یکی از دلباختگان حضرت زهراء عليها السلام که سالهای طولانی است در آستان مقدّس حضرت زهرا عليها السلام و حضرت بقیّة الله عجل الله فرجه عرض ادب می نماید و خدمتگزاری درگاه اهل البیت عليهم السلام را افتخار خود می داند، با این که مدّاح رسمی نمی باشد، ولی گاهی بانقل بعضی از قضایای مربوط به حضرت زهرا عليها السلام و امام زمان عليها السلام (همراه با ذکر مصیبت) نام خود را در لیست ذاکرین اهل البیت عليهم السلام قرار می دهد.

ایشان نقل کردند که، در هنگام نقل داستانهای عنایات حضرت زهرا عليها السلام کلمه خانم را به کار می بردم تا این که یک روز یکی از روحانیون (که سیّد هم

هستند) به من فرمودند: شما مدّاح هستید؟ گفتم: نه، ایشان در فکر فرو رفتند. چند دقیقه گذشت، از ایشان پرسیدم چطور؟ فرمودند، در عالم خواب پیغامی برای شما به وسیله من فرستاده اند، ولی شما که می گوئید من مدّاح نیستم و معنای این پیغام را نمی فهمم، گفتم: البته گاهی از اوقات از حضرت زهراء علیها السلام می خوانم، در این هنگام ایشان فرمودند: حضرت زهراء علیها السلام به من فرمودند که به شما بگویم:

ما این کلمه خانم را دوست نمی داریم، چرا یکی دیگر از القاب و أسماء را نمی گوئید، مثل مادر، بی بی، أم الأئمه

82- شما که چای مجلس حسینم را نمی خورید

مرحوم آیه الله، آقای حاج سیّد أحمد امامی قدس سره نقل می فرمودند:

یکی از روزهای ماه محرم و دهه عاشوراء، مادر ما (مرحومه حاجیه خانم امامی العربیضی) به مجلس روضه منزل مرحوم حاج سیّد حسن بنکدار(1) رفته بودند، و با توجه به رعایت احتیاط و در نظر گرفتن نظافت و تمیز بودن، چای روضه را میل نکرده بودند.

شب در عالم رؤیا دیده بودند که، حضرت زهرا علیه السلام برگه های سبزی را به مردم می دهند، و می فرمایند: برگه ورود بهشت است. ایشان نیز جلو می روند و عرض می کنند: به من هم از این برگه ها عنایت کنید، حضرت زهراء علیها السلام می فرمایند: شما که چای مجلس حسینم را نمی خورید.

ص: 246

1- مجلس روضه منزل مرحوم حاج سیّد حسن بنکدار، سابقه بیش از یکصد و سی سال دارد، و از مجالس با معنویت و استثنائی می باشد، و تاکنون حال و هوای معنوی آن محفوظ مانده است، و فیض و برکات حسینی در این مجلس، به عزاداران و سوگواران می رسد.

از آن زمان، مادر مان وقتی در مجالس روضه امام حسین علیه السلام شرکت می کردند، لازم می دانستند که از جای مجلس عزای حسینی بنوشند.

83 - خداوند خیرت بدهد، از جدّ غریب ما دفاع کردی نترس

یکی از خطباء مشهور که، نسبت به اهل البیت علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام، علاقه و محبت فراوان دارد، می نویسد: یکی از مبلغین وهابیت، که بر علیه شیعه فعالیت و تبلیغ بسیاری دارد، و مدرسه ای نیز برای تربیت شاگردان مکتب مخالفین تأسیس نموده است، در یک سخنرانی بسیار زشت در مورد غدیر، آن را به تمسخر می گیرد و رد می کند، و از طرف دیگر، در بعضی از مناطق محلّ سکونت مخالفین، در روز عاشورائی، نسبت به سید الشهداء، امام حسین علیه السلام اهانت نموده و یکی از پرچمهای عزای امام حسین علیه السلام را آتش زده بودند و در یکی دیگر از همان مناطق، جمله های اهانت آمیز نسبت به شیعیان و مقدّسات آنها، بر دیوارها نوشته بودند.

هنگامی که از مطالب یاد شده مطلع شدم، بسیار نگران و پریشان گشتم، و در یکی از سخنرانی ها، دو ساعت صحبت کردم، و ابعاد گوناگون غدیر را بحث کردم، و از 13 رجب تا غدیر خم، و از غدیر خم تا محراب خونین مسجد کوفه را، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادم و با تأیید الهی و کمک ارواح مقدّس معصومین علیهم السلام مطالبی را بیان کردم، که دیگر محال می دانم بتوانم چنین سخنرانی را با آن بیان و حالت روحی عجیب تکرار کنم.

چنان سکوتی بر مجلس حکمفرما بود، که گویا کسی نفس نمی کشید، و چشم مستمعین خیره مانده بود، وقتی صحبت از مظلومیت های امیر المؤمنین علیه السلام به میان می آمد، صدای ضجه مردم بلند می شد، و با اشک ریزان، زمین و زمان را می لرزاندند

سخنرانی تمام شد، وقتی به ساعت نگاه کردم، دیدم دو ساعت است که منبر رفته ام، و نه خودم، و نه مستمعین، هیچکس متوجه طولانی شدن سخنرانی نگردیده بود. جوانان غیور آن منطقه، بسیار تشکر کردند و گفتند: ما درباره غدیر چنین سخنانی نشنیده بودیم، و آگاهی نداشتیم.

فردای آن شب، همسرم از شهر خودمان به منطقه ای که در آن سخنرانی کردم تلفن زد، و با حالت گریه بسیار شدیدی گفت: موضوع سخن و بحث دیشب شما چه بوده است؟ گفتم: چطور؟ گفت: دیشب خواب عجیبی دیدم، حضرت رضا علیه السلام تشریف آوردند، و دو عدد سیب سرخ به من دادند، و فرمودند: یکی از اینها را خودت بخور و دیگری را به شوهرت بده، و از قول ما به او بگو:

خداوند خیرت بدهد که از جد غریب ما دفاع کردی! نترس

در ایام 27 رجب امسال نیز به خراسان بیا، ما با تو کار داریم

من خیلی خوشحال شدم، و از این که موفق شده ام که در عمرم، ولو یک بار، آقا و مولایم را خوشحال کنم بسیار مسرور شدم، و بسیار گریستم (البته گریه شوق) پنج شب آخر ماه رجب را، قبلاً در یکی از شهرستانها قول داده بودم که برای سخنرانی بروم، ولی به خاطر همین دستور امام رضا علیه السلام پیغام دادم که نمی توانم بیایم و برنامه ام را به تأخیر انداختم، آنها نیز قبول کردند، و به مشهد مشرف شدم، که مورد عنایاتی قرار گرفتم، ولی دستور مخفی نگهداشتن آن را به من داده اند، فقط یکی از برکات آن را مجاز هستم بگویم، و آن این که 20 روز بعد از آن، به سوره و زیارت حضرت زینب علیه السلام و حضرت رقیه علیه السلام و عراق (کربلا- و نجف و کاظمین و سامرا) مشرف شدم.

و از آن طرف، در اثر تحریکات برخی عناصر فرصت طلب (برای جلب آراء

مخالفین، در انتخابات) و نیز در اثر تحریک برخی از متعصبین مخالفین، قضیه سخترانی، بعد از چهار ماه به دادگاه مرکز استان کشیده شد، و مرا به دادگاه دعوت کردند. در این زمان، من در آبادان سخترانی می کردم، بعد از اتمام برنامه سخترانی، شبانه بایستی به محل دادگاه (که در استان دیگری بود) حرکت می کردم، در میان راه توّسل به حضرت زهرا علیها السلام و أهل البیت علیهم السلام داشتم و چهارده هزار لعن (از قسم چهار ضرب) بر دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام و قاتلین حضرت زهرا علیها السلام فرستادم، و صبح به دادگاه رفتم، دیدم عده ای از رهبران دینی مخالفین جمع شده اند، و با داد و فریاد و بهانه جوئی های گوناگون و تکیه بر عنوانهایی که می توانست برای آنها نقطه قوت باشد، فضای دادگاه را مسموم کرده بودند، تا این که نوبت دفاع به من رسید.

یکی از چهره های آرزشمنند دادگاه، برای وضو گرفتن خارج شد و سراغ مرا گرفت، و با لبخندی گفت:

ما هیچگاه خودمان را مدیون فاطمه زهرا علیها السلام نمی کنیم شما فقط در دفاع از خودتان بگوئید: من در سخترانیم قصد دفاع از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهراء علیها السلام داشتم ام، و اعتراضات من در سخترانی، نسبت به کسانی بوده، که رعایت حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اوامر آن حضرت را ننموده اند، و نسبت هذیان گوئی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داده اند و با شکستن حریم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آزار دادن به حضرت زهرا علیها السلام، پیامبر خدا را آزار داده اند، و هیچ قصدی جز این نداشته ام.

پس از رسمی شدن جلسه دادگاه، بر همین مطالب تأکید کردم، و مسئولین دادگاه اعلام نمودند که نتیجه را بعداً به شما ابلاغ می نمائیم.

روز پنجشنبه ای بود، که در اصفهان وعده کرده بودم، به منزل یکی از علماء بروم، برای این که در رابطه با کرامات و اُطاف حضرت زهراء عليها السلام مذاکره نمایم، تا این که در این زمینه گامی برداشته شود، دقیقاً مقابل منزل آن عالم، در هنگامی که در ماشین را بستم، صدای زنگ تلفن همراه من بلند شد، و از دادگاه (که در استان دیگری بود) نتیجه حکم را به من اعلام نمودند و گفتند: همین اَلآن نتیجه حکم دادگاه (که تبرئه شما است) اعلام گردید، و براءت شما صادر شد، آری، در لحظه ای حسّاس، و در هنگام شروع اقدامی دیگر برای حضرت زهرا عليها السلام بشارت ختم پرونده داده شد، و کرامتی دیگر و لطفی گواراتر، از جانب آن حضرت، دل آزرده ام را تسلی بخشید، و سرفرازم نمود.

84- به خدا عنایت حضرت زهرا عليها السلام نصیبت شده است

یکی از افراد مورد وثوق و ارادتمند به حضرت زهراى مرضیه عليها السلام که شبهای چهارشنبه مرتباً به مسجد جمکران می رود نقل نمود که:

در یکی از نوبت ها که به جمکران می رفتم، در میان راه، نماز استغاثه به حضرت زهرا عليها السلام را به مردم تعلیم دادم(1) و پس از گذشت سه ماه، روزی در یکی از

ص: 250

1- در روایت است که، هرگاه به سوی حق تعالی تو را حاجتی است، که سینه ات از آن تنگ شده، دو رکعت نماز بخوان، و چون سلام نماز را دادی، سه مرتبه تکبیر بگو، و سپس تسبیحات حضرت زهرا عليها السلام را بخوان، پس از آن به سجده برو، و یکصد مرتبه بگو: یا مولاتی یا فاطمة اُغیثنی، پس جانب راست صورت را بر زمین بگذار و همین جمله را یک صد مرتبه بگو، پس از آن به سجده برو، و همین ذکر را یکصد مرتبه بگو، و پس از آن جانب چپ را بر زمین بگذار و یکصد مرتبه بگو، سپس به سجده برو، و یکصد و ده مرتبه بگو، و حاجت خود را ذکر کن، همانا خداوند حاجت تو را روا خواهد نمود(مفاتیح الجنان)

خیابانها ایستاده بودم، ناگاه دیدم خانمی در تاکسی نشسته بو. وقتی مرا دید پیاده شد و گفت: سه ماه است دنبال شما می گردم که بشارتی بدهم.

سه ماه قبل که شما در راه قم و جمکران، نماز استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام را تعلیم دادید، من دچار مشکل مهمتی بودم به این شرح:

بیماری خطرناکی داشتم که پس از انجام آزمایشات و معاینات پزشکی، دکتر جراح گفت: شما دو عمل جراحی مهم دارید، که باید هر چه زودتر انجام بدهید و هر یک ساعت تأخیر، شما را ماهها به مرگ نزدیک می کند، گفتم چه کنم؟ گفت پانصد هزار تومان هزینه عمل، و پانصد هزار تومان هزینه بیمارستان می شود، آماده کن تا هر چه زودتر مورد عمل جراحی قرار بگیری.

شدیداً نگران شدم، و شوهرم یک کارگر ساده است (با روزی دو هزار و پانصد تومان در آمد) و سه بچه دختر هم دارم، و اجاره نشین هم هستیم، وقتی نظریه دکتر را به شوهرم گفتم، گفت: چه کنم؟ و شبها که از سر کار می آمد با شرمندگی به من نگاه می کرد و در کناری می نشست و گریه می نمود، زیرا هزینه بیمارستان را نداشت، و من هم وقتی به سه دختر بچه ام نگاه می کردم، و یتیمی آنها را در نظر می آوردم، گریه می کردم، و در فکر فرو می رفتم که آیا این سه دختر کوچک با یتیمی و بی مادری چه خواهند کرد؟

یکی از روزها، همسایه نزدیکمان مرا دید و گفت: چرا اینقدر غم زده ای؟ دلیلش را گفتم، و او که وضعیت زندگی ما را می دانست، گفت: شبهای چهارشنبه، عده ای گرفتار به مسجد جمکران می روند و مشکلات خودشان را با امام زمان علیه السلام در میان می گذارند، و برطرف می کنند، تو هم برو انشاء الله شفایت را می گیری. خوشحال شدم، و تصمیم گرفتم من هم به امام زمان علیه السلام

پناهنده شوم، و هفته چهارمی بود که به جمکران می رفتم، و شما در اتوبوس، نماز استغاثه به حضرت زهراء عليها السلام را تعلیم دادید. وقتی به مسجد جمکران رسیدم، به آقا امام زمان علیه السلام عرض کردم، من میهمان شما هستم، ولی اول نماز مادر تان فاطمه زهراء عليها السلام را می خوانم، و شما را قسم می دهم که نگذارید سه دختر بچه من یتیم شوند، در این زمانه، و با مشکلات زندگی، دخترهای بدون مادر چه بر سرشان می آید؟ مشغول نماز حضرت زهراء عليها السلام شدم، در قسمت آخر نماز، هنگامی که 10 عدد آخر ذکر یا مولاتی یا فاطمة اُغیثینی را می گفتم، نفهمیدم چه شد، آیا خواب رفتم، یا حالت مکاشفه بود، دیدم چهار بانوی مجلله در اطرافم هستند، یکی از آنها مقام والایی داشتند، به یکی دیگر از آنها اشاره فرمودند، او آمد و دست مبارکش را زیر گلوی من قرار داد، و تا روی میچ پایم کشید، ناگاه به خود آمدم، دیدم کسی نیست و احساس کردم که خوب شده ام.

وقتی به اصفهان برگشتم به دکتر مراجعه کردم، و درخواست نمودم که مجدداً آزمایشات را انجام دهد، گفت: برای من حتمی و ثابت است که بیماری شما در چه وضعیتی است، و اگر چند روز دیگر کوتاهی کنی، از دست من هم کاری ساخته نیست، ولی اصرار کردم که دستور آزمایشات مجدداً را بنویسد، وقتی جواب آزمایشها را نزد او بردم، گفت: اینها اشتباهی به تو داده شده، گفتم: می دانم این جوابها مربوط به من است، آشکم جاری شد و جریان مسجد جمکران و نماز حضرت زهراء عليها السلام را گفتم، آشک دکتر نیز بی اختیار در آمد، و با دستمال کاغذی آشک های خود را پاک کرد و گفت:

به خدا قسم عنایت خاصه حضرت زهراء عليها السلام نصیبت شده است

نقل کننده داستان قبل، کرامت دیگری از کرامات حضرت زهرا علیها السلام را بدین گونه تعریف نمودند:

روز بیست و پنجم ماه مبارک رمضان در سال 1380 (1422 قمری) شخصی به منظور دعوت جهت جلسه دعای توسل مراجعه نمود، عذرخواهی کردم، و دعوت او را قبول نمودم، ولی او اصرار کرد و گفت: قضیه ای اتفاق افتاده که در ارتباط با شما است، و لازم است در این جلسه شرکت کنید. از جریان سؤال کردم، در پاسخ گفت: شما در مسیر اصفهان - قم در اتوبوس زائران و راهیان مسجد مقدس جمکران، قضیه ای را (از توسل به نماز استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام) نقل کردید (1) و من دختر برادری دارم که مبتلا به سرطان خون شده بود، در حالی که همسر و دو بچه خردسال دارد، و چند ماه در بیمارستان سید الشهداء علیه السلام (که مخصوص بیماران مبتلا به سرطان می باشد) بستری بود، و هر دو روز یک بار، یک واحد خون به او تزریق می کردند، و معالجات گوناگون و گسترده هیچ اثری نداشت، و حال مریض روز به روز بدتر می شد. خبردار شدیم که دکتر متخصص و برجسته ای به تازگی از خارج به ایران آمده، و در یکی از بیمارستانهای تهران مشغول به کار شده است، ولی ملاقات او هزینه و معطلی زیاد دارد، ولی با همه مشکلاتی که سر راه بود، مریض را با چند نفر همراه، به بیمارستان تهران منتقل نمودیم، و دو روز در انتظار به سر بردیم، تا این که نوبت معاینه مریض ما رسید.

ص: 253

1- ایشان مرتب در شبهای چهارشنبه، به مسجد جمکران مشرف می شوند، و برای زائران برنامه اجرا می کنند.

هنگامی که دکتر یاد شده مریض را دید و پرونده او را ملاحظه کرد، گفت: مرده را نزد من آورده اید؟ او تا چند ساعت دیگر کارش تمام است، و زنده نمی ماند. هر چه زودتر او را به اصفهان برید، که در جمع فامیل و خانواده خودش جان بسپارد. همه پریشان و گریان خارج شدند، شوهر او گفت: چند روز دیگر در بیمارستان تهران می مانیم، و هر چه همراهان اصرار کردند برای بازگشت به اصفهان نپذیرفت، و در همان بخشی که چند روز بستری بود، او را نگه داشتند، شوهر او پرونده اش را برداشت، و مخفیانه عازم جمکران شد، و فقط به یکی از همراهان مریض خبر داد که من به کجا می روم.

آن مرد بیچاره به مسجد جمکران می رود، و نماز استغاثه به حضرت زهراء علیها السلام را که در داستان قبل شرح داده شد) می خواند، و عرض می کند: یا زهراء علیها السلام در خانه فرزندان (مسجد جمکران) به شما متوسل شده ام، به حق همسرتان حضرت علی علیه السلام از خدا بخواهید که بچه هایم یتیم نشوند، و در بخش آخر ذکرهای سجده نماز حضرت زهرا علیها السلام آن حضرت را به حق فرزندانسان قسم می دهد تا این که نماز به پایان می رسد، و سپس می رود نزدیک چاهی که مردم عریضه های خودشان را به محضر مقدس امام زمان علیه السلام به آن چاه می اندازند، و شروع می کند به درد دل گفتن و عرضه می دارد: آقا! بیچاره شده ام، به مادرتان زهراى مرضیه علیها السلام متوسل شده ام، اینجا می نشینم و عاجزانه می خواهم به حق مادرتان که مریض مرا شفا دهید، از اینجا نمی روم، و هیچ غذا و آب نمی خورم، تا این که یا او شفا بگیرد، و یا من هم از پا در آیم (چون طاقت یتیم داری و دوری همسر را ندارم.)

تا یک شبانه روز، به همین حال می ماند، تا این که می بیند همان شخصی که به او

محرمانه گفته بود من به جمکران می روم، بالای سر او ایستاده و می گوید: بیا که مورد عنایت قرار گرفته ای، و حضرت زهراء علیها السلام همسرت را شفا داده اند، می گوید: چه خبر شده؟ می گوید: چند ساعت قبل، همسرت در عالم خواب مشرف می شود به محضر مقدّس چند بانوی مجلّله، که به عیادت او آمده بودند و یکی از آنها فرموده بودند: ما شفای تو را از خدا گرفتیم، او بیدار می شود و شروع می کند به گریه و ناله و می گوید: من شفا گرفته ام، همه دور او جمع می شوند، و دکترها و پرستارها حاضر می شوند و وضعیّت او را می بینند، و هنگامی که او را نزد همان دکتر مخصوص می برند، و معاینات پزشکی انجام می دهد، می گوید: او هیچ گونه اثری از سرطان در بدنش نیست، و هم اکنون او آمده است به مسجد جمکران، و خود را روی زمین انداخته و از حضرت زهراء علیها السلام تشکر می کند، که سبب شفای او گردیده اند.

ناقل داستان می گوید: در جلسه یاد شده شرکت کردم، و از همان خانم شفا یافته خواستیم که جریان شفای خود را نقل کند، و او گفت: همه اینهایی که در این جلسه حضور دارند، از همسایگان و فامیل من هستند، و در دوره بیماری و گرفتاری من به عیادت می آمدند، و هم اکنون با عنایت حضرت زهراء علیها السلام می بینید که شفا یافته ام.

86- نام کتاب را بگذارید افسانه خلافت

یکی از خطباء دلبسته به اهل البیت علیهم السلام و حضرت زهراء علیها السلام می نویسد: خیلی دلم گرفته بود، نه حال حرف زدن داشتم و نه حال مطالعه، چون شنیده بودم که در فلان منطقه، وهاییها غوغا می کنند، و مقالات و نشریاتی بر علیه شیعه تهیه و توزیع می نمایند.

خیلی علاقه داشتم، کاری برای دفاع از اهل البیت علیهم السلام و شیعیان و یاران آنها بکنم، و از بی حالی و بی همتی خودم سخت ناراحت بودم.

چند روزی گذشت، تا این که به فکر افتادم، مطالبی را جمع آوری کنم، و یکصد و ده سؤال را طرح نمایم و با مدارک و منابع مخالفین، پاسخ آنها را بدهم. به سراغ کتابهایی از قبیل: المراجعات، شبهای پیشاور، امیر المؤمنین علیه السلام از دیدگاه خلفاء، ثم اهتدیت و دهها کتاب دیگر رفتم و هر چه کتاب در این زمینه داشتم بررسی کردم، و یک مقاله قابل توجهی آماده شد، و در همین هنگام مشرف شدم به سوره (حرم حضرت زینب و حضرت رقیه و سایر اهل البیت علیهم السلام در شام) و کربلا و نجف و ...

در سوره، شبی خواب عجیبی دیدم، و آن این که در مدرسه نیم آور اصفهان هستم، ناگاه متوجه شدم مرحوم آیه الله، حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره وارد شدند و در حجره خودشان را باز کردند، و می خواستند وارد شوند، عرض کردم: حاج آقا، حاج آقا، ایشان برگشتند و با لبخندی پدرا نه فرمودند: کجائی ای ... (و نام مرا ذکر کردند و گفتم: حاج آقا شنیده اید چه شده؟ فرمودند: چه شده؟ گفتم: یک کتابی بر علیه مادران نوشته اند به نام (أفسانه شهادت) فرمودند شما چه کرده اید برای مادر ما؟ عرض کردم: آقا، من یک جزوه ای در رد آن تهیه کرده ام، و نامش را گذارده ام ... فرمودند: نام کتابشان چیست؟ عرض کردم افسانه شهادت، فرمودند: شما نیز نام کتابتان را بگذارید

«أفسانه خلافت»

سپس وارد حجره شدیم، و فرمودند: قلم را بردار، تا مقدمه ای بر کتابت بگویم و توبنویسی و ایشان فرمودند، و من در عالم رؤیا نوشتم.

ص: 256

هنگامی که بیدار شدم، مطالب ایشان در ذهنم بود، و در بیداری قلم را برداشتم و در حدود 98 با 99 درصد آن را که در ذهنم بود نوشتم که موجود می باشد.

87 - هنوز مادرم زهرا علیها السلام راضی نشده اند

در اوج بحران جنگ هشت ساله ایران و عراق بود، و شهرهای بزرگ و یا مقدّسی همانند: اصفهان و قم و دهها شهر دیگر، همه روزه بمباران و یا موشک باران می شدند و ساکنین شهرها عموماً آواره شهرهای دوردست و یا روستاها شده بودند، و درگیری های شدید در میدانهای نبرد جنوب و غرب کشور از یک طرف، و بمبارانها و موشک بارانهای شهرها از طرف دیگر، سیل کشته و مجروح و خرابی و آوارگی را به سوی مردم سرازیر می کرد.

ایام فاطمیّه بود، و شهر قم و شمار دیگری از شهرها زیر بمباران و موشک باران عراقیها تقریباً خالی شده بود.

در بیت یکی از مراجع معظّم تقلید، مراسم عزاداری بر فاطمه زهراء علیها السلام برگزار شده بود، و عدّه کمی در آن شرکت کرده بودند، و واعظ مجلس ناگاه می گوید بیائید امروز خالصانه و با حالت التجاء به محضر حضرت بقیّة الله الأعظم عجل الله فرجه متوسّل شویم که این بلا برطرف شود، و بمبارانهای پی در پی پایان یابد، ناگاه آن مرجع عظیم الشان با دست اشاره می کنند به آن واعظ، که سخن خود را قطع کند و خودشان می فرمایند: از آقا (یعنی حضرت بقیّة الله عجل الله فرجه) خواسته شده است، و ایشان هم فرموده اند ما راضی شده ایم، ولی هنوز مادر مان (حضرت زهراء) راضی نشده اند. (1)

ص: 257

1- همین جریان در آن زمان، توجّه مناسبی را برانگیخته بود تا در مورد احقاق حق حضرت زهراء علیها السلام و دفاع از مظلومیت آن حضرت، اقداماتی انجام گیرد، و از نفوذ و تصمیم گیری کسانی که در مورد حقوق آن حضرت کارشکنی و ... می کردند جلوگیری شود، و به تدریج، از تسلّط و اقتدار آنها کاسته گردد.

بدین وسیله اعلام کرده بودند که عامل گرفتاری و استمرار آن، و نزول آن بلیّه ها، عدم خشنودی حضرت زهراء علیها السلام بوده است، و شاهد این مطلب این که در زمان جنگ خلیج (جنگ عراق و کویت و آمریکا) در سال 1411 قمری، دشمنان در صدد بودند که آتش جنگ را به ایران سرایت بدهند، ولی در اثر توجّه به هدایتهای غیبی و تذکرات معنوی، و توسّل به حضرت زهرا علیها السلام و عزاداریهای بی سابقه، و پخش برنامه های گسترده مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، و هم چنین تعطیل رسمی و کامل یک روز (از طرف هیئت دولت) به مناسبت شهادت آن حضرت و نیز اختصاص خطبه های نماز جمعه در سراسر کشور، به بیان عظمت و شخصیت و شهادت و مظلومیت آن شهیده مظلومه، و روضه خوانی رسمی و به قصد توسّل در تمام مساجد و حسینیه ها و گذرها، خطر و بلا از کشور ایران دفع گردید، و دشمنان اسلام و ایران، به نقشه های شوم و اهداف پلیدشان دست نیافتند.

88 - اگر سابقه نوکری حسینم را نداشتی نمی گذاشتم زنده از این خانه خارج شوی

یکی از خطبای نامدار و با ولایت نقل فرمودند که:

در یکی از شهرها برنامه سخنرانی داشتم و موضوع بحث، اهمیت مجالس اهل بیت علیهم السلام بود، بعد از پایان مجلس، یکی از معتمدین شهر، قضیه عجیبی را نقل

ص: 258

نمود که ما را منقلب کرد.

او گفت: ما تازه خانه ای خریده، و چند ماهی بود که در آن سکونت اختیار کرده بودیم، زیرزمینی داشت که برای مجلس عزاداری بسیار مناسب بود، تصمیم گرفتیم که چند روزی روضه خوانی کنیم، همسرم گفت: ما تازه به این محل آمده ایم و کسی ما را نمی شناسد، بعید است کسی استقبال کند، گفتم: ما برای جمعیت روضه نمی خوانیم، اگر صاحب مجلس تشریف بیاورند برای ما افتخار است.

یکی از روضه خوانهای شهر را دعوت کردیم و یک نفری را برای تهیه چای در نظر گرفتیم، و مجلس را آماده کردیم و روضه خوان هم آمد، ولی هیچ کس شرکت نکرد، و آن روضه خوان صبحانه خورد و گفت: چون کسی نیامده، فردا روضه می خوانم و خداحافظی کرد و رفت، ما هم نوار یکی از منبرهای مرحوم کافی (خطیب نامدار و دلسوخته امام زمان علیه السلام) را گذاشتیم و سه نفری برای مصائب امام حسین علیه السلام گریه کردیم.

فردا نیز قضیه تکرار شد و ما نیز با شنیدن روضه مرحوم آقای کافی از نوار، عزاداری کردیم.

روز سوم شد و روضه خوان آمد و دید کسی نیامده است و غیر از من و همسرم و شخص مسئول چای ریزی، شرکت کننده دیگری نیست، خنده ای کرد و گفت: حالا که کسی به منزل تو نمی آید، پس خودت روضه بخوان و همسرت و چای ریز هم گریه کنند، این را گفت و از پله های زیر زمین بالا رفت، هنوز از در خانه بیرون نرفته بود، ناگهان دیدیم آن روضه خوان به روی زمین افتاد و از هوش رفت.

ص: 259

رفتیم بالای سرش، دیدیم از پای او خون جاری است، فوراً او را به بیمارستان منتقل کردیم و چندین بخیه به او زدند.

شب شد، در نیمه های شب دیدم همسر دیوانه وار گریه می کند، و باحال و سوز عجیبی دویید پائین، و وارد زیر زمین (محلّ برگزاری مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام) شد، سؤال کردم، چه شده است؟ او فقط گریه می کرد و جاروب را برداشت و مجلس را جاروب می کرد. حیاط منزل را جاروب زد و گریه می کرد، در حیاط را باز کرد، و مشغول جاروب زدن شد، و به شدت گریه می کرد و زیر لب می گفت: بی بی جان خوش آمدید.

هرچه می پرسیدم چه شده است؟ فقط گریه می کرد، صبح شد، دیدم قالیچه ای را برداشته، و دم در منزل انداخت، و خودش روی زمین، در کنار قالیچه نشست و گریه می کرد.

گفتم: خانم! شما را به جدّه ات زهراء علیها السلام قسم می دهم، بگو چه شده؟ گفت: دیشب خواب مادرم حضرت زهراء علیها السلام را دیدم، ایشان خیلی ناراحت بودند و گریه می کردند، و فرمودند: ناراحت نباش اگر کسی به منزلت نمی آید! به آن شیخ روضه خوان بگو: اگر سابقه نوکری حسینم را نداشتی، نمی گذاشتم زنده از این خانه خارج شوی، چرا به مجلس حسینم اهانت کردی؟ تو نمی توانی ببینی انبیاء و ملائکه در این مجلس نشسته اند، و خانه پر از جمعیت است که حتی جای من در خانه نیست و من در کوچه ایستاده ام، و به شرکت کنندگان در مجلس حسینم خوش آمد می گویم.

آن روز نیز نواری از مرحوم کافی گذاشتیم، و سه نفری گریه کردیم، ولی می دانستیم که دیگر تنها نیستیم و حضرت زهرا علیها السلام (صاحب مجلس) حضور دارند

در سال 1407 قمری، در ایام میلاد مقدّس امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عده ای از محققین دلسوخته و مصیبت زده عراقی (1) (که زیر نظر آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی مدّظله، در مؤسسه الإمام المهدی عجل الله فرجه قم، به فعالیت علمی و تحقیقی مشغول بودند، و در زمینه اخبار و آثار ائمه معصومین علیهم السلام و احیاء و نشر آنها انجام وظیفه می نمودند، با دلہائی شکسته، و روح و روانی خسته، به حضرت آیه الله، موحد ابطحی عرضه داشتند: ما و خانواده هایمان، که از جوار امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام و حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام دور مانده ایم، و در غربت بسر می بریم، در اثر شرایط سخت زندگیمان، قادر نیستیم وسائل سفر زیارتی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را فراهم نمائیم و اگر شما مساعدت نمائید، در این ایام میلاد آن بزرگوار، چند روزی را به زیارت آن حضرت مشرف شویم، و در جوار حرم ایشان، از رنجها و فشارهای روحی رهائی یابیم.

آیه الله موحد ابطحی فرمودند: به خاطر شرایط بحرانی جنگی (جنگ هشت ساله ایران و عراق) امکانات مالی برای اعزام بیش از هشتاد نفر (محققین یاد شده و خانواده هایشان) در اختیارم نبود، ولی از طرف دیگر، از دلہای شکسته، و تلخی های زندگی، و سختی غربت و آوارگی آنها (که شدیداً آزارشان می داد)

ص: 261

1- این جمع دانشمند و محقق، در اثر ستمگریهای حکومت ظالم بعثی عراق، از شهر و کشور عزیزشان (عراق) رانده و آواره شده، و به جرم مخالفت و اعتراض به برنامه های ضدّ اسلامی و ضدّ شیعی و ضدّ انسانی بعثی های عَفَلَقی، از خانه و کاشانه خود دور افتاده، و در جوار حضرت معصومه علیها السلام پناه گرفته بودند.

خبر داشتیم، و به خوبی احساس می‌کردم که چنین سفر زیارتی، چه تأثیر مثبت و سازنده‌ای برای آنها دارد، و لذا ظهر دوشنبه‌ای به مسجد مقدّس جمکران مشرّف شدم، و با التجّاء و با حالت تضرّع ویژه‌ای، به حضرت بقیّة الله الأعظم عبّجّل الله فرجّه متوسّل شدم، و به دنبال آن توسّل و استغاثه، جریان عجیب و غیر منتظره‌ای اتفاق افتاد، که مشتمل بر کرامات متعدد بود، که ذیلاً نقل می‌شود:

یکی از دل‌باختگان امام علیّ بن موسی الرضا علیه السلام در حرم مطهّر آن حضرت مشغول دعا و زیارت بوده، که ناگاه صدائی می‌شنود:

(برو به شهر قم، و هیئت امام زمانی را بیاور به مشهد)

وقتی به اطراف خود توجّه می‌کند، می‌بیند کسی نیست که این جمله را گفته باشد، و متوجّه می‌شود که این صدا، از جانب آقا امام رضا علیه السلام است.

وی بلافاصله عازم قم می‌شود، ولی وقتی به شهر مقدّس قم می‌رسد، ناگاه به خود می‌آید، که این هیئت در کجا است؟ و آدرس آنها چیست؟ و سرپرست و مسئول آنها کیست؟ حیران و سرگردان می‌ماند، و لذا به حرم مطهّر حضرت معصومه علیها السلام مشرّف می‌شود، و عرض می‌کند: برادر بزرگوار شما به من مأموریتی داده‌اند، که به هیچ عنوان نشانه‌ای برای چگونگی انجام آن ندارم، که ناگاه با یکی از پیر غلامان آستان مقدّس حضرت بقیّة الله عبّجّل الله فرجّه برخورد می‌کند، و سرگردانی خود را مطرح می‌نماید، او می‌گوید: نگران نباش مقصود آقا فلان جمعیت، و سرپرست آنها فلان شخصیت است، و آدرس او هم فلان جا است او به نشانی مورد نظر مراجعه می‌کند، و در حالی که حضرت آیه الله موحّد ابطحی و آن دل‌باخته امام هشتم علیه السلام هیچ کدام یکدیگر را نمی‌شناخته‌اند، با نشانه‌های غیبی، دست به کار می‌شوند، و هشتاد و چهار نفر (محققین یاد شده و

خانواده هایشان به وسیله سه دستگاه اتوبوس، عازم مشهد مقدس می شوند. یکی از متدینین متمکن، منزل بسیار بزرگی را در اختیار این جمع دلسوخته، و مهمان دعوت شده امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می گذارد، و در روزهای اقامت آنها (قبل از ظهر ها) در همان منزل، مراسم روضه خوانی برای حضرت زهراى مرضیه علیها السلام

برقرار می نمایند(1) در یکی از روزهای روضه خوانی، در یک عنایت غیبی، به شکل الهام و بدون هیچ گونه سابقه ذهنی، توجه داده می شود که:

روضه قسم را بخوانید

به آیه الله موحد ابطحی الهامی می شود که مقصود، قضیه هنگام کفن حضرت زهراء علیها السلام است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: پس از آنکه حضرت زهراء علیها السلام را کفن و حنوط کردم، فرزندانم را یکی یکی صدا زدم و گفتم: بیائید بار دیگر مادر تان را ببینید، که دیگر دیدار به بهشت و قیامت افتاد، و سپس فرمودند:

أَتَى أَشْهَدُ اللهُ أَنَّهَا قَدْ حَنَّتْ وَأَنْتَ وَمَدَّتْ يَدَيْهَا

وَصَمَّتَهُمَا إِلَى صَدْرِهَا مَلِيًّا (2)

یعنی خدا را شاهد می گیرم که، حضرت زهراء علیها السلام ناله ای کردند، و دو دستشان را دراز کردند و حسنین علیهم السلام را محکم به سینه خود چسبانیدند.

آیه الله موحد ابطحی فرمودند: وقتی این قسمت از روضه خوانده شد (که امیر المؤمنین علیه السلام قسم یاد می کنند، و خدا را شاهد می گیرند بر آن صحنه

ص: 263

1- با این که آیام میلاد مقدس امام رضا علیه السلام بوده است، ولی به علت عنایت خاص آن حضرت نسبت به مادرشان، و مصائب و مظلومیت آن حضرت، مجلس عزاداری و توسل به آن مظلومه شهید برگزار می گردد.

2- بحار الأنوار، جلد 43، صفحه 179

جانسوز و دلخراش، که جنازه حضرت زهرا علیها السلام دست در آورده، و عزیزان خود را به سینه چسبانیدند) ناگاه نوری مجلس را فرا گرفت، که بر نور خورشید غلبه کرد(1) و چهارده دقیقه این نور تَلَوُّو داشت، و هم زمان بوی عطر عجیبی (که همراه با بوی کافور بود) مجلس را احاطه کرد، که تمامی اهل مجلس (حتی در قسمت بانوان که جدا بود) آن نور را دیدند، و آن بوی خوش را استشمام نمودند، در حالی که در میان آن جمعیت زیاد، عده ای از مهندسین و تحصیل کرده های دانشگاهی، و محققین و علماء بزرگوار شرکت داشتند، و آن چنان زلزله ای معنوی در روح و روان حاضرین در مجلس افتاد، که عجیب و استثنائی بود.

آنچه برای بعضی از صاحب نفس های اهل دل، مورد توجه قرار گرفته بود، این بود که مقارن گفتن جمله (کفن باز شد و دو دست حضرت زهراء علیها السلام بیرون آمد) بوی حنوط در مجلس به مشام رسید، و بعد از هزار و چهارصد سال، افاضه غیبی، توسط حنوط بهشتی متعلق به حضرت زهراء علیها السلام(2)

مجلس را در بر گرفت (با توجه به این که بر سینه آن حضرت از حنوط بهشتی مخصوص مالیده شده بوده) و همه حاضرین، به وضوح کامل آن بوی خوش را استشمام نمودند.

هم اکنون که جریان یاد شده را می نویسم، عده ای از حاضرین در آن مجلس، در قید حیات هستند، و در شهر مقدس قم به خدمات علمی و تحقیق و تألیف

ص: 264

1- مجلس یاد شده قبل از ظهر بوده است.

2- جبرئیل امین، برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حنوط بهشتی آوردند، و آن حضرت آن را بر سه قسمت تقسیم کردند، و هر قسمتی را برای خودشان و امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت زهراء علیها السلام اختصاص دادند.

اشتغال دارند، و همین قضیه در پاورقی کتاب ارزشمند (الخرائج و الجرائح قطب راوندی) جلد 1، صفحه 14 با تحقیق مؤسسه الإمام المهدي (مورد اشاره قرار گرفته است).

90-1500 نفر به آئین تشیع هدایت شدند

آقای معظم علی، از شیعیان پاکستان، و از طلاب حوزه علمیه قم، داستان شیعه شدن پدرش «ملک محمد اشرف» را این گونه شرح می دهد(1)

پدرم عضو ارتش بود، و از هم دوره ای های «ضیاء الحق» رئیس جمهور سابق پاکستان بود، او یک مسلمان غیر شیعه و متعصب، و به اعتقادات مذهبی خود پای بند بود، و از مذهب شیعه به شدت تنفر داشت، و عقیده اش را همه جا با صراحت اعلام می کرد، او در مسائل عقیدتی هرگز مسامحه نمی کرد، و با مخالفان عقیده اش، با خشونت رفتار می نمود، بدین جهت مخالفین شیعه، به او لقب «عمر» و شیعیان به او لقب «هیتلر» داده بودند.

عمومی من، شخص معتدلی بود، مدتی در مورد مسائل اختلافی بین شیعه و مخالفین آنها مطالعه کرد، سرانجام به آئین تشیع مشرف شد، ولی شیعه شدنش را از پدرم مخفی می کرد، پس از شش ماه پدرم مطلع شد، و تصمیم گرفت که او را بکشد. و لذا عمویم فرار کرد و تا شش ماه دیگر به محل زندگی ما نیامد، و این مدت به این وضعیت گذشت.

روزی مادر بزرگم به پدرم گفت: دلم برای برادرت تنگ شده، بگذار او بیاید تا

ص: 265

1- این داستان و دوازده شماره بعد از آن، به وسیله نویسنده محقق و صاحب تألیفات بسیار، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام عزه، در اختیار این کمترین نویسنده قرار گرفته است.

من او را ببینم، پدرم گفت: اگر او بیاید، تا او در اینجاست من به خانه نمی‌آیم، و نظر به این که او از ترس پدرم جرأت نمی‌کرد به این منطقه بیاید، آدرس او را به پدرم دادند که او خودش برود و او را بیاورد، پدرم رفت و محلّ عمومی را پیدا کرد و به همراه یکدیگر به سوی محلّ سکونت خود حرکت کردند.

شب در مسافرخانه ای در وسط راه استراحت می‌کنند، پدرم تصمیم می‌گیرد که همانجا برادرش را بکشد، ولی سه بار به صورت غیر عادی از جایش می‌پرد، سرانجام از تصمیم خود منصرف می‌شود. وقتی به خانه و کاشانه خود می‌آیند، هرگز در مجلسی با یکدیگر جمع نمی‌شوند، پس از مدتی یکی از خویشاوندان فوت می‌کند، ناگزیر در مراسم او جمع می‌شوند، در مجلس فاتحه آن فامیل که دو برادر در کنار یکدیگر بودند، یکی از مولوی‌ها (1) به پدرم می‌گوید: چرا برادرت کافر شده است؟ در پاسخ آن مولوی، عمومی می‌گوید: من حاضرم در مورد تشیع و تسنن با شما مباحثه کنم، من و شما یک مشت آتش در دست بگیریم، اگر دست من نسوخت، شما شیعه شوید، اگر دست شما نسوزد من سنی بشوم.

یکی از سنی‌ها، زود آتش سرقلیانی را در کف دست عمومی می‌ریزد، هیچ تأثیری نمی‌کند، آنگاه سرقلیان دیگری را بر می‌دارد که آتش آن را در کف دست آن مولوی بریزد، او فرار می‌کند.

پس از مشاهده این حادثه، پدرم نسبت به مذهب خود بی‌عقیده می‌شود، نماز را ترک می‌کند، و دیگر در اجتماعات دینی شرکت نمی‌نماید. عمومی به او می‌گوید: هر کجا آن مولوی را دیدی، از او بپرس که داستان فدک چه بود؟

ص: 266

1- عالم‌های سنی را مولوی می‌گویند.

پس از دو سال، پدرم او را می بیند، و از او می پرسد که داستان فدک چه بوده؟ مولوی می گوید: به شرط این که به کسی نگوئی، می گویم، فدک عبارت از چهار تا نخل بود، که حضرت فاطمه آن را ادعا می کرد و ابوبکر به او تحویل نداد، پدرم می گوید: خیلی کار بدی کرده، اگر دختر کدخدا چیزی از من مطالبه کند، حتماً از او دریغ نمی کنم، آیا تنها یادگار پیامبر از او چهار تا نخل مطالبه کرده و او امتناع کرده است؟! پدرم پس از چند سال، در مجلسی با یک روحانی شیعه برخورد می کند، داستان فدک را از او می پرسد، او نیز مشروح داستان را برای او بازگو می کند. پدرم در آن مجلس رسماً شیعه می شود، و از مذهب مخالفین بیزاری می جوید.

مدتی بعد، یک روحانی شیعه به روستای ما آمد، و او شخص بسیار فاضل و متدبّتی بود، و رفتار و گفتارش برای پدرم بسیار جالب توجه قرار گرفت، و پدرم به شدت شیفته رفتار او گردید، و اعتقادات شیعه کاملاً در اعماق جانش رسوخ یافت.

جنگ هند وستان و پاکستان پیش آمد، پدرم زخمی گردید، و به دست هندی ها آسیب شد، یک سال او را معالجه نمودند، و تا حدی بهبودی پیدا کرد، ولی پزشکان گفته بودند: اگر یک بار سرفه یا عطسه کند، می میرد. روزی یک نفر هندی برای زندانی ها سخنرانی می کرده، در وسط سخنرانی او، پدرم می گوید: ماه محرم فرا می رسد، ما می خواهیم مجلس روضه برگزار کنیم، او می گوید: مانعی ندارد، برنج و روغنش را نیز ما می دهیم، در میان زندانیان شش نفر اسیر شیعه بوده اند، مقدمات روضه را فراهم می کنند، فقط از نظر روضه خوان مشکل داشته اند. پدرم در آن شب بعد از نیمه شب، حضرت امام حسین علیه السلام را در عالم

رؤیا می بیند، و آن حضرت می فرماید: خودت روضه بخوان، پدرم می گوید: من بلد نیستم، امام حسین علیه السلام

می فرماید: تو مگر آیه تطهیر را نمی دانی؟ (1) پدرم بیدار می شود، و متوجه می گردد که کاملاً بر آیه تطهیر آگاهی و اطلاع دارد، و می تواند در پیرامون آن سخنرانی کند، بار دیگر به خواب می رود. و امام حسین علیه السلام را در عالم رؤیا می بیند، و آن حضرت می فرماید: تو مگر آیه مباحله را نمی دانی؟ (2) وقتی بیدار می شود، احساس می کند که کاملاً بر آیه مباحله تسلط دارد، برای بار سوم امام حسین علیه السلام در عالم رؤیا به او می فرماید: تو مگر آیه مودت را نمی دانی؟ (3) هنگامی که بیدار می شود، احساس می کند که امام حسین علیه السلام بالای سرش نشسته اند، و مطالب مربوط به آیه مودت کاملاً در ذهن او موج می زند.

کوتاه سخن این که، او الآن یکی از گویندگان مذهبی بسیار موقّق و مبرز جهان شیعه است، و سخنرانی های شش ساعته ایراد می کند، و هرگز درباره هیچ مطلبی فرو نمی ماند.

یک سال پیش که من این مطلب را دریافت کردم (در مدت چهار سال و نیم) موقّق شده بود که تعداد 1500 نفر را به مذهب شیعه هدایت کند.

او هیچ سوادى ندارد، ولی در هر موردی که به بحث می پردازد، آیات مربوطه در ذهنش نقش می بندد، و به صورت دقیق و مرتبط، با استفاده از آنها استدلال

ص: 268

1- سورة احزاب، آیه 33

2- سورة آل عمران، آیه 61

3- سورة شوری، آیه 23

جالب تر این که، در موقع مباحثه اش با مولوی ها، آنها در مقابلش فرو می مانند، و او مطالبه دلیل می کند، ولی آنها اظهار عجز می نمایند.

بسیار اتفاق افتاده، که از حافظان قرآن آیه ای را سؤال کرده، آنها هر چه فکر کرده اند به یادشان نیامده است. او اینک در پاکستان است، و به عنوان یک چهره نیرومند در تبلیغات شیعه مورد نظر و توجه همگانی می باشد.

91 - با توسل به حضرت زهرا علیها السلام از زندان رهایی یافت

یکی از خطباء با ولایت، و دلپسته به اهل البیت علیهم السلام گرفتار و زندانی می شود، و به هشت سال حبس محکوم می گردد. پس از یک سال و اندی، احساس خستگی روحی می کند، و حوصله اش به سر می آید، و به یادش می افتد که علامه طباطبائی قدس سره ذکر و صلواتی را تعلیم داده بودند، که مورد عنایت می باشد، ایشان متوسل به همان صلوات می شود، و در کمتر از دو ساعت از زندان آزاد می گردد، در حالی که از مقدار محکومیت هشت ساله او، فقط یک سال و اندی گذشته بوده است.

صلوات یاد شده، طبق تعلیم علامه طباطبائی (صاحب تفسیر المیزان) چنین می باشد: 530 مرتبه صلوات بر فاطمه زهرا علیها السلام به این شکل خوانده شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آيِبَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

ص: 269

1- شبیه داستان کربلائی کاظم، که به شکل معجزه آسائی، حافظ تمامی قرآن گردید، و علماء بزرگ او را آزمایش کردند، و تحقق آن امر غیر طبیعی را به، نحو مسلم دریافتند.

و عدد 530 مطابق است به حساب حروف ابجد، با شماره حروف «فاطمة» به این ترتیب: (ف=80+1=ط=9+م=40+ت=400)

92 - عمر مجدد به برکت برگزاری مجلس برای حضرت زهرا علیها السلام

سالیان متمادی است که همه ساله در منزل ما در ایام فاطمیّه، از اوّل جمادی الثانیّه (به مدّت پنج روز) مجلس عزای حضرت صدیقه طاهره علیها السلام برگزار می گردد، و با توجه به این که قبلاً منزل ما کوچک بود، روی حیاط را خیمه می زدیم تا افراد شرکت کننده، در فضای حیاط و اطافهای دو طرف بنشینند

در حدود پانزده سال پیش، شبی برنامه خیمه زدن، تا حوالی نصف شب طول کشید، هنگامی که از پشت بام پائین آمدم، دیدم همسرم به شدّت مریض است، به یکی از دوستان تلفن زدم، و او را از خواب بیدار نمودم، و با ماشین ایشان همسرم را به بیمارستان رساندیم، و مسئولین بیمارستان گفتند: ایشان باید بستری شوند، لذا پس از بستری نمودن همسرم، برای بقیه مقدمات مجلس روضه به منزل باز گشتم. اوّل صبح مجلس عزاداری برگزار گردید، پس از پایان یافتن مراسم، به بیمارستان رفتم، گفتند: که ایشان مرخص است و می توانید ایشان را ببرید. در همان شب یکی از فرزندانم خوابی دیده بود، و برای این که تاریخ خواب فراموش نشود آن را یادداشت کردم، و در حدود شش ماه بعد (در مشهد مقدّس) به خدمت مرحوم آیه الله صدیقین اصفهانی رسیدم (1) متن خواب را به ایشان عرض کردم، فرمودند: این خواب به ایّام

ص: 270

1- ایشان در تعبیر خواب چهره ای استثنائی و مورد عنایت بودند

فاطمیه مربوط می شود؟ گفتیم: بله، دقیقاً در شب اول ماه جمادی الثانیه دیده شده، فرمودند: آیا شما در آن ایام روضه داشتید؟ گفتیم: بله، فرمودند: آیا در آن مجلس برنامه اطعام نیز بود؟ عرض کردم: مسماى صبحانه ای بود، فرمودند: در آن شب قرار بود یکی از اعضای خانواده شما فوت کند، ولی به برکت مجلس حضرت فاطمه علیها السلام و اطعام در آن مجلس، خداوند عمر مجددی به او عطا فرموده است.

93 - فردا آزاد خواهید شد

یکی از طلاب حوزه علمیه قم، در سالهای گذشته، گرفتار زندان گردیده بود و مدت 75 روز (به جهت یک سلسله مسائل سیاسی) در سلول انفرادی به سر برده بود، در روزهای واپسین، که مصادف با روز میلاد مسعود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است، یک بازجویی 18 ساعته، از او به عمل آورده بودند، و به تعبیر خود باز پرس « کلوخی » با او رفتار کرده بودند. در شب آخر، به پیشگاه حضرت فاطمه زهراء علیها السلام عرض کرده بود: ای بی بی دو عالم! شما می دانید که در مجلس عزایتان، من همواره سعی می کنم که کفشهای شرکت کنندگان را خودم جفت کنم، و نمی گذارم شخص دیگری متکفل این خدمت بشود، روا ندارید که بیشتر از این، من از خدمت در درگاه شما محروم باشم، و عمرم در اینجا تباہ شود. همان شب در عالم خواب به او گفته بودند:

حضرت زهراء علیها السلام برای کار شما اقدام نموده اند، و حسنین علیهم السلام مداخله نموده اند، فردا آزاد خواهید شد

صبح هنگام، در اول وقت اداری، او را به دادسرا برده بودند، و مقدمات آزادیش در همان روز فراهم گردیده بود.

94- بچه دار شدن چند بانوی محترمه با عنایت حضرت فاطمه

سالیان متمادی است که در منزل یکی از علماء قم، در ایام نهم ربیع الأول (که مصادف است با روز شروع امامت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه) برای روشنی چشم حضرت زهراء علیها السلام مجلس عید الزهرا علیها السلام برای بانوان برگزار می شود. در این مجلس، علاوه بر شرکت خانواده های عده ای از علمای حوزه علمیه قم، افرادی نیز از بستگان ایشان (از شهرستانهای دیگر) نیز حضور پیدا می کنند.

یکی از شرکت کنندگان شهرستانی (که یکی از همسایگانش، سالیان درازی از ازدواج او گذشته بوده و بچه دار نمی شده، و معالجات گوناگون نیز، بی نتیجه مانده بوده است) در یکی از سالها در کنار خانمی نشسته بوده، و او اظهار می کند که من سالها بود ازدواج کرده بودم، و صاحب فرزند نمی شدم، سال گذشته در این مجلس متوسل شدم، و این بچه که در آغوش من است، از برکت توسل به حضرت زهراء علیها السلام در این مجلس می باشد، تصادفاً بانوی دیگری نیز، چنین مطلبی را ابراز می کند، آن بانوی شهرستانی هنگامی که به شهر خود باز می گردد، این موضوع را برای همسایه اش نقل می کند، و او علاقمند می شود که در این مجلس شرکت کند.

سال بعد، در این مجلس شرکت می نماید، و به حضرت صدیقه طاهره علیها السلام متوسل می شود و از برکات بی بی دو عالم بچه دار می شود و در سال بعد همراه فرزندش، برای شرکت در مجلس یاد شده راهی قم می شود.

95- شفای بیمار به برکت نذر ختم قرآن برای حضرت فاطمه علیها السلام

ختم بسیار مجرب است، که در چندین مورد، به آن عمل کرده و نتیجه گرفته ایم، کیفیت آن چنین است:

کسی که حاجت مهمی دارد، به مشهد مقدس مشرف شود، و در حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام نذر کند که اگر خداوند مژگان، حاجتش را بر آورده نماید، پس از روا شدن حاجت، در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام به نیت حضرت زهراء عليها السلام یک ختم قرآن تلاوت کند.

چند سال پیش، پدر بزرگوارم به شدت بیمار شدند، و از آزمایشها، چنین به دست آمد که، کیسه صفراى ایشان پر شده، و به شدت بحرانی گردیده است.

از طرفی هم نیاز به عمل پروستات داشتند، و پزشکان گفتند: هر دو عمل باید انجام شود، ولی با توجه به سن بالای ایشان، هر کدام از دو مورد عمل شود، دیگری به شدت خطر آفرین خواهد بود، لذا به مشهد مقدس مشرف شدم، و در بالای سر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نذر کردم و با عنایت حضرت زهرا عليها السلام هر دو مورد، بدون عمل جراحی بهبودی کامل یافت، و من به نذر خود عمل کردم، و قرآن کریم را به قصد حضرت زهراء عليها السلام در حرم آن امام ثامن و ضامن، ختم نمودم و به محضر آن بانوی دو عالم تقدیم نمودم.

96 - حلّ مشکل یک مرکز درمانی با توسل به حضرت زهراء

چند سال پیش در فصل تابستان برای صله ارحام به تبریز رفته بودم، روزی با جمعی از دوستان برای استفاده از آب دریاچه ارومیه، به بندر شرفخانه رفتیم، یکی از دوستان (که از بنیان گذاران هیئت عیادت بیماران تبریز می باشد) ما را در آن سفر همراهی می کرد، از ایشان در مورد وضعیت هیئت یاد شده پرسیدم، اظهار کرد که با مشکلات اقتصادی حادی مواجه شده است، و احتمالاً فعالیت هیئت تعطیل شود، به جهت آگاهی خودم از تلاشهای بسیار ارزشمند هیئت یاد شده، از این خبر بسیار متأثر گردیدم، و گفتم: به هر شکلی هست نباید این مؤسسه (با آن همه خدمات درخشان) تعطیل شود، دوست عزیز ما گفت: یک

قطعه زمینی متعلق به آن هیئت است، که متأسفانه غصب شده، و هر چه نذر و نیاز کرده ایم نتیجه نداشته است، و اگر مشکل آن زمین بر طرف شود، به خاطر ارزش زیادی که دارد، مشکل هیئت به کلی رفع می شود، بنده کمترین جریان نذر ختم قرآن برای حضرت فاطمه علیها السلام را برای ایشان بیان کردم، ایشان در جواب من فرمودند: من می توانم یک سفر چند ساعته به مشهد مقدس بروم، و در حرم مطهر امام هشتم علیه السلام صیغه نذر را بخوانم، ولی به جهت کارهای گسترده هیئت نمی توانم چند روز در مشهد مقدس توقف نموده، و قرآن را در حرم مطهر ختم کنم. اینجانب (با توجه به ارزش خدمات این مرکز) به ایشان گفتم: شما مشرف بشوید، و صیغه نذر را انجام بدهید، و پس از رفع مشکل، من به مشهد مقدس مشرف می شوم، و قرآن کریم را در حرم مطهر امام رضا علیه السلام به نیت حضرت فاطمه علیها السلام ختم می کنم، ایشان در همان هفته به مشهد مقدس مشرف شدند، و صیغه نذر را جاری کردند، و همان روز مراجعت نمودند، و بیش از چند روزی نگذشت که به من اطلاع دادند که مشکل پیچیده چند ساله، بدون این که اعضای هیئت اقدامی کرده باشند، حل شده، و مشکل مالی مؤسسه به طور کلی مرتفع گردیده است. من نیز در همان ایام، به مشهد مقدس و حرم حضرت رضا علیه السلام مشرف شدم، و نذر ایشان را انجام دادم

97 - نماز استغاثه به حضرت فاطمه علیها السلام

یکی از دوستان ما، که از سادات جلیل القدر هستند، هر وقت با یک مشکل جدی مواجه می شوند، نماز استغاثه به حضرت زهراء علیها السلام را که در مفاتیح الجنان هست می خوانند، و نتیجه سریع می گیرند، در مواردی (به جهت ارتباط

نزدیکی که داریم) از مشکل و توسل ایشان مطلع می شدم، و پس از مدت کوتاهی، از رفع مشکل ایشان نیز آگاه می گردیدم.

98 - مقامی ارجمند در اثر دفاع از حضرت فاطمه علیها السلام

شخصی از اهالی «خوی» در دوران سربازی، با درجه دار مافوق خود، به صحرا می رود، در حالی که نمی دانسته است که آن مافوق، دشمن اهل البیت علیهم السلام ناصبی می باشد، نام حضرت صدیقۀ طاهره علیها السلام برده می شود، و آن شخص درجه دار، تعبیر ناشایستی بر زبان جاری می کند، سرباز یاد شده از شنیدن آن جمله سراسر بدنش می لرزد، و بدون این که عواقب کار را بررسی کند، دستش روی ماشۀ تفنگ می رود، و آن فرد ناسزاگوی را هدف می گیرد و می کشد، او دیگر به شهر و پادگان برنگشته، و از همان جا به سوی مرز ترکیه حرکت می کند، و با پای پیاده، به عتبات عالیات عراق مشرف می شود. یک سال و اندی در عتبات مقدسه می ماند، و سپس به طرف ایران و استان فارس حرکت کرده، در یکی از مدارس شیراز، چند ماهی اقامت می نماید، خادم مدرسه احساس می کند که این فرد، شبها در حجره مشغول عبادت است، و در اواخر شب (در حالی که در مدرسه بسته است) بیرون می رود، و بعد از طلوع آفتاب به مدرسه بر می گردد. چند شب در حیاط مدرسه مراقبت می نماید، و او را شدیداً تحت نظر می گیرد، و متوجه می شود که او شبها مشغول عبادت است، و بعد از نیمه شب مقدار کمی می خوابد، سپس بیدار شده و تجدید وضوء می کند، و مشغول تهجد و نماز شب می شود، و سپس به شکل عجیبی غائب می گردد، و بعد از طلوع آفتاب به مدرسه باز می گردد.

یک شب در موقعی که چراغ حجره روشن بوده، در می زند و وارد اطاق

می شود، و از ایشان شرح ماجرا را سؤال می کند، وی می گوید: اگر قبل از امشب این ماجرا را از من می پرسیدی هرگز پاسخ نمی دادم، ولی نظر به این که امشب، آخرین شب عمر من می باشد، و در هنگام با مداد از این جهان رخت بر می بندم، داستان خود را برای تو شرح می دهم، آنگاه داستان آن مرد ناصبی را بازگو کرده، از عنایاتی که در سفر عتبات عالیات عراق (کربلا و نجف و ...) نصیبت شده گفتگو می نماید، و سپس اظهار می دارد که، من هر روز صبح به بیرون شیراز می رفتم، و در آنجا با چند نفر از دوستان امام زمان پشت سر حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه نماز صبح را می خواندیم.

خادم مدرسه درباره دیگر افراد سؤال می نماید، او یک نفری را که در مقابل مسجد نو، در نزدیکی حرم حضرت شاه چراغ علیه السلام پینه دوزی می کرده، معرفی می نماید. خادم مدرسه به کار خود مشغول می شود، و قبل از طلوع آفتاب متوجه می گردد که در مدرسه را می کوبند، هنگامی که در را باز می کند، می بیند که آیه الله کجوری (که از علمای مهم شهر شیراز، و از شاگردان معروف شیخ انصاری قدس سره بوده اند) هستند، آیه الله کجوری می پرسند: آیا کسی در مدرسه از دنیا رفته است؟ خادم مدرسه اظهار بی اطلاعی می کند، ایشان می فرمایند: من خوابیده بودم، در عالم رؤیا به محضر مقدّس حضرت ولیّ عصر علیه السلام مشرف شدم و ایشان فرمودند: یکی از دوستان ما در این مدرسه از دنیا رفته، چون غریب است و در این شهر کسی را ندارد، به کفن و دفن او همّت بگمارید.

هنگامی که خادم مدرسه در خدمت آقای کجوری، به حجره آن بزرگوار می روند، می بینند که رو به قبله خوابیده، و جان به جان آفرین تسلیم کرده است مرحوم آیه الله کجوری به مردم اطلاع می دهند، و شهر شیراز به حالت تعطیل در

می آید، و اهالی شهر در مراسم تشییع این بزرگمرد شرکت می کنند.

نگارنده می گوید: این داستان را قبلاً از مرحوم آیه الله، حاج شیخ محمد خادمی شنیده بودم، سپس از مرحوم حجّة الإسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ جلال الدین آیه الله زاده با تفصیل بیشتری شنیدم.

مرحوم آیه الله زاده می فرمودند: اخوی بزرگوارم مرحوم آیه الله، حاج شیخ بهاء الدین محلاتی قدس سره متعهد و ملتزم بودند که هر صبح جمعه (بین الطلوعین) در کنار قبر ایشان حضور پیدا کنند، و پس از قرائت فاتحه و سوره هایی از قرآن، برای فرج مولی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء دعا نمایند.

قبر سرباز یاد شده (که به نام مرحوم عبد الغفور خوئی بوده) در قبرستان دار السلام شیراز، واقع در بلوار سیبویه می باشد. مرحوم عبد الغفور در میان اهل شیراز به «سرباز گمنام» معروف است. سنگ قبر ایشان، به امر مرحوم آیه الله کجوری تهیه شده، و نوشته های روی سنگ قبر به قلم ایشان می باشد.

99 - شفای مریض در اثر توسل به حضرت فاطمه علیها السلام

آقای سیّد احمد، نواده مرحوم سیّد ابراهیم میلانی، در تبریز مریض بود، دختر یکی از مراجع تقلید، پدرش را در عالم خواب می بیند، و ایشان می فرمایند: آقای سیّد احمد مریض است، فردا شب (شب سوم جمادی الثانی) یقیناً شب شهادت حضرت فاطمه علیها السلام است، و حدیث کساء، یقیناً از حضرت فاطمه علیها السلام می باشد، فردا شب در اطاق مخصوص من گرد آمده، برای شفای ایشان حدیث کساء بخوانید. فردا در اطاق مخصوص آن مرجع والا مقام گرد آمدند، و حدیث کساء خواندند، و ایشان از برکت توسل به حضرت زهرا علیها السلام بهبودی یافتند.

دختر یکی از مراجع بزرگوار تقلید، در عالم رؤیا می بیند که در ایّام شهادت حضرت فاطمه علیها السلام در منزلش مجلس عزاداری برقرار است، و او برای کارهای مقدّماتی روضه تلاش می کند، در این اثنا می بیند که مرحوم پدرش آمده اند، عرض می کند که خیر است انشاء الله، می فرمایند: شما برای مادرم حضرت فاطمه علیها السلام مجلس گرفته اید، آمده ام کمک کنم. سپس فرموده بودند: خانمی که قرار است سخنرانی کند، به او بگوئید در اوّل جلسه، 530 بار بگوئید:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آيَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

سپس اظهار تأسف کرده بودند که چرا در این مجالس، خطبه حضرت زهرا علیها السلام به طور کامل خوانده نمی شود. (1)

101 - عنایت فاطمه زهرا علیها السلام به یکی از خدمتگزاران خود

یکی از فضیلاتی حوزه علمیه قم، که برای حضرت فاطمه علیها السلام مجلس روضه اقامه می کند، و برای خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام خدمات فرهنگی انجام می دهد، شبی در عالم رؤیا می بیند که حضرت زهراء علیها السلام به افتخار او مجلس بزرگداشتی ترتیب داده اند، و صدها نفر از اهل ولایت، در آن مجلس دعوت شده اند، و سفره بسیار رنگینی پهن گردیده، و همگان بر سر سفره احسان حضرت زهرا علیها السلام متنعم هستند، و آن حضرت شخصاً در این مجلس حضور دارند، و از کنار سفره عبور می کنند، و به حاضران خوش آمد می گویند.

ص: 278

1- در یکی از داستانهای گذشته، در تعلیم مرحوم علامه طباطبایی قدس سره جمله (وَالسِّرُّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا) در مجموع جمله های صلوات، ذکر گردیده است.

33 سال پیش، دوست گرانقدرم حجة الإسلام و المسلمین آقای، حاج شیخ جواد علامی، به شهر «تکاب» دعوت می شوند، و خدمات شایسته ای انجام می دهند و اختلافات مردم را رفع می نمایند، و در میان اهالی شهر صلح و صفا ایجاد می کنند. ایشان موفق می شوند که سه مسجد به نامهای: مسجد صاحب الأمر علیه السلام و مسجد ولی عصر علیه السلام و مسجد امام زمان علیه السلام در آنجا تأسیس نمایند، به هنگام بازگشت به قم، در خیابان سپه تهران، از گاراژ میهن تور، به سوی گاراژ شمس العماره (در خیابان ناصر خسرو) عزیمت می کنند، و ساک دستی خود را پشت تاکسی می گذارند، و راننده تاکسی خیال می کند که صاحب ساک، هنوز در تاکسی نشسته است، و لذا حرکت می کند و ایشان با دست خالی به قم بر می گردند، در حالی که در آن ساک مقداری پول و هشت مجلد دفتر یادداشت بوده است، و ایشان برای گم شدن آن دفترها بسیار ناراحت بوده اند. عصر جمعه ای برای شرکت در مجلس روضه به منزل مرحوم آیه الله، حاج سید حسین قاضی طباطبائی (پسر خاله علامه طباطبائی، و صاحب کرامات فراوان) می رود، مرحوم قاضی از ایشان می پرسد که چرا نا راحت هستید؟ ایشان داستان را نقل می کنند، آیه الله قاضی می فرماید: شما امروز یک روضه حضرت زهراء علیها السلام بخوانید، هفته آینده نیز همین جا یک روضه دیگری از آن حضرت بخوانید، من ساک شما را می دهم. آقای علامی، دو هفته در آن محفل روحانی و نورانی، روضه حضرت زهراء علیها السلام را می خواند و متوسل می شود، روز شنبه، به فرمان آقای قاضی به تهران می رود، و به یکی از آشنایان خود سر می زند، او اظهار می کند، که همین الآن به

ما زنگ زدند که ساک آقای علامی پیدا شده، و ایشان به مرکز امور تاکسی ها مراجعه می کند، و ساکش را تحویل می گیرد، در حالی که پولها و دفترها دست نخورده بوده است.

103 - آبشار فاطمی در مسجد امام حسین

در اولین سالهای شروع نهضت فاطمیّه، همراه عده ای از دلسوختگان شهادت فاطمه زهراء علیها السلام بی نام و نشان به صورت دسته عزاداری، به سوی خمینی شهر رفتیم، و پس از طی مسیری طولانی با حالت سینه زنی وارد مسجد امام حسین علیه السلام در محله خوزان شدیم، مجلس و مراسم عجیبی بود، و برنامه سخنرانی و سینه زنی تا بعد از نیمه شب ادامه یافت، و حال و هوای معنوی مراسم، همه را تحت تأثیر قرار داده بود، و خدا را شکر می کردند که چنین توفیقی یافته اند.

در همان شب، یکی از مردان متدین و با ولایت (یعنی مرحوم حاج علی اصغر حبیبی که اخیراً فوت شده است) در عالم رؤیا می بیند که، از سمت راست حسینیه، سمت ایوان مسجد امام حسین علیه السلام آبشار بزرگی پیدا شده، و جریان دارد، و حسینیه را آب فرا گرفته است. در این حال مردم علاوه بر نوشیدن آب و شستن صورتهای خود، ظرفهای خود را می آوردند و پر می کردند، ولی ظرفهای آنها مختلف بود (بعضی از آنها کوچک و بعضی بزرگ بود) (1) و بدین وسیله، عنایت فاطمه زهراء علیها السلام به عزاداران آن حضرت، آن هم به گونه ای عام و گسترده، در قالب آبشاری زلال و پاک و سیراب کننده، اظهار می گردد.

ص: 280

1- آری! هر کس مطابق ظرفیت و آمادگی خود، از آبشار فیض فاطمی بهره می برد.

یکی از علمائی که در جریان نهضت فاطمیّه، و گسترش آن در خمینی شهر، بسیار جدیت و کوشش داشته و دارند، با شنیدن این رؤیا، شدیداً تحت تأثیر قرار می گیرند، و تلاش خود را در زمینه بزرگداشت فاطمیّه افزایش می دهند، و به خاطر شوق زیادی که نسبت به سرودن شعر برای اهل بیت علیهم السلام در دل

و جانشان پیدا شده بوده، به حضرت زهراء علیها السلام متوسّل می شوند، و تقاضا می کنند که از آن آبشار فاطمی سیرابشان نمایند، ناگاه متوجه می شوند که بدون سابقه قبلی، قادر بر سرودن شعر هستند، و از آن زمان تاکنون، در حدود دو هزار بیت شعر در باره فاطمه زهراء علیها السلام و فاطمیّه و حضرت بقیّه الله علیه السلام و کارنامه سیاه اهل سقیفه و ... سروده اند

104 - نگران نباش ... اینجاست

حجّة الإسلام و المسلمین، آقای حاج سید محمود میردامادی دام توفیقه که از اولین سالهای حرکت فاطمیّه و بزرگداشت شهادت حضرت زهراء علیها السلام در سطحی وسیع و گسترده و با پشتکاری مجدّانه، در روشنگری و هدایت جامعه، و برگزاری مجالس عزای فاطمه زهرا علیها السلام و به حرکت درآوردن دستجات عزاداری (مخصوصاً در خمینی شهر) اقدام نموده اند، و تاکنون، همه ساله قدم های مثبت و مؤثری بر می دارند، می فرمودند:

در عالم رؤیا دیدم در صحرای عرفات هستیم، و مجلسی را به نام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در آن صحرا بر پا نموده ایم، و پرچمهای مخملی به رنگ سبز، در حالی که شعارهای مظلومیّت حضرت زهرا علیها السلام بر آنها نوشته شده بود، به ستونهای خیمه ها نصب می کردیم.

همانند ایّام حج، خیمه های زیادی برپا بود، و جمعیت های فراوانی از ملت های

مختلف، در حال تماشای پرچمها بودند، و پرچمها در خیمه مخصوصی نگهداری می شد، و به ترتیب آن پرچمها، به ستونها و کوچه هایی که از خیمه ها درست شده بود نصب می گردید، بنده در عالم رؤیا نگران بودم که مبادا این پرچمها کافی نباشد، و به همه خیمه ها و کوچه ها نرسد، در این حال وارد خیمه محل نگهداری پرچمها شدم، دیدم پرچمها بسیار زیبا می باشند، و یکی بهتر از دیگری، ولی تعداد آنها کم بود، نگرانی خودم را به زبان آوردم، ناگاه دیدم آقائی نورانی به شکل سیّدی جلیل القدر، در کنارم ظاهر گردیده و فرمودند: نگران نباش... اینجا است (و نام یکی از علمائی که در برنامه های فاطمیّه عرض ادب و اخلاصی دارد، و مایل نیست نامش ذکر شود، به زبان آوردند) با شنیدن این سخن قلبم آرام گرفت، و از خواب بیدار شدم.

متوجه شدم که این خواب پیام دارد، پیام نصرت و پیروزی، و همه باید بدانیم که امام زمان علیه السلام ناظر اعمال ما می باشند و کمک می دهند، و از یارانشان حمایت می نمایند، و باید بدانیم که حرکت نورانی فاطمیّه، مقدمه ای بر ظهور حضرت مهدی (عج) است و باید همه تلاش کنیم که ندای مظلومیّت حضرت زهرا علیها السلام را به جهانیان برسانیم، و شعارهای فاطمیّه را در مقابل دیدگان همه ملتها و مردم کشورها قرار دهیم.

105 - به نحوی توّسل به حضرت زهرا علیها السلام پیدا کن که

یکی از فضلاء عالیقدر، که در آستان مقدّس صدیقیّه طاهره علیها السلام مخلصانه خدمات بسیار زیادی انجام داده و می دهد، مورد عنایاتی قرار گرفته است که به چند مورد آنها اشاره می نمائیم:

چند سال قبل در عالم رؤیا دیدم که در منزل مرحوم آیه الله، حاج سیّد أحمد فقیه

امامی قدس سره مجلس عزاداری برپاست، و خود ایشان پای منبر نشسته اند و به من فرمودند برو منبر، عرض کردم آقا منبربهای مهم تشریف دارند، فرمودند:

و ما می خواهیم شما منبر بروید

ایام فاطمیّه رسید، منزل یکی از علماء سادات، مجلس عزاداری باحال و معنویّتی بود، روز اول مجلس (به قصد استفاده از فیض معنویّ جلسه عزاداری) وارد شدم، صاحب منزل (عالم مورد اشاره در فوق) به من فرمودند: روزها کمی زودتر بیائید، و پس از خوانده شدن زیارت عاشوراء منبر بروید، و من پذیرفتم. در روز شهادت حضرت زهراء علیها السلام برنامه زیارت عاشوراء و زیارت حضرت زهراء علیها السلام طول کشید، و به نظرم رسید که در آن روز به منبر نروم، که برنامه سایر گویندگان (که بایستی در ساعت معین به منبر بروند) بر هم زده نشود، و لذا به صاحب منزل (عالم یاد شده) گفتم: آقایان تشریف دارند و به فیض می رسانند، ایشان فرمودند:

و ما می خواهیم شما منبر بروید

و دقیقاً عین جمله ای را که مرحوم آیه الله امامی قدس سره چند ماه قبل در عالم رؤیا فرموده بودند، ایشان به من گفتند، در حالی که هیچ خبر از رؤیای من نداشتند.

بعد از ظهر روز دهم مجلس، در عالم رؤیا دیدم که در خدمت آن عالم بزرگوار صاحب منزل) ایستاده ام، و ایشان با دست راست بر سینه من زدند و فرمودند:

به نحوی توّسل به حضرت زهراء علیها السلام پیدا کن که

امام زمان علیه السلام تشریف بیاورند

از خواب بیدار شدم و فهمیدم که در دو روز آینده (1) عنایتی می شود، روز

ص: 283

1- در آن سال، به دلیل عنایتی غیبی، مجلس یاد شده، به مدّت دوازده روز برگزار گردید.

دوازدهم که روز جمعه بود، مسئله ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهراء علیها السلام را بالای منبر مطرح نمودم، و از ابتدای بحث به خوبی معلوم بود که مجلس مورد لطف قرار گرفته، لطف قرار گرفته و عموم مستمعین با شنیدن جریان ازدواج بزرگواران گریه می کردند، و رسیدم به ذکر مصیبت، و عرض کردم در دو صحنه امیرالمؤمنین علیه السلام از خدا آرزوی مرگ نمودند، یکی در هنگامی که جلو آن حضرت، فاطمه زهراء علیها السلام را میزدند، و آن حضرت فرموده اند:

فلیت ابن طالب مات قبل یومه هذا (1)

و دیگری در هنگامی که پس از دفن حضرت زهرا علیها السلام می فرمودند:

نفسی علی زفراتها محبوسة یا لیتها خرجت مع الزّفرات (2)

در این حال احساس کردم عنایت ویژه ای شده است، و بعد از این جریان، توان و توفیق یافتم که در سخنرانی هایم در باره امام زمان علیه السلام بحث کنم (در حالی که قبل از این جریان چنین توان و توفیقی نداشتم) و از آن تاریخ، شوق و علاقه خاصی نسبت به حضرت بقیة الله علیه السلام پیدا کرده ام.

چند ماهی گذشت و دچار غفلتی شدم، و در عالم رؤیا ندائی به گوشم رسید که:

بعد از هفت سال، گُلی در زندگیت روئیده است، مواظب باش آن را پایمال نکنی وقتی بیدار شدم و به فکر افتادم، گُلی که هفت سال است در زندگیم روئیده چیست؟ مروری بر برنامه های گذشته زندگیم نمودم، ملاحظه کردم که شروع اقدام گسترده ام در باره حضرت زهرا علیها السلام همراهی در مسافرت دسته جمعی،

ص: 284

1- ای کاش فرزند ابی طالب قبل از این روز مرده بود(و این منظره را نمی دید).

2- جان من، با آه و ناله ام(در سینه ام) حبس شده، ای کاش جانم، با آن آه و ناله ها خارج می شد

در کاروانِ تبلیغیِ فاطمیّه بوده است، که تاریخ آن در صفحهٔ اوّل مفاتیح الجنان که به عنوان یادگار سفر تبلیغی فاطمیّه اهداء شده بود، ضبط گردیده و خدای را شکر کردم که با هشدارها و راهنمایی های مکرّر (به احترام فاطمه زهراء علیها السلام) از لغزشهای خطرناک محفوظم داشته اند.

106 - با دست روی بدنم کشیدند و بشارت شفا به من دادند یکی از دلباختگان نسبت به حضرت زهرا علیها السلام که خود ذریّه آن حضرت است و در راه اهل بیت علیهم السلام و حضرت بقیّة الله توفیقاتی دارد، نقل نمود که:

یکی از دلباختگان نسبت به حضرت زهراء علیها السلام که خود و ذریّه آن حضرت است و در راه اهل بیت علیهم السلام و حضرت بقیّة الله علیه السلام توفیقاتی دارد، نقل نمود که:

در سال 1370 شمسی، به مدّت دو ماه، در مدینه منوره در خدمت زائران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهراء علیها السلام بودم، و هر هفته پانصد نفر در هتل محل اقامت ما وارد می شدند، و به انجام وظیفه در راه خدمت به آنها مشغول بودیم. در یکی از هفته ها، در هنگام ورود زائران جدید، صدای ناله جان سوزی شنیدم که بانویی با صدای پر سوزی می گفت: مادر! دخترم را به من برگردان، و مرتّب ناله می زد، صبح روز بعد، در رستوران هتل هنگام خوردن صبحانه، همان صدا با همان حالت، شنیده می شد و قطع نمی گردید، شب در هنگام صرف شام نیز با همان صدا برخورد کردم. یکی از بستگان من در میان زائران بود، از او سؤال کردم که صاحب ناله کیست؟ و چرا این طور می نالد؟ و دیروز تا حال آرام نشده است، گفت: او دختر هیجده ساله ای دارد که مبتلا به سرطان می باشد، و دکترها جواب ردّ به او داده اند، و گفته اند: او بیش از پنج روز دیگر زنده نمی ماند، و با این حال مردّد بوده است که با این وضعیّت چه کند؟ و آیا از سفر به مکه و مدینه منصرف شود؟ ولی تصمیم می گیرد به قصد شفای دخترش عازم زیارت شود، و در هنگامی که می خواسته است حرکت کند، به کنار بستر

دخترش می رود، می بیند که او توان سخن گفتن ندارد، ولی چادر مادرش را می گیرد، و همراه با اشک ریزان، با اشاره به او می فهماند که با این حال من، کجا می روی؟ من در حال مرگ هستم، مادر به فرزند مریض خود (که در آخرین روزهای عمر بوده است) می گوید: برای شفای تو به زیارت مادرم فاطمه زهراء علیها السلام می روم.

حال، که به مدینه رسیده و منظره قبرستان بقیع را دیده، می گوید: با یک چشمم برای غربت و مظلومیت مادرم زهراء علیها السلام گریه می کنم، و با چشم دیگر برای دخترم که با آن حال با او خداحافظی نمودم، اشک می ریزم.

شب جمعه فرا رسید، همگی برای خواندن دعای کمیل به کنار حرم با صفای بقیع مشرف شدیم، و آن زن روضه خوان جلسه بود، و با ناله های جانسوز خودش همه را منقلب می کرد، پس از پایان دعا به نزد او رفتیم، و او را دلداری دادیم و گفتیم: شما سر سفره کرم حضرت زهراء علیها السلام آمده اید، انشاء الله دخترتان خوب می شود. از آن تاریخ ده روز گذشت، شب در هنگام شام خوردن، مسئول هتل صدا زد آقای... از ایران تلفن دارید، وقتی گوشی را به دست گرفتیم، متوجه شدم همان خانمی است که آن همه ناله می کرد و گفت: امشب برو به زیارت بقیع، و از مادر مان حضرت زهراء علیها السلام تشکر و سپاسگزاری کن، زیرا ایشان دخترم را شفا داده اند، گفتیم: قضیه چیست؟ گفت: هنگامی که به فرودگاه رسیدیم، دیدم دخترم به استقبال آمده، و در یک دست دسته گل گرفته، و در دست دیگر، عکس ها و برگه های آزمایش های پزشکی را گرفته است و می گوید: مادر کجا رفتی؟ به کی رفتی؟ چه کردی؟ برگه های آزمایش را نگاه کن هیچ اثری از سرطان در وجودم نیست، گفتیم: چه خبر شده است؟ گفت: یک

شب در عالم خواب دیدم عده ای زن سیاه پوش وارد اتاقم شدند و بانوئی از آنها با محبت با من سخن گفتند و با دست مبارکشان بر روی بدنم کشیدند، و بشارت به من دادند و فرمودند: من از خداوند شفایت را درخواست نمودم، و او اجابت فرمود، و هنگامی که بیدار شدم، احساس کردم شفا یافته ام و هم اکنون در حالت سلامت کامل به سر می برم.

107 - خاطره ای از مرحوم کافی درباره حضرت زهرا علیها السلام

واعظ نامدار و شهید راه اهل البیت علیهم السلام و دلباخته و فدائی امام زمان علیه السلام مرحوم حاج شیخ أحمد کافی چند روزی در بیت شریف آیه الله العظمی، آقای گلپایگانی قدس سره منبر می رود، و در بیان مصائب حضرت فاطمه زهراء علیها السلام این قضیه را نقل می نماید: یک عاشق دلباخته امیر المؤمنین علیه السلام رفت به نجف اشرف و پس از اذن دخول گرفتن، وارد حرم مطهر امیر المؤمنین علی گردید و عرض کرد یا علی! هر که می آید به محضر شما چیزی هدیه می کند و اما من دستم خالی است، و فقط یک شعر برای شما می خوانم و می روم، اما هر چه کرد نتوانست شعرش را بخواند، و از خدمت حضرت مرخص شد و آن شب با گریه و آندوه خوابید.

در عالم رؤیا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمودند: چرا گریه می کنی؟ عرض کرد چرا گریه نکنم، و حال آنکه نتوانستم به محضر شما عرض ادب نمایم، حضرت فرمودند: تو بخوان، هر جا نتوانستی خودم تو را کمک می کنم او گفت: به پیش مصطفی شرمنده باشم، ولی نتوانست بقیه شعر را بگوید و امیر المؤمنین

علی علیه السلام فرمودند بخوان: که زهراء مرده و، من زنده باشم(1) که مجموع دو مصرع که یکی از آن زائر، و دیگری از امیر المؤمنین علی علیه السلام است، این چنین می باشد:

به پیش مصطفی شرمنده باشم که زهرا مرده و من زنده باشم

108 - ارواح مقدسه همه امامان در عزاداری های اصفهان حضور داشتند

یکی از دبیرهای مذهبی و متدین، و علاقمند به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بالأخص حضرت زهراء علیها السلام و امام زمان علیه السلام (که همسر و فرزندان او نیز کاملاً در این راستا قرار دارند) دختری دارد که در سن سه سالگی به داخل حوض منزل می افتد، و مدت زمانی کسی متوجه نمی شود و در هنگامی که پدر او با صدای زنگ در خانه از خواب بیدار می شود، می بیند دختر بچه، روی آب حوض افتاده و شکم او پر از آب است، و در حالت اضطراب با توجه به اعتقاد و علاقه ای که به امام زمان علیه السلام داشته و دارد، فریاد یا صاحب الزمان سر می دهد، و بچه را از آب بالا می کشد، و به بیمارستان می برد، ولی نه تنها بچه با لطف آن حضرت از کام مرگ نجات پیدا می کند، بلکه از آن زمان، حالت روحی او متحول می شود، و یک حالت معنوی استثنائی پیدا می کند، که در میان هم سن و سالها و دیگر افراد خانواده و فامیل، مورد توجه می باشد.

این دختر در سن هجده سالگی در ایام شهادت حضرت زهراء علیها السلام در سال 1418 قمری، عصر جمعه 28 / 6 / 1376 خواب جالب تکان دهنده ای

ص: 288

می بیند، و در عالم رؤیا متوجه می شود که همه معصومین علیهم السلام به اصفهان تشریف آورده اند، در حالی که بعضی از آنها سوار بر اسب بوده اند، در عالم رؤیا، شخص مدّاحی روضه می خوانده، و ذکر مصائب حضرت زهراء علیها السلام می نموده، و مردم به گریه و عزاداری مشغول بوده اند، و آن مدّاح نام همه معصومین علیهم السلام را ذکر می نموده، به جز حضرت بقیّة الله الأعظم عجل الله فرجه (1) ولی در میان آنها علیهم السلام نام حضرت امام حسن و حضرت امام حسین و امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را بیش از همه به زبان می آورده است.

آن بزرگواران، به خاطر عزاداری بر حضرت زهراء علیها السلام به اصفهان تشریف آورده بودند، و در این شهر، مهمان این بنده کمترین، خدمتگذار آستان مقدّس حضرت زهرا علیها السلام (سیّد حجة موحّد ابطحی) بوده اند، و این بنده ناچیز با یک ماشین سفید رنگ، جابه جایی آن بزرگواران را بر عهده داشته ام، و خواب بیننده اصرار داشته است که محلّ سکونت آن معصومین علیهم السلام را بفهمد، ولی اظهار شده که این از اسرار است.

109 - همه امامان و اولیاء الهی میزبان مجلس

فاطمه زهرا علیها السلام هستند

از شروع نهضت فاطمیّه در سال 1411 قمری (یک هزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا علیها السلام) همه ساله

یکماه قبل از ایّام فاطمیّه علیها السلام در ایّام سالروز شهادت حضرت معصومه علیها السلام این روز جمعه ای در منزل این نویسنده کمترین جلسه ای برگزار می شود، با حضور اقشار مختلف، از علماء و خطباء و

ص: 289

1- شاید به این جهت بوده که، در این زمان، صاحب اختیار همه امور، آن حضرت می باشند، و همه معصومین علیهم السلام به منزله میهمان وارد بر آن حضرت بوده اند.

شعراء و مداحان و طبقات تحصیل کرده و هیئات عزاداری، به منظور توجّه دادن به لزوم شروع مقدمات برگزاری مراسم فاطمیّه و بیان راههای ممکن برای دسترسی به فعّالیّت های مؤثر در این زمینه. تشکیل این جلسه یک روزه، به خصوص در سال اول و دوم شروع نهضت فاطمیّه (که با حضور بزرگوارنی همچون پدرم مرحوم آیت الله، حاج سیّد مرتضی موحد ابطحی قدس سره و مرحوم آیت الله، حاج شیخ حسن صافی اصفهانی و مرحوم آیت الله، حاج سیّد احمد فقیه امامی و عدّه ای دیگر از علماء و بزرگان علم و ادب برگزار گردید) از نظر معنوی و نشانه های عنایت غیبی، عجیب و استثنائی بود، و در حرکت دادن آقشار مردم به سوی فعّالیّت های بسیار گسترده و عمیق و با خلوص، تأثیری غیر قابل توصیف داشت.

شرکت کنندگان در جلسه و خدمتگزاران، با آشکی جاری و دلی سوزان و حالتی منقلب، به برنامه های مجلس توجّه داشتند، و در هر سال بشارات و نشانه های غیر قابل تردید ظاهر می گردید، و عنایت غیبی الهی و حمایت قطعی صاحبان ولایت، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت زهراى اطهر علیها السلام و نیز ارواح علماء بزرگ و صلحا و ... به وضوح و با نشانه های روشن، آشکار می گردید.

در یکی از این سالها، یکی از کسانی که رؤیاهایش عجیب و کم نظیر و همراه با نشانه های شگفت آور است، و دیر باورترین افراد را به باور می رساند، در شبی که فردای آن مجلس یاد شده برگزار می گردید، در عالم رؤیا می بیند که، از سر

خیابان تا آخر کوچه، و از در منزل تا اطاقهایی که مجلس حضرت زهراء علیها السلام (بخش مردانه و زنانه) برگزار می گردید، بزرگان و شخصیت های برجسته ای

(در دو صف طولانی و منظم) ایستاده بوده اند، و به احترام شرکت کنندگان در مجلس افتتاحیه برنامه های فاطمیه، اظهار لطف و عنایت می فرموده اند در میان آن همه بزرگان، حضرات ائمه معصومین علیهم السلام درخشان مکتب اهل البیت علیهم السلام همانند علامه مجلسی قدس سره و برخی از امامزادگان بزرگوار علیهم السلام حضور داشته اند، و به احترام بانوی بزرگ اسلام، حضرت زهرا مرضیه علیها السلام و مجلس بزرگداشت آن حضرت، به شرکت کنندگان در مجلس اظهار لطف و احترام می نمودند.

110 - آیه الله العظمی خوانساری خوشود شدند در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام (فاطمیه دوم) چهار سال است که موفق شده ایم به حرکت دادن کاروان عزاداری از اصفهان به شهر مقدس قم و نیز تهران و ساری و برخی دیگر شهرها و در این کاروان که از اقشار مختلف حضور دارند و اخلاص و تواضع و دلسوختگی و فداکاری در پیر و جوان کاروان حاکم می باشد، آن چنان حالتی در جمعیت عزادار یاد شده احساس می شود که هر بیننده ای را تحت تأثیر قرار می دهد و در آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام و بیوت مراجع معظم تقلید و علمای عالی مقام، در شهر مقدس قم و مسجد ها و حسینیه های تهران و شهرها و نیز در مسیر خیابانها و کوچه ها، تماشای این جمع عزادار که با پای برهنه و با اشکی جاری و چهره هائی در هم کشیده، در حال عزاداری خالصانه هستند، نه تنها مردم مذهبی و آشنای با فرهنگ عزاداری را منقلب می کند، بلکه در منطقه های بالای شهر تهران که بسیاری از آنها با حال و هوای فاطمیه و عزاداری آشنا نیستند، آن چنان تأثیر می گذارد که حیرت آور است.

در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام (فاطمیه دوم) چهار سال است که موفق شده ایم به حرکت دادن کاروان عزاداری از اصفهان به شهر مقدس قم و نیز تهران و ساری و برخی دیگر شهرها، و در این کاروان که از اقشار مختلف حضور دارند و اخلاص و تواضع و دلسوختگی و فداکاری در پیر و جوان کاروان حاکم می باشد، آن چنان حالتی در جمعیت عزادار یاد شده احساس می شود که هر بیننده ای را تحت تأثیر قرار می دهد، و در آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام و بیوت مراجع معظم تقلید و علمای عالی مقام، در شهر مقدس قم و مسجد ها و حسینیه های تهران و شهرها، و نیز در مسیر خیابانها و کوچه ها، تماشای این جمع عزادار، که با پای برهنه و با اشکی جاری و چهره هائی در هم کشیده، در حال عزاداری خالصانه هستند، نه تنها مردم مذهبی و آشنای با فرهنگ عزاداری را منقلب می کند، بلکه در منطقه های بالای شهر تهران، که بسیاری از آنها با حال و هوای فاطمیه و عزاداری آشنا نیستند، آن چنان تأثیر می گذارد، که حیرت آور است.

در دو نوبت از این سفرهای معنوی، موفق شدیم که در شهر تهران، در یکی از مراکز دینی که با اجازه و حمایت مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید احمد خوانساری قدس سره (متوفای 1405 قمری) تأسیس شده، ولی در طول چندین سال، با نفوذ افکار گروههای منحرف، برنامه های نامطلوب از دیدگاه اهل البیت علیهم السلام در آن انجام می گرفته شرکت کنیم، و با انجام عزاداری بسیار مفصل و پر از آشک و سوز و منقلب کننده، در آن مرکز و در خیابان منتهی به آن، حال و هوای ولائی جالبی ایجاد گردید، بطوری که همه حاضران را شدیداً تحت تأثیر قرار داد، و برخی از آنها (از علماء و دیگر مردمان) که در جریان آن مرکز دینی و تاریخچه آن بودند، اظهار داشتند: امروز روح مرحوم آیه الله العظمی خوانساری قدس سره از این برنامه و عزاداری برای حضرت زهراء علیها السلام شاد گردید.

و در این هنگام بود که تعبیر رؤیایی عجیب که یکی از اولیاء الهی چند ماه قبل از این تاریخ دیده بودند، به دست آمد، در آن رؤیا مرحوم آیه الله العظمی حاج سید احمد خوانساری قدس سره پر لطف و عنایت خودشان را متوجه این کمترین نویسنده (که نقشی در به حرکت درآوردن کاروان عزاداری داشتم) نمودند، و دلیل و انگیزه آن اظهار عنایت (با نکاتی که در بر داشت) معلوم نبود، ولی در جریان عزاداری یاد شده، تعبیر رؤیا به خوبی مشخص گردید، چنانچه قرآن در قصه حضرت یوسف علیه السلام می فرماید: هَذَا تَعْبِيرُ رُؤْيَايَ قَدْ جَعَلَهُ رَبِّي حَقًّا

111 - برای من هر کاری که می توانید انجام دهید

در اولین سال حرکت و نهضت فاطمیّه در یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهراء علیها السلام پس از آنکه ایام فاطمیّه اول سپری گردید، و اقدامات مفصل و گوناگونی در زمینه آماده سازی شهرها و روستاهای بزرگ و کوچک استان

اصفهان و چندین شهر بزرگ دیگر، با کمک و همکاری علماء و عموم طبقات مردم انجام داده بودم، و مجلس عزاداری در منزل شخصی هم بسیار گسترده و مفصل برگزار شده بود، در خود احساس خستگی می نمودم، و لذا تصمیم گرفتم که برای ایام فاطمیّه دوّم (دهه اول جمادی الثانیه) فقط در مجالس عزاداری شرکت کنم، و به عنوان مستمع حضور داشته باشم، و مسئولیتی در کارهای اجرایی بزرگداشت فاطمیّه دوّم بر عهده نگیرم، و هیچ کس از نیت قلبی و قصد شخصی من اطلاعی نداشت، و در گفتارم مواظب بودم کسی از این نیت شخصی بوئی نبرد.

یکی از روزها در بین نماز ظهر و عصر، که همه روزه سخنان کوتاهی را به مناسبت عرضه می دارم، دیدم یکی از افراد بسیار متقی و دارای حال و هوای معنوی و مورد عنایت خاصّ اهل البیت علیهم السلام در یکی از صفوف جماعت حاضر است و متوجّه شدم که کار مهمی دارد، زیرا راه او با محلّ برگزاری نماز جماعت فاصله زیادی داشت.

پس از اقامه نماز عصر به نزد من آمد و گفت: با شما کار مهمی دارم، امروز قبل از ظهر در عالم خواب دیدم (1) که حضرت زهراء علیها السلام با حالت رنجور و کسالت خوابیده اند و فرمودند: به فلانی بگو برای من هر کاری که می تواند انجام دهد.

و من این پیغام را برای شما آورده ام، و جالب این است که در همان ایام، یکی از علماء بزرگ قم، که از بهره مندان از عنایات خاصّ اهل البیت علیهم السلام می باشند و دارای حال و هوای ملکوتی هستند، تلفن کردند که چه نیّتی در دل داری؟ می خواهی در یک کار بزرگ الهی کوتاهی کنی، حتماً از نیت و قصد خودت

ص: 293

1- ایشان به علّت این که قسمت قابل توجهی از شب را به تهجّد و مطالعه می پردازد، قبل از ظهر کمی استراحت می کند.

برگرد، و به راهی که نشانت داده اند ادامه بده، و لذا پس از این دو جریان، مصمم گشتم که برای فاطمیّه دوّم نیز، یک سلسله برنامه هایی را انجام دهم که تاکنون ادامه دارد، و حرکت کاروان عظیم عزاداری به سوی قم و تهران و ساری و ... در سالهای اخیر، در راستای همین برنامه می باشد.

112 - دیداری تاریخی و نشست پر برکت

پس از انجام برنامه های بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا علیها السلام فرصتی به دست آمد، که جلسه ای نزدیک به چهار ساعت، با مرحوم آیه الله، حاج شیخ محمد باقر صدیقین متوفای ایام فاطمیّه 1414 قمری داشته باشم که در تمامی فرصت موجود، سخن در رابطه با مسائل فاطمیّه و بزرگداشت شهادت حضرت زهراء علیها السلام و آثار و برکات آن بود، و آن بزرگمرد که نسبت به مقام برجسته و استثنائی حضرت زهرا علیها السلام، دلبستگی عجیبی

داشتند با علاقه شگفت آوری به سخنان و گزارشهای این کمترین، در رابطه با برنامه های انجام شده گوش می دادند و نکات فراموش ناشدنی مهم و عجیبی را درباره بعضی از وقایع اتفاق افتاده، و رؤیاهای مربوطه بیان داشتند، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمایم.

گفتم: شنیده ام در ایام برگزاری مراسم يك هزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهرا علیها السلام رؤیای مهمی در کار بوده، و شما تعبیر کرده اید، و تعبیر شما در تعطیل رسمی سالروز شهادت حضرت زهراء علیها السلام مؤثر بوده است. (1)

ص: 294

1- در آن سال با تصویب هیئت دولت، یک روز به عنوان بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهراء علیها السلام تعطیل رسمی اعلام شد، که بازتاب داخلی و جهانی آن بسیار عظیم و موفقیت آمیز بود.

فرمودند: بله، یکی از شخصیت‌ها از تهران به من تلفن کردند که یکی از مقامات عالی‌کُشور خواب مهمی دیده اند که مایلند شما تعبیر بنمائید، و من با هواپیما به تهران رفتم و با ایشان ملاقات کردم و ایشان خواب مفصّلی دیده بودند، و من تعبیر کردم (1) که خطراتی برای کشور و ملت ایران پیش آمده است، که تنها راه برطرف شدن آن تجلیل از حضرت زهراء علیها السلام و أداء حقوق ایشان، و توسّل به ذیل عنایت آن مظلومه (آن هم در حدّ مناسب عظمت کشور) می باشد. و سپس فرمودند: خواب‌های دیگری نیز دیده شده، که همه نشان می دهد، که خطر بزرگی متوجّه ایران گردیده، و بزرگداشت فاطمه زهراء علیها السلام وسیله منحصر برای دفع آن است.

و آنگاه رؤیای دیگری را برای ایشان نقل کردم، که یکی از دل‌باختگان و خدمتگزاران آستان مقدّس حضرت زهراء علیها السلام دیده بودند، و ایشان در تعبیر رؤیا فرمودند: شما کتابی درباره حضرت زهرا علیها السلام منتشر می سازید، که بسیار سودمند واقع می شود، در حالی که آن بزرگمرد، در جریان تألیف کتاب یادواره یک‌هزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهراء علیها السلام (که مقدمات آن را فراهم می کردم) نبودند.

و سپس رؤیای دیگری را که شخص دیگری از مخلصین حضرت زهرا علیها السلام دیده بود نقل کردم، و ایشان فرمودند: شما محلی را برای برنامه های فاطمیّه پایه گذاری می کنید، که آثار و برکات زیادی دارد، و پس از چند سال (به شکل غیرمنتظره و بدون مقدمات اختیاری) محلی خریداری شد (در مجاورت منزل مسکونی خودمان) که رسماً به عنوان بیت الزّهرا علیها السلام نامیده شده است.

ص: 295

1- تعبیرهای مرحوم آیه الله صدیقین بسیار جالب و گاهی حیرت آور بود.

هم چنین رؤیای دیگری، یکی دیگر از دوستان فاطمه زهرا علیها السلام ما دیده بود که ایشان تعبیر نمودند: شما مبلغی را که بابت فلان عنوان بوده، در راه حضرت زهرا علیها السلام مصرف کرده اید، و مَرَضی آن حضرت بوده است، و با توجه به نشانه دقیق که ذکر نمودند، آن چنان تعبیر ایشان عجیب بود که مدتی مرا در یک حالت بهت زدگی فرو برده بود. و جالب توجه این است که آنچه در عالم رؤیا دیده شده بود (در همه موارد یاد شده) به حسب ظاهر، ارتباط و مناسبتی با تعبیرهای یاد شده نداشت، ولی همه آن تعبیرات به وقوع پیوست و صحیح بود آنچه در تمام مدت جلسه چهار ساعته، از آن بزرگوار احساس کردم، علاقه ای شدید، نسبت به حضرت زهرا علیها السلام و قاطعیتی عجیب درباره برکات آن حضرت و آثار توصل به ذیل عنایت آن بانوی مظلومه شهیده بود.

حشره الله تعالی مع مولاته وسیدته فاطمة الزهرا علیها السلام

113 - پای پوسترها اسمی نباشد

در دومین سال حرکت و نهضت فاطمیة چندین نوع پوستر آماده کرده بودیم که از مرحله طراحی تا خطاطی و تهیه فیلم و زینگ به انجام رسیده بود، و قرار بود که چاپ آن انجام شود و هر کدام از این پوسترها، به نام مسجد یا حسینیه یا کتابخانه و یا هیئت بود، و همانند همه پوسترها و پرچمهای تبلیغی، وابستگی به شخص یا گروه یا دسته خاصی در آن اعلام می گردید.

یکی از روزها، پس از برگزاری نماز جماعت ظهر و عصر، یکی از اولیاء الهی (که دارای روحیه معنوی و اخلاص عجیبی است) به نزد اینجانب آمد و گفت: در عالم رؤیا شرفیاب محضر حضرت زهراء علیها السلام شدم، و تمام پوسترها در دست مبارک حضرت بود، و یکی یکی ملاحظه می فرمودند، و مورد عنایت قرار

می دادند، و مخصوصاً پوستری که در آن حدیث شریف امام حسن عسکری علیه السلام در آن طراحی شده بود با این عبارت:

نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا

مورد توجه خاص و عنایت بیشتر آن حضرت بود، و سپس فرمودند:

به فلانی بگوئید پای اینها اسمی نباشد

وقتی این پیام بزرگ و همراه با لطف (که با قرائن و شواهدی که اینجانب در اختیار داشتم، پیامی حقیقی، و رؤیای یاد شده از رؤیاهای صادقه قطعیه بود) به من رسید، با دو دست بر روی چشمهایم گذاشتم، و از آن تاریخ تاکنون متجاوز از دویست و پنجاه نوع پوستر و دهها نوع پرچم چاپی، و هزاران پرچم دست نویس آماده و پخش شده است، که هیچ کدام اسم و آدرس و عنوانی ندارد و برکات و آثار عجیبه معنوی و اجتماعی، از اطاعت این دستور نصییمان گشته و چه بسیار موفقیت هائی که در اثر این راهنمایی نورانی در جریان نهضت عظیم فاطمیه حاصل گشته است.

114 - آیا بیاد می آوری روزی که مرا صدا زدی چطور کمکت کردم

یکی از نوه های مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی (صاحب مکیال المکارم) که بانویی صالحه و با تقوی، و دارای حالات روحی و معنوی شایسته ای است، جریان بسیار جالب و تکان دهنده ای برایش اتفاق افتاده، که چندین فراز نورانی و برجسته دارد، و علاوه بر عنایت حضرت زهرا مرضیه علیها السلام مشتمل بر عنایت حضرت ابوالفضل علیه السلام و حضرت علی بن محمد الباقر علیه السلام نیز می باشد و در آخرین بخش از کرامات و عنایات حضرت زهرا علیها السلام به عنوان حسن

ختم، این داستان جالب و نورانی را نقل می‌نمائیم.

در سال 1370 شمسی، حج خانه خدا نصیبم گردید، و در جلسه ای که برای آماده سازی زائران خانه خدا، برگزار کرده بودند شرکت کردم، و احساس نمودم که روحانی کاروان، از نظر معنوی با سلیقه من هماهنگی ندارد، و آنچنانکه باید، در این سفر روحانی و برجسته، بهره معنوی نصیب نمی‌شود.

با سرپرست کاروان گفتگو کردم، که نام مرا به کاروان دیگری منتقل کند، ولی او موافقت ننمود و گفت: بسیار دیر شده است، و فاصله زمانی کمی تا هنگام اعزام به مکه باقی مانده، و این کار عملی نمی‌باشد.

من به سختی ناراحت شدم، و به حضرت ابوالفضل علیه السلام و حضرت بقیة الله الأعظم (عج) متوسل شدم، و نداری هم کردم، و سپس با زحمت زیاد، با سازمان حج و زیارت در تهران تماس گرفتم، و مشخصات خودم را همراه با تقاضایم برای جا به جایی کاروان اعلام نمودم. همان شب، در عالم خواب دیدم که در یک زیارتگاهی وارد شدم، و جمعیت فراوانی به زیارت آمده بودند، و در تمام عمرم چنین زیارتگاهی را ندیده بودم. این زیارتگاه در بالای بلندی و در سینه کوهی بود، و برای ورود به صحن و حرم امامزاده، پله های زیادی داشت.

در صحن امامزاده، بانوی بزرگواری ایستاده بودند، و چرخشی به دست مبارکشان دادند و فرمودند:

این جمعیت را می بینی، هفت نفر از اینها را می شناسم

به آقا محمد برادرت بگو بیاد می آوری که روزی در ماشین بودی و مرا صدا زدی چطور کمکت کردم، بیا در نزد من تا کار تو را درست کنم

ص: 298

کار شما باید برود قم امضاء شود تا انجام گیرد

فردا ظهر، شوهرم بدون مقدمه آمدند و گفتند: بیا برویم قم و مسجد جمکران گفتم: ما اسم نویسی نکرده ایم (1) ایشان گفتند: می رویم پای اتوبوس عازم جمکران، شاید بعضی از زائر هائی که نام نویسی کرده اند منصرف شوند و ما موفق به زیارت شویم. در هنگامی که به پای اتوبوس رسیدیم، معلوم شد که بعضی از ثبت نام کرده ها، موفق به زیارت نگردیده اند، و ما سوار شدیم و عازم قم و جمکران شدیم.

هنگامی که کاروان حرکت کرد، متوجه شدیم که علاوه بر زیارت قم و جمکران، این کاروان، عازم زیارت مشهد اردهال، و مزار شریف امامزاده عظیم الشان، حضرت علی بن محمد الباقر علیه السلام می باشد (2) و هنگامی که به مشهد

ص: 299

1- در آن زمان زیارت قم و جمکران، گستردگی کنونی را نداشت، و حتماً کسانی که عازم چنین زیارتی بودند، قبلاً در یکی از دفاتر زیارتی قم و جمکران، و کاروانهای مخصوص این برنامه، نام نویسی می کردند.

2- علت عزیمت این کاروان برای زیارت علی بن محمد الباقر علیه السلام این بوده که جوانی چشمش نابینا می شود، و پزشکان متخصص چشم، اعلام می کنند، که چشم این جوان فاسد شده و باید تخلیه شود که عفونت آن، به سایر اعضای بدن سرایت نکند، و پدر آن جوان نذر می نماید که اگر چشم فرزندش شفا پیدا کند، یک کاروان زیارتی را به زیارت این امامزاده بزرگوار بیاورد، و هزینه های کرایه و غذای زائرین را پردازد، و به شکل معجزه آسائی چشم جوان شفا می گیرد، و پدر آن جوان برای ادای نذر خود، این کاروان را به مقصد زیارت و تشکر و سپاسگزاری از امامزاده، علی بن محمد الباقر علیه السلام اعزام می نماید.

اردهال رسیدیم ملاحظه کردم، که منظره صحن و سرا و زیارتگاه امامزاده علی بن محمد البقر علیه السلام دقیقاً و بدون هیچ تفاوتی، به همان شکل و منظره ای است که در عالم رؤیا دیده بودم، و در صحن آن، حضرت زهراء علیها السلام آن سخنانِ مشتمل بر کرامت و عنایت را فرمودند.

پله های فراوان، و محل صحن و سرای امامزاده در بلندی، و منظره مخصوص زیارتگاه را که دیدم، تکان خوردم، و صدق رؤیای خود را دریافتم و با دیدن نشانه یاد شده، امیدوار شدم. چند روز بعد، از سازمان حج و زیارت در تهران، تلفن زدند که: برای جابجایی هفت نفر، توافق شده است (1) و شما یکی از آنها هستید.

جالب توجه اینکه، شب قبل از اینکه از سازمان حج و زیارت، خبر موافقت برای جابجایی را به من بدهند، در عالم رؤیا دیدم که، بیابانی است پر از جمعیت و همه در حال احرام هستند و آقای بزرگواری با اندامی بلند و قوی و بسیار زیبا که زیبایی ایشان قابل توصیف نیست، حضور داشتند، و آن بزرگوار، دست در بدن نداشتند، ناگاه ایشان از میان جمعیت مردانی که در حال احرام بودند، رو به طرف من نمودند و فرمودند:

کار تو درست شد، کاروان شما هم خوب است.

برنامه جابجایی کاروان انجام شد، و به مکه معظمه مشرف شدیم، و هنگامی که به صحرای عرفات رسیدیم، تمام صحنه هائی را که در عالم رؤیا دیده بودم، مشاهده کردم، و راستی رؤیای خود را دریافتم، و نکته جالب این بود که هم

ص: 300

1- دقیقاً، همان تعدادی که در عالم رؤیا، حضرت زهراء علیها السلام فرموده بودند «من هفت نفر از اینها را می شناسم»

چنانکه حضرت ابوالفضل علیه السلام در عالم رؤیا خبر داده بودند، که کاروان شما هم خوب است»، کاروانی که نصیب ما شد، بسیار خوب بود، و یک روحانی بسیار دلسوز و با تجربه، به همراه داشت، که حدّ اعلاّی نظارت و دقّت را به عمل می آورد، و برای صحّت طواف و برنامه های گوناگون حجّ، بیشترین دقّت و مراقبت را به عمل می آورد، و مسئولانه، زائرین خانه خدا را راهنمایی و هدایت می نمود.

شیری به اتومبیل من حمله کرد

برادرم که در انگلستان مراحل تحصیلی خود را طی نموده بود، به ایران برگشت، و من جریان رؤیای خود را برای او نقل کردم، وی گفت: صحیح است، من روزی به باغ وحشی رفته بودم، شیری به اتومبیل من حمله کرد، و روی کاپوت ماشین قرار گرفت و من هیچ راه نجاتی نداشتم و سنگینی شیر آنقدر زیاد بود، که اتومبیل را فرو برد، و با پنجه های قویّ خودش، به شیشه های اتومبیل می زد، و نزدیک بود که شیشه ها بشکند، و من طعمه شیر شوم، در آن هنگام، و در حالت ناامیدی و بیچارگی کامل، به حضرت زهرا علیها السلام استغاثه کردم، ناگاه بدون مقدمه، و بدون سبب قابل پیش بینی، آن شیر دژنده، که در حال پنجه کشیدن به شیشه های اتومبیل بود، از اتومبیل پایین رفت، و از من دور شد، و به شکل عجیب و باور نکردنی، از کام مرگ نجات یافتیم.

و بدینوسیله، صدق رؤیای قبلی، و خبری که حضرت زهرا مرضیه علیها السلام داده بودند (که ما کمکت کردیم) به نحو شگفت آوری روشن گردید.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

ص: 301

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

فَاطِمَةَ

وَ أَيْبَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْذَعِ فِيهَا

بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

خدایا! درود بفرست بر فاطمه و پدر و شوهر و فرزندان او و آن سرّی که در او بودیعه نهاده شده، بعدد آنچه که علم تو به آن احاطه دارد

ص: 302

﴿ الزّهرآ ﴾ ﴿ فهرست مطالب ﴾ ﴿ ۳۰۳ ﴾

(فهرست مطالب)

۵.....	پیشگفتار.....
۷.....	انگیزهٔ تحقیق و تألیف دربارهٔ نهضت فاطمیّه.....
۹.....	شروع نهضت فاطمیّه.....
۱۱.....	عوامل تداوم و گسترش نهضت فاطمیّه.....
۱۳.....	کرامات بی شمار، پشتوانهٔ نهضت فاطمیّه.....
۱۳.....	عرض ادب هائی بی نام و نشان، در شهرها و کشورهای دیگر.....
۱۴.....	استقبال عمومی در همه جا و در میان همهٔ طبقات.....
۱۶.....	نقش دل های سوخته و اشک های جاری در گسترش فاطمیّه.....
۱۷.....	نقش خطباء و سخنوران، در نهضت فاطمیّه.....
۱۸.....	نقش شعراء و مدّاحان، در جریان نهضت فاطمیّه.....
۲۰.....	فعلالیّت های مردمی، عامل گسترش نهضت فاطمیّه.....
۲۱.....	نقش صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در برنامه های فاطمیّه.....
۲۱.....	نقش شخصیت های رسمی، در نهضت فاطمیّه.....
۲۲.....	بهره برداری از امکانات روز، در برنامه های فاطمیّه.....
۲۲.....	نقش حرکت دستجات عزاداری، در همهٔ شهرها و روستاها.....
۲۴.....	نقش مراجع تقلید در حفظ و گسترش نهضت فاطمیّه.....
۲۵.....	۱- آیهٔ الله العظمی، آقای گلپایگانی.....
۲۵.....	۲- آیهٔ الله العظمی، آقای شیرازی.....

(۳۰۴) کرامات و عنایات فاطمه زهرا و نهضت فاطمیه ﴿﴾ یا فاطمه ﴿﴾

- ۲۶ ۳- آیه الله العظمی، آقای صافی گلپایگانی
- ۲۷ ۴- آیه الله العظمی، آقای وحید خراسانی
- ۲۷ اقدام برای تعطیلی سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام
- ۲۸ مبارزه سرسختانه با افکار انحرافی
- ۲۸ دسته عزاداری با پای برهنه
- ۲۹ ۵- آیه الله العظمی، آقای تبریزی
- ۲۹ حرکتی تاریخی و تکان دهنده و موج آفرین
- ۳۰ ۶- آیه الله العظمی، آقای فاضل لنکرانی
- ۳۰ ۷- آیه الله العظمی، آقای مکارم شیرازی
- ۳۱ ۸- آیه الله العظمی، آقای روحانی
- ۳۲ سایر مراجع معظم تقلید
- ۳۳ تحقیق و تألیف در خدمت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۳۴ نهضت تألیف کتاب درباره شخصیت و شهادت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۳۵ کتابنامه های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام
- ۳۶ مفصل ترین کتابنامه فاطمیه
- ۳۶ تألیف کتاب درباره فاطمه زهرا علیها السلام به زبان های گوناگون
- ۳۷ سیصد و هفتاد و نه کتاب جدید
- ۳۷ چهارده سال برابر با چهارده قرن
- ۳۸ تنوع و تفاوت در ویژگی های تالیفات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام
- ۳۹ تعداد چاپ و تیراژ بالا، نشانه موفقیت علمی نهضت فاطمیه
- ۴۰ جایگاه مطبوعات در نهضت فاطمیه

﴿ الزهراء ﴾ ➤ فهرست مطالب ➤ ﴿ ۲۰۵ ﴾

آثار و برکات نهضت فاطمیّه.....	۴۲
فریاد مظلومیّت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> در هم شکننده قدرت و تسلط مخالفان.....	۴۲
فاطمه زهرا و فاطمیّه امّ البرکات.....	۴۴
اعزام مبلغ در دهه فاطمیّه.....	۴۵
برکات نهضت فاطمیّه در زمینه احیاء امر اهل اُلیت <small>علیهم السلام</small>	۴۶
۱- تحوّل بزرگ در جلب توجه عمومی به مسئله غدیر.....	۴۶
۲- توجه دادن به مسئله شهادت حضرت زینب <small>علیها السلام</small>	۴۶
۳- پیشگیری از شکست حریم امامت.....	۴۶
۴- حفظ حریم محرم و عاشوراء.....	۴۷
۵- جلب توجه علاقمندان، به میلاد حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small>	۴۸
۶- بزرگداشت شهادت حضرت رقیه <small>علیها السلام</small>	۴۸
۷- بزرگداشت میلاد و شهادت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	۴۸
۸- بزرگداشت وفات حضرت سکینه بنت الحسین <small>علیها السلام</small>	۴۸
برکاتی گسترده، و فیض هائی الهی.....	۴۹
تأسیس مراکز دینی و علمی و اجتماعی به نام های فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>	۵۰
مراکز دینی و علمی و فرهنگی و اجتماعی با زبان آمار و ارقام.....	۵۱
مراکز علمی و دینی بنام حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> در سایر کشورهای جهان.....	۵۳
آلمان غربی.....	۵۳
آمریکا و کانادا.....	۵۴
استرالیا.....	۵۵
افغانستان.....	۵۵

(۲۰۶) کرامات و عنایات فاطمه زهرا و نهضت فاطمیّه ﴿ یا فاطمه ﴾

-
- ۵۷..... امارات متّحدهٔ عربی
- ۵۸..... انگلستان
- ۵۹..... بحرین
- ۵۹..... مراکز دینی و علمی بحرین به نام حضرت زهراء علیها السلام
- ۶۰..... پاکستان
- ۶۱..... روسیه
- ۶۲..... سوریه
- ۶۳..... تجلی علاقه به فاطمه زهراء علیها السلام در کشور سوریه
- ۶۸..... عراق
- ۷۱..... عربستان سعودی
- ۷۳..... غنا (غانا)
- ۷۳..... فلسطین
- ۷۴..... کویت
- ۷۶..... مراسم فاطمیّه در کویت
- ۷۶..... گینه
- ۷۷..... لبنان
- ۸۰..... مصر
- ۸۱..... مقام رأس الحسین علیه السلام و زینبیه علیها السلام
- ۸۳..... هندوستان
- ۸۴..... مراکز علمی و دینی به نام فاطمه زهراء علیها السلام در هندوستان
- ۸۵..... یونان

﴿ الزهراء ﴾ ﴿ فهرست مطالب ﴾ ﴿ ۳۰۷ ﴾

۸۵	مراکز دینی و اجتماعی به نام حضرت زهراء <small>علیها السلام</small> در دیگر کشورها
۸۶	اعتذار و استمداد
۸۷	نقش کاروانهای تبلیغی و کاروانهای عزاداری در نهضت فاطمیّه
۸۹	اولین سفر تبلیغی در سال ۱۴۱۵
۸۹	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۱۶
۸۹	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۱۷
۹۰	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۱۸
۹۰	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۱۹
۹۱	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۰
۹۱	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۱
۹۲	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۲
۹۲	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۳
۹۳	کاروان تبلیغی در سال ۱۴۲۴
۹۵	کاروانهای عزاداری برای فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۹۵	کاروان عزاداری در سال ۱۴۲۰ قمری
۹۷	کاروان های عزاداری ، در سالهای دیگر
۹۹	آثار و برکات کاروانهای تبلیغی و عزاداری
۹۹	رمز موفقیت کاروانهای تبلیغی و عزاداری
۱۰۲	نهضت فاطمیّه از دید صاحب نظران و شعراً اهل البیت <small>علیهم السلام</small>
۱۰۵	کرامتها و عنایتهای فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۱۰۷	کرامتها و عنایتهای فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>

(۳۰۸) ﴿ کرامات و عنایات فاطمه زهرا و نهضت فاطمیه ﴾ ﴿ یا فاطمه ۴ ﴾

- ۱- عطیه‌ای الهی پس از ۲۷ سال..... ۱۰۹
- ۲- من فرزندان و دوستان زیادی دارم که مشکل شما را حلّ می‌کنند..... ۱۱۰
- ۳- با توسّل به حضرت زهراء علیها السلام شفای شما را از امام رضا علیه السلام گرفت..... ۱۱۲
- ۴- مفاتیح الجنان را به روح مقدّس حضرت زهراء علیها السلام هدیه کردم..... ۱۱۴
- ۵- روضه محسن مرا بخوانید..... ۱۱۵
- ۶- شفای فوری بانوئی، با توسّل به ختم صلوات بر فاطمه زهراء علیها السلام..... ۱۱۷
- ۷- به خاطر حضرت زهراء علیها السلام امام رضا علیه السلام مهمانی می‌کنند..... ۱۲۰
- ۸- برنامه اطعام داریم، شما هم بمانید..... ۱۲۱
- ۹- دستور حضرت زهراء علیها السلام به علامه امینی..... ۱۲۴
- ۱۰- من که مزدم را گرفتم..... ۱۲۶
- ۱۱- خدایا! این جوان به ما متوسّل شده..... ۱۲۷
- ۱۲- اتفاقاً اینجا را مادرم، حضرت زهراء علیها السلام سفارش کرده‌اند..... ۱۲۸
- ۱۳- عنایت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهراء علیها السلام..... ۱۲۹
- ۱۴- امام زمان (عج) با نام مادرشان فاطمه علیها السلام عنایت می‌کنند..... ۱۳۴
- ۱۵- دستور و عنایت حضرت زهراء علیها السلام به آیه الله العظمی گلپایگانی..... ۱۳۵
- ۱۶- یا فاطمه زهراء علیها السلام! آیا شما هم جواب ردّ می‌دهید..... ۱۳۷
- ۱۷- هرکس از حضرت زهراء علیها السلام دفاع کند ما او را بلند می‌کنیم..... ۱۳۸
- ۱۸- بگو مصیبت مادرم فاطمه علیها السلام را بخواند..... ۱۴۱
- ۱۹- چرا به حضرت زهراء علیها السلام توسّل پیدا نمی‌کنی؟..... ۱۴۳
- ۲۰- فاطمه زهراء علیها السلام به منزل ذریه خود تشریف می‌آورند..... ۱۴۵
- ۲۱- من راضی نمی‌شوم این شهر ویران شود..... ۱۴۶

﴿ الزهراء ﴾ فهرست مطالب ﴿ ۳۰۹ ﴾

- ۲۲- با عنایت حضرت زهراء علیها السلام ، ذهن و هوش او متحوّل می شود ۱۴۷
- ۲۳- حضرت زهراء علیها السلام گلی را به من دادند ، بوئیدم و ۱۴۸
- ۲۴- با عنایت حضرت زهراء علیها السلام از مرگ نجات یافت ۱۵۰
- ۲۵- عنایت حضرت رقیه علیها السلام ، در حلّ مشکل بیت الزهراء علیها السلام ۱۵۱
- ۲۶- اینجا در باز شده بود ۱۵۵
- ۲۷- دخترم فاطمه علیها السلام پناهگاه مردم است ۱۵۶
- ۲۸- کسی که خانه اش را به مادرِ ما ، حضرت زهراء علیها السلام می دهد ۱۵۹
- ۲۹- مشکل سفر زیارتی حضرت زینب در جلسه فاطمیّه برطرف شد ۱۶۱
- ۳۰- چرانی آئی ؟ حتما بیا ۱۶۲
- ۳۱- نوری سبز رنگ ، در هنگام نماز استغاثه به حضرت زهراء علیها السلام ۱۶۳
- ۳۲- این الفاطمیون ؟ ۱۶۳
- ۳۳- خوشگذرانی در آیام فاطمیّه ، به آتش سوزی و عزا مبدّل گردید ۱۶۴
- ۳۴- و اینگونه باران رحمت می بارید ۱۶۵
- ۳۵- من هم عزادار فاطمه زهراء علیها السلام شده بودم ۱۶۶
- ۳۶- دختر آلمانی و پدر او : ای فاطمه پهلوشکسته ! ۱۶۹
- ۳۷- جلسه حدیث کساء ، و شفای جوان مسیحی ، در واشنگتن ۱۷۰
- ۳۸- جاذبه معنوی و نور حضرت زهراء علیها السلام او را به سوی اسلام کشید ۱۷۲
- ۳۹- و این است عاقبت کسی که روضه حضرت زهراء علیها السلام نخواند و ۱۷۳
- ۴۰- بگو یا زهراء علیها السلام ! و بیا بالا ۱۷۵
- ۴۱- هرگاه به یاد آن دیدار می آفتم ، قلبم می خواهد از هم بیاشد ۱۷۶
- ۴۲- اینها را به عنوان برات ، به کسانی بدهید که در این مجلس ۱۷۹

(۳۱۰) ﴿ کرامات و عنایات فاطمه زهرا و نهضت فاطمیه ﴾ ﴿ یا فاطمه ﴾

- ۴۳- چهره کبود شده‌ای نمایان گردید، و نظری به من نمود..... ۱۸۰
- ۴۴- هدایا را به همه حضار بدهید..... ۱۸۲
- ۴۵- ایشان بخشیده شده، از او پذیرائی کنید..... ۱۸۴
- ۴۶- شفای طفل سرباز فاطمه زهراء علیها السلام..... ۱۸۶
- ۴۷- عطر افشانی، در جلسه فاطمیه..... ۱۸۶
- ۴۸- پاداش هائی بزرگ، برای فداکاریهای با اخلاص..... ۱۸۷
- شما بروی طلبگی، به نفعت می باشد..... ۱۸۸
- ۴۹- دقیقاً آنچه نیاز داشتم رسید..... ۱۹۵
- ۵۰- نگران نباشید، ما او را شفا می دهیم..... ۱۹۶
- ۵۱- عزاداران فاطمه زهراء علیها السلام جلوی مواد مذاب آتشفشان را..... ۱۹۷
- ۵۲- چرا دوستان دست خالی از خانه شما بیرون رفتند..... ۱۹۹
- ۵۳- آمده‌ام تشکر کنم از..... ۲۰۱
- ۵۴- کسی که غبار مجلس حسینم به چشم او می رود نباید نگران باشد..... ۲۰۴
- ۵۵- باید روضه حضرت رقیه علیها السلام و حضرت ابا الفضل علیه السلام بر پا کنی..... ۲۰۶
- ۵۶- و این هم شفای بعد از ناامیدی..... ۲۰۷
- ۵۷- برادر! بچه شفا پیدا کرد..... ۲۰۸
- ۵۸- ما تو را شفا دادیم، به پدرت بگو: با ما قهر نکند..... ۲۰۸
- ۵۹- سرت را بلند کن و بگو: یا فاطمة الزهراء علیها السلام..... ۲۰۹
- ۶۰- شما کجا رفتید؟ این مریض خوب شدنی نبود..... ۲۱۰
- ۶۱- حضرت زهراء علیها السلام: شما را چه شده؟ بلند شو برو..... ۲۱۰
- ۶۲- شجره نامه ما، در حدیث کساء است..... ۲۱۱

﴿ الزَّهْرَا ﴾ ﴿ فهرست مطالب ﴾ ﴿ ۳۱۱ ﴾

- ۶۳- پاشو دنبال دستۀ عزاداری برو..... ۲۱۲
- ۶۴- به شکرانهٔ این که حضرت زهراء علیها السلام شفایش دادند ، می خواهیم..... ۲۱۴
- ۶۵- گر گدا کاهل بود ، تقصیر صاحب خانه چیست؟ ۲۱۵
- ۶۶- فردا در جلسۀ روضه ... شرکت کنید زیرا..... ۲۱۵
- ۶۷- و این هم نمونه‌ای از تأثیرات شگفت..... ۲۱۵
- ۶۸- نمکش از آقای ... است..... ۲۱۶
- ۶۹- چکی به من دادند که باور نمی‌کردم..... ۲۱۷
- ۷۰- در اثر بی احترامی ، عروسی به عزا مبدل می‌شود..... ۲۱۹
- ۷۱- فقط این بیت به ما داده شده است..... ۲۱۹
- ۷۲- یک بیت را من می‌گویم ، بقیه‌اش را تو بگو..... ۲۲۱
- این مضمون را در شعری بیاور..... ۲۲۲
- ۷۳- روضه شما باید به اندازهٔ عمر مادرم زهراء علیها السلام «۱۸» روز باشد..... ۲۲۲
- قاصد حسینی آمد..... ۲۲۶
- سقف شکافته شد ، و عنایت رسد..... ۲۲۷
- آقا ، امام حسین علیه السلام ! می‌خواهم روضه بخوانم..... ۲۲۹
- در روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام کبوتر پرواز کرد..... ۲۳۱
- به اندازهٔ یک فرش ۳ × ۴ از حیاط منزل را جاروب زدند..... ۲۳۰
- ۷۴- پشیمانی انتقاد کنندهٔ به شکل برنامه های فاطمیّه..... ۲۳۳
- ۷۵- من در کشورتان یک فرزند دارم برو آنجا..... ۲۳۵
- ۷۶- میزبان شما فاطمه زهراء علیها السلام هستند..... ۲۳۸
- ۷۷- مجازات کار شکنی و مخالفت ، در مورد حق حضرت زهراء علیها السلام..... ۲۴۰

(۳۱۲) ﴿ کرامات و عنایات فاطمه زهرا و نهضت فاطمیه ﴾ ﴿ یا فاطمه ﴾

- ۷۸- مَرَّ حَباً بَكَ ۲۴۱
- ۷۹- همانطور که خودت می‌گوئی صحیح است ، و ترک نکن ۲۴۲
- ۸۰- همان ساعتی که تو سَلَّ به حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ پیدا می‌کنند ۲۴۴
- ۸۱- کلمه خانم رادوست نمی‌داریم ، نام دیگری بیرید ۲۴۵
- ۸۲- شما که چای مجلس حسینم را نمی‌خورید ۲۴۶
- ۸۳- خداوند خیرت بدهد ، از جدّ غریب ما دفاع کردی ، نترس ۲۴۷
- ۸۴- به خدا ، عنایت حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ نصیبت شده است ۲۵۰
- ۸۵- شفای تو را از خدا گرفتیم ۲۵۳
- ۸۶- نام کتاب را بگذارید «افسانه خلافت» ۲۵۵
- ۸۷- هنوز مادرم زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ راضی نشده‌اند ۲۵۷
- ۸۸- اگر سابقه نوکری حسینم را نداشتی ، نمی‌گذاشتم زنده از این خانه ۲۵۸
- ۸۹- روضه قسم را بخوانید ۲۶۱
- ۹۰- ۱۵۰۰ نفر ، به آئین تشییع هدایت شدند ۲۶۵
- ۹۱- با تو سَلَّ به حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ از زندان رهائی یافت ۲۶۹
- ۹۲- عمر مجدّد ، به برکت برگزاری مجلس برای حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ ۲۷۰
- ۹۳- فردا آزاد خواهید شد ۲۷۱
- ۹۴- بچه دار شدن چند بانوی محترمه ، با عنایت حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ ۲۷۲
- ۹۵- شفای بیمار ، به برکت نذر ختم قرآن برای حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ ۲۷۲
- ۹۶- حلّ مشکل یک مرکز درمانی ، با تو سَلَّ به حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ ۲۷۳
- ۹۷- نماز استغاثه به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ ۲۷۴
- ۹۸- مقامی ارجمند ، در اثر دفاع از حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ ۲۷۵

﴿ ۳۱۳ ﴾ فهرست مطالب ﴿ الزهرا ﴾

- ۹۹- شفای مریض ، در اثر توّسل به حضرت فاطمه علیها السلام ۲۷۷
- ۱۰۰- ارزش والای خدمت در مجالس فاطمیّه ۲۷۸
- ۱۰۱- عنایت فاطمه زهراء علیها السلام به یکی از خدمتگزاران خود ۲۷۸
- ۱۰۲- پیدا شدن گمشده ، در اثر توّسل به حضرت زهراء علیها السلام ۲۷۹
- ۱۰۳- آبشار فاطمی ، در مسجد امام حسین علیه السلام ۲۸۰
- ۱۰۴- نگران نباش ... اینجاست ۲۸۱
- ۱۰۵- به نحوی توّسل به حضرت زهراء علیها السلام پیدا کن که ۲۸۲
- ۱۰۶- با دست روی بدنم کشیدند ، و بشارت شفا به من دادند ۲۸۵
- ۱۰۷- خاطره‌ای از مرحوم «کافی» درباره حضرت زهرا علیها السلام ۲۸۷
- ۱۰۸- ارواح مقدّسه همه امامان ، در عزاداری‌های اصفهان حضور داشتند ۲۸۸
- ۱۰۹- همه امامان و اولیاء الهی ، میزبان مجلس فاطمه زهراء علیها السلام هستند ۲۸۹
- ۱۱۰- مرحوم آیه الله العظمی خوانساری خشنود شدند ۲۹۱
- ۱۱۱- برای من هر کاری که می‌توانید انجام دهید ۲۹۲
- ۱۱۲- دیداری تاریخی ، و نشستی پربرکت ۲۹۴
- ۱۱۳- پای پوسترها ، اسم و عنوانی نباشد ۲۹۶
- ۱۱۴- آیا بیاد می‌آوری روزی که مرا صدا زدی ، چطور کمکت کردم ۲۹۷
- شیری به اتومبیل من حمله کرد ۳۰۱



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

لَيْلَةَ عُرْجِ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا؛
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ حَبِيبٌ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ضِعْفُ اللَّهِ

فَاطِمَةُ خَيْرُ نِسَاءٍ

وَعَلَى بَأْسِهَا لَعْنَةُ اللَّهِ

«تایخ بغداد ج ۱ ص ۱۵۹»

یعنی رسول خدا فرمود: در آن شبی که مرا به معراج بردند، دیدم که بر در بهشت
نوشته است معبودی نیست جز الله، محمد فرستاده خدا، و علی حبیب خدا است
و حسن و حسین و فاطمه منتخب و برگزیده خدا هستند،
و بر دشمنان آنان لعنت خداست

کتابخانه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

أَنْتِ مِنْي كَمَا أَنَا مِنْكَ

فَاطِمَةُ

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيْ فَاطِمَةُ! تَوَارِثُ مِنْ رَبِّهِ

عبدالله
١٤١٣

و سپاسگزاری از علاقمندان فداکار خدای بزرگ را شکر می‌کنم که توفیقی الهی نصیبم نمود، که عرض ادب کوچکی در برابر شخصیت بزرگ جهان خلقت، و عالم بشریت روح و روان رسول خدا صلی الله علیه و آله و پشتیبان و حامی ولی خدا علیه السلام

صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بنمایم، و نام خود را در زمره اردتمندان به آنحضرت ثبت نمایم و سپاس و ثنای خود را نثار می‌نمایم، بر همه علاقمندان و شیفتگان آستان مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها که در این سالهای سوز و شور فاطمی، و دوره اظهار محبت و علاقمندی بی نظیر و بدیل، با انواع حمایتها و همراهی‌ها، زمینه را برای تهیه این مجموعه و انتشار آن فراهم نمودند، و امیدوارم در دنیا، از عنایتها و کرامتهای آنحضرت، و در آخرت از شفاعت آن شفیعه بزرگ، و پدر و همسر و فرزندان معصوم او علیهم السلام بهره‌مند گردند.

خدمتگزار آستان مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها

میر سید حجة موحد ابطحی

تصاویر پوستر در جریان نهضت فاطمیه

نمونه هائی از صدها نوع پوستر در جریان نهضت فاطمه از سال 1411 قمری (یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهراء سلام الله علیها)

عکس

نمونه هائی از صدها نوع پوستر در جریان نهضت فاطمیّه

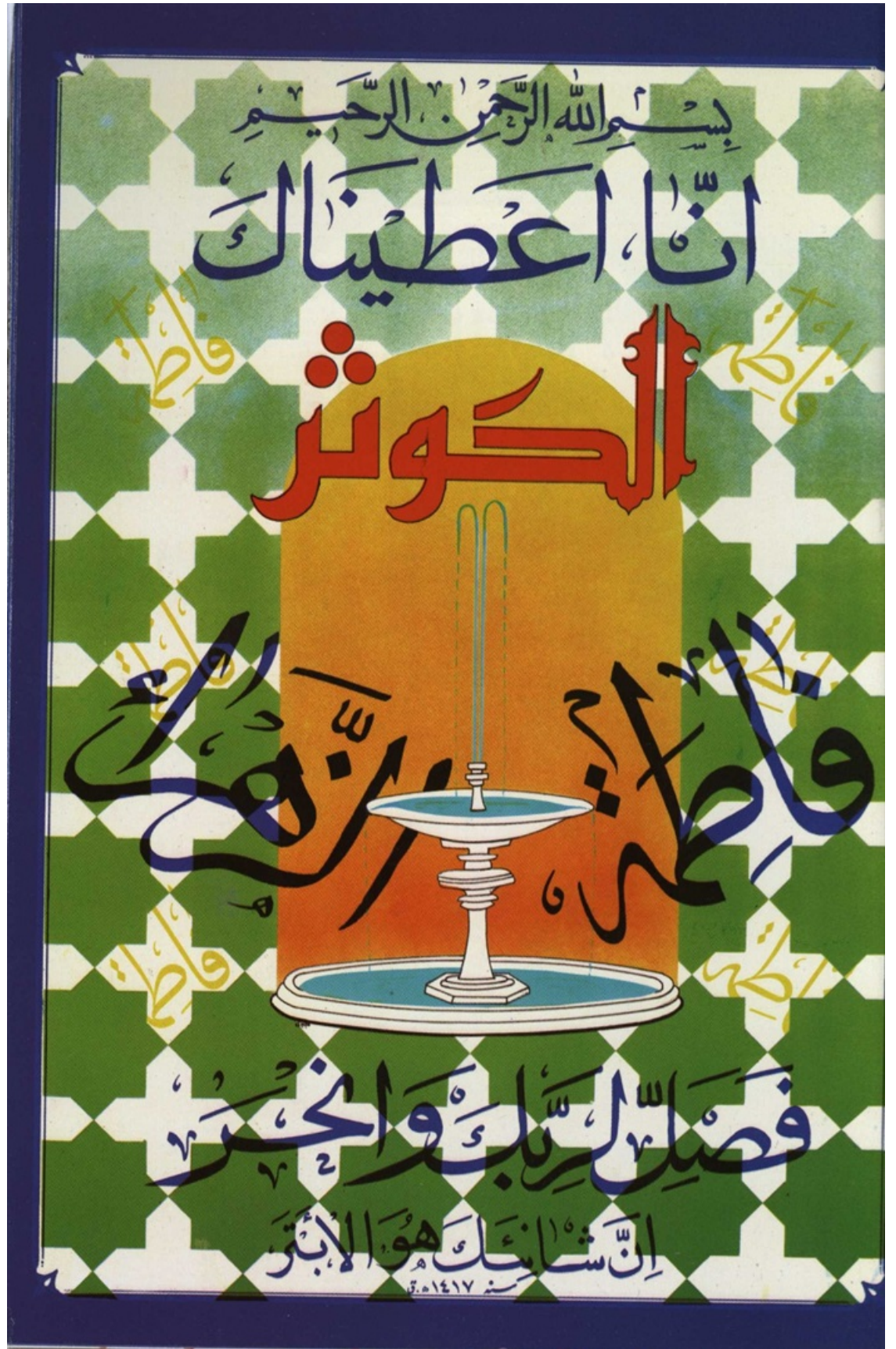
از سال ۱۴۱۱ قمری (یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهراء) تا کنون، صدها نوع پوستر با طرحهای گوناگون، و با مضمون ها و پیامهای متنوع، درباره شخصیت و شهادت حضرت زهراء (س) تهیه، و در سطح کشور ایران و سایر کشورها منتشر گردیده است، که در آگاهی عمومی، و ایجاد خیزش اجتماعی، در دفاع از مظلومیت حضرت زهراء، نقش اساسی داشته است، و تنها در شهر اصفهان، در حدود سیصد نوع پوستر در طول چهارده سال نهضت فاطمیّه، آماده و منتشر شده است، که نمونه هائی از آنها را تقدیم ارادتمندان آن مظلومه شهیده می نمائیم، و البته دست اندر کاران تهیه آنها (اعم از طراح، خطاط، لیتوگراف، مسئول چاپخانه، تأمین کننده بودجه، نشر کننده و ...) خلوص نیت، اظهار ارادت به خاندان رسالت، عرض ادب به ساحت مقدس حضرت زهرا (س) را مورد توجه قرار داده اند، و عمدتاً نام و نشانی از خود بر جای نگذاشته اند.



تاکنون، صدها نوع پوستر با طرحهای گوناگون، و با مضمون ها و پیامهای متنوع، درباره شخصیت و شهادت حضرت زهراء (سلام الله علیها) تهیه، و در سطح کشور ایران و سایر کشورها منتشر گردیده است، که در آگاهی عمومی، و ایجاد خیزش اجتماعی، در دفاع از مظلومیت حضرت زهراء، نقش اساسی داشته است، و تنها در شهر اصفهان، در حدود سیصد نوع پوستر در طول چهارده سال نهضت فاطمیّه، آماده و منتشر شده است، که نمونه هائی از آنها را تقدیم ارادتمندان آن مظلومه شهیده می نمائیم، و البته دست اندر کاران تهیه

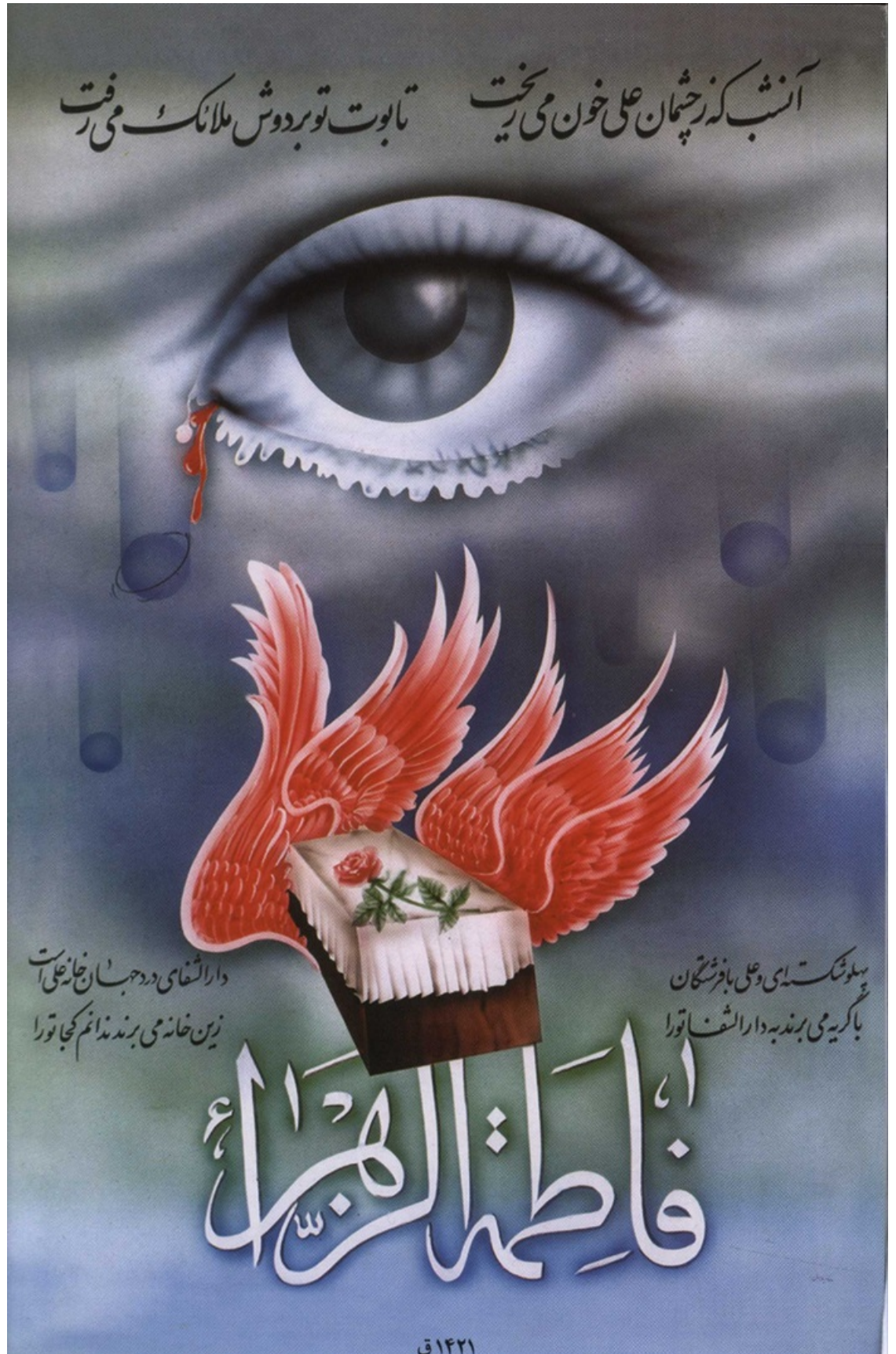
آنها (اعم از طراح، خطاط، لیتوگراف، مسئول چاپخانه، تأمین کننده بودجه، نشر کننده و...) خلوص نیت، اظهار ارادت به خاندان رسالت، عرض ادب به ساحت مقدس حضرت زهرا ((سلام الله علیها)) را مورد توجه قرار داده اند، و عمدتاً نام و نشانی از خود بر جای نگذاشته اند.

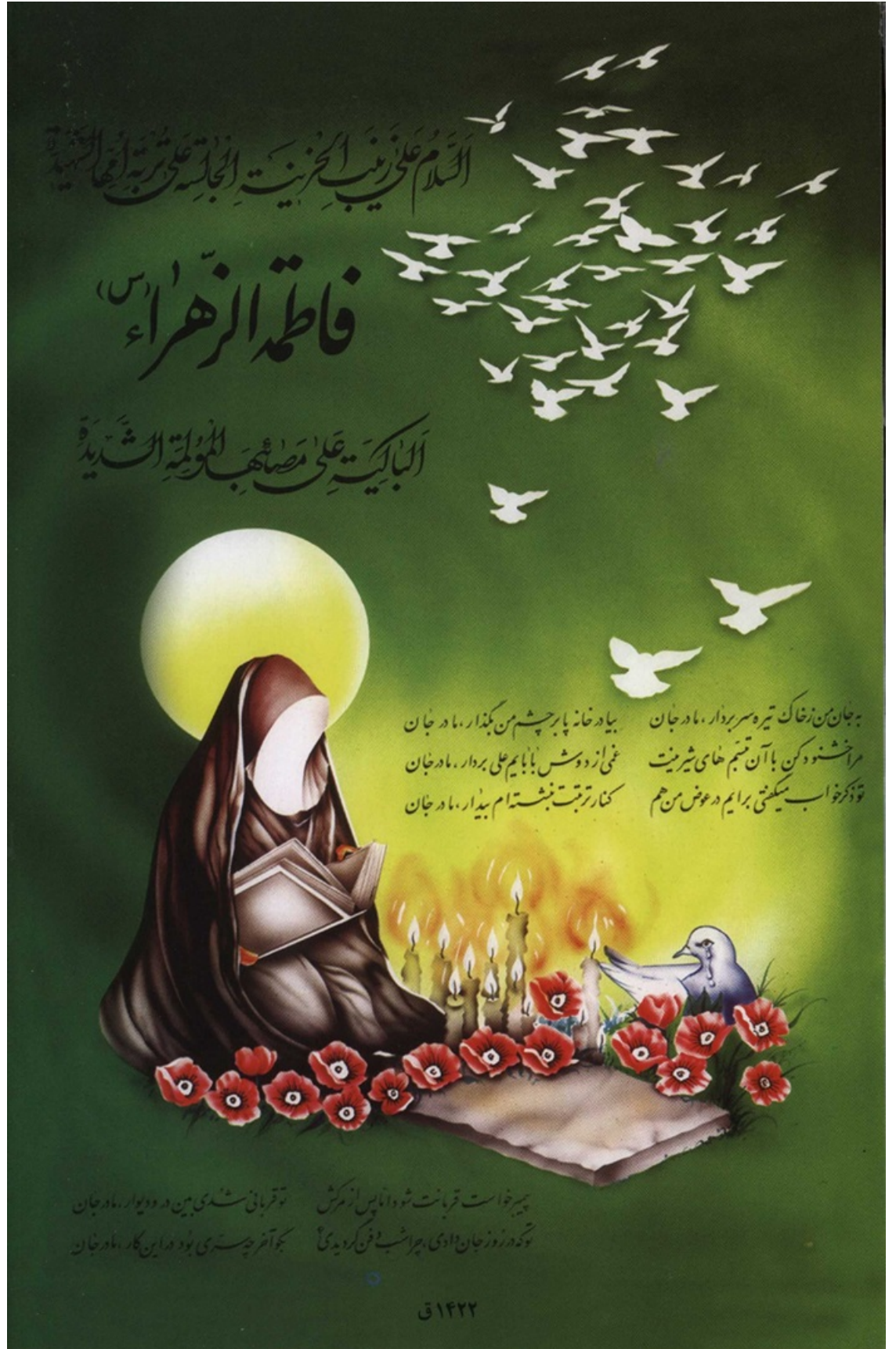
ص: 317











السلام على نبي الخزينة الجليلية علي بن ابي طالب

فاطمه الزهراء (س)

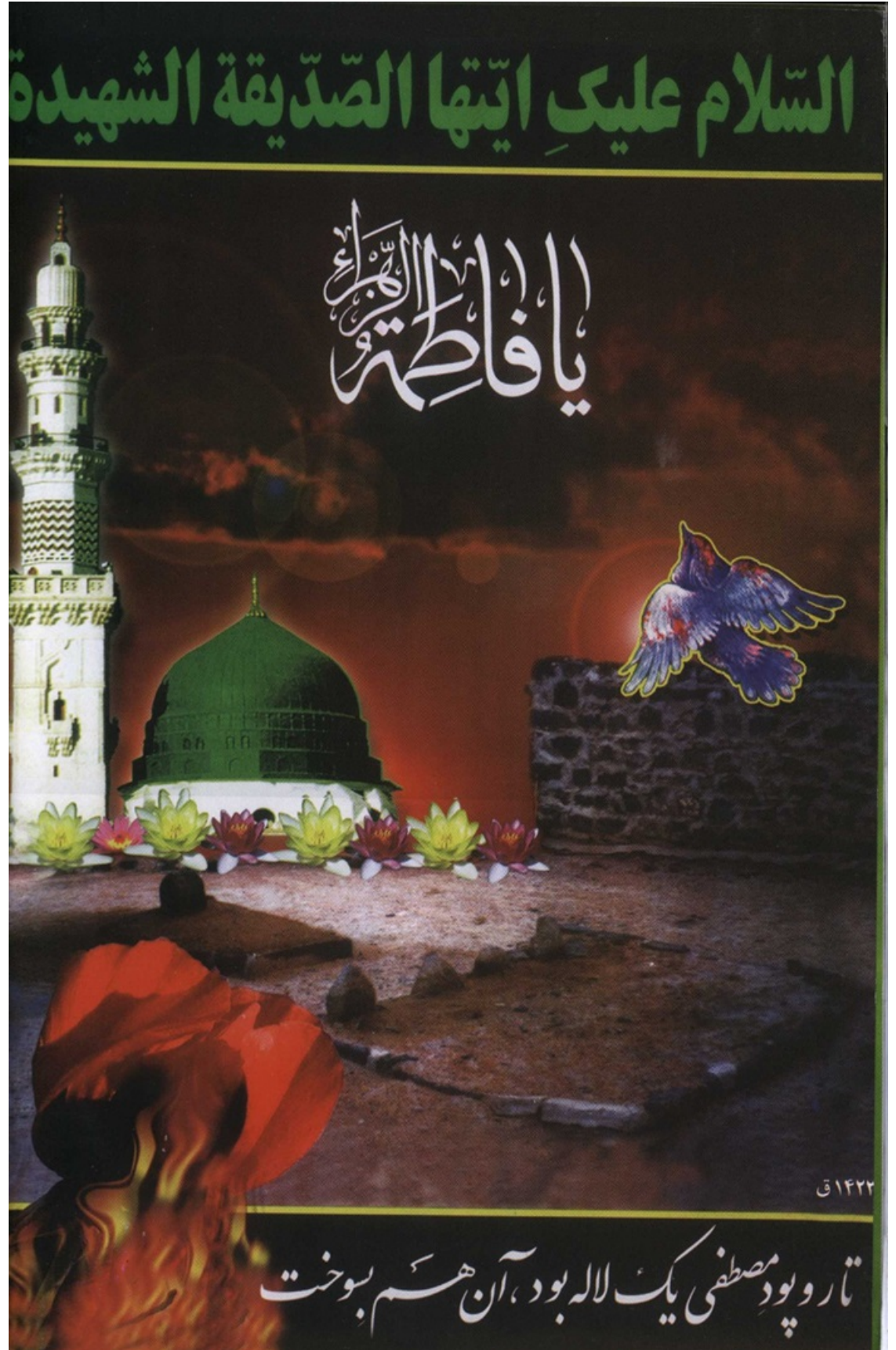
الباكية على مصائب المولدة الشديدة

بیاد خانہ پارچشم من بگذار، مادر جان
مرا نشنود کن با آن تبسم خای شیرینیت
کنار تربت نبشته ام بیدار، مادر جان
تو ذکر خواب سیکشتی برایم در عرض من هم

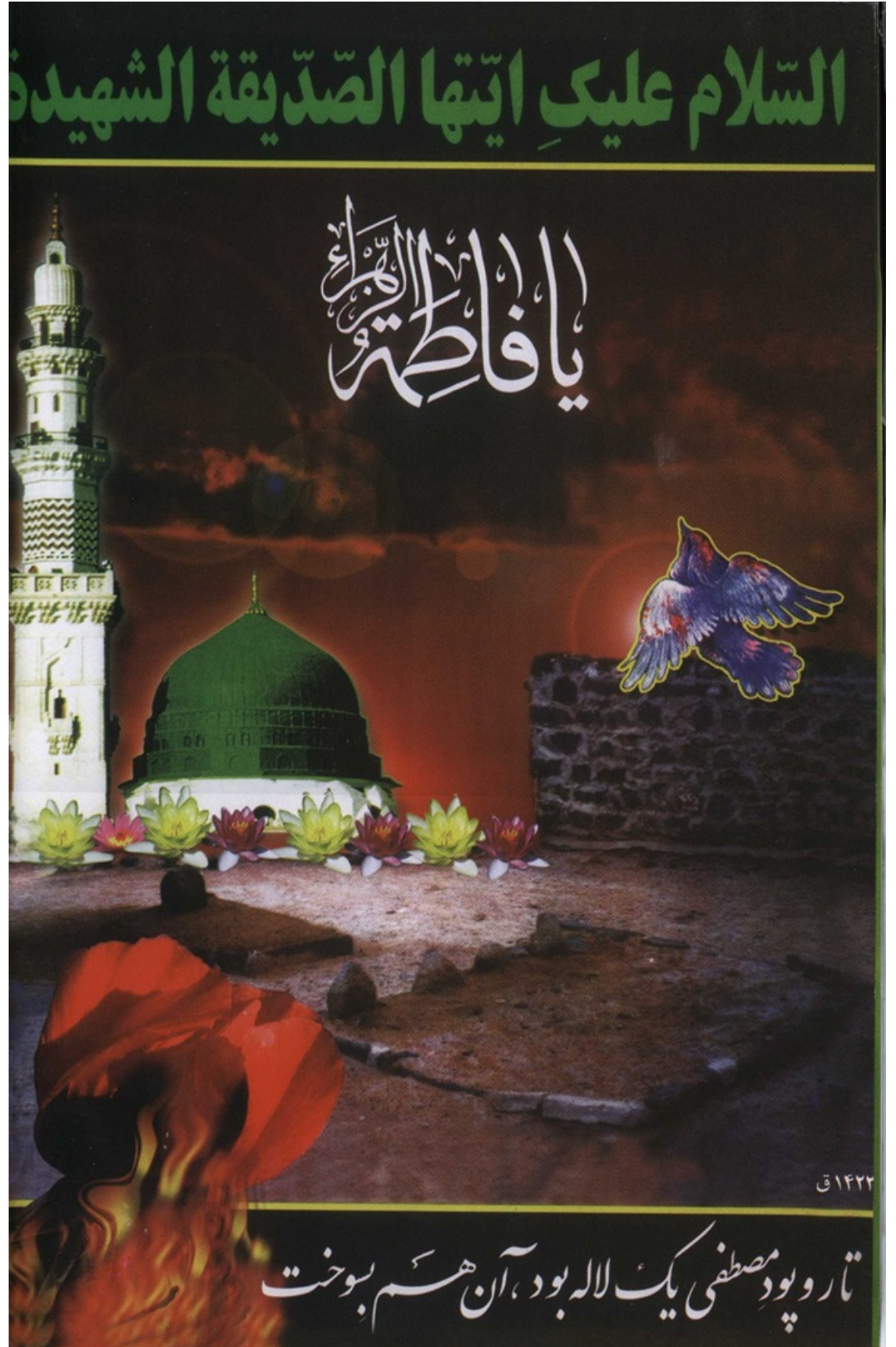
بیرخواست قربانت شو، انامین از مرگش
تو قربانی شدی بین در دو بار، مادر جان
تو که در روز جان اادی بر اشب فتن کردیدی
بگو آخر چه هستی بود در این کار، مادر جان

۱۴۲۲ ق

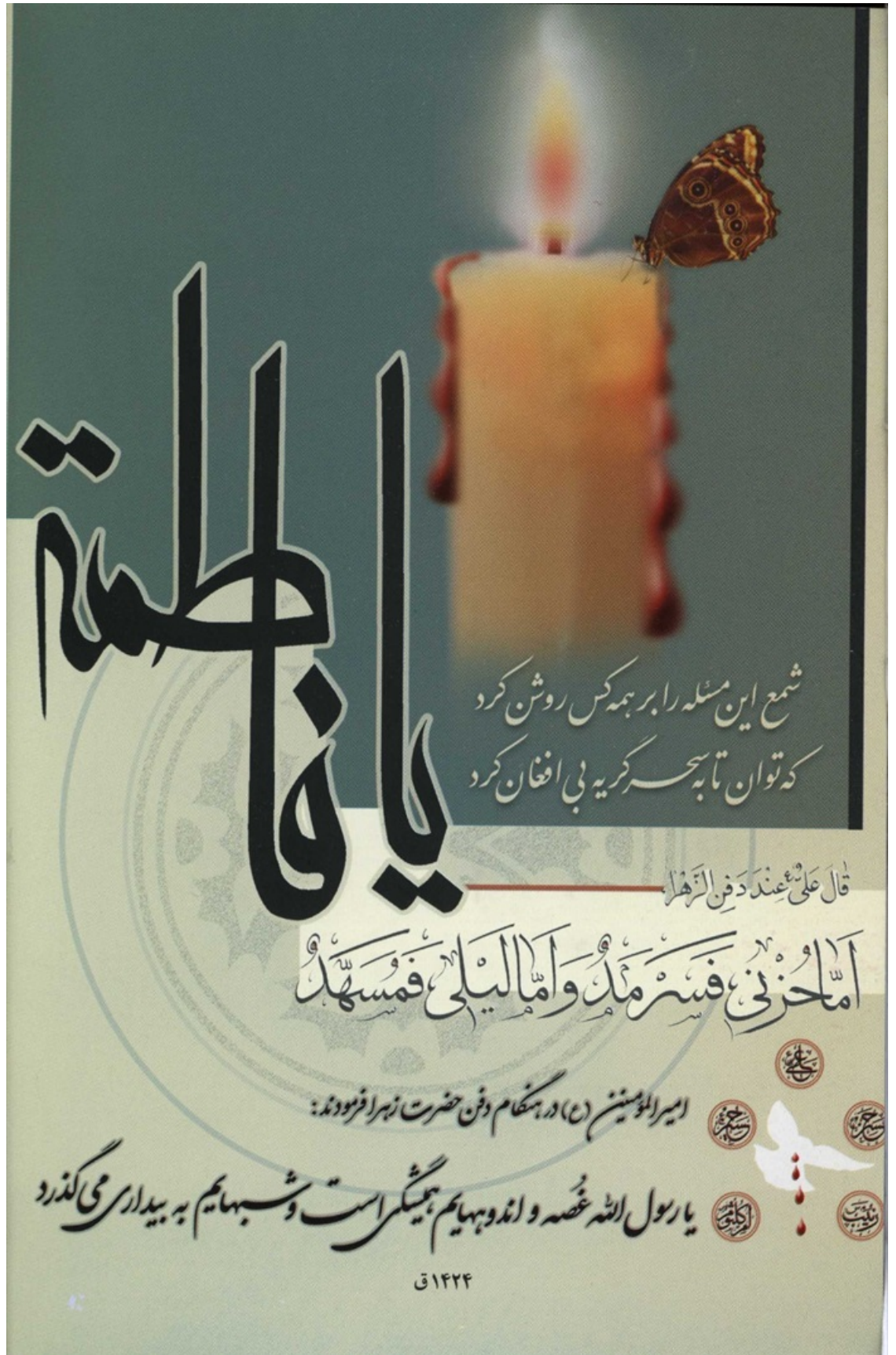












یا قاضی

شمع این مسئله را بر همه کس روشن کرد
که توان تا به سحر کریمه بی افغان کرد

قال علی عند دفن الزهراء

أما حزني، فبسرمدك و أما ليلي، فمسهك

امیرالمؤمنین (ع) در هنگام دفن حضرت زهرا فرمودند:

یا رسول الله غصه و اندوه ما همیشگی است و شبها هم به بیدار می گذرد

۱۴۲۴ ق

السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ هَيْدَرَةَ

Peace Be Upon
Fatimah
Martyr!

It Would not be
Surprising
If heavens shed
Tears for
Fatimah

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ابْنِي لِدُنِّي... كَأَنِّي بِنَاظِرِ بَيْتِي وَقَدْ ظَلَمْتُ بَعْدِي

I shed tears for my progeny! . . . It seems that fatimah my daughter will be oppressed after me

١٤٢٣ ق



آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی مدظله با پای برهنه روی اسفالتهای
 داغ شهر قم با همراهی جمع کثیری از علماء و طلاب و مردم عزادار در سالروز
شهادت حضرت زهرا (س) به سوی حرم مطهر حضرت معصومه (س) رهسپار می باشند



آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی مدظله با پای برهنه روی اسفالتهای داغ شهر قم با همراهی جمع کثیری از علماء و طلاب و مردم عزادار در سالروز شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به سوی حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار می باشند.



آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقا تبریزی مدظله با پای برهنه روی اسفالت‌های داغ شهر قم با همراهی جمع کثیری از علماء و طلاب و مردم عزادار در سالروز شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به سوی حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار می باشند.

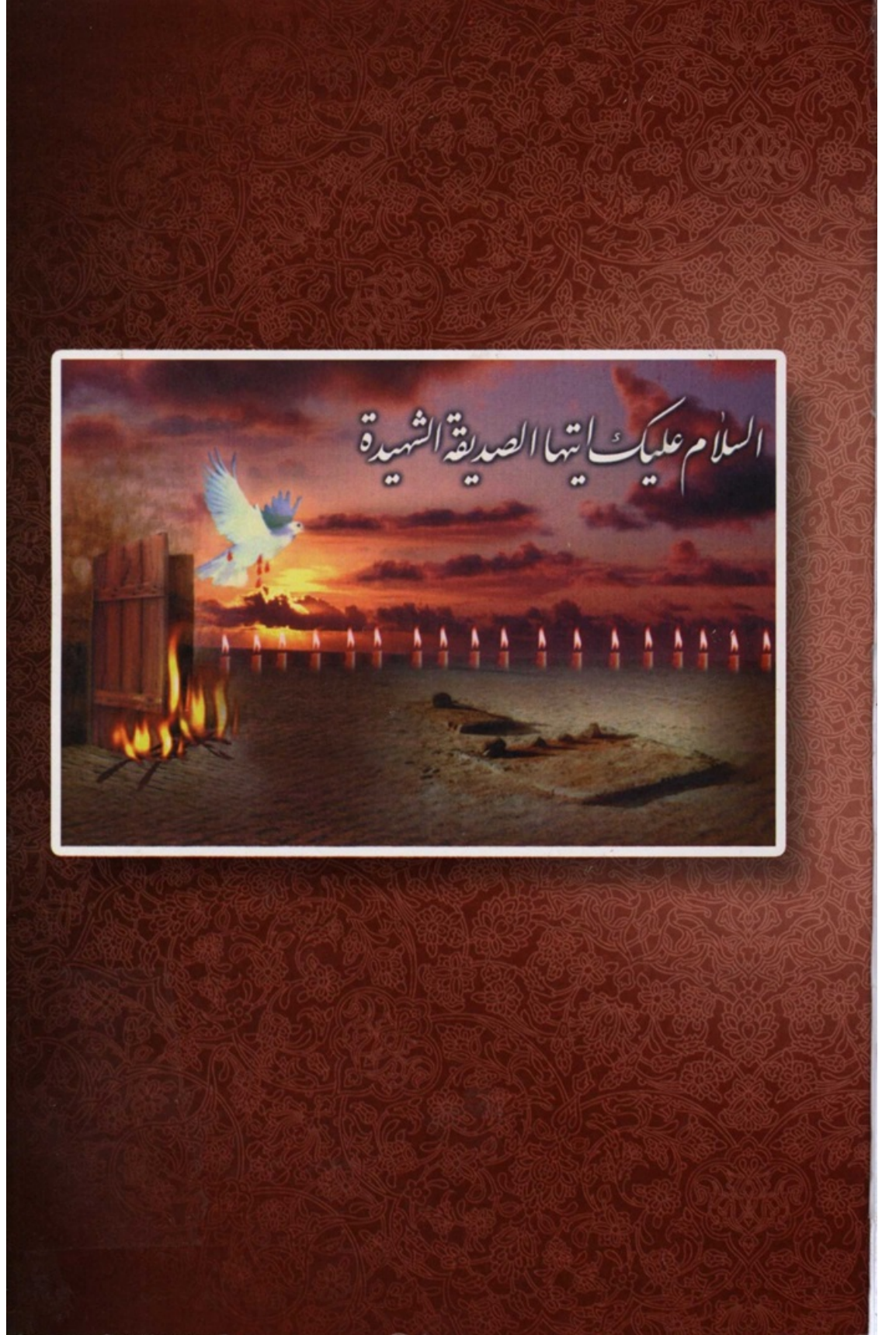


گوشه‌هایی از دسته عزاداری علماء و فضلاء

و مردم عزادار مشهد در سالروز

شهادت حضرت زهرا (س)

به سوی حرم مطهر حضرت رضا (ع)



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

